

به نام خداوند جان و خرد

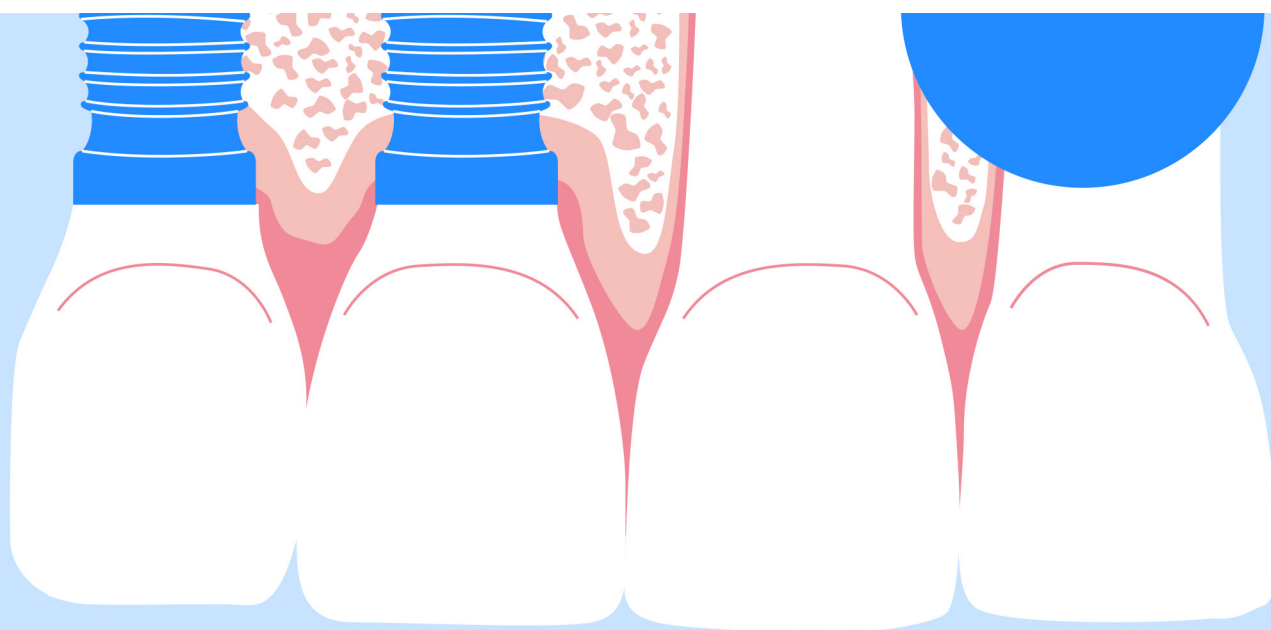


انتشارات آبتین نگار

واژه‌نامه ایمپلنت‌های دندانی

ترجمه:

دکتر کاوه سیدان - دکتر ندا امین‌زاده



نشر آبتین‌نگار

۱۳۹۶



انتشارات آبتین نگار

واژه نامه ایمپلنت های دندانی ■ مترجمان: دکتر کاوه سیدان،
دکتر ندا امین زاده ■ نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۶ ■ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
صفحه آرایی و گرافیک: علیرضا علی نژاد ■ حروف نگاری: آبتین نگار

قیمت: ۵۰.۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

7	واژه‌نامه ایمپلنت‌های دندانی
161	تصاویر و جداول
189	نمایه

3-D printing

رجوع شود به: چاپ سه بعدی، پرینت سه بعدی (تصویر)

3-D rendering

فرآیند تبدیل اطلاعات دیجیتالی به عنوان مثال از اسکن CBCT با استفاده از تصاویر گرافیکی سه بعدی به عکس‌های واقعی به نحوی که قابل مشاهده و ویرایش در کامپیوتر باشند.

3-D scanner

وسیله‌ای که تمامی اطلاعات مربوط به شکل، رنگ و بافت یک جسم را آنالیز کرده، به فرمت دیجیتالی تبدیل می‌کند. اطلاعات اسکنر توسط پرینترهای سه بعدی و دستگاه‌های CAD-CAM قابل استفاده است.

3-D volume

رجوع شود به: Computed axial tomography (CAT), Three-dimensional volume rendering Cone-beam computed tomography (CBCT)

این ویژگی توسط برنامه‌های نرم‌افزاری ویژه کامپیوتری قابل ارزیابی و ویرایش است.
رجوع شود به: 3-D rendering, Voxel

3-D volumetric reconstruction

رجوع شود به: Three-dimensional volumetric reconstruction, Cone-beam computed tomography (CBCT), Computed axial tomography (CAT)

این ویژگی توسط برنامه‌های نرم‌افزاری ویژه کامپیوتری قابل ارزیابی و ویرایش است.
رجوع شود به: 3-D volume, 3-D rendering, Voxel



Absorbable

رجوع شود به: Bioabsorbable

Abutment

قسمتی از ایمپلنت دندان که بخش پروتزی را حمایت می‌کند. اباتمنت ممکن است شامل یک یا چند قسمت باشد.

رجوع شود به:

Anatomic healing abutment, Angulated abutment, Healing Abutment, Custom Abutment, Castable Abutment, Nonangulated Abutment, Multi-unit Abutment, Preable abutment, Prefabricated abutment, Transmucosal abutment, Temporary abutment, University of California at Los Angeles Abutment (UCLA abutment), Zirconia abutment

Abutment analog

کپی اباتمنت که در داخل قالب گچی گذاشته می‌شود تا بخش پروتزی ایمپلنت طراحی و ساخته شود.

رجوع شود به:

Implant analog, Analog/analogue

Abutment clamp

فورسپس مخصوص جایگذاری و نشانیدن اباتمنت بر روی پلت فرم ایمپلنت دندان.

Abutment connection

۱. عمل بستن یک اباتمنت بر روی یک ایمپلنت دندان.

۲. درهم قفل شدگی و هندسه سطحی بین ایمپلنت و اباتمنت.

رجوع شود به:

External Connection, External hexagon, Morse taper connection, Internal hexagon, Internal connection

Abutment driver

وسیله یا دستگاهی جهت انتقال و سفت کردن اباتمنت بر روی ایمپلنت دندان.

Abutment holder

وسیله‌ای جهت نگه داشتن اباتمنت برای تراش و پالیش خارج دهانی.

Abutment imperssion coping

رجوع شود به: Impression coping

Abutment-implant interface

سطح تماس بخش تاجی بین اباتمنت ایمپلنت و بدنه ایمپلنت.

Abutment-level impression

قالب‌گیری از ایمپلنت یا به روش مستقیم با استفاده از تکنیک‌های قالب‌گیری متداول، یا به روش غیر مستقیم با استفاده از ایمپرشن کوپینگ ایمپلنت.

رجوع شود به: Implant-level impression

Abutment mount

وسیله پیش ساخته جهت انتقال اباتمنت بر روی ایمپلنت در داخل دهان که معمولاً در بسته‌بندی همراه با اباتمنت عرضه می‌شود.

Abutment rotation

میزان چرخش یک اباتمنت بر روی ایمپلنت که می‌تواند منجر به عدم تطابق پروتز شود. نشان داده شده که گپ‌های مارچینال بین اباتمنت و روکش با rotational freedom افزایش می‌یابد.

Abutment screw

یک پیچ مضرس جهت اتصال یک اباتمنت به یک ایمپلنت دندانی. از این وسیله، جهت تعیین میزان گشتاور نهایی وضعیت اباتمنت ایمپلنت استفاده می‌شود.

Abutment selection

مرحله‌ای در درمان پروتزی جهت تعیین نوع اباتمنت براساس زاویه ایمپلنت، فضای بین فکی، بافت نرم (مخاطی)، ارتفاع، عوامل اکلوزالی (نظیر دندان‌های مقابل، پارافانکشن)، ملاحظات زیبایی و تکلم.

Abutment swapping

رجوع شود به: Platform switching

Abutment transfer device

رجوع شود به: Orientation jig

Access hole

سوراخی در پروتز ایمپلنت پیچ شونده (screw-retained) جهت دسترسی به پیچ اباتمنت یا روکش که معمولاً در سطح اکلوزال یا لینگوال روکش قرار دارد.

Accessory ostium

باز شدن اتفاقی سینوس ماگزایلا یا به داخل infundibulum یا مستقیماً در دیواره مئآتوس میانی. رجوع شود به:

Ostium (maxillary sinus)

Acellular

فقدان سلول‌ها؛ بی‌سلولی

Acellular dermal allograft

پیوند پوستی آلوژنیک گرفته شده از بدن انسان، حاوی یک لایه نازک درم فاقد سلول.

Acellular dermal matrix graft (ADM)

Acellular dermal allograft رجوع شود به:

Acetaminophen

استامینوفن، اسید استیک آمیدی و پی آمینوفنل، یک داروی مسکن غیر مخدر و تبزدا که به صورت خوراکی یا مقعدی تجویز می‌شود.

Acid-etched surface

پردازش (ایجاد تخلخل) در یک سطح با اسید جهت افزایش انرژی سطحی. در ایمپلنت دندان‌های ایجاد تغییر در سطح به منظور افزایش سطح تماس استخوان - ایمپلنت و بالا بردن میزان استواینتگرشن است. مراجعه شود به:

Subtractive surface treatment

Activating tool

وسایله‌ای جهت افزایش یا کاهش گیریک انچمنت.

Attachment رجوع شود به:

Actual implant length/diameter

اندازه‌گیری طول و قطر یک ایمپلنت دندان‌ها. رجوع شود به:

Nominal implant length/diameter

Added surface

Additive surface treatment رجوع شود به:

Additive fabrication

رجوع شود به:

Solid freeform fabrication (SFF)

Additive manufacturing (AM)

تعریفی که توسط انجمن آزمایش و ارزیابی مواد در آمریکا ASTM

(American Society for Testing and Materials)

ارائه شده: «فرایند الحاق مواد جهت تولید کالا با استفاده از برنامه‌های نرم‌افزاری STL و سه بعدی با افزودن لایه به لایه مواد».

نقطه مقابل این تکنولوژی الگوهای ساخت کاهشی (subtractive) قرار دارد، نظیر: ساخت سنتی کالاها.

واژه AM تکنولوژی‌های بسیاری را شامل می‌شود، از جمله زیرمجموعه‌هایی نظیر:

چاپگرهای سه بعدی، تولید سریع نمونه‌های اولیه (RP)، ساخت دیجیتالی مستقیم (ODM)، ساخت به روش لایه‌گذاری و ساخت افزایشی.

مراجعه شود به:

3-D printing, Rapid prototyping

Additive manufacturing file (AMF)

اطلاعات ارائه شده توسط انجمن آزمایش و ارزیابی مواد در آمریکا (ASTM) جهت ساخت افزایشی کالا.

این فایل شکل و مواد تشکیل‌دهنده هر جسم سه بعدی را که باید توسط چاپگر سه بعدی ساخته شود توصیف می‌کند. برخلاف فرمت قدیمی STL، فرمت AMF اطلاعات اولیه را در زمینه مواردی نظیر: رنگ، مواد، قوام، شبکه‌ها و صور فلکی ارائه می‌دهد.

Additive surface treatment

مترادف: Added surface تغییر در سطح ایمپلنت دندان‌ها با افزودن مواد.

Aesthetic buccal flap (ABF)

رجوع شود به:

Esthetic buccal flap (EBF)

دمیزالیزه دهیدراته حلال. آلوگرافت‌های استخوانی توسط بانک‌های بافتی پردازش و تهیه می‌شوند.

رجوع شود به: Homograft

Ailing implant

واژه کلی در مورد یک ایمپلنت مبتلا به بیماری موکوزیست در اطراف ایمپلنت، بدون تحلیل استخوان.

از دید بعضی از نویسندگان یک ایمپلنت بیمار، ایمپلنتی است با سابقه تحلیل استخوان که پیشروی نکرده است.

پیشنهاد:

Peri-implantitis, Peri-implant mucositis

Alendronate sodium

داروی خوراکی بیس فسفونات حاوی نیتروژن جهت درمان استئوپروز.

این دارو به عنوان یک مهارکننده فعالیت استئوکلاستیک در تحلیل استخوان عمل می‌کند.

رجوع شود به:

Bisphosphonate (BP)

Allogenic graft

رجوع شود به: Allograft

Allograft

مترادف: Allogenic graft

بافت پیوندی گرفته شده از اعضای ناهمسان یک گونه در چهار نوع عرضه شده: منجمد، آلوگرافت استخوانی خشک شده منجمد (FDDB)، آلوگرافت استخوانی دمیزالیزه خشک شده منجمد (DFDB) و آلوگرافت

«All-On-4»

تکنیک All-on-4 که توسط برند Nobel Biocare ارائه شده بر این مفهوم استوار است که جهت بازسازی کامل دندانی در بیماران بی‌دندان یا بیماران مبتلا به پوسیدگی‌های وسیع دندانی یا پریودنتیت ژنرالیزه چهار ایمپلنت در هر فک جایگذاری می‌شود، به نحوی که دیستالی‌ترین (انتهایی‌ترین) ایمپلنت جهت ساپورت پروتز ثابت در وضعیت زاویه‌دار قرار دارد. در این تکنیک معمولاً پروتز ثابت در همان روز جراحی آماده تحویل است. (تصویر)

Alloplast

مترادف: Alloplastic graft

ماده سنتتیک و غیر ارگانیکی که به عنوان ترکیب استخوانی یا ایمپلنت به کار می‌رود. (رجوع شود به: Implant).

Alloplastic graft

رجوع شود به: Alloplast

Aluminum oxide

یک اکسید فلزی که به یکی از دو صورت زیر است:

۱. تک کریستال آلفا: یک ماده سرامیکی غیر یونی (inert)، محکم و با زیست سازگاری

بسیار بالا که در ساخت بعضی از ایمپلنت‌های دندانی به کار می‌رود.
۲. پلی کریستال: جزء اصلی پرسن‌های دندانی جهت افزایش ویسکوزیستی و استحکام.

Alveolar

مربوط به استخوان آلوئول.
رجوع شود به: Alveolus

Alveolar augmentation

رجوع شود به: Augmentation

Alveolar bone

بخشی از استخوان ماگزایلا یا مندیبل که قسمت دندانی یا ریج استخوانی را شامل می‌شود.
رجوع شود به: Bone

Alveolar bone proper

استخوان پوشاننده استخوان آلوئول. این ناحیه به دلایل زیر صفحه مشبک (cribriform plate) نیز نامیده می‌شود: وجود کانال‌های مشبک (سوراخ‌دار) متعدد (Volkmanns canals)، لامینادورا به دلیل نمای رادیوگرافیک، اندوستئوم فیروز به دلیل الیاف لیگامان پرپودنتال، bundle bone به دلیل تعداد بسیار زیاد الیاف شارپی (Sharpey).
رجوع شود به: Lingual plate, Buccal plate

Alveolar crest

تاجی‌ترین (فوقانی‌ترین) بخش استخوان آلوئول.

Alveolar defect

نقصی در کانتور ریج استخوان آلوئول، یا در بعد ورتیکال (اپیکو کرونالی) و یا در بعد افقی (با کولینگوالی، مزیوریستالی).

Alveolar distraction osteogenesis

رجوع شود به: Distraction osteogenesis (DO)

Alveolar mucosa

مترادف: Lining mucosa
مخاط پوشاننده استخوان آلوئولار از اپیکال یا موکوژنژیوال جانکشن. این لایه شامل یک بافت اپیتلیوم غیر کراتینه‌پوشاننده بافت همبند است که به پریوستئوم اتصال شلی دارد و متحرک است.

Alveolar nerve

رجوع شود به: Anterior superior alveolar nerve, Inferior alveolar nerve (IAN), Middle superior alveolar nerve, Posterior superior alveolar nerve

Alveolar preservation

رجوع شود به: Ridge preservation

Alveolar process

بخش متراکم و اسفنجی استخوان دربرگیرنده دندان.
رجوع شود به: Ridge, Residual ridge, Alveolar ridge

Alveolar recess

حفره‌ای که در کف سینوس ماگزایلا توسط یک تیغه (septum) ایجاد می‌شود.
رجوع شود به: Maxillary sinus septum

Alveolar ridge

ریج استخوانی ماگزایلا یا مندیبل که در بر گیرنده استخوان آلوئول است.
رجوع شود به:
Ridge, Residual ridge, Alveolus

Alveolar ridge augmentation

رجوع شود به: Augmentation

Alveolar ridge defect

رجوع شود به:
Ridge defect, Alveolar defect

Alveolar ridge resorption

رجوع شود به: Ridge resorption

Alveolar septum

رجوع شود به:
Interalveolar septum

Alveolectomy

برداشتن بخشی از استخوان آلوئولار جهت ایجاد کانتور استخوانی مناسب.
رجوع شود به: Osteotomy

Alveoloplasty

رجوع شود به: Osteoplasty

Alveolus

مترادف: Socket
حفره استخوانی که در آن دندان از طریق لیگامان پریودنتال متصل می‌شود.
حفره استخوانی دربرگیرنده دندان از طریق لیگامان پریودنتال.

Amoxicillin

آنتی‌بیوتیک وسیع‌الطیف، مشتق نیمه سنتتیک آمپی‌سیلین، با جذب بالا و فراهم زیستی (bioavailability) ۷۰ تا ۸۰ درصد و سمیت بسیار پایین.
این دارو علیه باکتری‌های گرم مثبت و گرم منفی مؤثر است و می‌توان به صورت ترکیبی همراه با اسید کلاوولانیک جهت واکنش و تخریب بتالاکتاماز پنی‌سیلین در باکتری‌های مقاوم تجویز کرد. این دارو اولین انتخاب در آنتی‌بیوتیک پروفیلاکسی است.
رجوع شود به: Clavulanic acid

Analgesia

فقدان درد یا بی‌دردی در پاسخ به تحریکی که معمولاً دردناک است.

Analgesic

داروی تسکین‌دهنده درد که به طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شود:
مخدرها (مواد مخدیری) و غیر مخدرها (غیر مخدیری).

Analog/analogue

مترادف: Replica
کپی ایمپلنت، اباتمنت یا اتچمنت که معمولاً

در قالب گچی جهت بازسازی بخش پروتزی (ثابت / متحرک) به کار می‌رود.

Analysis of variance (ANOVA)

آزمایش ارزیابی کننده تفاوت‌های آماری معنادار که از میانگین‌های به‌دست آمده بین دو یا چند نمونه تصادفی از جمعیت مشخص حاصل می‌شود.

Anatomic healing abutment

بخش حفاظت کننده پلت‌فرم پروتز ایمپلنت دندان، دارای طراحی سه بعدی به منظور شکل‌دهی بافت نرم اطراف ایمپلنت و ایجاد یک emergence profile مطلوب.
رجوع شود به: Healing abutment

Anchor pin

وسيله‌ای که راهنمای جراحی یا استریولیتوگرافی (چاپگر سه بعدی) را ثابت و محکم نگه می‌دارد. این پین از طریق یک میله توخالی در راهنمای جراحی بر روی بستر استخوانی قرار می‌گیرد.
رجوع شود به:

Fixation pin, Fixation screw, Stabilization pin

Anesthesia

نبود تمامی حس‌ها؛ بی‌حسی کامل.
رجوع شود به:

Hyperesthesia, Dysesthesia, Paresthesia, Hypoesthesia

Angiogenesis

تشکیل عروق خونی جدید.

رجوع شود به: Vascularization

Angiogenic

فرآیندی که تشکیل عروق خونی را افزایش می‌دهد یا باعث افزایش در واسکولاریزاسیون می‌شود.

Angled abutment

رجوع شود به: Angulated abutment

Angulated abutment

مترادف: Angled abutment

اباتمنی که بدنه‌اش موازی با محور طولی ایمپلنت نیست. این اباتمنت زمانی به کار می‌رود که ایمپلنت در زاویه‌ای متفاوت نسبت به پروتز مورد نظر در استخوان جایگذاری شده است. نمونه اباتمنت‌های زاویه‌دار بر حسب دستورالعمل کارخانه سازنده بین ۱۵، ۱۷، ۲۵ و ۳۰ درجه متفاوت است.
رجوع شود به:

Multi-unit abutment, Nonangulated abutment

Anisotropic surface

سطحی با الگوی جهت‌دار (directional pattern).

رجوع شود به: Isotropic surface

Ankylosis

انکیلوز دندانی با جوش خوردن ریشه دندانی به استخوان توصیف می‌شود. این حالت مانع رشد دندانی و حرکات ارتودنتیک می‌شود. لیگامان پریدنتال با «بریج استخوانی» (bony bridge)

Anorganic bovine bone matrix (ABBM)

ترکیب استخوانی زینوژن (حیوانی) مشتق شده از مواد معدنی استخوان گاوی که در جراحی‌های پیوند استخوان داخل دهانی به کار می‌رود. طی فرآیندهای فیزیکی و شیمیایی، ذرات استئوکاندکتیو استریل پروتئین زدا شده به صورت یک ساختار کریستالیزه متخلخل و با ترکیب شیمیایی مشابه استخوان طبیعی تولید می‌شود.

Anterior loop

امتداد عصب آلوئولار تحتانی که جلوتر از سوراخ منتال و قبل از کانال مندیبل از سوراخ منتال (چانه‌ای) خارج می‌شود.

Anterior nasal spine

برجستگی مثلثی نوک تیز در قدامی‌ترین مرز اینترماگزیلاری. از این ناحیه می‌توان به عنوان یک منبع استخوان اتوژن در جراحی‌های پیوند استخوان داخل دهانی استفاده کرد.

Anterior superior alveolar nerve

شاخه عصب اینفرا ارییتال که از کانال اینفرا ارییتال خارج می‌شود. این عصب به صورت جانبی از دیواره سینوس می‌گذرد، سپس در جهت مدیالی می‌چرخد و از سوراخ اینفرا ارییتال خارج می‌شود. این شاخه عصب‌دهی دندان‌های قدامی ماگزایلا را تأمین می‌کند.

Anteroposterior spread (AP spread)

فاصله‌ای که از مرکز قدامی‌ترین ایمپلنت تا خط اتصال‌دهنده دیستال انتهایی‌ترین

محو می‌شود و ریشه دندان به استخوان آلوئول جوش می‌خورد.

Anodization

فرآیند غیر فعال سازی الکترولیتی جهت افزایش ضخامت لایه اکسید طبیعی بر روی سطح متال (نظیر تیتانیوم). در این فرآیند می‌توان از رنگ جهت رنگ‌آمیزی و سهولت مشاهده میزان اکسید شدن سطح ایمپلنت استفاده کرد. رجوع شود به: Anodized surface

Anodized surface

پردازش سطح یک فلز که با استفاده از اختلاف ولتاژ جریان الکتریکی بر روی یک نمونه (نظیر تیتانیوم) و غوطه‌ور در الکترولیت‌هایی (نظیر فسفر، کلسیم، سولفور یا منیزیم) جهت افزایش لایه اکسید فلزی ایجاد می‌شود. رجوع شود به: Anodization

Anodontia

بی‌دندانی مادرزادی؛ نبود مادرزادی دندان‌ها.

Anorganic bone matrix (ABM)

ترکیب استخوانی آلوژن یا زینوژن مشتق شده از بخش معدنی استخوان که در جراحی‌های پیوند استخوان داخل دهانی به کار می‌رود. طی فرآیندهای فیزیکی و شیمیایی، ذرات استئوکاندکتیو استریل پروتئین زدا شده به صورت یک ساختار کریستالیزه متخلخل و با ترکیب شیمیایی مشابه استخوان طبیعی تولید می‌شود.

(دیستالی ترین) ایمپلنت تخمین زده می شود. این اندازه گیری راهنمایی است جهت تعیین طول کانتی لیور مناسب بین بی دندانهای آزاد دوطرفه در پروتزهای متکی ایمپلنت.

Antibiotic

یک داروی طبیعی، نیمه سنتتیک یا سنتتیک آنتی میکروبیال جهت پیشگیری یا درمان عفونت های ایجاد شده توسط باکتری ها و سایر میکروارگانیسم ها.
رجوع شود به: Antibiotic prophylaxis

Antibiotic prophylaxis

تجویز آنتی بیوتیک قبل از جراحی (نظیر گرفت سینوس) به منظور پیشگیری یا کاهش شیوع عفونت های پس از جراحی. در بعضی درمان های دندانپزشکی یک پروتکل استاندارد برای بیماران مبتلا به خطر اندوکاردیت توصیه شده است.
رجوع شود به: Antibiotic

Anti-inflammatory

خصوصیت یا ویژگی یک ماده در درمان یا کاهش التهاب.
رجوع شود به:
Corticosteroid, Nonsteroidal anti-inflammatory drug (NSAID)

Antirotaion

خصوصیت یا ویژگی که از چرخش دو جزء الحاقی جلوگیری می کند.

Antral floor

رجوع شود به: Maxillary sinus floor

Antral mucosa

رجوع شود به: Schneiderian membrane

Antral polyp

فضای ادماتوز با نمای مالتی لاکونار (چند حجره ای)، پایه دار و نامنظم که معمولاً با سینوزیت بینی مرتبط است.

Antral septum

رجوع شود به: Septum

Antrolith

وجود توده کلسیفیه در سینوس ماگزایلا، به دلیل کپسوله شدن ناقص یا کامل جسم خارجی (نظیر ریشه باقی مانده آسپیره شده در سینوس ماگزایلا).

Antroscope

وسيله ای جهت معاینه و بررسی همراه با نور (illumination) سینوس ماگزایلا.

Antroscopy

معاینه حفره استخوانی (antrum) با استفاده از آنتروسکوپ.

Antrostomy

باز کردن یک حفره استخوانی (antrum) به روش جراحی جهت درناژ (تخلیه عفونت) یا گرفت (پیوند).
رجوع شود به: Sinus graft

Antrum

بر پایه واژه لاتین «antron» به معنی «غار (cave)»، یک حفره یا اتاقک در داخل استخوان.

رجوع شود به: Sinus

ریاضی و فرآیند تصویربرداری فیزیکی واقعی رخ می‌دهد. به همین دلیل دندانپزشکان باید از وجود آرتیفکت‌ها در CBCT و تداخل‌شان در تشخیص آگاه باشند.

رجوع شود به: Beam hardening, Scatter

Artificial gingival

ماده ترمیمی «صورتی» هم‌رنگ لثه جهت بازسازی (مشابهت سازی) بافت طبیعی. رجوع شود به:

Antrum of Highmore

رجوع شود به: Maxillary sinus

Apical (retrograde) peri-implantitis

اصطلاح عامیانه، واژه درست:

Implant periapical lesion

Composite (Dental)

Asepsis

پیشگیری از تماس با میکروارگانیسم‌ها.

Apically positioned flap

فلپی که در مسیر اپیکالی مشابه موقعیت قبل از جراحی بخیه می‌شود.

رجوع شود به: Coronally positioned flap

Asleep

رجوع شود به: Sleeper implant

Aspergillus

قارچ مسئول عفونت‌های قارچی سینوس ماگزیلا (آسپرژیلوزیس).

Articulator

آرتیکولاتور یک وسیله مکانیکی است که قالب‌های گچی مربوط به قوس‌های فکی ماگزیلا و مندیبل را جهت ثبت وضعیت مندیبل در رابطه با ماگزیلا ثبت می‌کند. از آرتیکولاتور جهت ساخت رستوریشن‌های پروتزی ثابت و متحرک استفاده می‌شود.

مراجعه شود به: Virtual articulator

Atraumatic extraction

خارج کردن دندان با حداقل آسیب یا صدمه به بافت‌های نرم و سخت اطراف.

Atrophic

مربوط به آتروفی.

Artifact

تعریف واژه‌ای است در تصویربرداری پزشکی / دندانپزشکی که به دلیل ارائه اطلاعات نادرست بافتی یا استخوانی در تصاویر CT/CBCT ناشی از اختلاف (discrepancy) بین الگوهای

Atrophy

کاهش در اندازه یک سلول، بافت یا اندام. رجوع شود به:

Ridge atrophy, Disuse atrophy

Attached gingiva

بخشی از لثه پوشاننده اطراف دندان‌ها از بیس سالکوس (کف شیار لثه) تا موکوزنژیوال جانکشن. این بخش از لثه توسط پریوستئوم به استخوان، توسط الیاف لثه‌ای به سمتموم و توسط اتصالات اپیتلیاتی به سمتموم، انامل و دنتین «متصل» می‌شود.

Attachment

یک وسیله مکانیکی جهت نگه داشتن، ثابت کردن و محکم کردن یک پروتز دندانی. اتچمنت می‌تواند شامل یک یا چند قسمت و از جنس تیتانیوم، طلا یا پلاستیک باشد.

Attachment activating tool

رجوع شود به: Activating tool

Attachment-retained

استفاده از وسیله مکانیکی جهت نگه داشتن بخش پروتزی بر روی اباتمنت و یا نگه داشتن بخش ترنس موکوزال ایمپلنت یکپارچه (one-part). رجوع شود به:

Attachment, Cement-retained, Friction-retained, Screw-retained

Attachment selection

یک مرحله در درمان پروتزی مبنی بر اینکه چه نوع اتچمنتی با توجه به زاویه ایمپلنت، فضای بین قوسی، ارتفاع بافت نرم (مخاطی) و میزان گیر مورد نیاز انتخاب شود.

Augmentation

هر درمان یا جراحی که به منظور تصحیح

نواقص بافت نرم یا سخت انجام شود.

رجوع شود به: Bone augmentation

Articular prosthesis

رجوع شود به: Ear prosthesis

Autogenous bone graft

استخوانی که از یک ناحیه استخوانی در یک شخص برداشته شده و در ناحیه دیگری در همان شخص جایگذاری می‌شود (ترانس پلانت).

Autogenous demineralized dentin matrix (ADDM)

عاجی که از دندان‌های بدون نیاز به درمان ریشه و پاک‌سازی شده از دبری‌ها، استخراج و ساییده شده، جهت آزادسازی فاکتور BMP به‌منظور القای تمایز در سلول‌های مزانشیمی تمایز نیافته به سلول‌های استئوژنیک دارای پتانسیل تشکیل استخوان به کار می‌رود. ADDM تولید شده توانایی ایجاد داربست و فضای کافی برای تشکیل استخوان جدید را دارد.

رجوع شود به: Bone Scaffold, Dentin grinder

Autogenous graft

مترادف: Autologus graft, Autograft

بافت برداشت شده از یک ناحیه در یک شخص و جایگذاری شده در یک ناحیه دیگر (ترانس پلانت) در همان شخص.

Autograft

رجوع شود به: Autogenous graft

Autologous graft

رجوع شود به: Autogenous graft

Available bone

بخشی از ریح بی‌دندانی که می‌تواند محل قرارگیری ایمپلنت دندانی باشد.

Avascular

کمبود عروق خونی.

Avascular necrosis

مرگ سلولی که در نتیجه نبود گردش خون کافی رخ می‌دهد.

Axial loading

به هر نیرویی که در مسیر محور طولی ایمپلنت دندانی وارد شود اطلاق می‌شود.

رجوع شود به: Nonaxial loading

Axial slice

قطعه نازکی از اطلاعات مربوط به اسکن توموگرافی محاسبه شده با کامپیوتر (معمولاً بین ۰/۱۲۵ تا ۲/۰ میلی‌متر ضخامت) که نسبت به محور طولی (CT scan) بیمار برش عرضی زده می‌شود. به صورت ایده‌آل برش باید موازی صفحه اکلوزال باشد.

رجوع شود به:

Panoramic reconstitution, Cross-sectional slice

Axonotmesis

صدمه به عصب به دلیل نبود (فقدان) پیوستگی

آکسون ولی در عین حال وجود غلاف میلین. در این حالت عملکرد اعصاب حسی و یا حرکتی دچار اختلال می‌شود. بهبودی ظرف یک تا سه ماه بعد ممکن است رخ دهد. این حالت ممکن است به دلیل چرخش دریل و ورود به کانال مندیبل، نفوذ سوزن بی‌حسی به تنه عصبی یا سایر درمان‌های مهاجمانه رخ دهد.

رجوع شود به: Neurotmesis, Neurapraxia

Azalide

نسل جدید مشتقات میکروئید با خواص پیشرفته فارماکوکینتیک، نفوذ بافتی بالا و فعالیت وسیع علیه باکتری‌های گرم مثبت و گرم منفی.

رجوع شود به: Azithromycin

Azithromycin

یک آنتی‌بیوتیک آزالید که سنتز پروتئین باکتری را مهار می‌کند و علیه طیف وسیعی از باکتری‌های گرم مثبت، گرم منفی و بی‌هوازی‌ها مؤثر است. این دارو در درمان عفونت‌های خفیف تا متوسط ناشی از ارگانیسم‌های حساس به کار می‌رود. این دارو به صورت خوراکی یا داخل وریدی تجویز می‌شود.

رجوع شود به: Azalide

B

Bacterial leakage

فواصلی (gap) که بین بدنه ایمپلنت و اباتمنت وجود دارد که تحت نیروهای جویدن می‌تواند منجر به نشت (لیکیج) میکروبی و کلونیزاسیون باکتری شود.

این نشت می‌تواند یکی از عوامل مساعدکننده در پری ایمپلنتایتیس باشد.

رجوع شود به:

Abutment connection, Peri-implantitis

Ball abutment

رجوع شود به: Ball attachment

Ball attachment

اتچمنت خارج تاجی جهت نگه داشتن آوردنچر که شامل یک اباتمنت کروی شکل و یک housing فلزی است.

رجوع شود به: Metal housing

Bar

مترادف: Connecting bar

اتصال دهنده‌ای بین دو یا چند ایمپلنت یا دندان.

بار جهت تأمین گیر، ثبات و یا ساپورت پروتز به کار می‌رود.

Barium sulfate (BaSo4)

پودر رادیوپاک بسیار ریز که به عنوان یک نشانگر (marker) در ساخت یک تمپلیت رادیوگرافی به کار می‌رود.

Bar overdenture (implant)

دنچر متحرک کامل یا پارسیل که می‌تواند به صورت متکی بر ایمپلنت یا متکی بر ایمپلنت - دندان باشد در این نوع بازسازی جهت ایجاد گیر و ثبات پروتز، ایمپلنت‌ها به وسیله بار و با به کارگیری اتچمنت‌ها به هم متصل می‌شوند.

Barrier membrane

مترادف: Occlusive membrane

وسیله‌ای که به محدود کردن ناحیه پیوند شده کمک می‌کند. این غشاء جهت پیشگیری از مهاجرت ماده پیوندی و یا جلوگیری از رویش درونی سلول‌های ناخواسته به داخل ناحیه پیوند شده طراحی شده است.

Barrier membrane exposure

رجوع شود به: Exposure

Basal bone

رجوع شود به: Bone

Basic multicellular unit (BMU)

واحد فانکشنال حاوی عناصر سلولی مسئول تشکیل و جذب استخوان (remodeling).

Basic structural unit (BSU)

یک واحد از بافت استخوانی تشکیل شده با یک واحد چند سلولی پایه (BMU). این واحد همچنین به تک آستئون اطلاق می‌شود.

Beam hardening

Beam hardening یکی از شاخص‌ترین آرتیفکت‌ها در تصویربرداری CBCT است. وقتی اجسام سخت نظیر ایمپلنت کارگذاری شده در استخوان تحت اشعه CBCT قرار می‌گیرد، نوع انرژی بازتابیده شده از جسم باعث می‌شود و کسل‌های مجاور سیاه‌شده، نمای رادیولوگست در استخوان مشاهده شود. رجوع شود به: Scatter, Voxel, Artifact

Bending stress

استرس ایجاد شده توسط یک بار (load) که باعث ایجاد خمش در جسم می‌شود. رجوع شود به: Stress, Compressive stress

Benign paroxysmal positional vertigo (BPPV)

دوره‌های کوتاه و عودکننده سرگیجه، هنگامی که سر به جلو و عقب و راست و چپ حرکت می‌کند. این حالت می‌تواند از عوارض پس از جراحی ایمپلنت متعاقب سینوس لیفت ماگزایلا با به کار بردن استئوتوم ایجاد شود.

Betamethasone

یک داروی گلوکوکورتیکوئید با نیمه عمر طولانی است که به صورت خوراکی، موضعی و استنشاقی تجویز می‌شود. رجوع شود به: Glucocorticoid

Beveled flap

برش بافت نرم با تیغه بیستوری در یک زاویه حاده نسبت به لثه یا بافت مخاطی.

Beveled incision

برشی که به صورت یک زاویه حاده نسبت به لثه یا بافت مخاطی ایجاد شود.

Bicortical stabilization

جایگذاری ایمپلنت با دربرگرفتن استخوان کورتیکال کرست ریج بی‌دندانی و استخوان کورتیکال بیس مندیبل یا کف سینوس ماگزایلا یا کف حفره بینی. در این حالت ممکن است کورتکس فاسیال یا لینگوال نیز درگیر شود.

Bilateral stabilization

رجوع شود به: Cross-arch stabilization

Bioabsorbable

مترادف: Absorbable

ویژگی یک ماده به تجزیه شدن یا انحلال در داخل بدن. محصولات تجزیه شونده طی روند طبیعی فیزیولوژیک و بیوشیمی جذب می‌شوند (نظیر بخیه‌ها و ممبران‌های قابل جذب).

Bioactive

اثر داشتن بر روی چیزی یا پاسخ دادن به محرکی.

Bioactive fixation

ثبات بین بافت‌های بیولوژیکی و سطح ایمپلنت دندانی در سطح نانو (ultra-structural level) با به کارگیری مکانیسم‌های اتچمنت شیمیایی و یا فیزیکی مستقیم.

Bioactive glass

ماده آلوسلاستیک قابل جذب حاوی ترکیبات اکسید فلزی: Na_2O ، SiO_2 و P_2O_5 . این ماده توانایی ایجاد پیوند شیمیایی با بافت‌های زنده را دارد. این خصوصیت به حفظ ماده پرکننده ضایعه و ایجاد داربستی جهت مهاجرت و رشد سلول‌ها کمک می‌کند.

Bioceramics

سرامیک‌هایی با طراحی و ساخت ویژه جهت ترمیم یا بازسازی اندام‌های آسیب‌دیده و معلول.

Biocompatible

زیست سازگاری یکی از ویژگی‌های ماده است که به معنای عدم بروز پاسخ منفی میزبانی (پاسخ ایمنی یا التهاب) نسبت به بعضی موارد خاص اطلاق می‌شود. زیست سازگاری بر مبنای آلرژی‌زایی، سرطان‌زایی، سمیت سلولی موضعی و پاسخ سیستمیک اندازه‌گیری می‌شود.

Biodegradable

خصوصیت یک ماده به تجزیه وقتی که در محیط بیولوژیکی قرار می‌گیرد.
رجوع شود به: Bioabsorbable

Bioinert

خصوصیت یک ماده در عدم بروز پاسخ میزبان.
رجوع شود به: Bioactive

Biointegration

اتصال بافت زنده به سطح ایمپلنت یا ماده

بایومترال، مستقل از هرگونه مکانیسم درهم قفل شونده مکانیکی.

این واژه اغلب برای اتصال ایمپلنت‌های دندان‌آغشته به هیدروکسی آپاتیت توصیف می‌شود.

رجوع شود به: Osseointegration

Biologic width

مجموع اپتلیال اتچمنت و ارتفاع اپیکرورنالی بافت همبند.

عرض بیولوژیک در اطراف دندان‌ها و ایمپلنت‌هایی که در حفره دهان اکسپوز شده‌اند وجود دارد.
(تصویر)

Biomaterial

ماده‌ای که جایگزین قسمتی از سیستم زنده می‌شود یا در تماس با یک سیستم زنده عمل می‌کند.

Biomechanical test

آزمایشی که خصوصیات فیزیکی هرگونه وسیله بیومکانیکی، تداخل بین بافت-وسيله (نظیر استخوان-ایمپلنت) یا خصوصیات خود بافت‌ها را اندازه‌گیری و ارزیابی می‌کند.

Biomechanics

علم مربوط به ارزیابی خصوصیات مکانیکی ساختارهای بیولوژیک و همچنین تداخل بین وسایل مکانیکی و بافت‌ها، اندام‌ها و ارگان‌های زنده.

Biomimetic

مطالعه ساختار و عملکرد سیستم‌های

بیولوژیک به عنوان الگوهای برای طراحی و مهندسی مواد و ماشین‌ها جهت کپی کردن و تقلید ساختار (آناتومی) و یا عملکرد (فیزیولوژی) بدن.

Bioresorbable

رجوع شود به: Resorbable

Biphasic calcium phosphate (BCP)

ترکیب استخوانی آلوپلاستیک، حاوی ۶۰٪ هیدروکسی آپاتیت و ۴۰٪ بتا-تری کلسیم فسفات که در جراحی‌های پیوند داخل دهانی به کار می‌رود. گرانول‌ها حاوی ۹۰٪ تخلخل یا منافذ به هم پیوسته ۱۰۰ تا ۵۰۰ میکرون هستند.

رجوع شود به:

Tricalcium phosphate (TCP), Clacium phosphate

Bisphosphonate (BP)

مترادف: Diphosphonate

گروهی از داروهایی که جهت درمان استئوپروز و بیماری پاجت (Pagets)، درمان بدخیمی هیپرکلسیمی یا ضایعات متاستاتیک استخوانی به کار می‌رود. مکانیسم عملکرد دارو به صورت توقف فعالیت استئوکلاست‌ها و در نتیجه کاهش تحلیل استخوان است.

این دارو به دو گروه طبقه‌بندی می‌شود: نوع نیتروژن دار و نوع غیر نیتروژنی که در زیرمجموعه‌های خوراکی یا داخل وریدی بسته به نحوه تجویز دارو) تجویز می‌شود.

رجوع شود به:

Bisphosphonate-related osteonecrosis of (the jow (BRONJ

Bisphosphonate-associated osteonecrosis (BON)

رجوع شود به:

Bisphosphonate-related osteonecrosis of (the jaw (BRONJ

Bisphosphonate-induced osteonecrosis of the jaw (BIONJ)

رجوع شود به:

Bisphosphonate-related osteonecrosis of (the jaw (BRONJ

Bisphosphonate-related osteonecrosis of the jaw (BRONJ)

عارضه‌ای که در موارد زیر بروز می‌کند: استخوان نکروتیک اکسپوز شده در ناحیه ماگزیلوفاسیال که طی هشت هفته پس از تشخیص و مراقبت ویژه بهبودی حاصل نشده. در بیماری که در حال حاضر یا قبلاً تحت درمان با بیس فسفونات بوده ولی تحت رادیوتراپی سر و گردن نبوده است. ریسک فاکتورها عبارتند از: مسیر تجویز (وریدی یا خوراکی)، مدت درمان و نوع بیس فسفونات (حاوی نیتروژن یا غیر نیتروژنی).

رجوع شود به: Bisphosphonate (BP)

Bite splint

رجوع شود به: Occlusal guard

Black space

رجوع شود به: Black triangle

Black triangle

مترادف: Black space

وضعیتی که یک نمای توخالی در فضای بین دندان از اپیکال تا کانتکت پوینت (تماس بین دندان) مشاهده می‌شود.

Blade implant

یک نوع ایمپلنت تیغه‌ای داخل استخوانی. (تصویر)

Blanching

سفید یا کم‌رنگ شدن، معمولاً با بافت نرم لثه یا بافت اطراف ایمپلنت (برای مثال: هنگام امتحان یا جایگذاری قطعات پروتز) مقایسه می‌شود.

Blasted implant surface

پردازش یک سطح به روش کاستن با سنبلاست کردن به منظور افزایش میزان سطح. رجوع شود به:

Subtractive surface treatment

(تصویر)

Block graft

پیوندی که حاوی یک قطعه منوکورتیکال استخوان اتوزن (نظیر چانه یا راموس)، یا یک قطعه پیوند جایگزین استخوان است که معمولاً در محل گیرنده (recipient site) با پیچ تثبیت می‌شود.

Bone

بافت همبند مینرالیزه که بخش اعظم اسکلت را تشکیل می‌دهد.

استخوان شامل (۶۷٪) بخش معدنی (مواد معدنی نظیر کلسیم فسفات) و (۳۳٪) بخش آلی (ماتریکس کلاژنی و سلول‌ها) است.

۱. استخوان آلوئول: بخش استخوانی مندیبل یا ماگزایلا که نگه‌دارنده ریشه دندان‌ها از طریق الیاف لیگامان پریودنتال است.

۲. استخوان بازال: استخوان مندیبل یا ماگزایلا بدون در نظر گرفتن استخوان آلوئول.

۳. استخوان باندل (Bundle): نوعی استخوان آلوئول که دلیل نام‌گذاری‌اش به دلیل امتداد الیاف (شارپی) لیگامان پریودنتال در داخل استخوان است.

۴. استخوان اسفنجی: (مترادف: Spongy bone, Medullary bone, Trabecular bone) استخوانی که تراکم‌هایش تشکیل شبکه‌های سه بعدی می‌دهد و مابین آن‌ها با مغز استخوان پر می‌شود.

۵. استخوان کورتیکال: (مترادف: Compact bone) بخش سخت و غیر اسفنجی و متراکم استخوان که عمدتاً از استئون‌های لاملار متحدالمرکز و لاملاهای بینایی تشکیل شده است.

۶. استخوان لاملار (lamellar): استخوان بالغ که متشکل است از لایه‌هایی (lamellar) که یا به صورت متحدالمرکز (استخوان متراکم) یا موازی (استخوان اسفنجی) قرار دارند.

۷. استخوان Woven: استخوان غیر تیغه‌ای (غیر لاملایی)، استخوان اولیه، استخوان بدوی، استخوان واکنشی. استخوان نابالغی که

Bone conduction

به صورت فعال در نواحی ترمیم یا در حال بازسازی مشاهده می‌شود.

رجوع شود به: Osteoconduction

Bone-anchored hearing aid (BAHA)

اباثمندی که به روش جراحی در داخل استخوان پس از عبور از شیپور استاش و گوش میانی در گوش داخلی کاشته (ایمپلنت) می‌شود تا صدا به صورت مستقیم انتقال یابد. در این روش یک پروتز تیتانیومی به روش جراحی در داخل جمجمه به همراه یک اباثمندی کوچک نمایان (اکسپوز) در سطح خارجی پوست کار گذاشته می‌شود.

Bone core

رجوع شود به: Bone biopsy

Bone curettage

برداشتن یا صاف کردن سطح استخوان به روش جراحی.

Bone defect

رجوع شود به: Ridge defect, Alveolar defect

Bone atrophy

کاهش در ابعاد استخوان به دلیل تحلیل.

Bone augmentation

قرار گرفتن گرافت اتوژن و یا گرافت جایگزین کننده استخوان یا هر جراحی که نواقص بافت سخت را تصحیح کند.

Bone biopsy

نمونه استخوانی برداشته شده از یک ناحیه جهت آنالیز.

Bone collector

رجوع شود به: Bone trap, Bone scraper

Bone condenser

رجوع شود به: Osteotome

Bone condensing

رجوع شود به: Osteotome technique

Bone “density”

۱. بالینی: ارزیابی دقیق کیفیت استخوان که نشان دهنده درصد استخوان کلسیفیه شده نسبت به مغز استخوان است که حین جراحی استئوتومی مشخص می‌شود.

در این روش استخوان از D1 (تراکم) تا D4 (متخلخل) طبقه‌بندی می‌شود.

طبقه‌بندی‌های دیگری نیز وجود دارد.

۲. بافت‌شناسی: «تراکم» استخوان براساس درصد تمامی بافت‌های استخوانی که استخوان مینرالیزه را تشکیل می‌دهند محاسبه می‌شود.

۳. رادیوگرافیک: تخمینی از میزان کلی بافت استخوانی (به عنوان ماده معدنی استخوان) در مسیر یک چند تابش اشعه X، که به عنوان واحدهای هانسفیلد (Hounsfield units) اندازه‌گیری می‌شود.

در نظرات علمی «تراکم» آن چیزی است که در اندازه‌گیری جذب اشعه

(absorptiometry) تعریف شده و به معنی چگالی در علم فیزیک نیست.

Bone derivative

ماده یا محصول استخراج شده از استخوان،
نظیر Bone morphogenic protein.

Bone expander

رجوع شود به: Osteotome

Bone expansion

رجوع شود به: Ridge expansion

Bone fill

نمای بالینی یا رادیولوژیک رستوریشن
یا ماده ترمیمی در یک ضایعه بافت
سخت.

Bone fusing

رجوع شود به: Osseointegration

Bone graft

مترادف: Osseous graft
استخوان اتوژن به کار برده شده در گرفت.

Bone grafting

یک مرحله جراحی جهت افزایش حجم
استخوان با استفاده از استخوان اتوژن
یا گرافت جایگزین استخوان، قبل یا
همزمان با جایگذاری ایمپلنت.
رجوع شود به:

Bone replacement graft, Bone graft, Bone
substitute

(تصویر)

Bone-implant interface

علامت‌گذاری بین سطح ماده (ایمپلنت) و
محیط بیولوژیکی (استخوان).

Bone induction

رجوع شود به: Osteoinduction

Bone loss (implant)

تحلیل فیزیولوژیک یا پاتولوژیک استخوان در
اطراف ایمپلنت دندان.
رجوع شود به:

Early crestal bone loss, Crestal bone
loss, Peri-implantitis, Implant periapical
lesion

Bone marrow

بافت غیر مینرالیزه موجود در داخل
استخوان که حاوی بافت‌های خون‌ساز
(هماتوپوئیک) و یا چربی است.

Bone “mass”

میزان بافت استخوانی که اغلب با اندازه‌گیری
جذب اشعه (absorptiometry) تخمین
زده می‌شود و ترجیحا به صورت حجم منهای
حفره مغز استخوان بررسی می‌شود.

Bone “mass” measurement

رجوع شود به: Bone mineral density (BMD)

Bone matrix

ماده بین سلولی استخوان حاوی فیبرهای
کلاژن در ماده زمینه‌ای غیر متبلور (آمورف) و
نمک‌های معدنی.

Bone mill

وسایله‌ای جهت تبدیل استخوان اتوژن برداشته شده به ذرات مناسب در جراحی‌های پیوند استخوانی.

Bone milling

فرآیندی که استخوان برداشته شده به ذرات بسیار ریزتر آسیاب می‌شود.

Bone mineral density (BMD)

مترادف: Bone “mass” measurement
محتوای معدنی در یک حجم مشخص استخوان که به عنوان مقیاسی در تعیین سلامت استخوان و تشخیص استئوپروز به کار می‌رود.

Bone modeling

رجوع شود به: Modeling (bone)

Bone morphogenic protein (BMP)

ابرگروه فاکتورهای رشدی (TGFB) می‌تواند باعث تحریک استئوژنیزس از طریق تمایز سلول‌های بنیادی مزانشیمی و القای تشکیل استخوان در بافت‌های غیر استخوانی شود. این حالت توسط استئوبلاست‌ها ایجاد می‌شود و در استخوان ذخیره می‌گردد. BMP-2, 4, 7 به عنوان فاکتورهای رشدی در فرآیند osteoinduction و تشکیل استخوان جدید شناخته شده‌اند.

Bone necrosis

رجوع شود به: Osteonecrosis

Bone quality

ارزیابی کیفی استخوان براساس میزان تراکم.

Bone reduction guide (Bone reduction template)

یک راهنمای جراحی براساس CT/CBCT که در میزان دقیق برداشت استخوان اضافی ماگزیمال یا مندیبل به منظور جایگذاری ایمپلنت دندانی و سهولت طراحی پروتز کمک می‌کند.

Bone remodeling

رجوع شود به: Remodeling (bone)

Bone remodeling rate (BRR)

تعویض بسته‌های بافت استخوانی - که واحدهای چند سلولی (مالتی سلولار) پایه‌ای یا BMUS نامیده می‌شود - در قسمتی یا تمام ساختار استخوانی بدون ایجاد تغییری در شکل.

Bone remodeling unit (BRU)

مجموعه استئوبلاست‌ها و استئوکلاست‌های شرکت‌کننده در بازسازی استخوانی (bone remodeling).

رجوع شود به: Remodeling (bone)

Bone replacement graft

هر ماده‌ای به جز استخوان اتوژن که به عنوان یک پیوند (گرافت) بافت سخت به کار برود تا تشکیل استخوان جدید را در نواحی که استخوان قدیمی وجود دارد موجب شود.

Bone resorption

نبود استخوان به دلیل فعالیت استئوکلاستیک.

Bone scaffold

ساختار سه بعدی ایجاد شده با استخوان یا ترکیب جایگزین استخوان که یک فضای حجمی را برای رشد سلولی حفظ می‌کند.
رجوع شود به: Scaffold

Bone scraper

رجوع شود به: Osteotome

Bone sounding

رجوع شود به: Ridge sounding

Bone spreader

رجوع شود به: Osteotome

Bone substitute

مواد طبیعی یا سنتتیک جهت گرافت (پیوند) استخوان.
این مواد شامل پلیمرهای جایگزین بافت سخت، مرجان طبیعی، هیدروکسی آپاتیت، تری کلسیم فسفات و سایر مواد بایومتریال هستند. این مواد ممکن است با بافت‌های اطراف ادغام شوند یا به تدریج با بافت‌های اصلی جایگزین شوند.

Bone tap

رجوع شود به: Tap

Bone-to-implant contact (BIC)

تماس مستقیم استخوان با سطح یک ایمپلنت

داخل استخوانی (endosseous) در سطح میکروسکوپی.

رجوع شود به:

Percentage bone-to-implant contact

Bone trap

وسیله‌ای که به یک سیستم مکش متصل است و به منظور جمع‌آوری دبری‌های استخوان اتوژن پس از پالایش (تصفیه و پاکسازی) به کار می‌رود. ذرات برداشته و جمع‌آوری شده را در جراحی‌های پیوند می‌توان استفاده کرد.

Bone trephine

رجوع شود به: Trephine

Bone turnover

رجوع شود به: Turnover (bone)

Bruxism

عادت غیر ارادی ساییدن یا محکم بر روی هم نگه داشتن دندان‌ها یا دندان قروچه. این عادات باعث ایجاد نیروهایی می‌شود که می‌تواند به دندان‌ها و یا ایمپلنت‌ها آسیب برساند.

Buccal index

ثبت قالب‌گیری از نمای فاسیال دندان‌ها نسبت به قالب گچی.

Buccal mucosal incision

رجوع شود به: Mucobuccal fold incision

Buccal plate

مترادف: Labial plate



دیواره استخوانی نمای باکال استخوان آلوئول که شامل تمام استخوان آلوئولار و استخوان کورتیکال با یا بدون وجود استخوان اسفنجی است.

CAD/CAM

مخفف:

Computer-aided design/Computer-aided manufacturing (CAD/CAM)

(تصویر)

Bundle bone

یک واژه بافت‌شناسی در مورد بخشی از استخوان آلوئول است که دندان‌ها را دربر می‌گیرد و الیاف کلاژن لیگامان پریودنتال در درونش نفوذ می‌کند.

رجوع شود به: Bone, Alveolar bone proper

Button implant

رجوع شود به: Mucosal insert

CAD/CAM dentistry

سیستم CAD/CAM در رشته دندانپزشکی یک شاخه جدید در تکنولوژی ماشینی milling است که انواع رستوریشن‌های دندان‌ها، از جمله روکش‌ها، ونیرها، اینله‌ها و آنله‌ها، بریج‌های ثابت، رستوریشن‌های ایمپلنت‌های دندان‌ها و دستگاه‌های ارتودنسی را با انواع مواد مختلف طراحی کرده، می‌سازد.

CAD/CAM abutment

اباتمنی که تمام طراحی و ساختش توسط برنامه نرم‌افزاری کامپیوتر و براساس اطلاعات دیجیتال به دست آمده از موقعیت پلت‌فرم ایمپلنت انجام می‌شود.

رجوع شود به:

Custom abutment, CAM abutment

Calcium carbonate (CaCO₃)

رجوع شود به: Coralline

Calcium phosphate

مواد معدنی که جهت معدنی‌سازی (مینرالیزاسیون) استخوان جدید در ناحیه گرفت مورد نیاز است. منبع تغذیه آن معمولاً از

استخوان اطراف است و همچنین ممکن است از عروق خونی اطراف نیز کمک‌رسانی شود.

گروهی از سرامیک‌ها با نسبت‌های متفاوت کلسیم به فسفر ساخته شده‌اند که می‌توانند اتصال مستقیم با استخوان تشکیل دهند. همچنین این مواد می‌توانند به عنوان ترکیبات جایگزین استخوان استفاده شوند.

رجوع شود به:

Alloplast, Biphasic calcium phosphate (BCP), Tricalcium phosphate (TCP)

Calcium sulfate (CaSO₄)

ماده آلوپلاستیک سرامیکی قابل تجزیه که در جراحی‌های پیوند (گرافت) داخل دهانی به کار می‌رود. این ماده همچنین خصوصیات سد غشایی (ممبران) را دارد و می‌توان به عنوان یک ناقل آنتی‌بیوتیکی در نواحی موضعی استفاده کرد.

رجوع شود به:

Medical-grade calcium sulfate (MGCS)

Caldwell-Luc

یک نوع جراحی که به نام مبتکرانش - پزشک آمریکایی به نام George Caldwell و متخصص گوش و حلق فرانسوی Henry Luc - نامگذاری شد.

کاربرد اصلی این روش جهت تسکین درد سینوزیت مزمن با درناژ سینوس ماگزیلاری به صورت یک برش به داخل فوسای کانین است.

Callus

بافتی که بین و اطراف قطعات شکسته استخوانی تشکیل می‌شود تا یکپارچگی

استخوانی حفظ و بازسازی استخوان به سهولت انجام شود.

Calvaria

بخش فوقانی گنبدی شکل جمجمه که از نوروکرایوم غشایی مشتق می‌شود و شامل استخوان‌های فرونتال و پاریتال و قسمت‌های اسکواموس استخوان اکسی‌پیتال و تمپورال است. در جراحی‌های گرافت (پیوند) از استخوان این ناحیه می‌توان برداشت.

Calvarial graft

پیوند استخوان اتوژن برداشته شده از بخش فوقانی گنبدی شکل جمجمه که غالباً این استخوان از ناحیه پاریتال، عموماً از سمت راست (نیم‌کره غیر برجسته) پشت درز کروئال و تقریباً سه سانتی‌متر لترالی‌تر نسبت به درز ساجیتال برداشته می‌شود.

Calvarium

اصطلاح عامیانه، واژه درست: Calvaria

CAM abutment

اباتمنتی که توسط قالب‌ریزی یک اباتمنت موم‌گذاری شده طراحی می‌شود. سپس این اباتمنت توسط دستگاه CAM اسکن شده، در کامپیوتر پردازش شده، ساخته می‌شود.

رجوع شود به:

CAD/CAM abutment, Castable abutment, Custum abutment

Cancellous bone

رجوع شود به: Bone

Cancellous bone graft

پیوند حاوی استخوان اسفنجی.

رجوع شود به:

Cortical bone graft, Corticocancellous bone graft

Cantilever

گسترش پروتزی حمایت شده از یک سمت.
(تصویر)

Cap attachment

رجوع شود به: Metal housing

Castable abutment

مترادف:

University of California at Los Angeles
abutment (UCLA abutment)

یک جزء پیش ساخته، با یا بدون سیلندر
پیش ساخته، جهت ساختن اباتمنت ریختگی
در پروتزهای سمان شونده یا پیچ شونده.
در این روش الگوی پلاستیکی پس از burnout
موم گذاری شده، سپس اباتمنت به روش
lost-wax (موم زدایی) ریخته می شود.
رجوع شود به: Prefabricated cylinder

Case-control study

یک نوع مطالعه جهت تشخیص فاکتورهایی
که ممکن است در شرایط پزشکی سهیم
باشند، از طریق مقایسه گروهی از بیماران که
آن شرایط را دارند (گروه آزمایش) با گروهی از
بیماران که آن شرایط را ندارند (گروه کنترل).

Case report

نوعی مدرک (مستندسازی) که در آن تشخیص،
درمان و نتیجه نهایی بیمار توصیف می شود.

Case sequencing

سلسله مراتب درمانی در بیماری که ایمپلنت
می گذارد که شامل زمان درمان تا مرحله
بهبودی و گذاشتن رستوریشن پروتزی است.

Case series

آنالیز یک سری از بیماران دارای تشخیص
و درمان مشابه. در این روش گروه کنترل
وجود ندارد.

Cement-retained

استفاده از سمان دندانپزشکی جهت نگه داشتن
پروتز (روکش) بر روی اباتمنت یا بخش
ترنس موکوزال ایمپلنت های یکپارچه
(one-piece).
رجوع شود به:

Attachment-retained, Screw-retained

Ceramic

ماده آلوپلاستیک به کار رفته در گرافت
استخوانی یا در ساخت اباتمنت ها و قطعات
پروتزی (روکش و بریج).
رجوع شود به: Alloplast

Cervix

رجوع شود به: Implant neck

Chin graft

پیوند استخوانی برداشته شده از نمای فاسیال
سمفیز مندیبل، بین سوراخ های منتال، در

قسمت اپیکال ریشه دندان‌ها و معمولاً بالاتر از لبه تحتانی مندیبل.

Chisel

ابزاری با لبه بول برنده جهت بریدن یا شکافتن بافت سخت.

Chi-square test

یک روش آماری جهت تشخیص اینکه آیا تکرارهای مشاهده شده از مکررات مورد انتظار تفاوت معناداری دارد و اینکه کجا این تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

Chlorhexidine gluconate

یک داروی بیس - بیگوانید آنتی میکروبیال است که به صورت دهان‌شویه یا آنتی‌سپتیک موضعی تجویز می‌شود. مکانیسم عملکرد آن شامل لیز غشای باکتریایی است.

Cicatrix

رجوع شود به: Scar

Circumferential subperiosteal implant

رجوع شود به: Subperiosteal implant

Clamping force

نتیجه حاصل از تغییر شکل الاستیکی یک پیچ بعد از به کارگیری گشتاور (torque) به منظور نزدیک کردن دو جزء یا دو بخش به همدیگر. رجوع شود به: Preload

Clarithromycin

یک آنتی‌بیوتیک ماکرولید نیمه سنتتیک که در درمان عفونت‌های صورتی دهانی (orofacial) ایجاد شده با کوکسی‌های گرم مثبت و بی‌هوازی‌های حساس به کار می‌رود.

مکانیسم عملکرد آن با مهار رشد باکتری از طریق تداخل در سنتز پروتئین ایجاد می‌شود. داروی جایگزین در آنتی‌بیوتیک پروفیلاکسی است.

Clavulanic acid

یک مهارکننده بتالاکتاماز که گاهی در ترکیب با آنتی‌بیوتیک‌های گروه پنی‌سیلین در درمان بعضی گونه‌های مقاوم به آنتی‌بیوتیک به کار می‌رود.

رجوع شود به: Amoxicillin

Clean technique

مراحل جراحی که در کلینیک یا مطب انجام می‌شود.

تمامی ابزار، ایمپلنت‌ها، گرافت‌ها و محلول‌های شستشو استریل هستند. جراح دستکش استریل می‌پوشد اما اتاق عمل استریل نیست. لباس مخصوص جراح و دستیار جراح استریل نیست و ضرورتی ندارد که برای بیمار از پیش‌بند و شان مخصوص استریل استفاده کرد.

Clindamycin

آنتی‌بیوتیک لینکوزامید (lincosamide) که در درمان عفونت‌های دهانی صورتی (orofacial) ایجاد شده با باکتری‌های بی‌هوازی

به کار می‌رود. این دارو همچنین علیه باکتری‌های هوازی نظیر استرپتوکوکسی و استافیلوکوکسی فعال و مؤثر است. داروی جایگزین برای آنتی‌بیوتیک پروفیلاکسی است.

Clip

یک بخش گیردار در آوردنچر است که جهت ثابت کردن بر روی بار به کار می‌رود. رجوع شود به: Bar overdenture (implant)

Clipping function

یک روش در برنامه نرم‌افزاری CT/CBCT جهت برش مجازی ناحیه در سطوح مختلف، به منظور بازسازی حجمی سه بعدی.

Closed-tray impression

مترادف: Indirect impression
یک تکنیک قالب‌گیری است که در آن ایمپرشن کوپینگ‌های مخصوص بر روی ایمپلنت‌ها پیچ می‌شوند سپس ماده قالب‌گیری الاستیک در اطراف آن‌ها تزریق می‌شود. پس از قالب‌گیری، ایمپرشن کوپینگ‌ها از ایمپلنت‌ها جدا شده، قبل از ریختن گچ بر روی آنالوگ‌های لابراتواری در قالب تهیه شده سوار می‌شوند.

رجوع شود به: Open-tray impression

Closure screw

رجوع شود به: Cover screw

Cluster (implant) failure

وقوع چند شکست در ایمپلنت یک بیمار یا

تعداد اندکی از بیماران در یک جمعیت بزرگ تحت بررسی.

CMOS device

تبدیل‌کننده نور به یک علامت دیجیتالی با استفاده از پیکسل‌های حساس به نور و یک تراشه الکترونیکی موجود در اسکنرهای CBCT. در تکنولوژی CMOS حساسیت نوری محدودتر و noise بالاتری در مقایسه با CCD وجود دارد.

خصوصیات مفید دستگاه CMOS عبارتند از: توان و برق کمی برای عملکرد می‌خواهد، قدرت پردازش سریعی دارد، ساختار تراشه در مدار الکترونیکی دستگاه به نحوی است که جهت تولید علایم دیجیتالی نیازی به مبدل‌های خارج از مدار نیست.

CNS milling (CNS)

یک نوع دستگاه ماشینی کنترل شده با کامپیوتر به روش عددی (Computer numerical controlled machining) است. بخش Milling شامل یک مرحله ماشینی مشابه دریل و برش است. در قسمت Milling (برش) از یک وسیله (فرز) بُرنده استوانه‌ای چرخشی استفاده می‌شود که می‌تواند در محورهای متعدد حرکت کند و انواع شکل‌ها، شیارها و سوراخ‌ها را ایجاد نماید. همچنین قطعه‌ای که باید ساخته شود در جهات مختلف در مسیر فرز Milling - برخلاف حرکت تک‌محور یک دریل - حرکت می‌کند.

Coagulum

لخته یا توده لخته شده.

Coaptation

نزدیک کردن لبه‌های زخم؛ جوش خوردن لبه‌های زخم.

Coating

۱. اباتمنت: پردازش سطح یک اباتمنت جهت تغییر ویژگی‌های انتقال قابل رؤیت آن.
۲. ایمپلنت دندان: ماده‌ای که بر روی قسمتی یا تمام سطح ایمپلنت دندان به کار می‌رود.
رجوع شود به:

Additive surface treatment, Textured surface

Cohort study

یک مطالعه طولی که در آن گروهی - the cohort - جهت مشاهده یک سری خصوصیات ویژه در زمان مشخصی انتخاب می‌شوند و طی زمان جهت بررسی خصوصیات و ویژگی‌های احتمالی مورد نظر پیگیری می‌شوند.

Collaborative accountability

این واژه بدین معناست که اطلاعات را از تصاویر CT/CBCT و برنامه نرم‌افزاری مربوط به طرح درمان جمع‌آوری کرده تا مراحل تشخیص و طرح درمان بیمار بین تمامی اعضای تیم ایمپلنت مشاوره و از نتایج جراحی و پروتزی اطمینان حاصل شود.

Collagen

یک مولکول با ساختار مارپیچی سه‌تایی و محتوای بالای گلیسین، پرولین و هیدروکسی پرولین است.

کلاژن عمده‌ترین ماده تشکیل‌دهنده ایاف بافت همبند، ماتریکس آلی استخوان، عاج، سمتموم و بازال لامیناست. کلاژن توسط فیبروبلاست‌ها، کندروبلاست‌ها، استئوبلاست‌ها و ادنتوبلاست‌ها ساخته می‌شود. چندین نوع کلاژن در بدن انسان وجود دارد.
کلاژن نوع ۱ یکی از اولین محصولات است که در بدن هنگام تشکیل استخوان ساخته می‌شود.

Collagen membrane

غشاء (ممبران) سدی قابل جذب که توسط کلاژن (عمدتاً نوع ۱) ساخته می‌شود که دارای خصوصیات زیر است:
به خوبی توسط بافت‌های اطراف عمل می‌شود، نفوذپذیری نسبی، هموستاتیک و کموتاکتیک.

Collar

رجوع شود به: Implant collar

Comfort cap

رجوع شود به: Hygiene cap

Commercially pure titanium (CP-Ti)

فلز زیست سازگار که عموماً در ایمپلنت‌های دندان استفاده می‌شود.
آلیاژ تیتانیوم تقریباً ۹۹٪ وزنی تیتانیوم و مقادیر اندکی (از ۰/۱۸ تا ۰/۴۰ درصد وزنی) اکسیژن، همراه با مقادیر جزئی (کمتر از ۰/۲۵ درصد وزنی) آهن، کربن، هیدروژن و نیتروژن دارد.

تیتانیوم خالص تجاری به چند دسته (grade) تقسیم می‌شود. میزان اکسیژن درجه آلیاژ را مشخص می‌کند.
رجوع شود به:
Titanium alloy (Ti-6Al4-V), Titanium (Ti)

Compact bone

رجوع شود به: Bone

Compatible

این حالت مربوط می‌شود به قابلیت تعویض اجزای مختلف پروتزی یک سیستم ایمپلنت با یک سیستم دیگر.

Complete subperiosteal implant

رجوع شود به: Subperiosteal implant
(تصویر)

Complication

یک وضعیت نامطلوب بیماری به صورت برگشت‌پذیر یا برگشت‌ناپذیر.

Composites (Dental)

رزین‌ها مواد دندانپزشکی سنتتیک هستند که به عنوان ماده ترمیمی یا باندینگ استفاده می‌شوند.

رزین‌های سنتتیک به عنوان مواد ترمیمی تکامل یافتند چرا که زیبا و نامحلول بودند، به دهیدراتاسیون حساس نبودند، راحتی کاربرد و قیمت مناسب داشتند.

کامپوزیت رزین‌ها عموماً از Bis-GMA و سایر منومرهای دی متاکریلات (TEGMA, UDMA, HDDMA)، یک ماده فیلری نظیر

سیلیکا و در اکثر موارد یک آغازگر نوری ساخته شده‌اند.

همچنین معمولاً دی متیل گلیوکسیم (Dimethylglyoxime) جهت افزایش خصوصیات فیزیکی نظیر قابلیت افزایش flow افزوده می‌شود.

جهت بهبودی بیشتر در خصوصیات فیزیکی دستورالعمل ساخت ویژه‌ای برای غلظت‌های هریک از مواد تشکیل دهنده کامپوزیت طراحی شده‌است. مثالی از کاربرد کامپوزیت در ایمپلنت‌های دندان «تکنیک هیبرید» است که در آن بریج ایمپلنت پارسیل پیچ شونده بخش زیبایی سفید را شامل می‌شود و بستر لثه‌ای از سرامیک ساخته می‌شود که بعداً می‌توان با پوشش کامپوزیتی کانتور نهایی صورتی را ایجاد کرد و بخش لثه‌ای (gingival) رستوریشن پروتزی را زیباتر و شبیه‌تر به بافت لثه طبیعی ساخت.
رجوع شود به: Artificial gingival

Composite bone

مرحله انتقالی (بینایی) بین استخوان lamellar و woven، به نحوی که در نمای بافت‌شناسی شبکه‌های استخوان woven با استخوان lamellar پر می‌شود.

Composite graft

ترکیب مواد پیوندی متفاوت.

Compressive stress

استرس ایجاد شده توسط یک بار (دو نیروی به کار رفته به سمت هم در یک راستا) که در یک جسم تمایل به فشرده شدن یا کوتاه شدن ایجاد می‌کند.

Computed axial tomography (CAT)

تکنیک تصویربرداری که ترکیبی از X-Ray و کامپیوتر است تا پانورامیک سه بعدی یا تصویری از مقطع عرضی بدنه یک جسم را تولید کند.

جمع‌آوری اطلاعات با یک سری اسکن در امتداد محور تکی تک بدنه جسم و در مورد ایمپلنت‌ها موازی صفحه اکلوژال به دست می‌آید. از این روش می‌توان برای طرح درمان ایمپلنت‌های دندانی بر پایه برنامه نرم‌افزار کامپیوتری استفاده کرد.

رجوع شود به:

Computed tomography (CT), Cone-beam computed tomography (CBCT), Software-based planing

(تصویر)

Computed tomography (CT)

تکنیک تصویربرداری که ترکیبی از X-Ray و کامپیوتر است تا پانورامیک سه بعدی یا تصویری از مقطع عرضی از بدنه یک جسم را تولید کند.

دو نوع توموگرافی در دندانپزشکی ایمپلنت به کار می‌رود: محوری (axial) و تابش مخروطی (cone-beam)

رجوع شود به:

Computed axial tomography (CAT), Cone-beam computed tomography (CBCT)

Computer-aided design /

Computer-aided manufacturing (CAD/CAM)

مرحله تراش مستقیم یک جسم با کمک

کامپیوتر یا اطلاعات به دست آمده از کامپیوتر.

Computer-aided navigation

مترادف/رجوع شود به: Navigation surgery

Computer-assisted surgical guide

رجوع شود به: Stereolithographic guide

Computer-based planning

رجوع شود به: Software-based planning

Computer-generated surgical guide

رجوع شود به:

Rapid prototyping, Stereolithography, Stereolithographic guide, Surgical guide, Three-dimensional printing

Computer numeric controlled machining

رجوع شود به: CNC milling (CNC)

Confocal microscopy

میکروسکوپ confocal یک تکنیک تصویربرداری اپتیکال است جهت افزایش رزولوشن اپتیکال و کنتراست یک میکروگراف که از طریق اضافه کردن یک سوراخ سوزنی فضایی در صفحه همگرایی confocal لنزها نورهای خارج از محدوده کانونی حذف می‌شود. با این روش بازسازی ساختارهای سه بعدی از تصاویر گرفته شده امکان‌پذیر است.

رجوع شود به:

Parallel confocal imaging technology

Cone-beam computed tomography (CBCT)

مترادف:

Helical cone-beam computed tomography,
Spiral cone-beam computed tomography

تکنیک تصویربرداری که از تابش مخروطی X-Ray جهت کسب چندین تصویر از بیمار استفاده می‌شود. تصاویر بر روی detector های (آشکارگرهای) سطح یا تقویت کننده‌های تصویر ثبت می‌شوند.

اطلاعات حجمی را می‌توان در یک بار چرخش پرتو و detector در اکسپوژر پرتوتابی به دست آورد.

این روش جهت تشخیص و طرح درمان دقیق ایمپلنت‌های دندانی با استفاده از برنامه‌های نرم‌افزاری کامپیوتری کاربرد دارد.

رجوع شود به:

Computed tomography (CT), Cone-beam computed tomography (CBCT),
Software-based planning

Configuration

اندازه و شکل خاص یک ایمپلنت دندانی یا اجزایش

Confirmation jig

رجوع شود به: Verification jig

Conical abutment

اباتمنت ترانس موکوزال به کار رفته در ساخت و بازسازی پروتز پیچ‌شونده.

Connecting bar

رجوع شود به: Bar

Connective tissue (CT)

بافت اولیه در اشکال و عملکردهای متفاوت شامل ساپورت، تغذیه و حمایت بافتی. این بافت عمدتاً به دلیل مقادیر بالای ماتریکس خارج سلولی از سایر بافت‌ها متمایز شناخته می‌شود.

Connective tissue attachment

مکانیسم اتصال بافت همبند به دندان یا ایمپلنت دندانی.

در مورد اتصال به ایمپلنت، الیاف بافت همبند عموماً به صورت موازی و محیطی در اطراف سطح ایمپلنت قرار دارند و قسمت اپیکال عرض بیولوژیک را تشکیل می‌دهند.

Connective tissue graft

گرافت بافت نرم تشکیل شده از بافت همبند.

Consolidation period

رجوع شود به:

Distraction osteogenesis (DO)

Contact osteogenesis

تشکیل استخوان جدید به صورت مستقیم بر روی ایمپلنت دندانی، متعاقب مهاجرت سلول‌های بنیادی استئوژنیک از داخل ماتریکس لخته فیبرینی به سطح ایمپلنت.

رجوع شود به: Distance osteogenesis

Contact scanner

اسکنرهای سه بعدی تماسی جسم را طی تماس فیزیکی ارزیابی می‌کنند و اطلاعات به دست آمده را به یک فایل دیجیتالی تبدیل

می‌کنند. این اسکنرها در سیستم CAD/CAM قابل استفاده است.

رجوع شود به:

CAM abutment, CAD/CAM, Custom abutment

Continuous suture

مترادف: Uninterrupted suture

بخیه‌ای که به صورت متوالی از بافت عبور می‌کند و در انتها گره می‌خورد.

رجوع شود به: Interrupted suture

Continuous wave mode (Cw-mode)

حالتی که لیزر انرژی پرتوتابی را به صورت یک جریان ثابت و لاینقطع ساطع می‌کند.

Control group

گروهی که افراد مورد مطالعه به جای درمان آزمایشی یک دارونما (placebo) دریافت می‌کنند ولی در شرایط کاملاً مشابه گروه آزمایشی درمان می‌شوند.

رجوع شود به:

Experimental group, Case-control study

Conversion prosthesis

رجوع شود به:

Transitional prosthesis / restoration

Coolant

مایعی که به عنوان محلول شستشو جهت کاهش گرمای تولید شده حین دریل کردن استفاده می‌شود.

Coping

یک جزء پیش ساخته یا ریختگی که با اباتمنت یا ایمپلنت دندان تطابق دارد.

Coping design

شکل یا الگوی خاص کوپینگ یا روشی که بدین وسیله طراحی و ساخته می‌شود.

هر سیستم ایمپلنت کوپینگ مخصوص خود را دارد.

Coping screw

مراجعه شود به: Prosthetic screw

Coping, Telescopic

رجوع شود به: Telescopic coping

Coralline

یک نوع سرامیک که از ساختار کربنات کلسیم مرجانی ساخته می‌شود و به عنوان ترکیب استخوانی کاربرد دارد.

رجوع شود به: Alloplast

Coregistration

مترادف: Registration

Coronally advanced flap

رجوع شود به: Coronally positioned flap

Coronally positioned flap

فلپی که در مسیر کرونالی نسبت به موقعیت اصلی‌اش قبل از جراحی بخیه می‌شود.

رجوع شود به: Apically positioned flap

Correlation coefficient

عدد بین ۱- و ۱+ که درجه دو متغیری را که به صورت خطی به هم مرتبط هستند اندازه گیری می کند. ۱- نشان دهنده ارتباط منفی خطی کامل بین دو متغیر، ۱+ نشان دهنده ارتباط مثبت خطی کامل بین دو متغیر و صفر نشان دهنده عدم هرگونه ارتباط خطی است.

Cortical bone

رجوع شود به: bone

Cortical bone graft

گرافت تشکیل شده از استخوان متراکم.
رجوع شود به:

Cancellous bone graft, Corticocancellous bone graft

Cortical bone pin

پین هایی که از آلوگرافت های کورتیکال مینرالیزه ساخته می شود و در جراحی های ایمپلنت دستیابی به حفظ فضا را به ویژه در نواحی که کورتکس باکال یا فاسیال از بین رفته فراهم می سازد.
پین های کورتیکال استخوانی را می توان به جای پیچ های تیتانیومی که بعدا باید خارج شوند به کار برد.

Cortical perforation

رجوع شود به: Decortication

Corticocancellous bone graft

گرفتی که شامل استخوان متراکم و اسفنجی است.

Corticosteroid

هورمون های استروئیدی تولید شده توسط بخش قشری غده فوق کلیه یا مشابه های سنتتیک. کورتیکواستروئیدها طیف وسیعی از سیستم های فیزیولوژیک را در بر می گیرند از جمله: پاسخ به استرس، پاسخ ایمنی، کنترل و مهار التهاب، متابولیسم کربوهیدرات، سوخت و ساز پروتئین، کنترل میزان الکترولیت های موجود در خون و کنترل رفتاری.

رجوع شود به: Glucocorticoid

Corticotomy

تکنیک جراحی که فقط کورتکس استخوان به روش جراحی برداشته می شود.

Cortisone

یک داروی گلوکوکورتیکوئید با نیمه عمر کوتاه که به صورت خوراکی، داخل عضلانی و داخل وریدی تجویز می شود.
رجوع شود به: Glucocorticoid

Countersink

گشاد کردن بخش تاجی استخوان حین استئوتومی به وسیله یک دریل مخصوص جهت تطبیق دادن گردن ایمپلنت.

Countersink drill

دریل مخصوص گشاد کردن بخش تاجی استخوان حین استئوتومی.

Cover screw

مترادف: Healing screw, Closure screw
پیچ همراه با سرپوش جهت سیل پلت فرم ایمپلنت حین استئواینترگریشن.

Cover screw mill

وسیله یا دستگاهی که استخوان اضافی رویش یافته روی cover screw را برمی دارد.

Craterization

رجوع شود به: Pericervical saucerization

Crest

برجستگی.
معمولاً به تاجی ترین بخش ریح بی دندانی اطلاق می شود.
رجوع شود به: Alveolar crest

Crestal

مربوط به کرسرست یا تاجی ترین بخش ریح.

Crestal bone loss

تحلیل استخوان در کرونالی ترین قسمت ریح در اطراف گردن ایمپلنت.

Crestal implant placement

قرارگیری پلت فرم ایمپلنت دندانی در لبه کرسرست استخوان.
۱. قرارگیری ایمپلنت به صورت ساب کرسرستال: قرارگیری پلت فرم ایمپلنت دندانی اپیکالی تر از کرسرست استخوان.
۲. قرارگیری ایمپلنت به صورت سوپرا کرسرستال: قرارگیری پلت فرم دندانی کرونالی تر از کرسرست استخوان.

Crestal incision

برشی که در کرسرست ریح بی دندانی ایجاد می شود.
رجوع شود به:

Midcrestal incision, Mucobuccal fold incision, Paracrestal incision

Crevicular epithelium

رجوع شود به: Sulcular epithelium

Critical bending moment

لحظه ای که بار خارجی غیر محوری به کار رفته بر نیروی از پیش بارگذاری شده اتصال دهنده پیچ غلبه می کند و باعث از دست رفتن تماس بین سطوح درهم قفل شونده در اجزای متصل به پیچ ایمپلنت ها می شود.

Critical-size(d) defect (CSD)

کوچک ترین نقص استخوانی که توسط بازسازی خودبه خود استخوانی کاملاً بهبود نمی یابد. اندازه این ضایعه بسته به موقعیت آناتومیک و گونه های جانوری متغیر است.

Cross-arch stabilization

مترادف: Bilateral stabilization
مقاومت علیه نیروهای جابه جاکننده یا چرخشی که توسط راحی بخش پروتزی بر روی ایمپلنت های دندانی یا دندان های طبیعی در هر دو طرف قوس فکی و یا در موارد اسپلینت شده به یکدیگر به دست می آید.
رجوع شود به: Splinth

Cross-sectional slice

یک قطعه نازک و دوباره فرمت شده از اسکن توموگرافی کامپیوتری (CT) است که در آن زائده آلوئولار عمود بر منحنی پانورامیک ماگزایلا یا مندیبل بیمار، مشابه آنچه که در

برش محوری (axial slice) توصیف شده،
نمایش داده می‌شود.

رجوع شود به:

Axial slice, Panoramic reconstruction,
Coronal slice

Cross-sectional study

نوعی مطالعه که معاینه و بررسی
یک جمعیت تعریف شده در یک
مقطع زمانی یا فواصل زمانی خاص
را شامل می‌شود.

Crown height space (CHS)

فاصله‌ای که از کرسر استخوان تا
صفحه اکلوزال در ناحیه خلفی و تا
لبه اینسایزال در ناحیه قدامی در
همان قوس فکی برای ساخت پروتز
در دسترس است.

Crown-implant ratio

نسبت ارتفاع تاج به طول ایمپلنت دندانی
جایگذاری شده در استخوان.
«ارتفاع تاجی» عبارت است از کرونالی‌ترین
تماس استخوان - ایمپلنت تا کرونالی‌ترین
قسمت رستوریشن پروتزی متصل به همان
ایمپلنت.

Cryotherapy

پوشش سرد که پس از جراحی جهت کاهش
التهاب و درد به صورت خارج دهانی به کار
می‌رود. این روش در داخل دهان با سرد کردن
بافت به کمک یک وسیله سرمایی انجام
می‌شود.

C-telopeptide cross-linked collagen type 1

مترادف:

C-terminal telopeptide of type 1 collagen
قطعات کلاژن آزاد شده حین بازسازی
(remodelling) استخوانی.

از این کلاژن به عنوان یک نشانگر بیوشیمیایی
در بسیاری از بیماری‌های متابولیکی استخوانی
نظیر استئوپروز استفاده می‌شود.

CTx/CTx Test

مخفف:

C-telopeptide test for type 1 collagen
بعضی از تحقیقات نشان داده‌اند که با
استفاده از تست CTx می‌توان احتمال
استئونکروز استخوان فک را در بیماران تحت
درمان با بیس فسفونات پیش‌بینی کرد.

Cumulative success rate

اندازه‌گیری درصد موفقیت یک ایمپلنت طی
یک دوره زمانی.
رجوع شود به: Success rate

Cumulative survival rate

اندازه‌گیری درصد بقای (survival) یک
ایمپلنت طی یک دوره زمانی.
رجوع شود به: Survival rate

Curettage (bone)

رجوع شود به: Bone curettage

Custom abutment

یک جزء ساخته شده (custom) در بیماران

با شرایط خاص بالینی جهت ساپورت رستوریشن پروتزی که می‌تواند به صورت اباتمنت ریختگی، چاپگر سه بعدی یا CAD/CAM ساخته شود.

رجوع شود به:

CAD/CAM abutment, CAM abutment, Castable abutment

Cutting resistance analysis (CRA)

انرژی مورد نیاز (با واحد j/mm^3) برای نیروی محرکه الکتریکی جهت برداشتن یک واحد حجم استخوان حین جراحی ایمپلنت. این آنالیز برای تخمین تراکم استخوان به کار می‌رود.

Cylinder implant

ایمپلنت داخل استخوانی ریشه‌ای شکل، press-fit، با دیواره‌های موازی. (تصویر)

Cylinder wrench

وسیله‌ای که روی سر ایمپلنت سوار می‌شود و جهت محکم کردن ایمپلنت بعد از جای‌گذاری به کار می‌رود. همچنین می‌توان از این وسیله جهت قرار دادن ایمپلنت در ناحیه استئوتومی شده استفاده کرد.

Cylindrical implant

ایمپلنت داخل استخوانی ریشه‌ای شکل با دیواره‌های صاف موازی. (تصویر)

Cytokine

پروتئین‌های تنظیم‌کننده، نظیر: اینترلوکین‌ها و لنفوکین‌ها که توسط سلول‌های سیستم ایمنی آزاد می‌شوند و به عنوان واسطه‌های (مدیاتورهای) بین سلولی و داخل سلولی در پاسخ ایمنی شرکت می‌کنند.

D

Data merge

اطلاعات تشخیصی حاصل از اسکن CT/CBCT به همراه اطلاعات بصری حاصل از معاینه داخل دهانی یا اسکنر کامپیوتری اپتیکال.

Decortication

پرفوراسیون حین عمل جراحی داخل دهانی یا برداشتن استخوان کورتیکال جهت القای خونریزی و آزادسازی سلول‌های تشکیل دهنده استخوان از مغز استخوان که عموماً در جراحی‌های گرافت‌های بلاک آنله یا بازسازی با پودر استخوان (Guided Bone Regeneration=GBR) به کار می‌رود.

Defect

یک نقص، شکست یا کاستی (فقدان).
رجوع شود به:

Ridge defect, Alveolar defect

Definitive prosthesis

بازسازی نهایی بخش پروتز.

Dehiscence

۱. نقص استخوانی یا ضایعه شکاف‌دار در استخوان اطراف یک دندان یا ایمپلنت که به نواحی دورتر از کمرست امتداد می‌یابد.
رجوع شود به: Fenestration
۲. شکافته شدن نابهنگام (Premature) حین بسته شدن اولیه بافت نرم.

Delayed loading

به زمان وارد کردن نیروهای اکلوزالی بر روی ایمپلنت بعد از جایگذاری اولیه‌اش در استخوان اطلاق می‌شود. پروتز پس از دوره بهبودی در این زمان بر روی ایمپلنت ساخته و جایگذاری می‌شود.

Demineralized bone matrix (DBM)

ترکیبی از پروتئین‌های کلاژنی و غیر کلاژنی و فاکتورهای رشدی استخوان که طی فرآیند شیمیایی بعد از استخراج مواد معدنی باقی می‌ماند.

Demineralized freeze-dried bone allograft (DFDBA)

یک آلوگرافت تشکیل شده از ماتریکس استخوانی دمینرالیزه شده (DBM)، متعاقب دمینرالیزاسیون آلوگرافت FDBA (آلوگرافت استخوانی خشک شده با سرما).

Dense PTFE (dPTFE)

این ماده به نام‌های PTFE یا dPTFE با تراکم بالا نیز شناخته شده. جهت حذف انبساط گره‌ها و فیبریل‌ها، به صورت یک ماده میکروپرز (دارای تخلخل‌های میکرونی) ساخته شده است. این حالت مانع نفوذ باکتری‌ها شده، در عوض اجازه انتشار گازها و مولکول‌های ریز را می‌دهد.

طراحی PTFE متراکم به گونه‌ای است که مانع از اکسپوژر ماده در محیط دهان می‌شود. این طراحی پیشرفت چشمگیری نسبت به ورژن قبلی‌اش ePTFE محسوب می‌شود، به‌ویژه در حفظ ساکت دندان‌های اکسپوژر ممبران‌های ظریف مزایای بسیاری دارد.

رجوع شود به:

Polytetrafluoroethylene (PTFE),
Expanded polytetrafluoroethylene (ePTFE)

Dental implant

۱. یک وسیله زیست سازگار که در سطح یا داخل استخوان ماگزیلا یا مندیبل جایگذاری می‌شود تا تکیه‌گاهی برای بازسازی بخش پروتزی تأمین کند.

۲. تعریف ISO: «وسیله‌ای که به روش جراحی بر روی سطح یا داخل استخوان ماگزیلا یا مندیبل جایگذاری می‌شود تا مقاومت علیه جابجایی بخش پروتز دندانی را تأمین کند.» (5-ISO 1942)

Dentin grinder

یک وسیله پزشکی دارای تیغه چرخنده که دندان‌هایی را که نیاز به درمان ریشه ندارند، پس از حذف تمامی دبری‌های بافتی، به ذرات ۱۲۰۰-۳۰۰ میکرون به منظور تولید ماتریکس عاجی دمینرالیزه اتوژن (ADDM) رنده و خرد می‌کند.

بقایای ریز (رنده) شده در یک ویال کوچک جمع‌آوری شده، به مدت ده دقیقه در یک ماده پاک‌کننده مخصوص قرار می‌گیرند. سپس ماده پاک‌کننده جدا شده، ذرات به مدت سه دقیقه به وسیله محلول نرمال سالین تمیز می‌شوند. در پایان، ماده پس از خشک شدن نرمال سالین به عنوان یک گرافت استخوانی اتوژن برای استفاده آماده است.

رجوع شود به:

Autogenous demineralized dentin matrix (ADDM), Bone scaffold

Denture

پروتزی به منظور جایگزین کردن دندان‌های از دست رفته و بافت‌های نرم مجاور.
رجوع شود به:

Fixed prosthesis, Removable prosthesis

De-osseointegration

از دست رفتن استئواینترگریشن که قبلاً در اطراف ایمپلنت ایجاد شده بود به دلیل پری ایمپلنتایتیس، نیروهای شدیداً کلوزالی و سایر عوامل.

Depassivation

از دست رفتن یا برداشتن لایه اکسید سطحی از یک فلز.

Deproteinized bovine bone material

رجوع شود به:

Anorganic bovine bone matrix (ABBM)

Depth gauge

وسیله مدرج علامت‌گذاری شده جهت اندازه‌گیری عمق ورتیکالی حین جراحی استئوتومی.

Dermal graft

گرافت بافتی از جسد انسانی یا حیوانی که تحت فرآیند دی‌اپیتلیزاسیون و دی‌سلولاریزاسیون تبدیل به بافتی غیر عروقی و از نظر ایمونولوژیکی غیر واکنشی می‌شود.

Desktop optical scanner

وسیله‌ای که با استفاده از تکنولوژی تصویربرداری

اپتیکال پیشرفته اطلاعات سطحی از یک قالب گچی یا قالب گرفته شده از دهان بیمار را گرفته، به اطلاعات دیجیتالی قابل استفاده در CAD/CAM یا برنامه نرم‌افزاری چاپگر سه بعدی تبدیل می‌کند.

رجوع شود به:

Standard Tessellation Language or Standard Triangulation Language (STL), Intraoral scanner, 3-D scanner, Digital workflow, Digital impressions

Design (implant)

ساختار سه بعدی ایمپلنت و اجزایش با تمامی عناصر و اجزای تشکیل دهنده‌اش: شکل، فرم، پیکره‌بندی، ماکرو استراکچر سطحی و بی‌نظمی‌های میکرونی.

Device orientation

جهت و مسیر قرارگیری distraction device که معمولاً نسبت به محور آناتومیکی قطعات استخوانی که باید جدا شوند تنظیم می‌شود.

Dexamethasone

یک داروی گلوکوکورتیکوئید سنتتیک با طول عمر بالا و خاصیت ضد التهابی بالا. این دارو به صورت داخل عضلانی، خوراکی یا داخل وریدی تجویز می‌شود.

رجوع شود به: Glucocorticoid

Diabetes mellitus (DM)

سندرمی که با نقص متابولیسم و میزان بالای قند خون ناشی از میزان ناکافی هورمون

انسولین توصیف می‌شود. در دندانپزشکی ایمپلنت کنترل مناسب دیابت پیش‌نیاز کسب و حفظ استواینتگریشن است.

رجوع شود به:

Glycosylated hemoglobin A1c test (HbA1c test)

Diagnostic wax-up

مراحل لابراتواری که در آن دندان‌ها با موم مطابق آنچه قرار است رستوریشن نهایی طراحی شود وکس آپ می‌شوند.

از این روش می‌توان جهت ارزیابی شدن طرح درمان از پیش ارایه شده و ساختن تمپلیت رادیوگرافیک، راهنمای جراحی یا راهنماهای لابراتواری استفاده کرد.

Digital imaging and communication in medicine (DICOM)

یک استاندارد تأیید شده توسط اکثریت سازندگان تصویربرداری سخت‌افزاری (CT/CBCT) و نرم‌افزاری جهت بررسی، ذخیره‌سازی، چاپ و انتقال اطلاعات در تصویربرداری تشخیص دیجیتالی پزشکی.

این استاندارد اجازه می‌دهد اطلاعات تصویربرداری سه بعدی به دست آمده از سازندگان مختلف توسط برنامه‌های نرم‌افزاری گروه ثالث (third party) مشاهده، ارزیابی و جهت ساخت الگوهای CAD/CAM استفاده شود.

DICOM یکپارچگی الگوهای مدل‌سازی حاصل از تصویربرداری تشخیصی دیجیتالی را به یک سیستم بایگانی و ارتباطات تصویری (PACS) امکان‌پذیر می‌سازد.

رجوع شود به: PACS

Digital impression

استفاده از اسکنرهای اپتیکال داخل دهانی جهت به دست آوردن اطلاعات مربوط به مورفولوژی دندان، مورفولوژی لثه و اکلوژن در یک فرمت دیجیتالی که در موارد زیر به کار می‌رود:

مرحله تشخیص و طرح درمان، ساخت پروتز دندان، ساخت دستگاه‌های ارتودنسی، ساخت تمپلیت‌های جراحی برای ایمپلنت‌های دندان یا جراحی‌های داخل دهانی.

در حال حاضر، تمامی اسکنرهای دیجیتالی داخل دهانی در مطب بر پایه ابزار اپتیکال نظیر دیودهای ساطع‌کننده نور آبی، تکنولوژی لیزر آبی و اتصال چندین تصویر منفرد و به دست آوردن مستمر (streaming) تصاویر اپتیکال استوار هستند.

اسکنرهای اپتیکال براساس سطح بازتابشی ممکن است به یک ماده واسطه (medium) یا پودر رنگی کنتراست جهت رؤیت سطح مورفولوژی دندان نیاز داشته باشند.

رجوع شود به:

CAD/CAM, Digital workflow, Intraoral scanner

Digital radiography

نوعی تصویربرداری X-Ray که از سنسورهای دیجیتالی اشعه ایکس (وسایل تصویربرداری دیجیتالی) به جای فیلم‌های سنتی رادیوگرافی استفاده می‌شود. مزایای این روش عبارت است از: سرعت عمل در ثبت تصاویر (به جای مرحله شیمیایی ظهور و ثبوت)، افزایش کیفیت تصاویر و امکان انتقال اطلاعات تصاویر دیجیتالی.

همچنین پرتوتابی کمتری جهت ثبت تصویر در مقایسه با رادیوگرافی‌های متداول نیاز است. رجوع شود به:

Sensor (Digital X-ray), Sensor (CBCT), Intraoral digital x-ray sensor

Digital volume tomography (DVT)

رجوع شود به:

Cone-beam computed tomography (CBCT)

Digital workflow

مراحل بالینی و لابراتواری به دست آمده از اطلاعات داخل دهانی و خارج دهانی بیمار در یک فرمت دیجیتالی به منظور کمک در تشخیص و طرح درمان از مرحله اسکن اولیه در مطب تا ساخت پروتز دندان در لابراتوار.

رجوع شود به:

Intraoral scanner, CAD/CAM, 3-D printing, 3-D Scanner, Data merge

Diphosphonate

رجوع شود به: Bisphosphonate

Direct impression

رجوع شود به: Open-tray impression

Direct indicator

وسیله‌ای که در ناحیه استئوتومی شده قرار داده می‌شود تا وضعیت یا موقعیت نسبی ایمپلنت نسبت به دندان‌های مجاور و ساختارهای آناتومیک ارزیابی شود. همچنین جهت بررسی موقعیت و موازی کردن چندین ایمپلنت در نواحی استئوتومی شده به کار می‌رود.

Direct metal laser sintering (DMLS)

یک فرآیند ساخت افزایشی است که لیزر فایبراپتیک ایتربیوم (Yb) با توان ۲۰۰ وات بر روی بستری از فلز پودر شده حرکت می‌کند و باعث ذوب شدن / جوش خوردن فلز در لایه‌های نازک (حدود ۲۰۰ میکرون) مطابق دستورالعمل ساخت می‌شود. بعد از سخت شدن هر لایه، یک تیغه مخصوص پودر جدید را به صورت یکنواخت در سطح پلت‌فرم ساخته شده پخش می‌کند تا تمام پیکره اصلی (STL File) ساخته شود.

این روند ساخت رزولوشن بالا و جزئیات سطحی مطلوبی دارد.

رجوع شود به:

Additive manufacturing (AM), Standard Tessellation Language or Standard Triangular Language (STL), Rapid prototyping, 3-D printing.

Direct sinus graft

رجوع شود به:

Lateral window technique, Sinus graft

Disc implant

یک ایمپلنت داخل استخوانی شامل یک صفحه (plate)، گردن (neck) و اباتمنت. ایمپلنت به صورت لترالی در داخل ریج بی‌دندانی جایگذاری می‌شود. (تصویر)

Distal extension

فضای بی‌دندانی در ناحیه خلفی دیستالی‌ترین

دندان یا اباتمنت ایمپلنت. (تصویر)

Distal extension prosthesis

رستوریشنی در ناحیه خلفی دیستالی‌ترین دندان یا اباتمنت ایمپلنت.

گسترش بی‌دندانی می‌تواند یک‌طرفه یا دوطرفه و به صورت دندان‌های مصنوعی آکریلی، کانتی لیور بر روی پروتز ثابت یا یک پلاک پارسیل متحرک باشد.

Distance osteogenesis

مرحله تدریجی ترمیم استخوان از لبه استخوان استئوتومی شده به سمت ایمپلنت دندان. در ابتدای ترمیم، استخوان مستقیماً بر روی سطح ایمپلنت رشد نمی‌کند.

رجوع شود به: Contact osteogenesis

Distraction

رجوع شود به:

Distraction osteogenesis (DO)

Distraction axis

جهت و مسیری که قطعه استخوانی طی distraction osteogenesis جدا می‌شود.

Distraction device

وسیله‌ای که موجب حرکت تدریجی افزایشی قطعات استخوانی از یکدیگر می‌شود. رجوع شود به:

Distraction osteogenesis (DO)

Distraction osteogenesis (DO)

مترادف: Osteodistraction

جدا کردن تدریجی و کنترل شده دو قطعه استخوانی واسکولاریزه شده (دارای عروق خونی) جین استئوتومی.

تشکیل بافت نرم و استخوان جدید بین سطوح استخوانی پر عروق که با استئوتومی و جدا کردن تدریجی و کنترل شده استخوان ایجاد می شود.

این فرآیند با تشکیل استخوان جدید ترمیمی (reparative callus) شروع می شود. این استخوان جدید تحت کشش قرار گرفته باعث تولید استخوان جدید می شود.

Distraction Osteogenesis شامل سه مرحله به هم پیوسته است:

۱. Latency period :

مرحله جدا شدن استخوانی (به عبارت دیگر مرحله جراحی جدا کردن استخوان به دو قطعه) و شروع کشش که نیازمند زمان جهت تشکیل بافت استخوانی جدید (callus) است.

۲. Distraction period :

زمانی که کشش تدریجی به قطعات استخوانی وارد شده، بافت جدید (بافت تازه به وجود آمده) تشکیل می شود.

۳. Consolidation period :

مترادف: Fixation period

تثبیت و کورتیکالیزه شدن قطعه جدا شده پس از آنکه نیروهای کششی و حرکت قطعات متوقف می شود.

Distraction parameters

متغیرهای بیولوژیکی و بیومکانیکی که کیفیت و کمیت استخوان تشکیل شده حین distraction osteogenesis را تحت تأثیر قرار می دهند.

Distraction period

رجوع شود به:

Distraction osteogenesis (DO)

Distraction protocol

مراحل و مدت درمانی حین Distraction osteogenesis.

Distraction rate

میزان کلی جدا کردن (distraction) به میلی متر در روز.

Distraction regenerate

رجوع شود به: Regenerate

Distraction rhythm

تعداد لایه های استخوانی که طی سرعت distraction osteogenesis روزانه جدا می شود.

Distraction vector

جهت نهایی و بزرگی نیروهای کششی طی Distraction osteogenesis.

Distraction zone

رجوع شود به: Regenerate

Distraction device

رجوع شود به: Distraction device

Disuse atrophy

کاهش در بعد و یا تراکم استخوان، ناشی از بار ناکافی و کم نیروهای فیزیولوژیک.

Dolder bar

بار پیش ساخته به شکل U جهت اتصال به دندان‌ها، ریشه‌های دندانی یا اباتمنت‌های ایمپلنت‌ها جهت تأمین ساپورت و گیر با استفاده از sleeve طراحی شده در سطح پروتز متحرک.

Donor site

ناحیه‌ای از بدن که گرافت برداشته می‌شود، از جمله پوست، مخاط، بافت همبند و استخوان.

Drill

یک وسیله برنده جهت ایجاد سوراخ با حرکت چرخشی.

Drill extender

رجوع شود به: Extender

Drill guide

رجوع شود به: Drilling guide

Drilling guide

یک راهنمای جراحی جهت تعیین دقیق مسیر و عمق دریل کردن حین استئوتومی.

رجوع شود به:

Stereolithographic guide, Surgical guide,

Drill sleeves, Drill path

Drill path

مسیر دریل حین استئوتومی جهت جایگذاری ایمپلنت.

دریل کردن می‌تواند به روش چشمی (ارزیابی

تخمینی مسیر) انجام شود یا با استفاده از راهنمای جراحی کنترل شود که در این حالت ممکن است از sleeve (میله توخالی جهت عبور دریل و ایمپلنت) استفاده شود. رجوع شود به:

Drill sleeves, Surgical guide, Surgical template, Template-assisted, Diagnostic free-hand, Full template guidance

Drilling sequence

استفاده از دریل‌ها با یک ترتیب خاص تا به تدریج قطر ناحیه استئومی جهت جایگذاری ایمپلنت افزایش یابد. این ترتیب دریل کردن معمولاً براساس دستورالعمل کارخانه سازنده است.

رجوع شود به: Sequential drilling

Drill stop

وسیله‌ای که به دریل جهت کنترل عمق استئوتومی متصل می‌شود.

Drill sleeves

تمپلیت‌های جراحی حاوی استوانه‌های فلزی هستند که با قطر دریل‌های مخصوص استئوتومی و جایگذاری ایمپلنت مطابقت دارند یا به تثبیت تمپلیت جراحی توسط پیچ‌های ثابت‌کننده (fixation screws) کمک می‌کنند. رجوع شود به:

Guided sleeve, Guided cylinder

Dual-energy x-ray absorptiometry (DXA)

تست ارزیابی‌کننده «تراکم» معدنی استخوان (BMD).

دو پرتو اشعه ایکس با دوز پایین با سطح انرژی‌های متفاوت به استخوان بیمار تابیده می‌شود.
BMD با کم کردن میزان جذب تابشی بافت نرم، از جذب تابش هریک از پرتوها توسط استخوان به دست می‌آید.

Dual scan protocol

فرآیند ترکیب دو مجموعه داده (dataset) متفاوت:

۱. یک اسکن از پروتز (آنچه که به عنوان یک نتیجه نهایی و مطلوب در نظر گرفته شده) که با مواد آکریلی حاوی نشانگرهای رادیوپاک یا ثابت ساخته می‌شود.

۲. یک اسکن CT/CBCT از بیمار به همراه پروتز در دهانش.

سپس هر دو مجموعه داده توسط یک برنامه نرم‌افزاری به دقت بر روی هم سوپرایمپوز می‌شوند تا تشخیص، طرح درمان و ساخت راهنمای جراحی امکان‌پذیر شود.
رجوع شود به:

Guided surgery, Cone-beam computed tomography (CBCT), Fiducial markers, Scanographic template, Registration

Dynamic loading

وضعیتی که یک ایمپلنت دندانی تحت یک نیروی متغیر از لحاظ بزرگی یا جهت قرار دارد (نظیر نیروهای جویدن).
رجوع شود به: Static loading

Dysesthesia

یک حس نابهنجار و نامطلوب یا به صورت

خودبه‌خود یا تحت تأثیر عوامل بیرونی.
توجه: Dysesthesia شامل paresthesia (اختلال حس لمس به صورت خارش و مورمور) است ولی برعکس آن صادق نیست.
رجوع شود به: Anesthesia, Hyperesthesia, Hypoesthesia, Paresthesia



دست رفتن نسبی یا کامل دندان‌ها.

Edentulous

بی‌دندانی، بدون دندان.

Ear prosthesis

قطعه مصنوعی ثابت-متحرک جهت جایگزین کردن قسمتی یا تمام گوش انسان که از سیلیکون یا سایر مواد ساخته می‌شود. اتصال این قطعه می‌تواند توسط ایمپلنت‌های کوچک که طراحی ویژه دارند صورت پذیرد. رجوع شود به:

Auricular prosthesis, Percutaneous implant

Early crestal bone loss

از دست رفتن استخوان کرستال در اطراف ایمپلنت دندانی که یک سال پس از قرار گرفتن در محیط دهان رخ می‌دهد که به عنوان عاملی در تشکیل عرض بیولوژیک نسبت داده شده است.

Early implant failure

مترادف: Primary implant failure

شکست ایمپلنت دندانی به دلیل شکست در ایجاد استئواینتگریشن.

Early loading

به زمان وارد شدن نیروهای اکلوزالی به یک ایمپلنت دندانی بعد از قرارگیری اولیه‌اش اطلاق می‌شود. در این حالت پروتز زودتر از زمان متداول بهبودی بر روی ایمپلنت قرار می‌گیرد.

Edentulism

وضعیت از دست رفتن یک یا چند دندان؛ از

Edentulous site

رجوع شود به: Edentulous space

Edentulous space

فضایی که قبلاً توسط یک یا چند دندان اشغال شده بود.

Elastic modulus

رجوع شود به: Modulus of elasticity

Electric discharge method (EDM)

مترادف: Spark erosion

مرحله برداشتن دقیق فلز، با استفاده از یک سری جرقه‌های الکتریکی، جهت فلززدایی از سطح کار در یک مایع الکترولیت تحت شرایط دقیق و کنترل شده.

Electron beam melting (EBM)

یک نوع روش ساخت افزایشی قطعات فلزی. این روش اغلب به عنوان یک روش ساخت سریع طبقه‌بندی می‌شود.

در این تکنولوژی قطعاتی نظیر کوپینگ‌های تاجی با ذوب لایه به لایه پودر فلزی توسط تابش الکترون تحت خلاء بالا ساخته می‌شود. برخلاف برخی تکنیک‌های سینترینگ فلزی، قطعات ساخته شده در این روش متراکم، محکم و بدون حباب و تخلخل هستند. رجوع شود به:

Additive manufacturing (AM), Rapid prototyping

Element

هر جزیی از پروتز ایمپلنت که براساس موقعیت یا فانکشن (عملکرد) به عنوان ترانس موکوزال، گیردار، اتچمنت یا دندانی شناخته شود.

Emergence profile

بخشی از کانتور محوری دندان یا روکش پروتزی که از کف شیار لثه تا مارجین آزاد بافت نرم ادامه می‌یابد. emergence profile تا حداکثر تحدب روکش ادامه می‌یابد که باعث ایجاد یک پروفایل مستقیم یا محدب در یک سوم اپیکالی سطح محوری می‌شود.

Enamel matrix derivate (EMD)

مجموع پروتئین سترون (استریل) حاصل از ماتریکس مینایی، آمیلوژنین‌ها، نشانگر مینایی دندان‌های در حال تشکیل. این پروتئین‌ها از اطراف دندان‌های در حال تشکیل جنین خوک طی یک سری فرآیندهای پیچیده به دست می‌آیند.

Endodontic implant

مترادف:

Endodontic pin, Endodontic stabilizer
پینی که در داخل کانال ریشه دندان قرار داده شده، از انتهای اپکس به داخل استخوان امتداد می‌یابد.

Endodontic pin

رجوع شود به: Endodontic implant

Endodontic stabilizer

رجوع شود به: Endodontic implant

Endosseous

در داخل استخوان.

رجوع شود به: Intrabony, Intraosseous

Endosseous distractor

مترادف: Intraosseous distractor

یک وسیله جداکننده (distraction) که به منظور distraction osteogenesis در داخل ریج بی‌دندانی و با استخوان بازال ماگزایلا یا مندیبل قرار می‌گیرد.

Endosseous implant

مترادف: Endosteal implant

وسيله‌ای در داخل استخوان آلوئولار و یا استخوان بازال ماگزایلا یا مندیبل به منظور ساپورت یک پروتز قرار می‌گیرد. (تصویر)

Endosseous ramus frame implant

ایمپلنت کامل فکی داخل استخوان که در نواحی راموس و سمفیز مندیبل توسط یک بار اتصال‌دهنده افقی بر روی بافت‌های لثه‌ای قرار می‌گیرد و از نمای اکلوژال شکلی شبیه نعل اسب (U-shaped) به نظر می‌رسد.

رجوع شود به: Ramus implant

Endosteal implant

رجوع شود به: Endosseous implant

Endosteum

بافت حاشیه حفره اسفنجی استخوان که از

یک لایه منفرد سلول‌های پیش‌ساز استخوان (osteoprogenitor) و مقادیر اندکی بافت همبند تشکیل شده است.

تکیه بر استخوان به دست می‌آورد.
Subperiosteal implant رجوع شود به:

Erbium-doped yttrium aluminum garnet (Er-YAG laser)

لیزر سخت حاوی کریستال Er-YAG که طول موج ۲۹۴۰ نانومتر ساطع می‌کند و عمدتاً در جراحی‌های استخوانی به کار می‌رود.

Engaging

ویژگی یک ایمپلنت دندانی یا قسمت پروتزی‌اش که در طراحی مکانیکی آنتی روتیشن شرکت می‌کند.

Envelop flap

فلپی که از برش خطی افقی، موازی مارچین آزاد لثه، بدون برش عمودی، ایجاد می‌شود. این فلپ ممکن است به صورت sulcular یا submarginal باشد.

Epithelial attachment

مکانیسم اتصال اپتیلیوم جانکشنال به دندان یا ایمپلنت دندانی، به عبارت دیگر همی دسموزوم.

رجوع شود به: Junctional epithelium

Esthetic buccal flap (EBF)

یک طراحی فلپ جهت حفظ مهندسی بافت نرم.

در این روش پس از آنکه ایمپلنت‌ها در موقعیت ایده‌آل پروتزی جایگذاری شدند، از صفحه کورتیکال فاسیال استخوانی دسترسی صورت می‌گیرد. سپس پرفوراسیون ایجاد شده توسط بازسازی استخوان با تکنیک GBR تصحیح می‌شود.

رجوع شود به:

Guided bone regeneration (GBR)

Epithelial implant

رجوع شود به: Mucosal insert

Epithelialization

ترمیم با رشد اپتیلیوم بر روی بافت همبند.

Epithelium

بافت اطراف سطوح مخاطی داخل دهانی که به شیار لثه ادامه می‌یابد و به ایمپلنت یا دندان می‌چسبد.

Epoosteal implant

وسیله‌ای که ساپورت اولیه استخوانی‌اش را با

Esthetic zone

هر بخش دنتوآلوئولار قابل رؤیت در لبخند کامل.

ارتباط بین سه جزء تأثیرگذار در لبخند (یعنی لثه، لب‌ها و دندان‌ها) که مشخص‌کننده آن است که یک لبخند high یا low (میزان رؤیت لثه و دندان‌ها) است.

Etching

استفاده از اسیدها یا سایر ترکیبات (اچنت‌ها) جهت افزایش سطح یک ایمپلنت دندانی یا سایر مواد.

Exclusion criteria

ویژگی‌های خاصی که مانع می‌شود یک شرکت کننده در آزمایش بالینی یا مطالعه گروهی شرکت کند.

Inclusion criteria رجوع شود به:

Exfoliation

از دست رفتن وسایل یا مواد جایگذاری شده (ایمپلنت شده).

Expanded polytetrafluoroethylene (ePTFE)

پلیمری از تترافلورواتیلن که تحت حرارت منبسط می‌شوند تا مایعات تبخیر شوند ولی سلول‌ها باقی بمانند. این ماده به عنوان ممبران غیر قابل جذب در بازسازی با استخوان (GBR) و بازسازی با بافت نرم (GTR) به کار می‌رود. می‌توان از داربست تیتانیومی به منظور حفظ شکل ممبران استفاده کرد. همچنین به عنوان بخیه غیر قابل جذب کاربرد دارد.

Dense PTFE (dPTFE) رجوع شود به:

Experimental group

مترادف: Test group

گروهی از افراد در یک مطالعه که تحت درمان هستند

رجوع شود به: Control group

Exposure

۱. ایمپلنت دندانی: شکافتگی (dehiscence) بافت نرم که باعث نمایان شدن cover screw، گردن، بدنه یا پیچ‌های ایمپلنت دندانی شود.

یک اصطلاح برای جراحی مرحله دوم.

۲. غشای سدی (Barrier membrane): شکافتگی (dehiscence) بافت نرم که باعث نمایان شدن ممبران پوشاننده سطح ایمپلنت طی دوره ترمیم می‌شود.

Extender

یک وسیله جراحی که به عنوان یک قطعه واسطه بین هندپیس یا آچار و قطعه دیگر (نظیر دریل، مانت ایمپلنت) قرار می‌گیرد تا میزان دسترسی قطعه دوم را افزایش دهد.

External bevel incision

برش (اینسیژن) ایجاد شده با تیغه بیستوری در جهت اپیکوکروئال، به منظور کاهش ضخامت مخاط لثه یا پری ایمپلنت از سطح خارجی.

رجوع شود به: Internal bevel incision

External connection

یک اینترفیس کانکشن پروتزی در سطح خارجی پلت فرم ایمپلنت دندانی.

شش ضلعی خارجی (external hexagon) یک نمونه از آن است.

رجوع شود به: Internal connection

External hexagon

یک اینترفیس کانکشن شش ضلعی در پلت فرم ایمپلنت دندانی که به سمت کروئال امتداد می‌یابد. این قطعه از چرخش شدید اجزای متصل به هم جلوگیری می‌کند.

External irrigation

یک روش شستشو حین دریل کردن حفره

استئوتومی جهت ایمپلنت گذاری از طریق یک وسیله خارج دهانی، بدین صورت که محلول خنک کننده حین دریل کردن حفره استئوتومی از فرز دریل خارج می شود. با این روش محلول خنک کننده در مدخل حفره استئوتومی جریان می یابد. محلول خنک کننده همچنین ممکن است از لوله متصل به هندپیس و موتور جراحی جریان یابد، یا ممکن است به صورت سیستم دستی (با سرنگ شستشو) انجام شود.

External oblique ridge

ریج استخوانی در سطح باکال مولرهای مندیبل که به عنوان یک منبع استخوان اتوزن در جراحی های گرفت داخل دهانی مورد استفاده قرار می گیرد.

External sinus graft

رجوع شود به:

Lateral window technique, Sinus graft

Extracellular matrix (ECM)

هر ماده ای که توسط سلول ها تولید و به داخل فضای خارج سلولی بین بافتی ترشح می شود. این ماتریکس به اشکال زیر تبدیل می شود: ماده زمینه ای، عناصر فیروزی، پروتئین های دخیل در چسبندگی سلولی، گلیکوپروئین ها و سایر مولکول های اشباع کننده فضا.

Extraction socket

فضای آلئولار پس از کشیدن دندان.

Extraction socket graft

رجوع شود به: Ridge preservation

Extraoral (external) distraction device

وسيله ای که جهت distraction osteogenesis خارج از حفره دهان نصب می شود. قطعات استخوانی معمولاً از طریق پین های زیرپوستی به صورت خارج دهانی به گیره های ثابت کننده دستگاه (device fixation clamps) متصل می شوند.

Extraosseous distractor

یک دستگاه جداکننده استخوان (distraction device) که در خارج ریج بی دندانی و یا استخوان بازال ماگزایلا یا مندیبل، به منظور distraction osteogenesis قرار می گیرد.

Exudate

مایعات، سلول ها و دبری های سلولی که از عروق خونی خارج شده، در بافت ها یا سطوح بافتی رسوب می کنند. این حالت معمولاً در نتیجه التهاب به وجود می آید.

F

Facebow

یک وسیله دندانپزشکی قابل استفاده در رشته دندانپزشکی ترمیمی / پروتزهای دندانی. هدف از این وسیله انتقال اجزای زیبایی و فانکشنال از دهان بیمار به آرتیکولاتور دندانی است، به‌ویژه رابطه قوس فکی و مفصل گیجگاهی فکی را به قالب‌های گچی منتقل می‌کند.

رجوع شود به: Articulator

Facial prosthesis

جایگذاری قطعات مصنوعی ماگزیلوفاسیال به جای بخش از دست رفته صورت که به دلیل تروما، ضایعات مربوط به کارسینوما یا نقایص مادرزادی ایجاد شده است. قطعات پروتزی صورت ممکن است به وسیله ایمپلنت‌های دندانی خاصی تثبیت یا جایگذاری شوند.

Facing

معمولاً یک ماده هم‌رنگ دندان نظیر لامینیت و نیرهای پرسنی یا ونیروهای رزینی باندشونده که در نمای قابل رؤیت یک دندان تراشخورده یا روکش قدیمی به کار می‌روند.

همچنین این ماده ممکن است به رنگ صورتی باشد تا بافت لثه از دست رفته را در رستوریشن‌های ایمپلنتی مشابهت سازی کند.

رجوع شود به: Veneer

Failed impant

ایمپلنت دندانی که موبیلیتی دارد (وقتی که استئواینتگریشن رخ نداده یا از دست رفته است)، یا ایمپلنت دندانی که علی‌رغم استئواینتگریشن سمپتوماتیک (دارای علائم عفونت) است.

Failing implant

واژه کلی برای ایمپلنت دندانی که به صورت پیش‌رونده تکیه‌گاه استخوانی اطرافش را از دست داده است. ممکن است افزایش عمق پروپ و چرک مشاهده شود ولی از لحاظ بالینی محکم و با ثبات باشد.

پیشنهاده: Peri-implantitis

Failure rate

درصد شکست‌های یک روش یا یک وسیله (نظیر ایمپلنت دندانی) در یک مطالعه یا آزمایش بالینی براساس معیارهای تعریف شده.

Fatigue

ضعیف شدن پیش‌رونده یک ساختار از طریق تراکم شکنندگی و تشکیل / گسترش ترک.

Fatigue failure

یک شکست ساختاری ایجاد شده با تحمل دوره‌های متعدد نیرو، وقتی که تمامی نیروها کمتر از قدرت نهایی ساختار هستند. معمولاً این شکست‌ها بعد از چندین دوره وارد شدن نیرو رخ می‌دهند.

Fatigue fracture (failure)

شکست ساختاری ایجاد شده توسط

استرس‌های تکرارشونده که باعث گسترش تدریجی ترک در داخل ماده می‌شود.

Leukocyte and platelet rich fibrin (L-PRF), PRF, Fibronectin

Feldspathic porcelain

ماده بسیار ترانسلسنت و زیبا جهت ساخت رستوریشن‌های پروتزی به روش پودرگذاری سنتی با استفاده از قلمو و پودر و مایع مخصوص پرسن ونیر. در صورت لزوم در لابراتوار از اپکر جهت پوشش دادن رنگدانه‌های تیره می‌توان استفاده کرد.

Fibroblast

سلول موجود در بافت همبند که مسئول سنتز کلاژن و ماده زمینه‌ای است.

Fibronectin

گلیکوپروتئین ماتریکس خارج سلولی با وزن مولکولی بالا (حدود ۴۴۰ KDa) که به گیرنده‌های پروتئینی پوشاننده غشاء به نام اینتگرین‌ها (integrins) متصل می‌شود. مشابه اینتگرین‌ها، فیبرونکتین به اجزای ماتریکس خارج سلولی نظیر کلاژن، فیبرین و پروتئوگلیکان‌های هپارین سولفات (نظیر syndecans) متصل می‌شود و به چسبندگی و یا مهاجرت سلولی کمک می‌کند، همچنین در تجمع پلاکت‌ها نقش دارد.

Fenestration

نقص پنجره‌ای در دیواره باکال یا لینگوال که منجر به عریان شدن استخوان یا بافت نرم در اطراف ریشه دندان، ایمپلنت یا ریج آلوئولار می‌شود.

باز کردن یک پنجره لترالی در سینوس ماگزایلا به منظور بالا بردن کف سینوس، یک fenestration ایجاد شده توسط دندانپزشک است.

Fibrous

تشکیل شده یا حاوی فیبر (الیاف).

رجوع شود به: Dehiscence

Fibrin matrix (Fibrin-rich matrix)

ماتریکس موقتی تهیه شده با لخته فیبرینی یا فیبرونکتین طی مرحله اول ترمیم زخم که به مهاجرت منوسیت‌ها، فیبروبلاست‌ها و سلول‌های اپیدرمال به ناحیه ترمیم کمک می‌کند. یک ماتریکس غشاء مانند است که از عروق خونی اتوژن مشتق شده، محکم و در عین حال قابل انعطاف است و می‌تواند به تنهایی جهت بهبود دوره ترمیم و افزایش بازسازی بافتی در ناحیه بخیه شود.

رجوع شود به:

Fibrous connective tissue

تشکیل شده از دسته‌های (bundles) موازی الیاف کلاژن که در درم، تاندون‌ها و لیگامان‌ها یافت می‌شود. نام دیگر آن بافت همبند متراکم است.

Fibrous encapsulation

لایه بافت همبند فیبروز که بین ایمپلنت دندان و استخوان اطراف تشکیل می‌شود.

Fibrous integration

رجوع شود به: Fibrous encapsulation

Fiducial markers

نشانگرهای خاصی که قبل از اسکن کردن تصویر به دستگاه الحاق می‌شوند و حین جراحی به عنوان نقاط مرجع کلیدی جهت ثبت مراحل جراحی بیمار یا حین ساخت راهنمای جراحی جهت انتقال اطلاعات حاصل از طرح درمان نرم‌افزاری مورد استفاده قرار می‌گیرند.

رجوع شود به: Registration

Finite element analysis (FEA)

روش نرم‌افزار کامپیوتری جهت مطالعه استرس (stress) و استرین (strain) بر روی قطعات و اجزای مکانیکی.

برنامه مجازی الگوسازی (Virtual prototyping software)، که اغلب جزیی از برنامه نرم‌افزاری طراحی شده با کامپیوتر است، به صورت اتوماتیک و خودکار نیروهای مکانیکی را برای FEA شبیه‌سازی می‌کند.

First-stage surgery

رجوع شود به: Stage-one surgery

Fistula

یک مسیر یا ارتباط نابهنجار که معمولاً بین دو اندام داخلی است یا از یک اندام داخلی به سطح بدن راه باز می‌کند.

۱. Oroantral fistula: یک بازشدگی بین حفره و دهان و سینوس ماگزایلا.

۲. Orofacial fistula: یک بازشدگی بین سطوح پوستی صورت و حفره دهان.

۳. Oronasal fistula: یک بازشدگی بین حفره بینی و حفره دهان.

Fixation period

رجوع شود به:

Distraction osteogenesis (DO)

Fixation pin

رجوع شود به:

Anchor pin, Fixation screw, Stabilization pin

Fixation screw

پیچی که جهت ثابت کردن یک گرافت بلاک استخوانی یا غشای سدی استفاده می‌شود. همچنین می‌توان از آن جهت ثابت کردن راهنمای جراحی استفاده کرد.

رجوع شود به:

Anchor pin, Fixation pin, Stabilization pin, Surgical guide

Fixation tack

رجوع شود به: Tack

Fixed-detachable

پروتز ثابت شده با یک یا چند ایمپلنت دندانی که فقط دندانپزشک می‌تواند آن را جابجا و خارج کند.

Fixed hybrid prosthesis

پروتز هیبرید ثابت (غیر متحرک).

رجوع شود به:

Hybrid prosthesis, Fixed-removable

Fixed prosthesis

رستوریشنی که توسط بیمار قابل جابجایی و

Flapless implant surgery

حرکت نیست.

رستوریشن ممکن است به صورت نیمه فکی (FPD: پلاک پارسیل ثابت) یا تمام فکی (FCD: دنچر کامل ثابت) باشد.
رجوع شود به:

Denture, Removable prosthesis

Fixed-removable

پروتز ثابت شده با یک یا چند ایمپلنت که فقط دندانپزشک می‌تواند آن را جابجا و خارج کند.

پیشنهاد: Fixed-prosthesis

Fixture

اصطلاح عامیانه، واژه درست: Root-form implant

Fixture-level impression

رجوع شود به: Implant-level impression

Flank angle

زاویه بین کناره یک تضرس پیچ (thread) با خط عمود بر محور پیچ (screw).

Flap

بخشی از بافت نرم که جهت دسترسی حین جراحی به جز از قاعده‌اش از بافت‌های مجاور جدا (شُل) می‌شود.
رجوع شود به:

Apically positioned flap, Beveled flap, Coronally positioned flap, Envelope flap, Full-thickness flap, Gingival flap, Partial thickness flap, Positioned flap

تکنیک جراحی بدون آن که فلپ بافت نرم کنار زده شود و فقط یک قطعه مدور بافتی جهت جایگذاری ایمپلنت دندان برداشته می‌شود.

Flap panel detectors

یک صفحه مربع یا مثلثی غیر شفاف همراه با scintillator (ماده فلوئورسنت حین تابش فوتون پراثرژی) که به جای فیلم در توموگرافی کامپیوتری با تابش مخروطی (CBCT) استفاده می‌شود.

Fracture

شکست ایجاد شده با رشد و گسترش یک ترک.

Framework

ساختار حمایت کننده یک بازسازی (رستوریشن) پروتزی.

Free soft tissue autograft

رجوع شود به: Gingival graft

Free-standing implant

یک ایمپلنت دندان که به ایمپلنت‌ها یا دندان‌های مجاور اسپلینت نمی‌شود.

Freeze-dried bone allograft (FDBA)

استخوان برداشته شده از جسد دهنده (donor) که شسته شده، در محلول اتانل غوطه‌ور شده، در نیتروژن منجمد شده، بر اثر سرما خشک شده، سپس به ذرات بین ۲۵۰ تا ۷۵۰ میکرون آسیاب شود. این ماده اساسا در فرآیند osteoconductive عمل می‌کند.

Freeze-drying

مترادف: Lyophilization

یک روش تهیه بافت که در آن نمونه منجمد می شود، سپس در حرارت پایین در خلاء بالا دهیدراته می شود.

Frenectomy

برش جراحی یک اتصال عضلانی یا فرنوم (frenulum) به همراه اتصالش به استخوان زیرین به منظور برطرف کردن نیازهای زیبایی یا فانکشن بیمار. این برش را می توان با تیغه بیستوری یا لیزر انجام داد.

Friction-fit

رجوع شود به: Friction-retained, Press-fit

Friction-retained

استفاده از قطعات با تطابق بالا جهت ایجاد گیر در اباتمنت یا پروتز (نظیر spark erosion prosthesis).

رجوع شود به:

Attachment-retained, Cement-retained, Screw-retained

Full arch bridge/prosthesis

بازسازی تمام فک:

در بیمارانی که بی دندانی کامل هستند یا در بیمارانی که باید تمامی دندان هایشان را در یک یا هر دو فک بکشند، می توان بازسازی یکی را به صورت پروتز ثابت کامل فکی انجام داد.

Full-thickness flap

مترادف: Mucoperiosteal flap

فلپی که به صورت یکپارچه از سطح لثه،

مخاط آلوئولار و پریوست جدا می شود، لذا سطح استخوان نمایان و اکسپوز می شود.

رجوع شود به: Partial thickness flap

Functional loading

اصطلاح عامیانه، واژه درست:

Occlusal loading

Fused deposition modeling (FDM)

یک تکنولوژی ساخت افزایشی که معمولاً برای الگوسازی، شباهت سازی و تولید وسایل به کار می رود. FDM براساس قاعده کلی «افزایشی» و لایه گذاری بر روی ماده عمل می کند.

توسط یک فیلامان پلاستیکی یا سیم فلزی که از یک سیم پیچ جدا شده، فلز با دهانه تزریق جریان مذاب قابل تنظیم اتصال دارد. دهانه تزریق (nozzle) جهت ذوب ماده گرم می شود و می تواند در هر دو جهت افقی و عمودی توسط یک مکانیسم کنترل شده عددی و برنامه نرم افزاری CAM حرکت کند.

این قالب یا جزء از لایه هایی از گلوله های ریز ترموپلاستیک پس از سخت شدن ماده که بلافاصله پس از خروج از nozzle رخ می دهد ساخته می شود. رجوع شود به:

Additive manufacturing (AM), 3-D printing, Rapid prototyping

Fusobacterium nucleatum

فوزوباکتریوم نوکلئاتوم یک باکتری فلور طبیعی دهان است که در بیماری های پریودنتال و پری ایمپلنتایتیس نقش دارد این ارگانیسم به دلیل تعداد بالا و توانایی اتصال و تجمع با سایر گونه های باکتری در دهان، مولفه کلیدی در تشکیل پلاک پریودنتال است.



یک مرحله جراحی جهت تثبیت میزان کافی بافت کراتینه در اطراف دندان یا ایمپلنت یا جهت افزایش میزان بافت در ریح بی‌دندانی.

Gap

رجوع شود به: Edentulous space

Gap distance

فضای بین دیواره استخوانی یک حفره استئوتومی یا ساکت حفره دندانی پس از کشیدن دندان و ایمپلنت دندانی در جراحی مرحله اول. ابعاد gap و نوع سطح ایمپلنت بر میزان تماس اولیه استخوان - ایمپلنت تأثیر می‌گذارند.

Gingiva

بخشی از مخاط جونده که زواید آلئولار را می‌پوشاند و طوق دندان‌ها را احاطه می‌کند. این بخش شامل لایه اپیتلیالی و بافت همبند زیرین به نام lamina propria است.

Gingival crevicular fluid (GCF)

اگزودای التهابی که می‌توان از مارجین لثه یا شیار لثه‌ای جمع‌آوری کرد.

آنالیز بیوشیمیایی مایع پاسخ‌های میزبانی غیر مهاجم در بیماری پریودنتال را نشان می‌دهد.

Gingival flap

فلپی که از اپیکال به موکو ژنژیوال جانکشن امتداد نمی‌یابد.

Gingival graft

مترادف: Free soft tissue autograft

Gingival recession

مترادف: Marginal tissue recession

عریان شدن ریشه‌های دندانی به دلیل نبود بافت لثه‌ای و یا جداشدن / جابجایی مارجین ژنژیوال از تاج دندان‌ها به سمت اپیکال تا ناحیه CEJ (cementoenamel junction) یا اتصال ایمپلنت - اباتمنت.

Gingival sulcus

شیار لثه‌ای بین دندان و بافت لثه‌ای اطراف که با اپیتلیوم سالکولار احاطه شده است. عمق سالکوس بین دو ناحیه محدود شده است: از اپیکال به الیف لثه‌ای اتصالات بافت همبند و از کروئال با مارجین لثه آزاد. همچنین یک شیار لثه‌ای در اطراف کمپلکس دندان - اباتمنت - ایمپلنت وجود دارد که از استخوان نشأت گرفته، توسط بافت همبند احاطه می‌شود.

Glucocorticoid

دسته‌ای از هورمون‌های استروئیدی که توانایی اتصال به گیرنده‌های گلوکوکورتیکوئیدی را دارد. کاربرد اصلی این داروها در دندانپزشکی به عنوان یک داروی ضد التهاب و سرکوب‌کننده سیستم ایمنی (ایمونوساپرسیو) است.

رجوع شود به:

Betamethasone, Dexamethasone, Methylprednisolone, Prednisolone, Prednisone, Triamcinolone

Glycosylated hemoglobin A1c test (HBA1c test)

مترادف: Glycated hemoglobin A1c test
 تست آزمایشگاهی که میانگین غلظت گلوکز پلاسما را طی سه ماه نشان می‌دهد، به‌ویژه تعداد مولکول‌های گلوکز متصل به هموگلوبین را اندازه‌گیری می‌کند. نتایج به درصد نشان داده می‌شوند.
 بین ۴ تا ۶ درصد محدوده نرمال محسوب می‌شود.

Gold cylinder

رجوع شود به: Prefabricated cylinder

Graft

گرافت یا بافت به کار رفته در جایگذاری ایمپلنت یا ترانسپلنت.

Graft consolidation (bone)

خون‌رسانی (واسکولاریزاسیون) و یکپارچگی بافتی در سطح سلولی گرافت با محل گیرنده‌اش (recipient site). این فرآیند باعث تشکیل کمپلکس گرافت - استخوان woven شده که بعداً به استخوان lamellar تبدیل می‌شود و تطابق بیشتر بر اساس نیروهای وارد شده صورت می‌گیرد.

Grafting material

ماده‌ای طبیعی یا سنتتیک جهت بازسازی یا ترمیم نقص یا کاستی بافتی.

Grit blasting

پردازش سطح یک ایمپلنت دندان از طریق

جریان پر شتاب ذرات ساینده و کمپرس هوا جهت افزایش بستر سطحی (surface area).

Growth factor

پروتئین خاصی که دسته‌بندی و تمایز نوع خاصی از سلول‌ها را تحریک می‌کند.
 رجوع شود به:

Cytokine, Insulin-like growth factors (IGF), Platelet-derived growth factors (PDGF), Platelet-rich plasma (PRP), Transforming growth factor beta (TGF-β), Vascular endothelial growth factors (VEGF)

Guidance

رجوع شود به: Image guidance

Guide

رجوع شود به:

Radiographic template, Stereolithographic guide, Surgical guide

Guided bone regeneration (GBR)

تکنیک بازسازی استخوانی که با استفاده از ابزار فیزیکی (نظیر غشاهای سدی) ناحیه آناتومیکی را که باید با استخوان بازسازی شود، می‌پوشاند و سیل می‌کند. هدف از این تکنیک هدایت در تشکیل استخوان و جلوگیری از تداخل سایر بافت‌ها (نظیر بافت همبند) در استئوژنزیس.

Guided cylinder

مترادف: Guided sleeve

Guide drill

دریل تیز یا روند جهت نشانه‌گذاری کردن ناحیه استئوتومی با ورود اولیه به داخل استخوان کورتیکال.

Guided sleeve

مترادف: Guided cylinder
استوانه گرد فلزی به طول پنج میلیمتر و قطرهای مختلف که در راهنمای جراحی یا راهنمای استریولیتوگرافی جهت تعیین مسیر دقیق دریل کردن و همچنین گذاشتن ایمپلنت به کار می‌رود.

رجوع شود به:

Surgical guide, Stereolithographic guide

Guide pin

۱. وسیله‌ای که در ناحیه استئوتومی برای جایگذاری ایمپلنت قرار می‌گیرد تا محل و زاویه ایمپلنت نسبت به دندان‌ها و ایمپلنت‌های مجاور و سایر لندمارک‌ها تعیین شود.

۲. پیچ‌های اضافی اباتمنت یا اکلوزالی که حین ساخت پروتز در لابراتوار استفاده می‌شود.

Guided tissue regeneration (GTR)

تکنیک جراحی با استفاده از غشاهای سدی جهت هدایت در تشکیل استخوان جدید و بافت لثه‌ای جدید در نواحی که حجم و ابعاد استخوانی یا لثه جهت ایجاد فانکشن و یا زیبایی برای رستوریشن پروتزی کافی نیست.



Handpiece motion tracker

یک سری ساطع‌کننده‌های فعال (active emitters) یا بازتابنده‌های غیرفعال (passive reflectors) که به ابزار جراحی متصل می‌شوند تا موقعیتش حین جراحی توسط ردیاب بالای سر عمل‌کننده قابل رؤیت باشد.

Hard tissue graft

رجوع شود به:

Bone graft, Bone replacement graft

Harvest

برداشتن یا جمع‌آوری کردن بافت نرم یا بافت سخت به منظور پیوند کردن.

Haversian canal

کانال‌های آزاد آناستوموز در داخل استخوان کورتیکال (متراکم) حاوی عروق خونی و لنفاوی که توسط لاملاهای استخوانی متحدالمرکز احاطه شده است.

Haversian system

رجوع شود به: Osteon

HbA1c test

مخفف:

Glycocylated hemoglobin A1c test
(HbA1c test)

Healing

بازسازی یا ترمیم بافت‌های صدمه دیده، از دست رفته یا جراحی شده.

رجوع شود به:

Healing by first (primary) intention,

Healing by second (secondary) intention

Healing abutment

مترادف:

Healing collar, Perimucosal extension,

Second-stage perimucosal abutment,

Temporary healing cuff

قطعه‌ای با مقطع عرضی مدور که به ایمپلنت دندان متصل می‌شود و به بافت نرم نفوذ می‌کند. این قطعه هدایت ترمیم بافت‌های مخاطی اطراف ایمپلنت را بر عهده دارد و پس از خارج کردن آن دسترسی به پلت فرم ایمپلنت امکان پذیر است.

رجوع شود به: Anatomic healing abutment

Healing by first (primary) intention

مترادف: Primary closure

ترمیم زخم به نحوی که لبه‌ها به هم بسیار نزدیک می‌شود. یکپارچگی یا بسته شدن کامل ناحیه بازسازی با تشکیل اندک ج创ه گوشتی و اسکار به صورت مستقیم صورت می‌گیرد.

Healing by second (secondary) intention

مترادف: Secondary closure

ترمیم زخم به نحوی که فاصله‌ای (gap) بین لبه‌های زخم باقی بماند.

یکپارچگی و بسته شدن زخم با تشکیل ج创ه گوشتی از کف و دیواره‌های زخم صورت می‌گیرد. این روند با مهاجرت اپتیلیالی، رسوب کلاژن، انقباض و ریمادلینگ (بازسازی) طی دوره ترمیم همراه است.

Healing cap

رجوع شود به: Hygiene cap

Healing collar

رجوع شود به: Healing abutment

Healing period

مترادف: Healing phase

زمان اختصاص داده شده به ترمیم متعاقب جراحی، قبل از آنکه جراحی بعدی در همان ناحیه انجام شود.

Healing phase

رجوع شود به: Healing period

Healing screw

رجوع شود به: Cover screw

Heat necrosis

مرگ سلولی به دلیل اکسپوز طولانی استخوان به دمای بالا حین استئوتومی استخوان.

Helical cone-beam computed tomography

رجوع شود به:

Cone-beam computed tomography (CBCT)

Hematoma

یک توده لوکالیزه ناشی از نشست خون، معمولاً به صورت لخته، که نسبتاً یا کاملاً در داخل یک فضا، بافت یا اندام محدود می‌شود.

Hematopoietic stem cell

یک سلول خونی بالغ پیشرو (بنیادی) که توانایی جایگزین کردن مغز استخوان را متعاقب تخریبش (به طور مثال با پرتوتابی گاما) دارد و می‌تواند سلول‌های خونی بالغ تولید کند.

Hemorrhage

خروج خون از سیستم گردش خون، خونریزی که اغلب بیش از حد است و کنترل آن ممکن است سخت باشد.

Hemostasis

توقف خونریزی، به روش فیزیولوژی، جراحی یا مکانیکی.

Heterogeneous graft

رجوع شود به: Xenograft

Heterograft

رجوع شود به: Xenograft

Hex

شکل شش ضلعی اینترفیس کانکشن به صورت internal hex یا external hex.

Hexed

جزیی از ایمپلنت دندان همراه با اینترفیس کانکشن شش ضلعی.

High-water prosthesis

رجوع شود به: Hybrid prosthesis

Histomorphometry

مطالعه کمی ساختار میکروسکوپی و ساختار بافتی (نظیر استخوان)، به‌ویژه به وسیله آنالیز کامپیوتری تصاویر به دست آمده از میکروسکوپ.

Hollow basket implant

یک ایمپلنت دندان ریشه‌ای شکل به همراه یک کانال داخلی مرکزی که در بدنه ایمپلنت/قسمت اپیکالی‌اش نفوذ می‌کند.

Homograft

مترادف: Homogenous graft, Homologus graft

گرافتی که از بدن یک انسان گرفته شده، در بدن شخص دیگری پیوند می‌شود.

رجوع شود به: Allograft

Homologus graft

رجوع شود به: Homograft

Horizontal mattress suture

رجوع شود به: Mattress suture

Host response

پاسخ سیستمیک یا موضعی ارگانیسم میزبان به یک ماده یا وسیله ایمپلنت شده.

Host site

رجوع شود به: Recipient site

Hounsfield unit (HU)

یک واحد تضعیف (attenuation) اشعه ایکس به کار رفته در اسکن‌های توموگرافی کامپیوتری به عنوان اندازه‌گیری تراکم استخوان.

واحد هانسفیلد راهی است جهت توصیف میرایی پرتوتأپی در بافت‌های مختلف و در نتیجه روش راحت‌تری است جهت تعیین یافته‌های مشخص.

این واحد رادیو دانستیه را اندازه‌گیری می‌کند و یک مقیاس کمی است.

به هر حجم پیکسل (pixel) یا وُکسل (voxel) یک ارزش عددی اختصاص داده می‌شود. به این ترتیب هوا ۱۰۰۰-، آب مقطر در فشار و دمای استاندارد (STP) صفر و ساختارهای رادیوپاک نظیر استخوان متراکم در حدود ۱۰۰۰+ و بالاتر هستند.

آقای Godfrey N. Hounsfield اولین اسکنر CT را در سال ۱۹۷۲ اختراع کرد. رجوع شود به:

Voxel, Computed tomography (CT)

Howships lacuna

فرورفتگی‌های ظریف در سطح استخوان تحت تحلیل.

Hybrid implant

یک ایمپلنت داخل استخوانی ریشه‌ای شکل با قوام یا ساختار مهندسی (ژئومتری) سطحی متفاوت در سطوح مختلف.

Hybrid prosthesis

مترادف: High-water prosthesis

یک دنچر کامل ثابت، متال - رزینی، پیچ شونده، متکی بر ایمپلنت.

واژه «هیبرید» به ترکیب فریم ورک فلزی به همراه پروتز متحرک کامل (دندان‌های رزینی از پیش ساخته شده و رزین گرم‌پخت) اشاره دارد.

واژه «highwater» به طراحی این نوع پروتز به دلیل استفاده از اباتمنت‌های استاندارد طویل و چندین میلی‌متر فضای آزاد بین پروتز و مخاط زیرین ریج بی‌دندانی اشاره دارد.

HPISE

مخفف: Hydrodynamic Piezoelectric Internal Sinus Elevation

Hydroxyapatite

واژه عمومی کلسیم هیدروکسی آپاتیت. ترکیب اصلی معدنی و طبیعی استخوان که به عنوان یک آلوپلاست نیز استفاده می‌شود. همچنین از هیدروکسی آپاتیت برای پوشش دادن سطح بعضی از ایمپلنت‌های دندانی استفاده می‌شود.

رجوع شود به: Alloplast

Hydroxyethyl methacrylate (HEMA)

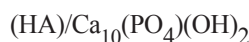
ماده آلوپلاستیک ساخته شده از منومر محلول در آب که تحت شرایط متفاوت در دمای پایین می‌تواند پلیمریزه شود.

از این ماده می‌توان هیدروژن‌های متنوع به منظور تثبیت سلول‌ها یا پروتئین‌ها در جراحی‌های گرافت (پیوند) تولید کرد.

Hydroxylapatite (HA)

رجوع شود به:

Hydroxyapatite

**Hygiene cap**

مترادف:

Comfort cap, Heading cap, Sealing screw

قطعه‌ای که بر روی اباتمنت پروتزی جایگذاری می‌شود.

عملکرد آن ممانعت از ورود دبری و جرم (تهاجم میکروبی) به بخش داخلی اباتمنت بین جلسات درمانی پروتزی است.

Hyperbaric oxygen therapy (HBOT)

یک روش درمانی که بیمار در اتاقک تحت فشار (اتاقک هیپرباریک) قرار می‌گیرد تا اکسیژن را در غلظت‌های بالا به منظور اهداف درمانی دریافت کند.

این روش گاهی قبل از درمان ایمپلنت برای بیمارانی که تحت پرتوتابی سر و گردن بوده‌اند، جهت کاهش خطرات استئورادیونکروز به کار می‌رود.

Hyperesthesia

حس ناخوشایند dysesthesia که شامل افزایش حساسیت، به‌ویژه احساس دردناک نسبت به محرک لمسی که در حالت طبیعی بدون درد است.

Hyperplasia

بزرگ شدگی وسیع یک ساختار یا بافت به

دلیل افزایش در تعداد سلول‌ها.

Hypodontia

نبود (فقدان) مادرزادی یک یا چند دندان.

Hypoesthesia

مترادف: Hypesthesia

حس ناخوشایند dysesthesia که به صورت کاهش غیر طبیعی حساسیت، به‌ویژه در لمس بروز می‌کند.

I

Ibuprofen

یک داروی غیر استروئیدی ضد التهابی که خواص ضد درد و تب‌زدایی دارد.
رجوع شود به:

Nonsteroidal anti-inflammatory drug (NSAID)

Iliac crest

بخش فوقانی استخوان ایلیوم (ilium) که به عنوان یک منبع استخوان اتوزن استفاده می‌شود.
رجوع شود به: Iliac graft

Iliac graft

گرفت استخوانی برداشته شده از کمر استخوان ایلیاک.
استخوان را می‌توان از قسمت قدامی کمر استخوان و قسمت خلفی بخش قدامی فوقانی ستون فقرات ایلیاک یا قسمت خلفی ایلیوم برداشت. گرافت ممکن است اسفنجی، متراکم یا اسفنجی متراکم (corticocancellous) باشد.

Image guidance

استفاده از تصویربرداری قبل از عمل با استفاده برنامه‌های نرم‌افزاری کامپیوتری جهت تشخیص، طرح درمان و جایگذاری ایمپلنت دندان و بازسازی پروتزی.
رجوع شود به:
Navigation surgery, Stereolithographic guide, Registration

Image stitching

فرآیند ترکیب چندین تصویر فتوگرافی یا چندین تصویر CT/CBCT با همپوشانی میدان‌های دید جهت ایجاد یک پانورامای تفکیکی یا تصویر با رزولوشن بالا یا یک تصویر دارای میدان دید.
رجوع شود به: Stitching

Immediate functional loading

اصطلاح عامیانه، واژه درست:
Immediate occlusal loading

Immediate implantation

رجوع شود به: Immediate implant placement

Immediate implant placement

جایگذاری ایمپلنت در زمان کشیدن دندان در ساکت حفره دندانی کشیده شده.

Immediate loading

رجوع شود به:
Immediate occlusal loading, Immediate non-occlusal loading

Immediate non-functional loading

اصطلاح عامیانه، واژه درست:
Immediate non-occlusal loading

Immediate non-occlusal loading

یک پروتکل بالینی جهت جایگذاری ایمپلنت(های) دندانی در قوس فکی بی‌دندانی نسبی، به همراه یک رستوریشن ثابت یا متحرک بدون تماس اکلوژی با دندان‌های مقابل،

Implant abutment

رجوع شود به: Abutment

در همان جلسه جراحی جایگذاری ایمپلنت.
رجوع شود به: Nonocclusal loading

Immediate occlusal loading

یک پروتکل بالینی جهت جایگذاری و وارد کردن نیرو بر روی ایمپلنت‌های دندان، به همراه یک رستوریشن ثابت یا متحرک در تماس اکلوزالی با دندان‌های مقابل، در همان جلسه جراحی جایگذاری ایمپلنت.
رجوع شود به: Occlusal loading

Immediate placement

رجوع شود به: Immediate implant placement

Immediate provisionalization

یک پروتکل بالینی جهت جایگذاری یک پروتز موقت با یا بدون تماس اکلوزالی با دندان‌های مقابل، در همان جلسه درمانی.
پیشنهاد:

Immediate non-occlusal loading, Immediate occlusal loading

Immediate restoration

رجوع شود به: Immediate provisionalization

Immediate temporization

رجوع شود به: Immediate provisionalization

Implant

یک وسیله یا ماده آلوپلاستیک زیست سازگار که به صورت جراحی در بافت‌های دهانی صورتی (orofacial) با هدف تأمین تکیه‌گاه، فانکشن، درمان و یا زیبایی جایگذاری می‌شود.

Implant-abutment interface

سطحی که ایمپلنت دندان و اباتمنت پروتزی به هم متصل می‌شود.
رجوع شود به:

Implant-abutment junction (IAJ)

Implant-abutment junction (IAJ)

مترادف: IAJ (Microgap)

محل تماس مارجین خارجی در نمای کروئالی یک ایمپلنت دندان و رستوریشن یا اباتمنت پروتزی‌اش.

Implant analog

رجوع شود به: Analog/analogue

Implant anchorage

استفاده از ایمپلنت دندان به عنوان ساپورتی جهت حرکت ارتودنتیک دندان یا expansion فکی.

Implant apex

اولین بخش ایمپلنت دندان ریشه‌ای شکل که حین استئوتومی وارد استخوان می‌شود و ممکن است به صورت self-tapping باشد.
(تصویر)

Implant-assisted prosthesis

هر پروتزی که به صورت نسبی یا کامل با یک یا چند ایمپلنت حمایت می‌شود.
پیشنهاد:

Implant-supported prosthesis,
Implant-tissue-supported prosthesis

رجوع شود به:

Cement-retained, Fixed prosthesis, Hybrid
prosthesis, Removable prosthesis, Screw-
retained

Implant body

مترادف: Implant root, Implant shaft
بخشی از ایمپلنت دندان ریشه‌ای شکل که برای
Bone-to-implant contact در دسترس است.

Implant collar

کرونالی ترین بخش ایمپلنت دندان، که در
بخش اپیکال لبه پلت فرم اپیکال قرار دارد،
دارای ضخامت‌های متفاوت و در بخش
باقی مانده ایمپلنت بر اساس دستورالعمل
surface treatment کارخانه‌های سازنده دارای
یکسان و surface finish متفاوت است.
بعضی ایمپلنت‌های ریشه‌ای شکل بخش
collar ندارند.

Implant component

یکی از بخش‌های ساختاری کمپلکس اباتمنت
-ایمپلنت.

Implant-crown ratio

رجوع شود به: Crown-implant ratio

Implant dentistry

مترادف:

Oral implantology, Implant therapy
رشته‌ای از دندانپزشکی در رابطه با تشخیص،

جراحی و جایگذاری، بازسازی پروتزی و
نگهداری و فالوآپ ایمپلنت‌های دندان.

Implant diameter

بلندترین اندازه‌گیری خطی در واحد میلی‌متر
در مقطع عرض ایمپلنت دندان.

Implant drill

وسیله برنده چرخشی جهت ایجاد استئوتومی.

Implant exposure

۱. مرحله دوم جراحی پس از آن که
استئواینترگریشن رخ می‌دهد که با انجام فلپ بافت
نرم یا پانچ بافتی وقتی که بافت کراتینه کافی
وجود دارد، جهت دسترسی به نمای کرونالی
ایمپلنت و اتصال به healing abutment یا هر
نوع اباتمنت ترانس موکوزال پیش ساخته یا
ساختگی همراه است.

۲. عارضه‌ای پس از جراحی که ایمپلنت
ممکن است کاملاً توسط بافت نرم پوشانده
نشود و منجر به پارگی و عریان شدن بافت
(dehiscence) شود.

رجوع شود به: Exposure, Stage-two surgery

Implant failure

رجوع شود به: Failed implant

Implant fracture

شکسته شدن یک ایمپلنت دندان به دو یا
چند قسمت.

Implant head

در مورد ایمپلنت‌های تیغه‌ای یا

ساب پریوستتال به بخش بالای گردن ایمپلنت جهت اتصال به رستوریشن پروتزی اطلاق می‌شود. نام دیگر آن اباتمنت است.

Implant insertion

عمل مکانیکی قرار گرفتن یک ایمپلنت دندان در حفره استئوتومی.

Implant installation

رجوع شود به:

Implant insertion, Implant placement

Implant interface

ناحیه تماس بین بافت‌ها (نظیر استخوان، بافت نرم) و سطح یک ایمپلنت دندان.

Implant length

اندازه‌گیری در واحد میلی‌متر در ایمپلنت‌های دو قطعه‌ای در جهت کروئوپیکال از لبه پلت فرم تا اپکس ایمپلنت.

در ایمپلنت‌های یک قطعه‌ای (one-piece)، اندازه‌گیری در واحد میلی‌متر در جهت کروئوپیکال از سطحی که برای استئواینتگریشن در نظر گرفته شده، محاسبه می‌شود.

Implant-level impression

قالب‌گیری از پلت فرم ایمپلنت با استفاده از ایمپرشن کوپینگ ایمپلنت.

رجوع شود به:

Abutment-level impression, Closed-tray impression, Open-tray impression

Implant loading

رجوع شود به: Loading

Implant loss

رجوع شود به: Failed implant

Implant mobility

حرکت قابل مشاهده ایمپلنت دندان در معاینه بالینی.

رجوع شود به: Macromotion, Micromotion

Implant mount

وسیله‌ای که به ایمپلنت متصل می‌شود تا قرارگیری ایمپلنت دندان در ناحیه استئوتومی به سهولت انجام شود. می‌توان از ایمپلنت مانع جهت چرخش ایمپلنت در عمق از پیش تعیین شده همراه با تورک مناسب استفاده کرد. ایمپلنت مانع پس از جایگذاری ایمپلنت و تأیید موقعیت جایگذاری خارج می‌شود.

Implant neck

مترادف: Cervix

۱. ایمپلنت دندان ریشه‌ای شکل: کروئالی‌ترین نمای یک ایمپلنت دندان.

۲. ایمپلنت تیغه‌ای یا ساب پریوستتال: قطعه اتصال دهنده ایمپلنت به سر ایمپلنت یا اباتمنت. (تصویر)

Implant overdenture

رجوع شود به: Overdenture (implant)

Implant periapical lesion

رادیولوسنسی لوکالیزه در اپکس ایمپلنت

دندانی ریشه‌ای شکل.

این حالت می‌تواند علامت‌دار یا بدون علامت باشد.

علائم حاد ممکن است شامل فیستول همراه با ترشحات چرکی و یا درد حین لمس باشد.

Implant placement

مراحل جراحی که شامل دریل کردن ناحیه استئوتومی و جایگذاری ایمپلنت در استخوان است که به دو روش انجام می‌شود: یا به صورت جراحی دو مرحله‌ای که ایمپلنت با بافت‌های لثه پوشانده می‌شود تا استئواینترگریشن صورت پذیرد.

یا به صورت جراحی تک مرحله‌ای که از کلار هیلینگ ترانس موکوزال با یا بدون انجام فلپ بافت نرم استفاده می‌شود.

Implant prosthesis

هر نوع پروتزی (ثابت، متحرک یا ماگزیلوفاسیال) که از ایمپلنت‌های دندانی در یک ناحیه یا تمام فک جهت گیر، ساپورت و ثبات استفاده می‌کند.

Implant prosthodontics

هر بخشی از دندانپزشکی ایمپلنت که با تشخیص، طرح درمان قبل از جراحی، ساخت و جایگذاری پروتزهای ثابت یا متحرک بر روی قطعات ایمپلنت دندانی مربوط است.

Implant rejection

شکست یک ایمپلنت دندانی به دلیل عدم استئواینترگریشن.

Implant-retained prosthesis

پیشنهاد:

Implant-supported prosthesis,

Implant-tissue-supported prosthesis

رجوع شود به:

Cement-retained, Fixed prosthesis,

Hybrid prosthesis, Removable prosthesis,

Screw-retained

Implant root

مترادف: Implant body

Implant scaler

وسیله‌ای که جهت برداشتن پلاک و دبریدمان شیار اطراف ایمپلنت به کار می‌رود. انواعی از سر قلم‌های غیر فلزی، پلاستیکی، گرافیتی، نایلون یا آغشته به تفلن برای سطوح تیتانیومی پیشنهاد شده است.

Implant selection

مرحله انتخاب نوع و اندازه یک ایمپلنت دندانی براساس آناتومی ناحیه، دسترسی به جراحی و بازسازی پروتز طراحی شده.

Implant shaft

رجوع شود به: Implant body

Implant shape

خواص ماکروسکوپی یک ایمپلنت دندانی نظیر طراحی thread، طراحی اپکس، بدنه و گردن ایمپلنت.

Implant shoulder position

اصطلاح عامیانه، واژه درست:

Crestal implant placement, Subcrestal implant placement, Supracrestal implant placement رجوع شود به: Implant survival, Success rate

Implant site

ناحیه‌ای در ماگزیلا یا مندیبل که قرار است ایمپلنت گذاشته شود. رستوریشنی که تمامی ساپورتش را از ایمپلنت تأمین می‌کند. این نوع رستوریشن ممکن است ثابت یا متحرک، برای یک ناحیه یا تمام فک باشد.

Implant splinting

رجوع شود به: Splinting رجوع شود به: Fixed prosthesis, Overdenture (implant), Removable prosthesis

Implant stability

ارزیابی بالینی میزان ثابت شدن (fixation) یک ایمپلنت دندانی. رجوع شود به: Implant surface

Implant stability quotient (ISQ)

ISQ - عددی (براساس اندازه یک تا صد) که ثبات جانبی (lateral stability) ایمپلنت دندانی و در نتیجه به طور غیر مستقیم درجه استواینتگریشن به دست آمده با نقشه خطی آنالیز رزونانس فرکانسی (Resonance Frequency Analysis = RFA) را اندازه‌گیری می‌کند. (تصویر)

واحد اندازه‌گیری بر مبنای هرتز (Hertz) است. عدد ISQ در رابطه با میکروموبیلیتی ایمپلنت به روشی ساده با استفاده از وسیله مخصوص اندازه‌گیری Smartpegs اندازه‌گیری می‌شود. رجوع شود به: Implant surgery

$(ISQ \times 1000 = RFA \text{ in HZ})$

Implant success

وضعیت یک ایمپلنت دندانی براساس معیارهای موفقیت از پیش تعیین شده. رجوع شود به: Implant survival

Implant-supported prosthesis

رجوع شود به: رستوریشنی که تمامی ساپورتش را از ایمپلنت تأمین می‌کند. این نوع رستوریشن ممکن است ثابت یا متحرک، برای یک ناحیه یا تمام فک باشد.

Implant surface

رجوع شود به: Surface characteristic (implant) (تصویر)

Implant surgery

بخشی از دندانپزشکی ایمپلنت که مربوط به جایگذاری قطعات ایمپلنت در دهان است.

Implant survival

طول عمر یک ایمپلنت دندانی در حفره دهان. رجوع شود به: Implant success

Implant system

رجوع شود به: System (implant)

Implant therapy

رجوع شود به: Implant dentistry

Implant thread

رجوع شود به: Thread

Implant-tissue-supported prosthesis

اوردن چتری که ساپورتش را از ترکیب بافت‌های داخل دهانی و ایمپلنت‌های دندانی می‌گیرد. همیشه این نوع رستوریشن متحرک است و ممکن است به صورت کامل یا پارسیل باشد.

رجوع شود به:

Fixed prosthesis, Removable prosthesis

Crestal incision, External bevel incision, Internal bevel incision, Mucobuccal fold incision, Paracrestal incision, Releasing incision, Sulcular incision

Incisive foramen

یکی از چندین سوراخ کانال‌های اینسیزیو به داخل حفره اینسیزیو.

Implant try-in

رجوع شود به: Trial-fit gauge

Implant type

طبقه‌بندی ایمپلنت‌های دندانی براساس ساختار مهندسی بدنه اصلی و نوع جایگذاری. (تصویر)

Implant uncovering

رجوع شود به:

Stage-two surgery, Implant exposure

Inclusion criteria

خصوصیات ویژه‌ای که تمامی شرکت‌کنندگان جهت ورود به یک آزمایش بالینی یا مطالعه گروهی باید داشته باشند.

رجوع شود به: Exclusion criteria

Index

قالب به کار رفته جهت ثبت موقعیت نسبی یک ایمپلنت دندانی یا دندان با محیط اطرافش.

رجوع شود به: Buccal index

Impression coping

وسیله‌ای که موقعیت یک ایمپلنت دندانی یا اباتمنت ایمپلنت را در قالب ثبت می‌کند. ایمپرشن کوپینگ ممکن است در قالب قرار گیرد (روش مستقیم) یا به یک رابط (ترانسفر) نیاز داشته باشد تا قالب را از حفره دهان به آنالوگ مربوطه متصل کند (روش غیر مستقیم).

Indirect impression

رجوع شود به: Closed-tray impression

Indirect sinus graft

پیشنهاد: Osteotome technique

Individual suture

پیشنهاد: Interrupted suture

Incision

برش ایجاد شده در بافت نرم. رجوع شود به:

Infection

تهاجم و تکثیر میکرو ارگانیسم‌ها در داخل بافت‌ها که ممکن است از لحاظ بالینی غیر

قابل مشاهده باشد یا به دلایل زیر منجر به آسیب موضعی سلولی شود:
متابولیسم رقابتی، سموم، کپی برداری داخل سلولی یا پاسخ آنتی ژن - آنتی بادی.

Inferior alveolar canal

رجوع شود به: Mandibular canal

Inferior alveolar nerve (IAN)

یکی از شاخه‌های انتهایی عصب مندیولار که از عصب‌تری ژمینال جدا می‌شود. این عصب وارد کانال مندیولر شده، به دندان‌های فک پایین، پروستئون ولته مندیولر انشعابات عصبی می‌دهد. یک شاخه از این عصب - عصب منتال (چانه‌ای) - از سوراخ منتال جهت عصب‌دهی پوست و مخاط لب پایین و چانه عبور می‌کند.

Inferior dental foramen

رجوع شود به: Mandibular foramen

Inflammation

واکنش موضعی بافت‌های بدن به تهاجم میکروارگانیسم‌های پاتوژن یا به ترومای حاصل از زخم‌ها، سوختگی‌ها یا مواد شیمیایی که سعی در تخریب، اضمحلال یا از بین بردن عامل آسیب‌رسان و همچنین بافت آسیب دیده دارند. التهاب می‌تواند به صورت حاد یا مزمن باشد و با برخی یا تمامی پنج علائم اصلی بالینی توصیف می‌شود: قرمزی، تورم، درد، افزایش حرارت، نبود عملکرد (فانکشن).

Informed consent

توضیح شفاهی و کتبی در مورد تشخیص

و مراحل از پیش برنامه‌ریزی شده از دید جراحی/ترمیمی، به نحوی که تمامی اقدامات را شرح دهد، در نتیجه بیمار می‌تواند یک تصمیم عاقلانه نسبت به مراحل درمانی‌اش با توجه به آگاهی نسبت به عواقب و خطرات بعدی بگیرد.

دندانپزشک (جراح) باید به بیمار در مورد تمامی مزایا، خطرات و راهکارهای درمانی جایگزین در هریک از مراحل جراحی یا ترمیم یا سایر رشته‌های درمانی توضیح دهد و باید رضایت‌نامه کتبی بیمار را مبنی بر شروع درمان بگیرد. رضایت‌نامه گرفته شده به عنوان یک مدرک در پرونده بیمار ثبت می‌شود.

Infraction

شکستگی کنترل شده در:

۱. یک پنجره باز شده به روش جراحی در دیواره لترالی سینوس ماگزایلا.
۲. کف سینوس ماگزایلا به روش استئوتومی ایجاد شده در ریج استخوان با استفاده از استئوتوم.

Infraorbital artery

امتداد شریان داخلی ماگزایلاری که اغلب از انشعاب شریان آلوئولار خلفی فوقانی ناشی می‌شود. در داخل کانال اینفرا ارییتال به شاخه‌های آلوئولار قدامی فوقانی جهت خون‌رسانی دندان‌های قدامی ماگزایلا انشعاب می‌دهد. این شریان یکی از سه شریان اصلی تغذیه‌کننده سینوس ماگزایلاری است.
رجوع شود به:

Posterior lateral nasal artery, Posterior superior alveolar artery

Infrastructure

ایمپلنت‌ها و یا دندان‌های حمایت‌کننده یک رستوریشن پروتزی.

Initial stability

مترادف: Primary stability

درجه سختی یک ایمپلنت دندانی بلافاصله پس از جایگذاری‌اش در حفره استئوتومی.

در صورتی که ایمپلنت در زمان جایگذاری از لحاظ بالینی در حفره ثابت باشد (موبیلیتی نداشته باشد)، به عنوان یک ایمپلنت دارای ثبات اولیه (primary stability) در نظر گرفته می‌شود.

Insertion torque

مترادف: Placement torque

حداکثر تورک ثبت شده هنگام جایگذاری ایمپلنت در حفره استئوتومی به واحد نیوتن سانتی‌متر.

از این ویژگی می‌توان به عنوان اندیکاسیون ثبات مکانیکی ایمپلنت در استخوان استفاده کرد.

Insulin-like growth factors (IGF)

پپتیدهایی که مشابه انسولین رفتار می‌کنند و تکثیر سلولی را تحریک می‌کنند.

رجوع شود به: Platelet-rich plasma (PRP)

Interalveolar septum

بخشی از زائده آلئولار که استخوان آلئول را جدا و تیغه‌بندی می‌کند.

رجوع شود به: Interradicular septum

Interdental papilla

بخشی از لثه آزاد اشغال‌کننده فضای اینترپروگزیمال که در تماس بین دودندان مجاور وجود دارد.

رجوع شود به: Papilla
(تصویر)

Interim abutment

رجوع شود به: Temporary abutment

Interim prosthesis/restoration

مترادف: Provisional prosthesis/restoration
یک پروتز متحرک یا ثابت به منظور بازسازی و برقراری زیبایی، ثبات و فانکشن در یک مدت محدود زمانی. این پروتز به عنوان یک وسیله تشخیصی به منظور شبیه‌سازی پروتز نهایی از پیش طراحی شده به کار می‌رود.
این پروتز می‌تواند متکی بر دندان، متکی بر ایمپلنت یا ترکیبی از هر دو باشد.

Interimplant distance

فاصله افقی بین پلت‌فرم‌های دوا ایمپلنت مجاور هم.

Interimplant papilla

بافت نرم اشغال‌کننده فضای اینترپروگزیمال که در تماس بین پلاک متحرک ثابت متکی بر ایمپلنت وجود دارد.

رجوع شود به: Papilla
(تصویر)

Interlock

اتچمنت بین تاجی جهت جدا کردن قطعات یک رستوریشن پروتزی.

Intermaxillary relationship

رجوع شود به:
Maxillomandibular relationship

خروجی در انتهای نوک کارکرد فرز خارج می‌شود. با این روش محلول خنک‌کننده به داخل حفره استئوتومی پاشیده می‌شود.

Internal bevel incision

مترادف:
Inverse bevel incision, Inverted bevel incision, Reverse bevel incision

برش تیغه‌ای، در جهت کرونال به اپیکال جهت کاستن از ضخامت لثه یا مخاط اطراف ایمپلنت از سطح داخلی‌اش (سطح سالکولار).
رجوع شود به: External bevel incision

Internal connection

محل اتصال (اینترفیس) داخلی کانکشن پروتزی بر روی پلت‌فرم یک ایمپلنت دندان، نمونه‌هایی نظیر: internal hexagon، conical و Morse taper.
رجوع شود به: External connection

Internal hexagon

اینترفیس کانکشن شش ضلعی پلت‌فرم یک ایمپلنت از بخش تاجی‌اش که باعث عمل آنتی روتیشن اباتمنت - ایمپلنت و برقراری ثبات پروتز می‌شود، همچنین در جایگذاری و چرخش ایمپلنت در ناحیه استخوانی استئوتومی شده کمک می‌کند.

Internal irrigation

روش شستشو حین دریل کردن نواحی استئوتومی و جایگذاری ایمپلنت‌های دندان ریشه‌ای، به نحوی که محلول خنک‌کننده از داخل بدنه فرز دریل عبور می‌کند و از منفذ

Internal sinus graft

رجوع شود به: Sinus، Osteotome technique، graft

Internally threaded

وجود یک الگوی تضرس (thread) در داخل بدنه ایمپلنت دندان.

Interpositional graft

جایگذاری بافت گرافت در ضایعات استخوانی ۳، ۴ یا ۵ دیواره در نمونه‌هایی نظیر: سینوس گرافت، گرافت ساکت و ridge expansion.

Interradicular septum

بخشی از زائده آلویولار که ریشه‌های همان دندان را جدا می‌کند.
رجوع شود به: Inter-alveolar septum

Interrupted suture

بخیه‌ای که به صورت تکی در بافت فلپ گره می‌خورد.
رجوع شود به: Continuous suture

Intrabony

رجوع شود به: Endosseous

Intramucosal insert

رجوع شود به: Mucosal insert

Intraoral digital X-ray sensor

رجوع شود به: Sensor (Digital X-ray)

Intraoral distraction

مرحله‌ای در جراحی distraction که دستگاه distraction به طور کامل در داخل دهان قرار می‌گیرد.

Intraoral (internal) distraction device

وسیله‌ای که در داخل حفره دهان به منظور جراحی distraction osteogenesis قرار می‌گیرد. دستگاه ممکن است به استخوان (متکی بر استخوان) یا دندان (متکی بر دندان) و یا همزمان به دندان و استخوان (هیبرید) متصل شود.

Intraoral scanner

رجوع شود به:

3-D scanner, Parallel confocal imaging technology, Confocal microscopy, Digital impressions

Intramembranous ossification

تشکیل استخوان به نحوی که بافت همبند به عنوان یک غشا عمل می‌کند و داربستی جهت رسوب استخوان، بدون تشکیل بینابینی غضروف ایجاد می‌کند.

Intraosseous

مترادف: Endosseous
در داخل استخوان.

Intraosseous vessels

عروق احاطه شده در استخوان، به ویژه در دیواره جانبی سینوس ماگزایلا.

Intraosseous anastomosis (of the lateral wall of the maxillary sinus)

مترادف: Endosseous anastomosis

دیواره جانبی ماگزایلا و غشای سینوس توسط انشعابات شریان آلوئولار فوقانی خلفی (PSAA) و شریان اینفرا ارییتال (IOA) که در دیواره جانبی سینوس ماگزایلا با همدیگر آناستوموز دارند خون‌رسانی می‌شود. آناستوموز می‌تواند به صورت داخل استخوانی یا خارج استخوانی (وستیبولار) باشد. آناستوموز داخل استخوانی عموماً در ناحیه اولین مولر در فاصله ۱۵-۱۹ میلی‌متر از ریح آلوئولار یافت می‌شود و با وجودی که در ۱۰۰٪ موارد در فک بالا وجود دارد، فقط در حدود ۵۰٪ موارد در CBCT مشاهده می‌شود.

Intraosseous distractor

رجوع شود به: Endosseous distractor

In vitro

خارج از ارگانیزم زنده یا سیستم طبیعی. معمولاً به سیستم‌های مصنوعی آزمایشی نظیر کشت‌های آزمایشگاهی یا فرآورده‌های عاری از سلول اطلاق می‌شود.

In vivo

در درون ارگانیزم زنده یا سیستم طبیعی.

J

Irrigation

۱. تکنیک استفاده از یک محلول، معمولاً نرمال سالین فیزیولوژیک جهت خنک کردن فرز جراحی و شستشوی دبری‌های جراحی.

۲. عمل شستشوی یک ناحیه با استفاده از یک محلول.

رجوع شود به: External irrigation, Internal irrigation

Ischemia

کاستی و ناکارایی خون در یک ناحیه، به دلیل انقباض فاکشنال یا انسداد کامل یک یا چند رگ خونی.

Isogenic graft

رجوع شود به: Isograft

Isograft

مترادف:

Isogeneic graft, Isologus graft, Syngeneic graft
یک گرافت بافتی پیوند شده (ترانس پلانت شده) از یک فرد به فرد دیگر با خصوصیات ژنتیکی مشابه، نظیر دوقلوهای همسان (monozygotic twin).

Isologus graft

رجوع شود به: Isograft

Isotropic surface

قوام سطحی (surface texture) دارای توزیع تصادفی، به نحوی که در همه جهات دارای سطح یکسان است.

رجوع شود به: Anisotropic surface

Jig

رجوع شود به: Orientation jig, Verification jig

Joint-separating force

نیرویی که سعی در باز کردن قطعات متصل شده توسط پیچ دارد.

Jumping distance

رجوع شود به: Gap distance

Junctional epithelium

اپتیلیوم چسبنده به سطح یک ایمپلنت دندانی یا یک دندان در کف سالکوس.

این اپتیلیوم بخش تاجی عرضی بیولوژیک را می‌سازد و از یک یا چندین لایه سلول‌های غیر کراتینه تشکیل شده است. سلول‌های جانکشنال اپتیلیوم دارای یک غشای پایه‌ای به همراه اتصالات همی دسموزدهی در سطح ایمپلنت یا دندان هستند.

رجوع شود به: Epithelial attachment

K

Kaplan-Meier analysis

یک روش آماری جهت ارزیابی منحنی بقای جمعیت (نظیر ایمپلنت‌های دندانی) از یک نمونه است. بقا (survival) را در طول زمان می‌توان تخمین زد، حتی اگر بیماران حذف شوند یا در مدت زمان‌های متفاوت بررسی شوند.

Keratinized gingival

بخشی از مخاط دهانی پوشاننده لثه و کام سخت.

این بخش از مارجین لثه آزاد تا موکوزنیوال جانکشن امتداد می‌یابد و شامل لثه آزاد و لثه چسبیده است.

Knife-edge ridge

واژه‌ای که جهت توصیف آناتومی و مورفولوژی تیز یا باریک ریبج در ماگزایلا یا مندیبل، در نتیجه تحلیل پیش‌رونده به کار می‌رود.

L

Labial plate

رجوع شود به: Buccal plate

Laboratory analog

رجوع شود به: Analog/analogue

Laboratory screw

جزء مضرس مطابق با پی باتمنت (abutment screw) که توسط تکنسین لابراتوار جهت ساخت رستوریشن پروتزی استفاده می‌شود. با استفاده از این پیچ در لابراتوار از آسیب به پیچ پروتزی که جهت ثابت کردن پروتز در داخل دهان به کار می‌رود، جلوگیری به عمل می‌آید.

رجوع شود به:

Prosthetic screw, Try-in screw

Lamellar bone

رجوع شود به: Bone

Lapping tool

وسیله لابراتواری که با استفاده از هندپس سطوح ناصاف ایجاد شده حین کستینگ را در بخش اپیکالی یک اباتمنت حذف می‌کند.

Laser

مخفف:

Light amplification by stimulated emission of radiation

یک وسیله اپتیکال (نوری) که نور دارای فرکانس‌های مختلف را به انرژی پرتوتابی (یک پرتو) در نتیجه انتشار برانگیخته کنترل شده تبدیل می‌کند.

برخی خواص نظیر، monochromacy، coherence و collimation مشترک هستند.

Laser etching

استفاده از پرتو لیزر جهت جدا کردن انتخابی یک ماده از یک سطح (نظیر ایمپلنت دندان).

Laser phototherapy (LPT)

استفاده بالینی از منابع لیزری غیر یونیزه در کاربردهای غیر جراحی.

Laser welding

تکنیک اتصال قطعات فلزی (نظیر یک بار) با استفاده از پرتو لیزر.
پرتو تابیده یک منبع حرارتی متمرکز تولید می‌کند که اجازه جوش خوردگی‌های ظریف، عمیق و با استحکام بالا را می‌دهد.

Late implant failure

مترادف: Secondary implant failure
شکست یک ایمپلنت دندان بعد از آنکه استئواینترگریشن رخ داده است.
این نوع شکست ممکن است به دلیل یا همراه با پری ایمپلنتایتیس یا نیروهای شدید اکلوژالی باشد.

رجوع شود به: Early implant failure

Latency period

رجوع شود به:

Distraction osteogenesis (DO)

Lateral antrostomy

رجوع شود به:

Lateral window technique, Sinus graft

Lateral window technique

مترادف: External sinus graft

تهیه حفره دسترسی به سینوس ماگزایلا از طریق دیواره جانبی‌اش.

حفره دسترسی ایجاد شده جهت بالا بردن غشای اشنایدرین و گذاشتن ماده گرافت در بخش تحتانی فضای سینوس است.

رجوع شود به: Fenestration

Layered manufacturing

رجوع شود به:

Solid freeform fabrication (SFF)

Leukocyte and platelet rich fibrin (L-PRF)

یک ماده اتورژن نسل دوم (پلاکت تغلیظ شده) که بدون نیاز به وسایل تخصصی و اکتیواتور پلاکتی، با استفاده از سانتریفوژ خون گرفته شده از بیمار در مطب انجام می‌شود.

محصول تولید شده شامل ماتریکس فیبرینی متراکم، لوکوسیت، پلاکت و غلظت‌های بالای فاکتورهای رشدی است. پس از فشرده شدن، می‌توان این محصول را به صورت یک ماتریکس فیبرینی محکم و منعطف به تنهایی جهت بهبود در ترمیم زخم و بازسازی بافتی به کار برد. همچنین ماتریکس حاصل را می‌توان به همراه ذرات پودر استخوان جهت سهولت

کاربرد ذرات پودر استخوان در جراحی استفاده کرد.

Levofloxacin

آنتی بیوتیک فلوروکینولون وسیع الطیف که ممکن است خوراکی یا تزریقی تجویز شود. موارد کاربرد آن در جراحی‌های ایمپلنت در عفونت‌های شدید، به‌ویژه عفونت سینوس ماگزیلاست.

Life table analysis

روش آماری جهت توصیف بقا (نظیر ایمپلنت‌های دندانی) در یک نمونه است. توزیع زمان‌های بقا به فواصل زمانی معین تقسیم می‌شود. محاسبه‌گر در هر فاصله زمانی تعداد و جمعیت مواردی را که در فاصله زمانی مربوطه «زنده» هستند، تعداد و جمعیت مواردی را که در فاصله زمانی مربوطه شکست خوردند (یعنی تعداد مواردی را که «از دست رفتند») و تعداد مواردی را که در فالوآپ‌ها در فاصله زمانی مربوطه حذف یا سانسور شدند محاسبه می‌کند.

Lingual

نزدیک یا در سمت زبان یا مربوط به زبان. اغلب جهت تعیین کردن بخشی از سطح دندانی یا موقعیت یک ناحیه آناتومیک به کار می‌رود.

Lingual artery

شاخه شریان کاروتید با انشعابات به سطح زیرین زبان که به صورت یک شریان عمیق در زبان خاتمه می‌یابد. شریان لینگوال به زیر

اخه‌هایی در سوپرا هایوئید، انشعابات سطح پشتی زبان و شریان ساب لینگوال تقسیم می‌شود.

Lingual nerve

شاخه عصب مندیبولر از تنه عصبی تری ژمینال. این عصب در سمت تحتانی لترال پتریگوئید و سمت میانی و قدامی عصب اینفریور آلوئولار قرار دارد و عصب‌دهی غشای مخاطی دوسوم قدامی زبان و لثه را در سمت لینگوال دندان‌های مندیبل تأمین می‌کند.

Lingual plate

دیواره استخوانی در نمای لینگوالی یک استخوان آلوئول که شامل خود استخوان آلوئول، استخوان کورتیکال، با یا بدون استخوان اسفنجی بینابینی است.

Lining mucosa

رجوع شود به: Alveolar mucosa, Oral mucosa

Lip-lift

جایگذاری یک ماده رایبولوسنت، نظیر رول پنبه زیر لب حین اسکن CBCT جهت تشخیص دادن میزان ضخامت صفحه کورتیکال فاسیال یا باکال، میزان پوشش بافت نرم و یا ارزیابی پس از جراحی پیوند (گرافت) با مشخص کردن عمق وستیبول.

Lip line

به عنوان یک خط تجسمی (خیالی) متعاقب

مولرهای مندیبل را تأمین می‌کند.

لبه تحتانی لب بالا حین کشیده شدن لب بر اثر لبخند تعریف می‌شود.

به سه نوع Low، High، Medium طبقه‌بندی می‌شود و موقعیت لب رفرنسی جهت طراحی خط لبخند در طرح درمان ترمیمی و پروتزی جهت ایجاد زیبایی و فانکشن است.

Lithium disilicate

زیرساختار گلاس سرامیکی حاوی تقریباً ۷۰٪ کریستال‌های لیتیوم دی سیلیکات. جهت ساخت رستوریشن می‌توان از پرس‌ن‌های فلدسپاتیک متداول به منظور تأمین زیبایی بیشتر استفاده کرد. همچنین می‌توان از فرآیند حذف موم حین تکنیک پرس و بلوک‌های CAD/CAM بهره جست.

Load

هر نیروی مکانیکی خارجی به کار رفته بر روی پروتز، ایمپلنت دندان، اباتمنت، دندان، استخوان یا بافت.

Loading

به کار بردن یک نیرو به صورت مستقیم یا غیر مستقیم بر روی یک ایمپلنت دندان، دندان یا پروتز.

Long buccal nerve

شاخه عصب مندیبولر از تنه عصب تری ژمینال. این عصب از قدام از رأس عضله لترال پتریگوئید عبور می‌کند و به سمت تحتانی لبه قدامی عضله ماستر پایین می‌آید و عصب دهی پوست بر روی عضله باکسیناتور و غشای مخاطی پوشاننده بخش داخلی و لثه باکال

Longitudinal study

مطالعه‌ای که در آن مشاهدات بر روی افراد در دو یا چند مقطع زمانی انجام می‌شود.

Lost-wax casting technique

فرآیند اینوست کردن الگوی مومی یا پلاستیکی در قالب رفرکتوری که به منظور ذوب الگو در حرارت بالا در کوره قرار داده می‌شود. سپس حفره توخالی ایجاد شده با فلز مذاب پر شده، در نهایت الگوی ریختگی ساخته می‌شود.

Low energy laser therapy

اصطلاح عامیانه، واژه درست:

Low level laser therapy (LLLT)

Low intensity level laser therapy

رجوع شود به:

Low level laser therapy (LLLT)

Low level laser therapy (LLLT)

مترادف:

Low intensity level laser therapy, Low power laser therapy

نوعی درمان با لیزر جهت برانگیختن فانکشن سلولی.

اثرش به دلیل حرارت نیست، بلکه با واسطه واکنش شیمیایی نوری است که نفوذپذیری غشای سلولی را تغییر می‌دهد و منجر به افزایش سنتز mRNA و پرولیفراسیون سلولی می‌شود.

Low power laser therapy

رجوع شود به:

Low level laser therapy (LLLT)



Lyophilization

رجوع شود به: Freeze-drying

Machined implant surface

مترادف: Turned surface

سطح یک ایمپلنت دندانی که در نتیجه برش یک میله فلزی ایجاد می‌شود. تراشه‌های حاصل از تراش سطح ایمپلنت یک الگوی ماشینی به شکل خط و شیار ایجاد می‌کند. رجوع شود به:

Surface characteristics (implant), Textured surface

Macrointerlock

ثابت کردن توسط درهم قفل‌شدگی مکانیکی بین استخوان و بی‌نظمی‌های ماکرو بر روی ایمپلنت دندانی، نظیر: پیچ‌ها، سوراخ‌ها، منافذ، شیارها و غیره که ابعادی حدود ۵۰ میکرون یا بیشتر دارند.

Macromotion

حرکت اضافی ایمپلنت دندانی طی مرحله اول بعد از جایگذاری که ممکن است از ترمیم استخوان که باید منجر به استئواینتگریشن شود ممانعت به عمل آمده، بافت فیروز ایجاد شود.

Magnetic attachment

جزء گیردار غیر مکانیکی که عموماً جهت ایجاد گیر در اوردنچر یا در پروتزهای فکی صورتی وابسته به آلیاژهای حاوی عناصر نادر استفاده می‌شود.

Maintenance

مراحل درمانی که در فواصل زمانی انتخاب شده تعیین می‌شوند تا به نگهداری رستوریشن‌های پروتزی، سلامت بافت‌های پریودنتال و پری‌ایمپلنت کمک کنند.

Major (thread) diameter

بزرگترین قطر تضرس پیچ (screw thread) که با قطر خود پیچ مطابقت دارد.
رجوع شود به: Minor (thread) diameter (تصویر)

Malpositioned implant

ایمپلنت دندانی که از لحاظ ترمیمی، بیومکانیک و زیبایی در یک موقعیت چالش‌برانگیز نسبت به طرح درمان ایده‌آل جایگذاری شده است.

Mandibular block graft

رجوع شود به:
Mandibular ramus graft, Mandibular symphysis graft

Mandibular canal

مترادف: Inferior alveolar canal
کانالی در استخوان مندیبل که دربرگیرنده عصب و عروق آلوئولار تحتانی است. از سمت خلف به فورامن مندیبولر و از سمت قدام به فورامن منتال راه می‌یابد.

Mandibular flexure

تغییر شکل میانی (medial) در بدنه مندیبل به دلیل انقباض عضله پتریگوئید حین باز شدن و جلو آمدن فک پایین.

Mandibular foramen

منفذی در کانال مندیبولر در سطح میانی (medial) راموس مندیبل که محل عبور عصب، شریان و ورید آلوئولار تحتانی است.

Mandibular movement

عضله و لیگامال فعال شده با حرکات مرزی و پیش مرزی فک پایین.
این نوع حرکات حول محور افقی، فرونتال، ساژیتال، ترانزیشنال و چرخشی هستند.

Mandibular overdenture

رجوع شود به: Overdenture (implant)

Mandibular ramus

یک برجستگی چهار وجهی به سمت بالا و عقب در بخش خلفی بدنه مندیبل.
در انتهای فوقانی به مفصل گیجگاهی فکی به شکل یک دندانه زین‌اسبی (sigmoid notch) بین زواید کروئوئید و کندیالار ختم می‌شود. از این ناحیه می‌توان به عنوان یک منبع گرافت استخوانی استفاده کرد.

Mandibular ramus graft

رجوع شود به: Ramus graft

Mandibular staple implant

مترادف: Transmandibular implant
نوعی ایمپلنت دندانی بین استخوانی (transosseous) که به صورت یک صفحه در مرز تحتانی مندیبل ثابت می‌شود. پین‌های گیردار به عنوان اباتمنت تقریباً تا نیمه در مورد

تحتانی مندیبل به همراه دو پیچ بهم پیوسته که از بین استخوان کورتیکال عبور و در دهان تا نواحی کانین نفوذ می‌کنند، جایگذاری می‌شوند.
(تصویر)

Mandibular symphysis

خط جوش خوردن و یکی شدن دو نیمه جانبی بدنه مندیبل که در ناحیه تحتانی جهت تشکیل برجستگی چانه‌ای (mental protuberance) از هم جدا می‌شود. از این ناحیه می‌توان به عنوان یک منبع گرافت استخوانی استفاده کرد.

Mandibular symphysis graft

رجوع شود به: Chin graft

Mandibular torus

رجوع شود به: Torus

Marginal peri-implant area

بافت‌های مخاطی و استخوان کرسنال اطراف ایمپلنت.

Marking bar

وسیله روتاری برنده جهت اندازه‌گیری استخوان در ناحیه استئوتومی.

Master cast

قالب گچی یا اپوکسی رزین نهایی که تکنسین لابراتوار از آن جهت ساخت پروتز در لابراتوار و دندانپزشک جهت استفاده با ماشین تراش در مطب استفاده می‌کند.

Master impression

استفاده از مواد استاندارد جهت قالب‌گیری داخل دهانی و ایجاد تصویر منفی از دندان‌ها، ایمپلنت‌ها و بافت‌های دهانی و ساخت قالب گچی و رستوریشن پروتزی. همچنین می‌توان از اسکنر داخل دهانی جهت ساخت قالب مجازی استفاده کرد.

Mastication

فرآیندی که غذا توسط دندان‌ها خرد و آسیاب می‌شود. این اولین مرحله گوارش است و سبب افزایش سطح تماس غذاها و تجزیه بهتر توسط آنزیم‌ها می‌شود. غذا حین جویدن توسط زبان و گونه بین دندان‌ها قرار می‌گیرد تا جویده و آسیاب شود.

Masticatory mucosa

مخاط لثه و کام سخت چسبیده و کراتینه.

رجوع شود به: Oral mucosa

Matrix

۱. شبکه پیچیده‌ای از الیاف طبیعی یا سنتتیک که سبب تقویت و گسترش بافتی و ایجاد یک داربست جهت رشد، مهاجرت و تکثیر سلولی می‌شود.

۲. بخش مادگی یک اتچمنت.

رجوع شود به: Attachment, Patrix

Mattress suture

بخیه‌ای که دو بار از فلپ عبور می‌کند ولی از خط برش عبور نمی‌کند. هدف از این بخیه نزدیک کردن بافت‌های عمیق‌تر به همدیگر جهت کاهش کشش فلپ حین جوش خوردن

است. این بخیه ممکن است در جهت افقی یا عمودی باشد.

Maxilla

دواستخوان مشابه که تشکیل دهنده فک و کام دهان هستند. دو نیمه در درز intermaxillary به هم جوش می‌خورند و فک بالا را که شامل پیشانی، کام و زواید آلونولار و بینی هستند، تشکیل می‌دهند.

Maxillary antroplasty

رجوع شود به: Sinus graft

Maxillary antrum

رجوع شود به: Maxillary sinus

Maxillary artery

شاخه‌ای از شریان کاروتید خارجی که از پشت گردن مندیبل سرچشمه می‌گیرد و به سمت جلو بین راموس مندیبل و لیگامان اسفنومندیبولر و سپس حفره پتریگوپالاتین عبور می‌کند. این ریان ساختارهای عمیق صورت را خون‌رسانی می‌کند و ممکن است به بخش‌های مندیبولر، پتریگوئید و پتریگوپالاتین انشعاب یابد.

رجوع شود به:

Intraosseous anastomosis (of the lateral wall of the maxillary sinus)

Maxillary overdenture

رجوع شود به: Overdenture (implant)

Maxillary pseudocyst

یک کیست فاقد ترشح در سینوس ماگزایلا که معمولاً در کف سینوس مشاهده می‌شود و

با تجمع مایعات بین غشای سینوس و کف سینوس ایجاد می‌گردد. این یک کیست واقعی نیست چرا که فاقد غشای اپتیلیالی است.

رجوع شود به: Maxillary retention cyst

Maxillary retention cyst

یک کیست ترش‌حی که معمولاً در کلیشه رادیوگرافی دیده نمی‌شود و به دلیل انسداد مجرای غده سروموکوزی ایجاد می‌شود. با تجمع ترشحات، مجرا متسع شده، یک کیست که با اپتیلیوم مکعبی یا تنفسی احاطه شده به وجود می‌آید. این کیست ممکن است در کف سینوس، نزدیک استئوم یا بین پولیپ‌های آنترال (antral) به وجود آید و علت ایجاد آن ممکن است عفونت‌های سینوسی، آلرژی یا عفونت‌های ادنتوژنیک باشد.

رجوع شود به: Maxillary pseudocyst

Maxillary rhino-sinusitis

یک عفونت باکتریایی در سینوس ماگزایلا به همراه نشانه‌های رادیوگرافی با نمای هوا-مایع در مرحله حاد بیماری. سمپتوم‌ها شامل تخلیه چرک از بینی، احتباس بینی و درد صورتی.

وقتی علایم بیماری از حالت حاد به مزمن پیشرفت می‌کند، باکتری‌های بی‌هوازی پاتوژن‌های غالب بیماری‌زا می‌شوند. در صورتی که عفونت ظرف شش هفته برطرف نشود یا دچار عود شود یک عفونت مزمن در نظر گرفته می‌شود.

Maxillary sinus

مترادف:

Antrum of Highmore, Maxillary antrum

حفره هوایی در بدنه ماگزیلا که توسط غشای شنایدرین که از اپتیلیوم ستونی مژده‌دار مطابق کاذب تشکیل شده، احاطه شده است. معمولاً در بخش فوقانی ریشه‌های پری مولرها و مولرهای ماگزیلا قرار دارد و عموماً به صورت قدامی خلفی از ناحیه کانین یا پری مولر به ناحیه مولر یا توپرازیده گسترش می‌یابد. از لحاظ آناتومی، یک حفره هرمی است که بین دیواره‌های نازک استخوانی نواحی اربیتال، (کف) آلوتولار، فاسیال و اینفراتمپورال ماگزیلا احاطه شده است. رأس هرم به سمت زائده زایگوماتیک است و قاعده هرم به صورت (میانی) دیواره لترالی حفره بینی را تشکیل می‌دهد.

سینوس ماگزیلا با حفره بینی از طریق یک خروجی در مئآتوس میانی به نام استئوم (ostium) در ارتباط است. کف سینوس توسط زواید آلوتولار ماگزیلا و بخشی از کام سخت تشکیل می‌شود و در نواحی پری مولرها و مولرها تحلیل‌ها و فرورفتگی‌هایی دارد. هر سینوس معمولاً دارای حجمی حدود ۱۵ میلی‌متر است.

رجوع شود به:

Alveolar recess, Maxillary sinus septum

Maxillary sinus aplasia

پاتولوژی پیشرفته که در رابطه با نقص در رشد سینوس ماگزیلا توصیف می‌شود. این حالت در نمای رادیولوژی از روی آنتروم ماگزیلای اپک تشخیص داده می‌شود و ممکن است با سینوزیت یا نئوپلاسم در تشخیص اشتباه شود (تشخیص افتراقی).

Maxillary sinus augmentation

رجوع شود به: Sinus graft

Maxillary sinus floor

مترادف: Antral floor

دیواره تحتانی سینوس ماگزیلا، در رابطه با ریشه‌های مولرها یا پری مولرهای ماگزیلا یا ریج بی‌دندانی.

Maxillary sinus floor elevation

رجوع شود به: Sinus graft

Maxillary sinus pneumatization

رجوع شود به:

Sinus pneumatization (maxillary)

Maxillary sinus septum

مترادف: Underwood cleft or septum

ساختار استخوانی آناتومیکی شبیه ستون فقرات یا تار عنکبوت که در بعضی از سینوس‌های ماگزیلاری وجود دارد. این ساختار تیغه‌ای ممکن است بخش تحتانی سینوس را به بخش‌ها یا اتاقک‌های کوچک (loculi) تقسیم کند.

رجوع شود به: Alveolar recess

Maxillary sinus hypoplasia (MSH)

ناهنجاری تکاملی پاتولوژیک که به عنوان سینوس ماگزیلای تکامل نیافته توصیف می‌شود. در نمای رادیولوژیک به صورت یک توده اپک متمایل به مرکز (centripetal opacification) آنتروم ماگزیلا تشخیص داده می‌شود. این حالت می‌تواند به صورت

Mechanical failure

مادرزادی یا در نتیجه عوامل مستقیمی، نظیر: تروما، عفونت، تداخل جراحی یا پرتوتابی ماگزایلا حین دوران تکامل رشد استخوان ماگزایلا ایجاد شود.

ترک (fracture) یا تغییر شکل یک ایمپلنت، اباتمنت، ماده یا ساختار ترمیمی.

Median

اندازه‌گیری گرایش مرکزی.

Maxillary sinusitis

رجوع شود به: Sinusitis (Maxillary)

«میان» امتیاز متوسط در یک توزیع یا گروهی از امتیازهای رده‌بندی شده است. وقتی تعداد اندازه‌ها در یک نمونه زوج است، میان از طریق محاسبه میانگین دو اندازه وسطی به دست می‌آید.

Maxillary torus

رجوع شود به: Torus

Maxillary tuberosity

دیستالی‌ترین بخش ریح ماگزایلا، به صورت دوطرفه.

Medical-grade calcium sulfate (MGCS)

از این ناحیه می‌توان به عنوان یک منبع استخوانی اتوزن استفاده کرد. همچنین ساپورت پروتز را تأمین می‌کند.

نوعی کلسیم سولفات bioengineer که به صورت یک ترکیب جایگزین استخوان (bone substitute) در جراحی‌های گرافت داخل دهانی استفاده می‌شود.

Maxillectomy

برداشتن کامل ماگزایلا به روش جراحی.

شکل و اندازه کریستال‌های همی هیدرات جهت کنترل و تحلیل آهسته‌تر متنوع است.

رجوع شود به: Calcium sulfate

Maxillofacial prosthesis

رستوریشنی که ساختارهای دهانی، دهانی فکی (استوماتوگناتیک) یا مجموعه‌ای صورتی (کرانیوفاسیال) را توسط پروتز متحرک یا ثابت جایگزین می‌کند. ساپورت و گیر پروتز توسط دندان‌های طبیعی، بافت‌های احاطه‌کننده و یا ایمپلنت‌های داخل استخوانی تأمین می‌شود.

Medullary

مربوط به مغز استخوان.

Medullary bone

رجوع شود به: Bone

Mean (arithmetic)

میانگین؛ اندازه‌گیری گرایش مرکزی که با جمع کردن همه اندازه‌ها در گروه و تقسیم بر تعداد اندازه‌ها در گروه محاسبه می‌شود.

Megapascal (MPa)

یک واحد فشار یا استرس برابر است با یک میلیون پاسکال که معادل

145 psi (lb/in²) 9.87 یا kg/cm².

Membrane

رجوع شود به:

Barrier membrane, Schneiderian membrane

Membrane exposure

رجوع شود به: Exposure

Mental foramen

سوراخ قدامی کانال مندیبل در بخش کناری
بدنه مندیبل در ناحیه اولین پری مولر که
محل عبور عروق و اعصاب متال است.

Mental nerve

شاخه پایانی عصب آلوئولار تحتانی که از کانال
مندیبیل سرچشمه می گیرد و از سوراخ متال
جهت عصبدهی چانه و لب پایین عبور می کند.

Mesenchymal stem cell (MSC)

سلول های بنیادی مزانشیمی یا MSC ها
سلول های همبندی بالقوه هستند که می توانند به
انواعی از سلول ها تمایز یابند، نظیر:
استئوبلاست ها (سلول های استخوانی)،
کندروسیت ها (سلول های غضروفی)،
منوسیت ها (سلول های عضلانی) و
آدیپوسیت ها (سلول های چربی).

Mesostructure

بخشی از رستوریشن که کمپلکس ایمپلنت
دندانی (بخش تحتانی) را به بخش فوقانی
متصل می کند.

Meta-analysis

یک روش کمی در ترکیب کردن نتایج حاصل

از مطالعات غیر وابسته که حاوی معیارهای
پروتکلی خاص (که معمولاً از مقالات چاپ
شده استخراج شده اند) و خلاصه مقالات و
نتایج ترکیبی است و می توان در ارزیابی
اثربخشی درمانی و طرح ریزی مطالعات جدید از
آنها استفاده کرد.

Metal encapsulator

رجوع شود به: Metal housing

Metal housing

مترادف: Metal encapsulator

بخشی از ساختار انچمنت در پروتز متحرک.
بخش گیردار قابل تعویض در housing فلزی
قرار می گیرد و هر زمان لازم باشد تعویض
می شود.

Metal tap

رجوع شود به: Tap

Methylprednisolone

یک داروی گلوکوکورتیکوئید با نیمه عمر
متوسط که به صورت داخل عضلانی، داخل
وریدی و خوراکی تجویز می شود.
رجوع شود به: Glucocorticoid

Metronidazole

یک آنتی بیوتیک (C6H9N3O3) قابل استفاده در
درمان عفونت های ایجاد شده با ارگانیزم های
حساس، به ویژه باکتری های بی هوازی و پروتوزا.

Microgap (IAJ)

رجوع شود به:

Implant-abutment junction (IAJ)

عصبدهی پری مولرهای ماگزایلا ادامه می‌یابد.

Microinterlock

درهم قفل شدگی استخوان در بی‌نظمی‌های میکرونی سطح ایمپلنت دندان‌ی دارای texture، نظیر: ایمپلنت‌هایی که با سندبلاست، پوشش دادن ماده (coating)، بمباران یونی که ابعادی کمتر از ده میکرون دارند تولید می‌شوند.

Micromotion

حرکت میکرونی ایمپلنت دندان‌ی که این‌گونه تعریف می‌شود: جابه‌جایی بدنه یک ایمپلنت نسبت به بافت‌های اطراف که با چشم غیر مسلح قابل مشاهده نیست. این میزان فاصله‌ای است که ایمپلنت (در واحد میکرومتر) حرکت می‌کند، وقتی که یک نیروی جانبی (در واحد نیوتن) وارد می‌شود. حرکت‌های میکرونی بیش از حد ممکن است در فرآیند استئواینتگریشن ایمپلنت‌های دندان‌ی تداخل ایجاد کند.

Midcrestal incision

برشی که در وسط کمرست یک ریح بی‌دندان‌ی تهیه می‌شود.

رجوع شود به:

Crestal incision, Mucobuccal fold incision, Paracrestal incision

Middle superior alveolar nerve

شاخه عصب اینفرا اربیتال که از شکاف اینفرا اربیتال سرچشمه می‌گیرد و به سمت پایین و جلو در دیواره لترالی سینوس جهت

Mid-palatal implant

رجوع شود به: Palatal implant

Mini-implant

یک ایمپلنت دندان‌ی ریشه‌ای شکل با قطر کوچک که ممکن است به صورت یک قطعه (one-piece) یا دو قطعه (two-piece) باشد. از مینی‌ایمپلنت جهت ساپورت و یا گیر پروتز موقتی یا نهایی استفاده می‌شود.

رجوع شود به: Transitional implant (تصویر)

Miniscrew

ایمپلنت کوچک تیتانیومی مضرس که جهت ایجاد انکوریج موقت ارتودنسی از طریق گیر مکانیکی در استخوان منوکورتیکال به کار می‌رود.

رجوع شود به:

Orthodontic implant, Temporary anchorage device (TAD)

Minor (thread) diameter

کوچکترین قطر دندان‌ی یا تضرس پیچ (screwthread)

رجوع شود به: Major (thread) diameter

Misfit

عدم تطابق بین دو قسمت یا دو جزء منطبق.

Mobility (implant)

رجوع شود به: Implant mobility

Mode

رجوع شود به:

امتیاز یا اندازه‌ای که با بیشترین تکرار در یک توزیع رخ می‌دهد.

Zirconium (Zr), Zirconium oxide

Modeling (bone)

مکان‌های غیر وابسته تشکیل و تحلیل که منجر به تغییر در شکل یا اندازه استخوان می‌شود. این فرآیند حین رشد و ترمیم رخ می‌دهد.

Morse taper connection

یک اینترفیس کانکشن داخلی شامل یک سطح مدور همگراست که یک قفل‌شدگی مکانیکی اصطکاکی ایجاد می‌کند. به این نوع کانکشن cold weld می‌گویند.

Modulus of elasticity

مترادف: Elastic modulus

نسبت استرس به استرین در وضعیتی که تغییر شکل در حالت الاستیکی است. این حالت درجه سفتی یا انعطاف‌پذیری یک ماده است. یک ماده سفت ضریب کشسانی (MOE) بالا و یک ماده منعطف ضریب کشسانی (MOE) پایینی دارد.

به ضریب کشسانی، ضریب (Youngs modulus) هم می‌گویند.

Motion artifact

استفاده از زمان در آخرین تکنولوژی CBCT بدین‌صورت که زمان کافی را برای سر بیمار هنگامی که بعضی حرکات جزئی یعنی عمل قورت دادن انجام می‌دهد، فراهم می‌کند. اگر جسمی حین فرآیند اسکن کردن حرکت کند، پردازشگر کامپیوتر حرکت را در نظر نمی‌گیرد، در نتیجه وضوح و دقت تصویر به مخاطره نمی‌افتد.

رجوع شود به: Artifact, Scatter

Moment

بزرگی نیروی به کار رفته در یک سیستم چرخشی در فاصله‌ای از محور چرخش.

Motion-sensing device (implant)

وسیله ارزیابی‌کننده موبیلیتی نسبی یک ایمپلنت دندانی در رابطه با استخوان اطرافش.

Monolithic zirconia (MZ)

کراون‌ها و بریج‌های تکی و بریج‌های تمام فکی ساخته شده از بلاک‌های تکی زیرکونیایی که توسط دستگاه CAD/CAM تراشیده می‌شوند. این رستوریشن‌ها دارای استحکام بالا و کاهش لب‌پریدگی و شکست هستند.

Motion tracking

ردیابی وضعیت فضایی اجسام متحرک نسبت به دستگاه هماهنگ‌کننده مرجع.

رجوع شود به:

Handpiece motion tracker, Patient motion tracker

Mount

رجوع شود به: Implant mount

Mucobuccal fold incision

مترادف: Vestibular incision
برش (اینسیژن) ایجاد شده در موکوباکال فولد.
رجوع شود به:
Crestal incision, Midcrestal incision

Mucoccele (oral)

تورم بافت همبند از تجمع مایعات به نام موسین.
این حالت به دلیل تخریب مجرای غده بزاقی که معمولاً به دلیل ترومای (آسیب) موضعی در موارد نشست موکوس رخ می‌دهد و همچنین به دلیل انسداد یا تخریب مجرای بزاقی (مجرای پاروتید) در موارد کیست احتباسی مخاطی ایجاد می‌شود.
اگرچه واژه کیست اغلب به این ضایعات اطلاق می‌شود، موکوسل‌ها عموماً کیست واقعی نیستند، چرا که غشای مخاطی ندارند. درست‌تر آنست که موکوسل‌ها به عنوان پولیپ (به عبارتی توده) طبقه‌بندی شوند.

Mucogingival junction

خط جداکننده مخاط جونده و مخاط آلوئولار.

Mucogingival surgery

جراحی پریدونتال جهت تصحیح نقایص موجود در مورفولوژی، موقعیت و یا میزان لثه.
این جراحی جهت اصلاح یا حذف بدشکلی‌های آناتومیک، رشدی یا تروماتیک ایجاد شده در لثه و مخاط آلوئولار انجام می‌شود.
رجوع شود به: Periodontal plastic surgery

Mucoperiosteal flap

رجوع شود به: Full-thickness flap

Mucoperiosteum

لایه پریوست، بافت همبند و بافت اپیتلیال که استخوان ماگزایلا و مندیبل را می‌پوشاند.

Mucosa

لایه اپیتلیال پوشاننده حفرات بدن که به خارج راه باز می‌کند.
رجوع شود به: Oral mucosa

Mucosal implant

رجوع شود به: Mucosal insert

Mucosal insert

مترادف:
Button implant, Epithelial implant, Intramucosal insert, Mucosal implant
وسیله قارچی شکل که به سطح بافت یک دنچر متحرک دارای تطابق بالا با بستر لثه‌ای زیر نیش متصل می‌شود.
استفاده از چندین mucosal insert گیر و ثبات دنچر را افزایش می‌دهد.

Mucosal peri-implant tissues

بافت‌های نرم (بافت‌های اپیتلیوم و همبند) احاطه‌کننده بخش اکسپوز شده یک ایمپلنت دندانی.

Mucous retention cyst

کیست حاصل از انسداد یک مجرا که معمولاً در غده پاروتید یا غدد بزاقی فرعی رخ می‌دهد.

Mucosal-supported surgical guide/ template

رجوع شود به:

Surgical guide, Surgical template

Mucositis

التهاب مخاط.

رجوع شود به: Peri-implant mucositis

Multi-unit abutment

اباتمنت پیچ‌شونده و قابل استفاده در قوس‌های فکی با بی‌دندانی کامل یا نسبی، در دو نوع مستقیم و زاویه‌دار، دارای collar height متنوع جهت تطابق با ضخامت عمودی بافت نرم.

رجوع شود به:

Abutment, Angulated abutment

Multi axis machines

پیشرفته‌ترین ماشین تراش CNS که می‌تواند دو یا چند محور اضافه بر سه محور معمول (xyz) جهت تراش اضافه کند.

ماشین‌های میلینگ (تراش) افقی دارای یک محور QLC هستند که اجازه می‌دهد قطعه کار که در محور افقی مانت شده، با چرخش به صورت غیر قرینه و خارج از مرکز (eccentric) تراش بخورد.

محور پنجم (محور B) شیب (tilt) خود وسیله را کنترل می‌کند.

وقتی تمامی این محورها در رابطه با هم به کار می‌روند، ساختارهای مهندسی بسیار پیچیده، نظیر اباتمنت‌های CAD/CAM یا رستوریشن‌های تمام فکی زیرکونیای منولیتیک را می‌توان با این دستگاه‌ها تراش داد.

رجوع شود به:

CAD/CAM, CNS milling (CNS)

Mylohyoid ridge

گسترش افقی استخوان در سمت لینگوال پری مولرها و مولرهای مندیبل که به عضله مایلوهایوئید متصل می‌شود و کف دهان را تشکیل می‌دهد.

Multicenter study

یک آزمایش بالینی که بر اساس یک پروتکل، در بیش از یک مرکز تحقیقات و متعاقباً توسط گروهی از محققان انجام می‌شود.



Narrow ridge implant (NRI)

ایمپلنت مرحله دوم (2nd stage) به شکل صفحه (plate) و قابل استفاده در ریح‌های باریک.

Nasopalatine nerve

شاخه‌ای از گانگلیون پتریگوپالاتین که از فورامن اسفونوپالاتین، در امتداد کف حفره بینی تا سپتوم بینی و در جهت مایل به سمت پایین و از داخل کانال انیسیزیو عبور می‌کند. عصب نازوپالاتین عصب‌دهی قسمت قدامی کام سخت و مخاط سپتوم بینی را تأمین می‌کند.

Natural tooth intrusion

حرکت اپیکالی دندان که توسط یک نیروی خارجی یا تروما ایجاد می‌شود. در مقالات دندانپزشکی گزارش شده است که این پدیده به دلیل اسپلینت کردن دندان‌های طبیعی به ایمپلنت دندان‌های توسط یک پروتز ثابت (بریج ایمپلنت - دندان) رخ می‌دهد.

Navigation

رجوع شود به: Navigation surgery

Navigation surgery

مترادف:

Computer-aided navigation, Implant guided surgery, Navigation, Surgical navigation

یک روش جراحی متمایز و ویژه که محل قرارگیری وسیله جراحی حین جراحی بر روی صفحه کامپیوتری به صورت چشمی - براساس تصویر تشخیصی بیمار و اطلاعاتی که از بیمار ثبت شده و تکنولوژی motion tracking قبل از عمل - کنترل می‌شود.

در جایگذاری ایمپلنت، با استفاده از تصاویر جازی که نشان‌دهنده موقعیت واقعی رستوریشن است و تصاویر CT از پیش گرفته شده که نشان‌دهنده ساختارهای آناتومیک است، محل دریل کردن و جایگذاری ایمپلنت هدایت می‌شود. دریل ایمپلنت براساس مسیر دریل از پیش تعیین شده یا موقعیت ایمپلنت توسط نشانگرهای کامپیوتری نشان‌دهنده مسیر هدایت می‌شود.

رجوع شود به: Registration

Nd:YAG laser

مخفف:

Neodymium-doped yttrium aluminum grand laser

لیزر نوع سخت حاوی کریستال Nd:YAG که طول موجی برابر با ۱۰۶۴ نانومتر ساطع می‌کند و عموماً در جراحی بافت نرم به کار می‌رود.

Necrosis

مرگ سلول‌ها و بافت‌ها، به دلیل عدم خون‌رسانی، سموم باکتریایی یا عوامل فیزیکی و شیمیایی.

Neoplasm

توده بافتی نابهنجار که وقتی بدخیم شود

فاکتورهایی که منجر به axonotmesis می‌شود، می‌تواند به صورت موضعی یا سیستمیک رخ دهد. متاستاز دهد.

Nerve lateralization

مترادف: Nerve repositioning

Nerve repositioning

مترادف:

Nerve lateralization, Nerve transpositioning

مرحله جراحی که تنه عصبی آلوئولار تحتانی را جهت جایگذاری ایمپلنت‌های بلندتر در ریج‌های شدیداً تحلیل رفته منبذیل جابه‌جا می‌کند.

Nerve transpositioning

رجوع شود به: Nerve repositioning

Neurapraxia

آسیب خفیف عصب به دلیل فشرده شدن یا کشیده شدن.

هیچ‌گونه آسیب جدی به تنه عصبی و هیچ‌گونه دژنراسیون آکسیونی مشاهده نمی‌شود. اغلب بهبودی خودبه‌خود عملکردهای حسی و یا حرکتی ظرف یک تا چهار هفته پس از آسیب رخ می‌دهد.

Neurotmesis

آسیب عصبی که شامل تخریب کامل تنه عصبی است و منجر به دژنراسیون Wallerian می‌شود. عملکردهای حسی و یا حرکتی مختل می‌شوند. پتانسیل بهبودی بعید است.

در دندانپزشکی ایمپلنت، این حالت ممکن است به دلیل برش عصب یا هریک از

Newton (N)

واحد نیرو، که برابر است با میزان نیروی مورد نیاز به یک جسم یک کیلوگرمی که سرعتی برابر یک متر بر مربع ثانیه داشته باشد.

Newton centimeters (Ncm)

واحد تورک چرخشی.

Nightguard

رجوع شود به: Occlusal guard

Nominal implant length/diameter

طول یا قطر یک ایمپلنت دندانی که بر روی برچسب کارخانه سازنده نوشته شده است.

رجوع شود به: Actual implant length/diameter

Nonabsorbable

خصوصیات مربوط به محصولات غیر اتوژنی که هیچ‌گونه تجزیه‌ای در طول زمان نشان نمی‌دهند.

رجوع شود به: Nonresorbable

Nonangled abutment

رجوع شود به: Nonangulated abutment

Nonangulated abutment

مترادف:

Nonangled abutment, Straight abutment

اباتمنی باندنه موازی محور طولی ایمپلنت دندانی.

Nonaxial loading

به نیروهای وارد شده بر ایمپلنت دندانی خارج از محور طولی اش اطلاق می‌شود.

expanded polytetrafluoroethylene (e-PTF)

در نتیجه نیاز به مرحله دوم جهت خارج کردن ممبران است.

Nonengaging

خصوصیت یک ایمپلنت دندانی یا جزء پروتزی که در طراحی مکانیکی آنتی روتیشن شرکت نمی‌کند.

Nonsteroidal anti-inflammatory drug (NSAID)

دسته‌ای از داروها با خواص تسکین‌دهی (غیر تخریری)، تب‌زدایی و ضد التهابی. مکانیسم عملکردشان به صورت مهار سنتز پروستاگلندین‌های حاصل از اسید آراشیدونیک است.

Nonfunctional loading

رجوع شود به: Nonocclusal loading

Nonhexed

یک جزء یا تمام ایمپلنت دندانی بدون اینترفیس کانکشن هگزگونال.

Nonsubmerged implant

جایگذاری ایمپلنت به صورت یک مرحله‌ای با استفاده از بخش ترانس موکوزال که بر ترمیم بافت نرم کمک می‌کند و نیاز به مرحله دوم جراحی را مرتفع می‌سازد.

Nonlamellar bone

رجوع شود به: Bone

Nonsubmergible implant

رجوع شود به: One-stage implant

Nonocclusal loading

رستوریشنی که در حرکات طرفی و یا وضعیت حداکثر تماس بین کاسپی با دندان‌های مقابل در تماس نیست، هرچند که گونه‌ها، زبان، لب‌ها و غذا ممکن است با رستوریشن در تماس باشند.

Nonthreaded implant

ایمپلنت دندانی بدون تضرس‌های خارجی (external threads) بر روی گردن و بدنه‌اش.

Nonresorbable

موادی که در داخل بدن موجود زنده تجزیه نمی‌شوند.

Nonworking side

ناحیه‌ای از قوس فکی که در سمت مخالف دندان‌هایی است که حین حرکت مندیبل بر روی هم قرار می‌گیرند و یا تماس اکلوژالی برقرار می‌کنند.

Nonresorbable membrane

ماده‌ای که در حفره دهان تجزیه نمی‌شود، نظیر:



Oblique slice

رجوع شود به: Cross-sectional slice

Occlusal adjustment

ایجاد تغییراتی در سطح جونده یک یا چند دندان جهت بهبود فانکشن و مورفولوژی

Occlusal guard

دستگاه متحرک جهت به حداقل رساندن اثرات تخریبی ناشی از دندان قروچه و سایر عادت‌های مخرب اکلوژالی بر روی دندان‌های طبیعی، ایمپلنت‌های دندان و رستوریشن‌های پروتزی.

Occlusal loading

رستوریشنی که در حرکات طرفی و یا وضعیت حداکثر تماس بین کاسپی با دندان‌های مقابل در تماس اکلوژالی است.

Occlusal overload

رجوع شود به: Overload (occlusal)

Occlusive membrane

رجوع شود به: Barrier membrane

Occlusal table

آناتومی سطح اشتراکی دندان‌های خلفی شامل کاسپ‌های مولر و پری‌مولر، سطوح شیب‌دار، ریح‌های مارجینال، گرووها و فوساها.

One-part implant

ایمپلنت دندانی که بخش‌های داخل استخوانی و ترانس موکوزال به صورت یک واحد هستند و سطح ایمپلنت هیچ درزی (microgap) به بافت‌ها ندارد.

One-piece abutment

اباتمنی که برای اتصالش به ایمپلنت دندانی از هیچ پیچ نگهدارنده اضافه‌ای استفاده نشده است. این اباتمنت می‌تواند توسط سمان یا پیچ یا اصطکاک متصل شود.

One-piece implant

نوعی ایمپلنت دندانی که بخش داخل استخوانی و اباتمنت یک واحد هستند.

One-screw test

آزمایشی جهت کنترل تطابق رستوریشن چند واحدی پیچ‌شونده.

One screw بر روی بخش انتهایی اباتمنت گذاشته می‌شود و سمت مقابل ارزیابی می‌شود. اگر فریم ورک از جایش بلند شود و یا لبه (ledge) داشته باشد و در بررسی بالینی یا رادیوگرافی مشخص شود تطابق فریم ورک دقیق نیست.

One-stage grafting procedures

جایگذاری همزمان ایمپلنتی که دارای ثبات اولیه (primary stability) است و بلافاصله گرفت جهت پر کردن نقایص استخوانی باقی‌مانده و یا ساپورت بافت نرم انجام می‌شود.

One-stage implant

مترادف:

Nonsubmergible implant, Single-stage implant

ایمپلنت دندان داخل استخوانی که مطابق پروتکل جراحی یک مرحله‌ای جایگذاری می‌شود. بخش تاجی این ایمپلنت به صورت ترانس موکوزال طراحی شده است. معمولاً بخش ترانس موکوزال و خود ایمپلنت یک قطعه (one piece) هستند و هیچ درزی (microgap) وجود ندارد. (تصویر)

One-stage surgery

یک پروتکل جراحی به منظور جایگذاری ایمپلنت دندان ریشه‌ای شکل داخل استخوان و فرصت ترمیم دادن در محیط دهان، بدون نیاز به انجام جراحی مرحله دوم.

Onlay graft

اگماتوسیون با واسطه قرار دادن استخوان اتوژن و یا گرافت جایگزین استخوان بر روی استخوان به منظور افزایش ارتفاع و یا عرض ریح.

Open-ended wrench

وسیله‌ای جهت وارد کردن تورک حین خارج کردن مانت ایمپلنت (implant mount).

Open-tray impression

مترادف: Direct impression

تکنیک قالب‌گیری که از یک نوع ایمپرشن کوپینگ با ساختار گیردار (retentive) و تزریق ماده الاستیک سخت (rigid) در اطراف آن استفاده می‌شود.

جهت خارج کردن تری قالب‌گیری از دهان، ابتدا باید پیچ ایمپرشن کوپینگ را که در سطح اکلوزال تری قرار دارد، باز کرد.

Opioid

داروی مسکن (آنالژژیک) شبه مورفین که به صورت مرکزی عمل می‌کند. کاربرد اصلی این دارو تسکین دردهای متوسط تا شدید است.

Optical surface scan

یک اسکن اپتیکال (نوری) سطح که با اسکن کردن از قالب گچی یا با اسکن سه بعدی از قالب گرفته شده از دهان یا با اسکن کردن از سطح اکلوزال دندان‌ها توسط یک دوربین داخل دهانی سه بعدی، یک فایل دیجیتالی تولید می‌کند که از آن می‌توان در برنامه‌های نرم‌افزاری CAD/CAM در دندانپزشکی استفاده کرد. فایل دیجیتالی STL را می‌توان با تصاویر CT/CBCT ادغام کرد و در تشخیص، طرح درمان و ساخت راهنمای جراحی در صورت لزوم بهره گرفت. رجوع شود به:

Dual scan protocol, Standard Tessellation Language or Standard Triangulation Language (STL), Intraoral scanner, Digital impressions

Oral implantology

رجوع شود به: Implant dentistry

Oral mucosa

پوشش اپتیلیایی حفره دهان که با پوست لب و

مخاط کام نرم و حلق امتداد می‌یابد.

مخاط دهانی شامل:

۱. مخاط جونده (Masticatory mucosa):

مخاط لثه و کام سخت.

۲. مخاط اختصاصی (Specialized mucosa):

مخاط سطح پستی زبان.

۳. مخاط پوشاننده (Lining mucosa): مخاط

آلوئولار؛ مخاط باقی‌مانده حفره دهان.

Orientation jig

یک وسیله ساخته شده در لابراتوار که جهت حفظ رابطه دقیق موقعیت اجزای پروتزی، حین انتقال آن از قالب گچی به دهان استفاده می‌شود.

O-ring

اتچمنت منعطف به شکل حلقه (دونات) که توانایی خمش و در عین حال مقاومت و بازگشت به شکل تقریبی اولیه‌اش را دارد. این اتچمنت به یک پست شیاردار یا اندرکات ناحیه متصل می‌شود.

رجوع شود به: Ball attachment (تصویر)

Oro-antral fistula

ارتباط بین سینوس ماگزایلا و حفره دهان از طریق یک مجرای اپتیلیالی.

Orthodontic implant

ایمپلنتی که در درمان ارتودنسی به عنوان انکوریج (تکیه‌گاه) حرکات دندانی استفاده می‌شود.

رجوع شود به:

Temporary anchorage device (TAD)

Orthopantograph

رجوع شود به: Panoramic radiograph

Osse(o)

مترادف: Osteo

مربوط به استخوان یا حاوی یک عنصر یا جزء استخوانی.

Osseointegration

تماس مستقیم بین استخوان زنده و سطح یک ایمپلنت دندانی که تحت نیروهای فانکشنال است، بدون مداخله بافت نرم، در نمای یک میکروسکوپ نوری. در بالینی استواینتگریشن به صورت نبود مولبیتی مشخص می‌شود.

Osseous

استخوانی.

Osseous coagulum

مخلوط ذرات استخوانی اتورژن ریز و خون جمع‌آوری شده حین جراحی.

Osseous graft

رجوع شود به: Bone graft

Osseous integration

رجوع شود به: Osseointegration

Ossification

۱. تشکیل استخوان یا یک ماده استخوانی.
۲. تغییر بافت فیبروزی یا غضروفی به استخوان یا یک ماده استخوانی.

استخوانی (apposition) از استخوان اطراف. رجوع شود به: Intramembranous ossification
 فرآیندی که یک ماده داربستی را در امتداد رشد استخوانی تولید می‌کند.
 رجوع شود به: Osteoinduction

Osteal

استخوانی.

Ostectomy

قطع و بریدن استخوان.
 رجوع شود به: Osteoplasty

Osteoblast

یک سلول کاملاً تمایز یافته به منظور تشکیل بافت استخوانی.
 استئوبلاست‌ها کلاژن و گلیکوپروتئین‌هایی که ماتریکس استخوان را تشکیل می‌دهند، می‌سازند و همچنین نمک‌های معدنی تولید می‌کنند.

استئوبلاست‌ها در طی رشد به استئوسیت‌ها تبدیل می‌شوند.

Osteocalcin

یک پروتئین ویژه استخوانی که توسط استئوبلاست تولید می‌شود و ممکن است نقشی در فعالیت استئوکلاستی داشته باشد. این ماده یک نشانگر در ریمادلینگ یا مینرالیزاسیون استخوان است.

Osteoclast

سلول بزرگ چند هسته‌ای که از سلول‌های بنیادی تک هسته‌ای هماتوپویتیک سرچشمه می‌گیرند و در تحلیل بافت استخوانی شرکت می‌کنند.

Osteoconduction

رشد استخوانی از طریق رسوب ماتریکس

Osteocyte

استئوبلاستی که درون ماتریکس استخوانی احاطه می‌شود و یک حفره مسطح بیضی‌شکل (لاکونای استخوانی) تولید می‌کند. از سلول‌های موجود در لاکوناها از طریق کانالیکول‌ها (مجراهای بسیار ظریف) زواید باریک سیتوپلاستی خارج می‌شود که با زواید سایر استئوسیت‌ها و استئوبلاست‌ها مرتبط می‌شوند.

Osteodistracton

رجوع شود به: Distraction osteogenesis (DO)

Osteogenesis

تشکیل و رشد استخوان.

Osteogenetic

۱. تشکیل استخوان.
۲. در رابطه با تشکیل استخوان.

Osteogenic

مترادف: Osteogenous
 بالا رفتن میزان رشد و تشکیل استخوان، به خصوص در نتیجه فعالیت استئوبلاست‌ها.

Osteogenous

رجوع شود به: Osteogenic

Osteoid

۱. شبه استخوان.
 ۲. ماتریکس استخوانی غیر مینرالیزه که توسط استئوبلاست‌ها ساخته می‌شود و بعداً با احاطه شدن استئوبلاست‌ها درون لاکوناها و تبدیل به استئوسیت‌ها کلسیفیکاسیون استخوانی رخ می‌دهد.

Osteoinduction

القای تشکیل استخوان.
 تشکیل استخوان جدید که از سلول‌های بنیادی استخوانی مشتق شده از سلول‌های بنیادی مزانشیمی تحت تأثیر یک یا چند عامل موجود در ماتریکس استخوانی یا انتخاب آلوگرافت‌های استخوانی یا مواد ساخته شده با مهندسی ژنتیک رخ می‌دهد.

رجوع شود به:

Bone morphogenetic protein (BMP),
 Osteoconduction

Osteointegration

رجوع شود به: Osseointegration

Osteology

مطالعه علمی در مورد استخوان‌ها.

Osteolysis

تحلیل و تجزیه استخوان، شامل از بین رفتن یا برداشته شدن کلسیم، به صورت یک بیماری در حال پیشرفت.

Osteomyelitis

التهاب استخوان به دلیل عفونت.

این بیماری ممکن است محدود شونده باشد یا به صورت پیش‌رونده، استخوان از جمله مغز استخوان، کورتکس، بافت اسفنجی و پریوست را درگیر کند.

Osteon

واحد پایه‌ای ساختار استخوان متراکم که شامل کانال هاورسین (Haversian canal) و لاملاهای متحدالمرکز اطرافش است. هر سیستم هاورسین شامل ۴ تا ۲۰ لاملا، هر کدام به قطر ۳-۷ میکرون ضخامت دارد. جهت این واحدها عمدتاً در مسیر محور طولی استخوان قرار دارد.

Osteonecrosis

مترادف: Bone necrosis

مرگ یا نکروز استخوان، به دلیل انسداد خون‌رسانی.

رجوع شود به:

Bisphosphonate-related osteonecrosis of the Jaw (BRONJ), Osteonecrosis of the jaw (ONJ)

Osteonecrosis of the Jaw (ONJ)

استخوان اکسپوز و نمایان شده مندیبل، ماگزیلا یا هر دو که با وجود عدم پرتوتابی و نبود متاستاز در فک‌ها حداقل به مدت ۸ هفته ماندگار است.

رجوع شود به:

Bisphosphonate-related osteonecrosis of the Jaw (BRONJ), Osteonecrosis

Osteonectin

فسفوپروتئین یافت شده در استخوان و

Osteoprogenitor cell

پلاکت خونی که به کلاژن و کلسیم متصل می‌شود و به عنوان یک تنظیم‌کننده مینرالیزاسیون عمل می‌کند.

یک سلول تمایز نیافته که توانایی تبدیل به استئوبلاست را دارد.

Osteopenia

«تراکم» استخوانی کاهش یافته به دلیل کاهش در سرعت سنتز استئوئید به حدی که قادر به جبران تحلیل نرمال استخوان نیست. این عارضه یک ریسک فاکتور جدی در پیشرفت استئوپروز در نظر گرفته شده است.

Osteopromotion

استفاده از وسایل فیزیکی (نظیر غشاهای سدی) جهت بستن یک ناحیه آناتومی به منظور افزایش تشکیل استخوان و جلوگیری از تهاجم بافت نرم، به‌ویژه بافت همبند که می‌تواند در فرآیند استئوژنز تداخل ایجاد کند.

Osteoplasty

یک روش جراحی جهت تغییر آناتومی استخوان با برداشتن انتخابی نواحی استخوانی. رجوع شود به: Osteotomy

Osteoradionecrosis

نکروز استخوان، به دلیل در معرض قرار گرفتن بیش از حد در برابر پرتوتابی اشعه ایکس.

Osteopontin

یک فسفوپروتئین اسیدی متصل به کلسیم با وابستگی شدید به هیدروکسی آپاتیت که در مینرالیزاسیون استخوانی شرکت می‌کند.

Osteotome

وسیله‌ای با سطح مقطع مدور به منظور گشاد کردن ناحیه استئوتومی ایمپلنت دندان در جهت اپیکالی و یا لترالی، با یا بدون نیاز به گرافت.

Osteoporosis

بیماری متابولیسم استخوانی که با کاهش «تراکم» استخوان و افزایش تخریب ساختار میکرونی منجر به حساسیت بالای استخوان در برابر شکستگی می‌شود.

Osteotome lift

رجوع شود به: Osteotome technique

Osteotome technique

۱. مترادف: Internal sinus graft

یک تکنیک گرافت سینوس است، به نحوی که کف سینوس ماگزایلا با دقت شکافته شده، غشای اشنایدرین توسط استئوتوم از داخل حفره استئوتومی که در داخل ریج تهیه و گشاد شده، بالا برده می‌شود.

۲. وسیع کردن حفره استئوتومی در جهت

تشخیص از طریق اندازه‌گیری جذب اشعه با انرژی دوال اشعه ایکس (Dual-energy X-ray absorptiometry: DXA) صورت می‌گیرد. در این روش میزان «تراکم» معدنی استخوان در چندین ناحیه اسکلتی محاسبه می‌شود.

لترالی به روش جراحی، با یا بدون نیاز به گرافت.

رجوع شود به: Ridge expansion

شدید توصیه می‌شود. این دارو را می‌توان به تنهایی یا در ترکیب با داروهایی نظیر استامینوفن، آسپیرین یا ایبوپروفن تجویز کرد.

Osteotomy

ناحیه دریل شده در استخوان جهت جایگذاری ایمپلنت دندانی یا گرافت.
هر روش جراحی که استخوان به صورت عرضی بریده شود.

Oxygen therapy

رجوع شود به:

Hyperbaric oxygen therapy (HBOT)

Ostium (maxillary sinus)

یک منفذی که سینوس ماگزایلا را به مئاتوس میانی حفره بینی متصل می‌کند.

Overdenture (implant)

پروتز متحرک کامل یا پارسیل که ممکن است متکی بر بافت یا متکی بر ایمپلنت باشد. این پروتز توسط اتچمنت‌ها متصل می‌شود.

Overload (occlusal)

وضعیتی که نیروهای جونده وارد شده بر ایمپلنت دندانی از ظرفیت تحمل اینترفیس استخوان-ایمپلنت (BIM) یا خود ایمپلنت یا اجزایش فراتر رود.

Oxidized surface treatment

تغییر در خصوصیات سطحی ایمپلنت‌های دندانی تیتانیومی به واسطه ایجاد تغییر در ضخامت لایه اکسید تیتانیوم.

Oxycodone

داروی تسکین‌دهنده (آنالژزیک) شبه مورفینی نیمه‌سنتتیک که برای دردهای متوسط تا

P

PACS

مخفف:

Picture archiving and communication system
 یک تکنولوژی تصویربرداری پزشکی که امکان ذخیره‌سازی مقرون به صرفه و سهولت دسترسی به تصاویر را از چندین برنامه مختلف مقدور می‌سازد.

Palatal graft

رجوع شود به: Free gingival graft

Palatal implant

ایمپلنت دندانی جایگذاری شده در ناحیه می‌دسائیتال کام سخت ماگزایلا جهت ایجاد یک انکور بیج (تکیه‌گاه) در درمان ارتودنسی.
 رجوع شود به:

Orthodontic implant, Temporary anchorage device (TAD)

Palatal vault

سطح فوقانی کام سخت.

Pamidronate

بیس فسفونات حاوی نیتروژن داخل وریدی که جهت درمان استئوپروز، بیماری پاژت، بعضی سرطان‌های درگیرکننده استخوان (multiple myeloma) استفاده می‌شود. مکانیسم عملکردش شامل مهار مهاجرت و بلوغ استئوکلاست‌هاست.

Panoramic radiograph

یک نمای رادیوگرافیک تکی از ماگزایلا و مندیبل که از سمت چپ به راست گلینوتید فوسا امتداد می‌یابد.

Panoramic reconstitution

رجوع شود به: Panoramic reconstruction

Panoramic reconstruction

یک مقطع نازک و دوباره فرمت شده از اطلاعات حاصل از اسکن توموگرافی کامپیوتری، موازی و در امتداد انحنای زائیده آلوئولار که در نمای آگزایال دیده می‌شود.
 رجوع شود به:

Axial slice, Cross-sectional slice

Papilla

بافت نرم اشغال‌کننده فضای اینترپروگزیمال که بین دو روکش مجاور و در تماس با هم محدود شده است.
 رجوع شود به:

Interdental papilla, Interimplant papilla

(تصویر)

Papilla preservation

اندازهای گرفته شده برای جراحی و پروتز به منظور حفظ بافت و پاکاهش تروما به بافت اینترپروگزیمال.

Papilla-preservation flap

رجوع شود به: Papilla-sparing incision

Papilla reformation

دوباره شکل‌گیری خودبه‌خود پاپیلای

اینترپروگزیمال متعاقب ایجاد کانتکت پوینت و حفظ فضای پروتزی در پاپیلای اینترپروگزیمال. همچنین شکل دهی مجدد پاپیلای اینترپروگزیمال از دست رفته به وسیله جراحی.

رجوع شود به:

Intraoral scanner, Confocal microscopy

Parallel(ing) pin

رجوع شود به: Direction indicator

Papilla regeneration

رجوع شود به: Papilla reformation

Papilla-sparing incision

برش (انیسیژن) پاراسالکولار که فلپ با حفظ پاپیلا کنار زده می‌شود. (پاپیلا در طراحی فلپ قرار نمی‌گیرد).

Paracrestal incision

یک برش (انیسیژن) کرسیتال که دورتر از وسط کرسٹ ریج بی‌دندانی، یا به سمت باکال یا لینگوال، تهیه می‌شود.
رجوع شود به:

Crestal incision, Midcrestal incision, Mucobuccal fold incision

Parallel confocal imaging technology

براساس اصل confocal (همگرایی کانونی) نور با عبور از یک سوراخ سوزنی فیلتر می‌شود. بر همین اصل، فقط نوری که از جسم در یک فاصله کانونی مشخص بازتابیده می‌شود، از سوراخ سوزنی عبور خواهد کرد. در نتیجه، تنها اشعه‌هایی که در محدوده کانونی هستند، از دستگاه فیلترکننده بازتابیده می‌شوند. بر روی بعضی اسکنرهای داخل دهانی بر همین اساس پیشرفت‌هایی انجام شده که به صورت تابش همزمان صدهزار اشعه موازی نور قرمز در هر اسکن تکی است.

Parallel-sided implant

مترادف:

Parallel-walled implant, Straight implant
یک ایمپلنت دندانی داخل استخوانی ریشه‌ای شکل که بدنه ایمپلنت قطری مشابه انتهای اپیکالسی و تاجی دارد. قطر تاجی الزاماً با قطر پلت فرم ایمپلنت مطابقت ندارد و ممکن است بزرگتر باشد.

Parallel-walled implant

رجوع شود به: Parallel-sided implant

Paresthesia

احساس خودبه‌خود یا تحریک غیر طبیعی که دردناک نیست ولی می‌تواند ناخوشایند باشد، نظیر: خارش، سوزش، تیر کشیدن یا کرختی (بی‌حسی).
این حالت معمولاً به دلیل صدمه به اعصاب ایجاد می‌شود و گاهی اوقات یکی از عوارض جراحی است.

Partial anodontia

اصطلاح عامیانه، واژه درست: Partially edentulous

Partially edentulous

وضعیتی که یک یا چند دندان (نه تمام

Patricx

دندان‌ها) از دست رفته‌اند.
رجوع شود به: Edentulous

بخش نرینگی یک اتچمنت.

رجوع شود به: Attachment, Matrix

Partial thickness flap

مترادف: Split-thickness flap

فلپی که اپیتلیوم و مقداری بافت همبند کنار زده می‌شود، اما پریوست (بدون برش) بر روی استخوان باقی می‌ماند.

Pedicle graft

یک فلپ partial thickness یا full thickness برداشته شده از یک ناحیه که از بیس (قاعده) به محل دهنده متصل است و لبه آزاد لثه نیز همراه با فلپ کنار زده می‌شود. این فلپ ممکن است جهت پوشاندن ناحیه جراحی یا افزایش کانتور بافت نرم به صورت لترالی یا کروئالی بچرخد یا کاملاً برگردانده شود.

رجوع شود به: Full-thickness flap, Partial thickness flap

Particulate graft

اتوگرافت، الوگرافت، الوپلاست یا زینوگرافت (گرافت حیوانی) دارای ذرات و تخلخل‌های متغیر که همگی دارای سرعت‌های متفاوت تحلیل / جایگزین هستند.

Passivation

فرآیندی که متال‌ها و آلیاژها را با تولید یک لایه اکسید نازک و بادوام بر روی سطوح خارجی نسبت به کروژن (خوردگی) مقاوم‌تر می‌سازد.

Penicillin

گروه بزرگی از آنتی‌بیوتیک‌های ضد باکتریایی طبیعی یا نیمه سنتتیک که به طور مستقیم یا غیرمستقیم از گونه‌های قارچ دسته‌پنی‌سیلیوم (penicillium) و سایر قارچ‌های موجود در خاک که در محیط‌های کشت خاصی رشد می‌کنند، مشتق می‌شوند.

این قارچ‌ها با تداخل در مراحل نهایی سنتز پپتیدوگلیکان‌ها، ماده موجود در دیواره سلولی باکتری، اثرات باکتری‌سیدال و باکتریواستاتیک بر روی باکتری‌های حساس دارند.

این دارو براساس طیف آنتی‌باکتریایی متنوعی که دارد به گروه‌های زیر طبقه‌بندی می‌شود:

— پنی‌سیلین G و مشتقاتش (پنی‌سیلین C).
— پنی‌سیلین‌های آنتی‌استافیلوکوکی (متی‌سیلین، دیکلوگزاسیلین).

Passive fit

تطابق یک رستوریشن پروتزی که بین دو یا چند قطعه حمایت‌کننده استرین القا نمی‌کند.

Patient motion tracker

یک سری ساطع‌کننده‌های فعال یا بازتابش‌کننده‌های غیرفعال که به بیمار متصل می‌شوند تا تشخیص موقعیت‌شان حین جراحی توسط یک ردیاب در بالای سر جراح امکان‌پذیر باشد.

Patient-specific abutment

رجوع شود به: Custom abutment

- پنی‌سیلین‌های با طیف گسترده (آمپی‌سیلین و آموکسی‌سیلین).

- پنی‌سیلین‌های با طیف گسترده به همراه مهارکننده‌های بتالاکتاماز (آموکسی‌سیلین و کلاوونات، آمپی‌سیلین و سولباکتام).

رجوع شود به: Amoxicillin, Clavulanic acid

Percentage bone-to-implant contact

سطح خطی یک ایمپلنت دندانی در تماس مستقیم با استخوان که به صورت درصد سطح کلی ایمپلنت بیان می‌شود.

رجوع شود به:

Bone-to-implant contact (BIC)

Percutaneous implant

به منظور درمان نواقص فکی صورتی ایمپلنت‌هایی به صورت خارج دهانی از پوست به داخل استخوان جایگذاری می‌شود تا ساپورت پروتز ماگزیلوفاسیال تأمین شود.

Perforation

کورتیکال: سوراخ ایجاد شده در استخوان کورتیکال به وسیله دریل یا ایمپلنت

رجوع شود به: Decortication

غشای اشنایدرین: پاره شدن یا ایجاد سوراخ در غشای سینوس ماگزایلا حین جراحی
گرافت سینوس، متعاقب کشیدن دندان، یا حین دریل کردن حفره استئوتومی جهت جایگذاری ایمپلنت دندانی.

Periabutment

در اطراف اباتمنت.

Pericervical saucerization

مترادف: Craterization

از دست رفتن پاتولوژیک استخوان کرسنال، به دلیل پری ایمپلنتایتیس.

از لحاظ رادیوگرافی، نبود (فقدان) استخوان به شکل فنجان یا نعلبکی در اطراف بخش تاجی ایمپلنت دندانی مشاهده می‌شود.

رجوع شود به: Peri-implantitis

Peri-implant

اطراف ایمپلنت.

Peri-implant crevicular epithelium

اپتیلیوم غیر کراتیزه پوشاننده شیار مخاطی.

Peri-implant disease

واژه انتخابی در مورد واکنش‌های التهابی در بافت نرم و یا سخت اطراف ایمپلنت‌های دندانی.

رجوع شود به:

Peri-implantitis, Peri-implant mucositis

Peri-implantitis

واژه‌ای در رابطه با واکنش‌های التهابی در بافت‌های نرم و سخت به همراه از دست رفتن استخوان حمایت‌کننده اطراف ایمپلنت دندانی که در حفره دهان اکسپوز (نمایان) است.

Peri-implant mucositis

واکنش‌های التهابی برگشت‌پذیر در بافت‌های نرم اطراف ایمپلنت دندانی که در حفره دهان اکسپوز (نمایان) است، بدون از دست رفتن استخوان.

Peri-implant soft tissue

رجوع شود به: Mucosal peri-implant tissues

Periodontal biotype

اصطلاحی در رابطه با مورفولوژی پریودنشیوم با شکل دندان.

دو طبقه‌بندی وجود دارد:

۱. بیوتایپ (پریودنتال) لثه‌ای مسطح ضخیم: Thick flat gingival (periodontal) biotype
لثه مارجینال باکال نسبتاً ضخیم است، پایپلا معمولاً کوتاه است، استخوان دیواره کورتیکال باکال ضخیم است و فاصله عمودی بین کرسست استخوان اینتردنتال و استخوان باکال کوتاه است (حدود دو میلی‌متر).
در نمای بالینی تاج این دندان‌ها معمولاً کوتاه و مربعی و ریشه‌ها پهن و کوتاه است.

۲. بیوتایپ (پریودنتال) لثه‌ای دندان‌های نازک: Thin scalloped gingival (periodontal) biotype
لثه مارجینال باکال ظریف است و اغلب ممکن است نسبت به سمتوانامل جانکشن اپیکالی‌تر قرار گرفته باشد (عقب‌نشینی کرده باشد)، پایپلا بلند و باریک است، دیواره استخوان باکال اغلب نازک و فاصله عمودی بین کرسست استخوان اینتردنتال و استخوان باکال زیاد است (بیش از چهار میلی‌متر).
در نمای بالینی تاج این دندان‌ها معمولاً بلند و مخروطی و ریشه‌ها بلند و باریک هستند.

Periodontal disease

بیماری‌های پریودنتال بیماری‌های پاتولوژیکی هستند که می‌توانند یک یا چندین ساختار/بافت پریودنتال (نظیر: استخوان آلوئول، لیگامان پریودنتال، سمتموم و لثه) را درگیر

کنند. با وجود آنکه طیف وسیعی از بیماری‌های پریودنتال مختلف می‌توانند ساختار/بافت‌های حمایت‌کننده دندانی را درگیر کنند، شایع‌ترین نوع آن وضعیت التهابی القا شده با پلاک، نظیر ژنژیویت و پریودنتیت است.

بیماری پریودنتال از خفیف‌ترین مرحله، که ژنژیویت نامیده می‌شود، تا شدیدترین مرحله، که پریودنیت نامیده می‌شود، متغیر و گسترده است.

Periodontal ligament (PDL)

دسته‌ای خاص از الیاف بافت همبندی که اساساً دندان و سمتموم ریشه را به بافت آلوئول اطراف متصل کرده، جذب (absorption)، موبیلیتی و توزیع نیرو را حین جویدن تأمین می‌کند.

Periodontal membrane

رجوع شود به: Periodontal ligament (PDL)

Periodontal plastic surgery

مراحل جراحی که جهت تصحیح یا حذف نقایص آناتومیک، رشدی یا ناشی از تروما بر روی لثه و مخاط آلوئول انجام می‌شود.
رجوع شود به: Mucogingival surgery

Periodontal probe

یک وسیله دستی مدرج در واحد میلی‌متر که جهت اندازه‌گیری شیار لثه و عمق پاکت اطراف دندان یا ایمپلنت حین معاینه روتین بالینی بافت‌های پریودنتال یا پری ایمپلنت استفاده می‌شود.

Periosteal

مربوط به پریوست.

Periosteal release

عمل جدا کردن الیاف پریوست به منظور افزایش موبیلیتی یک فلپ.

Periosteal suture

یک تکنیک بخیه که شامل ثابت و بی حرکت کردن یک فلپ partial thickness، یک گرافت یا ممبران بافت نرم با استفاده از پریوست زیرین و یا پریوست مجاور انجام می شود.

Periosteum

لایه بافت همبند فیروز و استئوبلاست ها که تمام سطوح استخوانی بجز سطوح مفصلی را می پوشاند.

Periotome

وسیله ای جهت جدا کردن الیاف لیگامان پریودنتال قبل از کشیدن دندان.

Permucosal

از طریق مخاط.

Permucosal extension

رجوع شود به: Healing abutment

Permucosal seal

جانکشنال اپتیلیوم که بافت های همبند را از اطراف ایمپلنت دندان در دهان جدا می کند.
رجوع شود به: Junctional epithelium

Pick-up impression

جهت اطمینان از دقت تطابق در قالب گچی اصلی و فریم ورک پروتزی که بر روی ایمپلنت ها یا اباتمنت ها نشانده شده، قالب گیری مجدد انجام می شود.

همین مرحله را می توان جهت ساخت مجدد قالب گچی اصلی با بریدن و لحیم کردن فریم ورک انجام داد.

رجوع شود به: Solder index, Master cast

Piezoelectric bone surgery

تکنیک جراحی با استفاده از وسیله التراسونیک در یک فرکانس تنظیم شده که به منظور بریدن یا خرد کردن استخوان، بدون آسیب به بافت های نرم اطراف، طراحی شده است.

Pilot drill

دریل اولیه جهت گشاد کردن بخش تاجی ناحیه استئوتومی ایمپلنت دندان و ایجاد مسیر راهنما برای دریل بعدی.

Pilot guide

یک تمپلیت جراحی که ممکن است همراه با یک استوانه فلزی جهت تعیین مسیر دریل اولیه در شروع استئوتومی ناحیه و ایجاد مسیر راهنما برای دریل بعدی باشد.

رجوع شود به: Pilot drill, Template-assisted,

Surgical-guide

Pilot osteotomy

ورود اولیه دریل در استخوان در حدود چند میلی متر به منظور ایجاد حفره استئوتومی جهت جایگذاری ایمپلنت دندان.

Pinhole surgical technique

تکنیک جراحی Chao pinhole® یک روش جراحی با حداقل تهاجم است که به منظور ترمیم لثه تحلیل رفته با ایجاد یک سوراخ سوزنی در لثه و با استفاده از ابزار و وسایل مخصوص، بدون نیاز به برش، بخیه و جراحی مرحله دوم انجام می‌شود.

Placement torque

رجوع شود به: Insertion torque

Plaque

بیوفیلم یا تجمع باکتری که به سطوح داخل دهان می‌چسبد.

Plasma rich in grown factors (PRGF)

نسل دوم مواد اتوژن که در مطب از طریق خون وریدی گرفته شده از بیمار طی فرآیند خاص در دستگاه سانتریفوژ (چگالی تدریجی) سانتریفوژ تهیه می‌شود.

پس از اندازه‌گیری دقیق با پیپت و فعال کردن ماده با کلراید کلسیم و انجام مراحل سانتریفوژ، یک غشای فیبرینی با قوام ارتجاعی، حاوی پلاکت‌ها و غلظت‌های بالای فاکتور رشدی و عاری از لکوسیت‌های التهابی به دست می‌آید.

این غشاها را می‌توان به تنهایی جهت بهبود در ترمیم زخم و ارتقای بازسازی بافتی استفاده کرد.

Plasma spray

یک پردازش سطحی، شامل رسوب ذرات

پودری سرامیک با فلز در حرارت بالا که کاملاً یا نسبتاً ذوب شده، سپس سریعاً دوباره جامد می‌شود و یک پوشش متراکم یا متخلخل ایجاد می‌کند.

Plaster of Paris

رجوع شود به: Calcium sulfate (CaSO₄)

Platelet-driven growth factors (PDGF)

فاکتورهای رشدی آزاد شده از پلاکت‌ها که ترمیم بافت همبند از جمله ترمیم و بازسازی استخوان را آغاز می‌کنند. فاکتورهای رشدی همچنین میتوژنز، آنژیوژنز و فعالیت ماکروفاژی را افزایش می‌دهند.

Platelet gel

پلاکت‌های تغلیظ شده که از خون بیمار گرفته شده، با کلسیم و ترمبین مخلوط می‌شوند تا یک قوام ژله‌ای به دست آید. از این ژل می‌توان حین جراحی استفاده کرد.

Platelet-poor plasma (PPP)

به غلظت کمتر پلاکت‌های فعال اطلاق می‌شود که طی فرآیند جداگانه‌ای که پلاسمای غنی از پلاکت (PRP) تهیه می‌شود، استخراج می‌شود.

Platelet-rich gel

رجوع شود به: Platelet-rich plasma (PRP)

Platelet-rich plasma (PRP)

نسل دوم مواد اتوژن که در مطب از طریق

خون وریدی گرفته شده از بیمار و طی فرآیند خاصی در دستگاه سانتریفوژ (چگالی تدریجی) تهیه می‌شود.

پس از اندازه‌گیری دقیق با پیپت و فعال کردن ماده با کلراید کلسیم و انجام مراحل سانتریفوژ، یک غشای فیبرینی با قوام ارتجاعی، حاوی پلاکت‌ها و غلظت‌های بالای فاکتور رشدی، (PDGF, TGF-1, TGF-2, IGF, VEGF, FGF-1 و فیبرین وقتی به مخلوط گرفت اضافه می‌شود) و در عین حال عاری از لکوسیت‌های التهابی است، به دست می‌آید. این غشاها را می‌توان به تنهایی جهت بهبود در ترمیم زخم و ارتقای بازسازی بافتی استفاده کرد.

Platform

به بخش تاجی ایمپلنت دندان‌ی اطلاق می‌شود که اباتمنت‌ها و اجزای پروتزی به آن متصل می‌شود.

رجوع شود به: Platform edge

Platform edge

خط اتصال بین بدنه یک ایمپلنت دندان‌ی با پلت‌فرم.

موقعیت لبه پلت‌فرم در رابطه با کرس‌ت استخوان مشخص‌کننده موقعیت ایمپلنت به صورت کرس‌تال، ساب کرس‌تال یا سوپرا کرس‌تال است.

لبه پلت‌فرم و محل اتصال ایمپلنت - اباتمنت ممکن است منطبق باشد یا نباشد.

رجوع شود به:

Implant-abutment junction (IAJ), Platform switching

Platform shifting

رجوع شود به: Platform switching

Platform swapping

رجوع شود به: Platform switching

Platform switching

مترادف: Abutment swapping

به کار بردن یک اباتمنت با قطر باریک‌تر از پلت‌فرم ایمپلنت دندان‌ی. این تعویض باعث می‌شود اتصال ایمپلنت - اباتمنت دورتر از لبه پلت‌فرم قرار گیرد.

Pneumatization

مراحل فیزیولوژیکی که در همه سینوس‌های پاراناژال حین دوره رشد باعث افزایش در حجم سینوس می‌شود. رجوع شود به:

Sinus pneumatization (maxillary)

Polished surface

یک سطح ماشینی شده صاف‌تر و صیقلی‌تر.

Polishing cap

بخش متصل شده به قسمت اپیکالی اباتمنت که قاعده اباتمنت را محافظت می‌کند و تکنسین لابراتوار به راحتی می‌تواند پروتز و اباتمنت را بدون کاهش قطر قاعده اباتمنت یا روند کردن لبه‌ها پالیش و پرداخت کند.

Polyglactin

یک نوع ماده بافته شده چند فیلامانی، ساخته شده از لاکتیدها و گلیکولیدهای تخلیص

یا حباب‌ها داخل یک ساختار (نظیر: ماده گرافت، سطح ایمپلنت دندانی) ایجاد می‌شود. شده که در ساخت بخیه‌ها و ممبران‌های قابل جذب به کار می‌رود.

Polyglycolid acid (PGA)

پلیمری از گلیکولیک اسید که در ساخت بخیه‌ها و ممبران‌های قابل جذب به کار می‌رود.

Porous surface

رجوع شود به: Plasma spray, Sintered (porous) surface

Polylactic acid (PLA)

پلیمری از اسید لاکتیک که در ساخت بخیه‌ها و ممبران‌های قابل جذب به کار می‌رود.

Positioned flap

فلپی که در جهت اپیکال، کروئال یا لترال به موقعیت جدید منتقل شود.

Polymethylmethacrylate (PMMA)

پلیمر سنتتیک متیل متاکریلات که به عنوان سمان استخوانی با پلیمریزاسیون خودبه‌خود (in situ) به کار می‌رود.

Posterior lateral nasal artery

شاخه‌ای از شریان اسفنوپالاتین که در مجاورت یا داخل دیواره لترالی حفره بینی (دیواره میانی سینوس ماگزایلا) قرار دارد. زیرشاخه‌های این شریان دیواره‌های میانی و خلفی سینوس ماگزایلا را خون‌رسانی می‌کند. این شریان یکی از سه شریان اصلی تغذیه‌کننده سینوس ماگزایلاست. رجوع شود به:

Polytetrafluoroethylene (PTFE)

یک پلیمر سنتتیک غیر قابل جذب، از نظر بیولوژیکی خنثی و از نظر شیمیایی غیر واکنشی، در نتیجه ماده‌ای ایده‌آل برای بسیاری از کاربردهای پزشکی در نظر گرفته می‌شود. از این ماده در بازسازی هدایت شده بافتی (GTR) به عنوان یک غشای سدی استفاده می‌شود.

Infraorbital artery, Posterior superior alveolar artery

Posterior superior alveolar artery

شاخه‌ای از شریان داخلی ماگزایلا واقع در فوسای پتریگوپالاتین. این شریان به سمت توبروزیته ماگزایلا پایین می‌آید و زیرشاخه‌های متعددی در زوایید آلوئولار می‌دهد تا خون‌رسانی غشای سینوس ماگزایلا و دندان‌های خلفی را تأمین کند. این شریان یکی از سه شریان اصلی تغذیه‌کننده سینوس ماگزایلاست. رجوع شود به:

رجوع شود به:

Expanded polytetrafluoroethylene (ePTFE), Dense PTFE (dPTFE)

Porcelain-fused-metal restoration

رجوع شود به: Ceramometal restoration

Porous

خصوصیتی که به دلیل حضور تخلخل‌ها

Infraorbital artery, Posterior lateral nasal artery

Posterior superior alveolar nerve

شاخه‌ای از عصب ماگزیلاری که از فوسای پتریگوپالاتین سرچشمه می‌گیرد، به سمت پایین و جلو ادامه می‌یابد، از فیشور پتریگوئید ماگزیلاری رد شده، وارد بخش خلفی ماگزیلا می‌شود.

این عصب سینوس ماگزیلا، مولرها، لته باکال و بخش همجوار گونه را عصب‌دهی می‌دهد.

رجوع شود به:

Anterior superior alveolar nerve

Postoperative maxillary sinus cyst

رجوع شود به:

Secondary maxillary mucocele

Pre-angled abutment

رجوع شود به: Angulated abutment

Prednisolone

یک داروی گلوکوکورتیکوئید با نیمه عمر متوسط که به صورت داخل عضلانی و داخل وریدی تجویز می‌شود.

رجوع شود به: Glucocorticoid

Prednisone

یک داروی گلوکوکورتیکوئید خوراکی که آنالوگ دهیدروژنه کورتیزول است. از این دارو به عنوان یک داروی ضد التهابی با نیمه‌عمر متوسط استفاده می‌شود.

Preemptive analgesia

استفاده از داروهای آنالژژیک (تسکین‌دهنده)

قبل از شروع تحریکات سمی.

Prefabricated abutment

یک اباتمنت ساخته شده با ماشین.

رجوع شود به:

Abutment, Stock abutment, Angulated abutment

Prefabricated cylinder

یک بخش پیش‌ساخته از آلیاژهای نابل که به ایمپلنت دندان یا اباتمنت متصل می‌شود. در پروتزهای سمان شونده یا پیچ شونده از کستینگ یک آلیاژ سازگار بر روی این سیلندر اباتمنت ساخته می‌شود.

Preliminary cast

قالب اولیه، قبل از شروع درمان جهت ثبت وضعیت دندان‌های موجود و ساختارهای مربوطه به منظور مطالعه و تشخیص، ساخت تری اختصاصی یا وکس آپ تشخیصی.

Preload

انرژی وارد شده به یک پیچ وقتی که گشتاور (torque) حین سفت کردن پیچ وارد می‌شود. این کشش، دندان‌های (threads) پیچ را در داخل جایگاه پیچ محکم و سفت می‌کند و با ایجاد یک نیروی محکم قفل‌شونده (clamping force) بین سر پیچ و جایگاهش قطعات مربوطه را محکم به هم نگه می‌دارد.

Premachined margin

یک اباتمنت ساخته شده به روش custom یا CAD/CAM با طراحی خاص در ناحیه

emergence profile
مارجین جهت ایجاد
مطلوب و تطابق رستوریشن.

رجوع شود به:

Abutment, Preable abutment, Zirconia
abutment, Prefabricated abutment, Stok
abutment

Preable abutment

اباتمنی که می‌تواند نسبت به طرح اصلی
کارخانه سازنده تغییر کند (modified) و تراش
بخورد.

Preprosthetic

مرحله‌ای که قبل از نشانندن پروتز انجام
می‌شود.

Preprosthetic surgery

جراحی‌های انجام شده به منظور کسب نتایج
پروتزی مطلوب، که عبارتند از:
آلوئولوپلاستی، کشیدن دندان، کاهش
توبروزیته ماگزایلا، برداشتن اگزوستوزها یا
اندرکات‌های استخوانی وسیع، کاهش ریح
مایلوهایپوئید، کاهش استخوان به منظور رسیدن
به عرض مناسب جهت ایمپلنت گذاری،
گرافت استخوانی و غیره.

Preprosthetic vestibuloplasty

رجوع شود به: Vestibuloplasty

Press-fit

حالت گیر (retention) یک ایمپلنت دندانی
در زمان جایگذاری‌اش که ناشی از فشردگی
ملایم دیواره‌های حفره استئوتومی از طریق

بدنه ایمپلنت است.

Pressure necrosis

مرگ سلولی، به دلیل کافی نبودن خون‌رسانی
موضعی بر اثر فشار.
در دندانپزشکی ایمپلنت این حالت به از دست
رفتن استخوان اطلاق می‌شود که متعاقب
فشار بیش از حد حین جایگذاری ایمپلنت
دندانی رخ می‌دهد.

Primary bone

رجوع شود به: Bone

Primary closure

رجوع شود به: Healing by first (primary)
intention

Primary implant failure

رجوع شود به: Early implant failure

Primary maxillary mucocele

ضایعه سینوس ماگزایلا که به دلیل انسداد
استئوم و در نتیجه احتباس در دیواره‌های
سینوس رخ می‌دهد.

رجوع شود به: Secondary maxillary
mucocele

Primary stability

رجوع شود به: Initial Stability

Primary union

رجوع شود به:
Healing by first (primary) intention

Primitive bone

رجوع شود به: Bone

یک پروتز و در نتیجه بر روی یک ایمپلنت دندان.

Probing depth

فاصله‌ای که مارچین مخاطی یا لثه‌ای آزاد تا قاعده شیار پریودنتال یا پری‌ایمپلنت به وسیله یک پروب پریودنتال اندازه‌گیری می‌شود.

Progressive maxillary sinus hypoplasia

وجود یک عارضه بالینی غیر معمول (غیر شایع) که به صورت کاهش مزمن در حجم سینوس ناشی از انقباض به سمت مرکز دیواره‌های سینوس ماگزینا بروز می‌کند.

Processing analog

مترادف: Processing jig

کپی (duplicate) از بخش مادگی یا نرینگی یک اتچمنت که به عنوان مدل کار (working model) استفاده می‌شود.

Prophylaxis

به کار بردن اقداماتی جهت پیشگیری از شروع یک بیماری.

رجوع شود به: Antibiotic prophylaxis

Profiler (bone)

فرزی که استخوان را از اطراف یک ایمپلنت دندان ریشه‌ای شکل جهت اتصال اجزای پروتزی به ایمپلنت برمی‌دارد. قطرهای مختلف پروفایلر جهت تطبیق با قطر مطلوب جزء پروتزی به کار می‌رود.

Proprioception

درک حرکت و موقعیت فضایی ناشی از محرک در خود بدن.

در حفره دهان این محرک‌ها توسط مکانورسپتورهای (گیرنده‌های مکانیکی) درون لیگامان پریودنتال (PDL) شناسایی شده، بازخورد عصبی با حساسیت بالا ایجاد می‌کنند. رجوع شود به: (Periodontal ligament (PDL

Profilometer

وسیله‌ای برای ردیابی و ثبت خشونت یک سطح در بزرگنمایی بالا.

Prospective study

مطالعه‌ای که جهت مشاهده وقایعی که هنوز رخ نداده‌اند، طراحی شده است.

رجوع شود به: Retrospective study

Progenitor cell

یک سلول تمایز نیافته که توانایی تبدیل و تغییر شکل به یک یا چندین سلول متفاوت را دارد.

Prosthesis

مترادف: Restoration

Progressive loading

افزایش تدریجی بار (load) به کار رفته بر روی

هر جایگزین مصنوعی بخش از دست رفته بدن.

Prosthetic platform

رجوع شود به: Platform

Prosthetic retaining screw

رجوع شود به: Prosthetic screw

Prosthetic screw

یک پیچ مضرّس که جهت اتصال پروتز به ایمپلنت دندان، اباتمنت یا مزواستراکچر (mesostructure) به کار می‌رود.

Prosthetic space

رجوع شود به: Crown height space (CHS)

Prosthetic table

رجوع شود به: Platform

Protocol

یک طرح دقیق و مفصل که اجزای پیشنهادی یک فعالیت نظیر: پروتکل جراحی، پروتکل پروتزی و پروتکل تحقیقات را توصیف می‌کند.

Provisional abutment

رجوع شود به: Temporary abutment

Provisional implant

رجوع شود به: Transitional implant

Provisional prosthesis/estoration

رجوع شود به: Interim prosthesis/restoration

Pterygoid implant

ایمپلنت دندان ریشه‌ای شکل که مبدأش

در ناحیه مولردوم ماگزایلا و خاتمه‌اش تا فوسای اسکافوئید استخوان اسفنوئید پیشتازی می‌کند. ایمپلنت از گذرگاه بین سینوسی در مسیر پشتی (dorsal) و مزیوکرانیال عبور کرده، دیواره سینوسی خلفی و صفحات پتریگوئید را سوراخ می‌کند.

Pullout force

نیروی مورد نیاز جهت جابجا کردن یک ایمپلنت در امتداد محور طولی‌اش و در جهتی خلاف مسیر جایگذاری‌اش.

Pulsed mode

نوع خاصی از تابش اشعه لیزر که انرژی پرتوئای به صورت ضربانی (pulse) ساطع می‌شود.

Punch technique

رجوع شود به: Tissue punch technique

P-value

میزان احتمالی است که یک آمار آزمایشی یک مقدار را به عنوان حداکثر یا بیش از حداکثری که در پیش فرض مشاهده شده، در نظر خواهد گرفت، تحت این فرض که فرضیه خنثی (null hypothesis) حقیقی است.

Q

Quality of life

استاندارد سلامت، راحتی و خوشبختی تجربه شده توسط یک فرد یا گروه.

Quality of life index

شاخص کیفیت فیزیکی زندگی.
(Physical Quality of Life Index = PQLI)
روشی است جهت اندازه‌گیری کیفیت زندگی یا سلامتی و خوشی یک کشور.
مقدار اندازه‌گیری شده میانگینی از سه آمار است: میزان پایه باسوادی، مرگومیر در کودکی و انتظارات در زندگی طی یک عمر که همه به طور یکسان بین صفر تا ۱۰۰ اندازه‌گیری می‌شود و در مقالات دندانپزشکی به کار می‌رود.

R

Radiographic guide

اصطلاح عامیانه، واژه درست:
Radiographic template

Radiographic marker

یک ساختار رادیوپاک با بعد مشخص یا ماده متشکله یا به کار رفته در یک تمپلیت رادیوگرافی جهت کسب اطلاعات ابعادی یا موقعیتی.

Radiographic template

راهنمای ساخته شده از یک وکس آپ تشخیصی که هنگام گرفتن کلیشه رادیوگرافی استفاده می‌شود تا موقعیت دندان با ساختارهای آناتومیکی مشخص شود. این تمپلیت در تشخیص و طرح درمان ایمپلنت‌های دندانی کمک می‌کند.

Radionecrosis

استئونکروز القا شده در اثر پرتوتابی که معمولاً به علت رادیوتراپی جهت درمان یک بدخیمی سرگردن ایجاد می‌شود.

Radiopaque

ماده‌ای که در برابر اشعه ایکس و پرتوتابی مشابه اپک است.

Radiopaque marker

رجوع شود به: Radiographic marker

Ramus frame implant

ایمپلنت فول آرچ مندیبل با طراحی سه پایه (tripodal) که شامل یک بار اتصال دهنده افقی سوپراژنژیوال به همراه واحدهای داخل استخوانی که در راموس‌ها جایگذاری شده و یک بخش عمودی در داخل ناحیه سمفیز است.

Ramus graft

گرافت استخوان اتورن برداشته شده از بخش لترالی قسمت نزولی راموس مندیبل. غالباً این گرافت از استخوان کورتیکال است.

Ramus implant

نوعی ایمپلنت تیغه‌ای جایگذاری شده در بوردر قدامی راموس مندیبل.

Ramus (mandibular)

رجوع شود به: Mandibular ramus

Random assignment

مترادف: Randomization

روشی که هر فرد میزان احتمال مساوی دارد تا تحت هریک از شرایط مختلف درمانی در یک مطالعه قرار گیرد.

Random controlled trial

یک مطالعه آینده‌نگر در مورد اثرات یک روش یا ماده خاص که در آن افراد به طور تصادفی به دو گروه طبقه‌بندی می‌شوند: آزمایشی یا کنترل.

گروه آزمایشی تحت مطالعه روش یا ماده خاصی است، در حالی که گروه کنترل تحت

مطالعه روش یا ماده استاندارد و یا روش آزمایشی متفاوت یا دارونماست.

Randomization

رجوع شود به: Random assignment

Range

معیار آماری پراکندگی. مقادیر حداقل و حداکثر در توزیع.

Rapid manufacturing

رجوع شود به:

Solid freeform fabrication (SFF), Stereolithography, Three-dimensional printing

Rapid prototyping

ساخت اتوماتیک اشیای فیزیکی با استفاده از ساخت سه‌بعدی آزاد.

در این روش طراحی‌های مجازی حاصل از برنامه نرم‌افزاری کامپیوتری (CAD) یا برنامه نرم‌افزاری طراحی متحرک سازی به مقاطع عرضی مجازی افقی ظریف تبدیل می‌شود. سپس هر مقطع عرضی در فضای فیزیکی، به ترتیب یکی پس از دیگری قرار می‌گیرند تا مدل ساخته شود (برای مثال: چاپگر سه‌بعدی، استریولیتوگرافی).

رجوع شود به:

Stereolithography, Three-dimensional printing, Solid freeform fabrication (SFF)

Ratchet

آچاری که برای ایمپلنت‌های پیچ‌دار به کار

می‌رود تا نشستن نهایی ایمپلنت را تسهیل کند.

برنامه‌ریزی شده، طرح درمانی که ارایه شده و نتایج حاصل، مدرکی تهیه می‌شود که شامل بخشی از پرونده بیمار خواهد بود.

Reactive bone

رجوع شود به: Bone

Reattachment

عمل یا مرحله دوباره متصل کردن چیزی، یا چیزی که دوباره متصل شده است.

ترمیم مجدد بافت اپیتلیالی و همبند به سطوح ریشه و استخوان پس از آسیب حاصل از تروما نباید با اتصال جدید (new attachment) اشتباه معنی شود.

Reamer

وسیله طراحی شده به منظور خاتمه سطح تطابق یک کوپینگ/ سیلندر فلز، به خصوص در خط اتصال جایگاه پیچ (screw seat interface).

Recipient site

مترادف: Host site

ناحیه‌ای که گرفت بافت نرم یا سخت را دریافت می‌کند.

Recombinant human bone morphogenic protein (rhBMP)

پروتئین استئواینداکتیو (القاکننده استخوان) تولید شده با تکنولوژی DNA نوترکیب.

Record

اطلاعات یا داده‌های ثبت شده در هر رسانه‌ای (نظیر: دستخط، چاپ، عکس، ویدیو یا هر وسیله الکترونیکی). طی این روند، از آنچه

Record base

سطوح جونده در تماس (occluding surface) که بر روی بیس‌های دنچر موقت یا نهایی با هدف ثبت رابطه ماگزیلومندیولر و دندان چینی ساخته می‌شوند.

Re-entry

دوباره باز کردن یک ناحیه به روش جراحی جهت بررسی یا بهبود نتایج حاصل از جراحی مرحله اول.

رجوع شود به: Stage-two surgery

Regenerate

مترادف: Distraction zone

بافتی که به تدریج بین قطعات استخوانی در distraction osteogenesis تشکیل می‌شود.

Regenerate maturation

تکمیل مینرالیزاسیون و ریمادلینگ بافت تازه تشکیل شده.

Regeneration

تشکیل یا ساخت مجدد یک بخش آسیب دیده یا از دست رفته به حالت اصلی‌اش.

رجوع شود به: Repair

Regional acceleratory phenomenon (RAP)

پاسخ موضعی به محرکی که تشکیل بافت‌ها

دو تا ده برابر سریع‌تر نسبت به رژنرآسیبون طبیعی صورت می‌گیرد. مدت و شدت RAP مستقیماً متناسب است با نوع و میزان محرک و ناحیه‌ای که پاسخ ایجاد شود.

Registration

مترادف: Coregistration
فرآیند تبدیل سری‌های مختلف داده‌ها به یک سیستم هماهنگ‌کننده، نظیر برنامه نرم‌افزاری برای ایمپلنت‌های دندان. داده‌ها ممکن است عکس باشند، داده‌های دستگاه‌های مختلف تصویربرداری و همچنین داده‌های حاصل از اسکنرهای نوری که به فایل STL تبدیل شده‌اند، باشند. عموماً از خصوصیات مشابه در یک سری عکس با استفاده از روش تنظیم مستقیم استفاده می‌شود. یک روش مقدماتی در حین دیجیتالی کردن طرح درمان ایمپلنت یا جراحی جهت‌یابی (navigation surgery) صورت می‌گیرد، بدین صورت که داده‌های بیمار با اسکن تصویری که از قبل به وسیله نشانگرهای ثابت (fiducial markers) تهیه شده، تنظیم و هماهنگ می‌شود.

Rejection

پاسخ ایمنی یک ارگان‌سیم میزبان در برابر یک عضو ترانسپلانت شده، یک بافت بیولوژیک یا وسیله پزشکی.

Releasing incision

رجوع شود به:
Periosteal release, Vertical incision

Remodeling (bone)

عملکرد (تغییر و تبدیل) استخوان در بسته‌های کوچک BMU (واحد چند سلولی پایه جهت بازسازی استخوانی).

Remount index

رکورد بیس که امکان مانع کردن قالب‌های گچی ماگزینا و مندیبل را بر روی آرتیکولاتور جهت ارزیابی و تنظیم امکان‌پذیر می‌سازد.

Remount record

رجوع شود به: Remount index

Removable prosthesis

رستوریشنی که متحرک است و بیمار می‌تواند از دهانش خارج کند.
این رستوریشن ممکن است بخشی از فک (RPD: پلاک متحرک پارسیل) یا تمام فک (RCD: پروتز/دنچر کامل متحرک) را پوشش دهد.

رجوع شود به: Denture, Fixed prosthesis

Removable torque value (RTV)

مترادف: Reverse torque value
اندازه‌گیری نیروی چرخشی مورد نیاز جهت جدا شدن اینترفیس ایمپلنت- استخوان در یک ایمپلنت ریشه‌ای شکل.

Repair

ترمیم یک زخم توسط بافتی که ساختار یا فانکشن بخش از دست رفته را به طور کامل بازسازی نمی‌کند.

Replica

رجوع شود به: Analog/analogue

Residual ridge

بخشی از ریح آلوئول که از استخوان آلوئول متعاقب از دست رفتن زواید آلوئولار پس از کشیدن دندان‌ها باقی می‌ماند.

Residual ridge resorption

رجوع شود به: Ridge atrophy

Resin

دسته‌ای از رزین‌های ترموپلاستیک که از طریق پلیمریزاسیون آکریلی یا اسیدمتاکریلات یا مشتقاتشان تولید می‌شوند، از این مواد در ساخت پروتز و وسایل پزشکی و دندانپزشکی و همچنین در فرآیند چاپگر سه‌بعدی و استریولیتوگرافی استفاده می‌شود.

Resonance frequency analysis (RFA)

تکنیکی جهت اندازه‌گیری بالینی ثبات/موبیلیتی ایمپلنت. اندازه‌گیری توسط یک مبدل (ترانسفورماتور) متصل به اباتمنت یا ایمپلنت ثبت می‌شود. این وسیله فرکانس رزونانسی ناشی از اینترفیس ایمپلنت - استخوان را (که در دامنه نوار فرکانسی القا شده تغییر می‌کند) ثبت می‌کند.

Resorbable

توانایی یک گرافت اتورژن که به صورت فیزولوژیک حل می‌شود.
رجوع شود به: Bioabsorbable

Resorbable blast media (RBM)

پردازش سطحی ناشی از بلاست کردن سطح یک ایمپلنت دندان با یک ماده زیست سازگار، نظیر: تری کلسیم فسفات.

Resorbable membrane

غشایی که در داخل ناحیه جراحی گذاشته می‌شود تا ترمیم تسهیل شود. این غشا توسط فعالیت آنزیمی یا هیدرولیز در زمان‌های مختلف بسته به ترکیب ماده غشایی تجزیه می‌شود.

Resorption

از دست رفتن ماده یا استخوان از طریق فرآیند فیزیولوژیک یا پاتولوژیک.
رجوع شود به: Bone resorption

Restoration

رجوع شود به: Prosthesis

Restorative dentistry

مطالعه و تشخیص در مدیریت بیماری دندان‌ها و ساختارهای حمایت‌کننده و بازسازی دندان‌ها جهت ایجاد فانکشن و زیبایی با توجه به نیازهای بیمار.

Restorative platform

رجوع شود به: Platform

Retaining screw

یک پیچ مضرّس که رستوریشن پروتزی را به اباتمنت یا mesostructure (داربست سوپراژنژیوال، اسکلت فوق‌لثه‌ای) محکم می‌کند.

رجوع شود به: Abutment screw

Rethreading

ترمیم تضرس‌های داخلی آسیب‌دیده یک ایمپلنت دندان‌ی ریشه‌ای شکل با استفاده از یک وسیله ضربه‌ای.

Retrievability

به توانایی خارج کردن یک پروتز بدون آسیب اطلاق می‌شود.

Retrograde peri-implantitis

رجوع شود به: Implant periapical lesion

Retromolar implant

ایمپلنت دندان‌ی داخل استخوانی که در ناحیه رترومولار مندیبل به منظور حرکات دندان‌ی (به جلو یا عقب راندن دندان‌ها) قرار داده شده.

رجوع شود به:

Orthodontic implant, Temporary anchorage device (TAD)

Retrospective study

مطالعه‌ای که جهت مشاهده و بررسی وقایعی که قبلاً رخ داده اختصاص دارد.

Reverse torque test (RTT)

آزمایشی جهت ارزیابی مقدار استوایتنگریشن، به ویژه استحکام برشی در اینترفیس استخوان - ایمپلنت، با به کار بردن نیروی چرخشی در جهتی مخالف جایگذاری ایمپلنت.

Reverse torque value

رجوع شود به:

Removable torque value (RTV)

Revolutions per minute (RPM)

واحد سرعت چرخشی وقتی یک فرز یا دریل می‌چرخد.

Ridge

باقی‌مانده زائده آئولار پس از کشیدن دندان. رجوع شود به:

Alveolar process, Residual ridge

Ridge atrophy

کاهش در حجم یک ریح به دلیل تحلیل استخوان.

Ridge augmentation

افزایش ابعاد ریح آلوئول موجود.

Ridge defect

کاستی و نقص در کانتور ریح بی‌دندان. نقص استخوانی می‌تواند در جهت عمودی (ایپیکرورنال) و یا افقی (باکولینگوال، مزیدیستال) باشد.

Ridge expansion

گشاد کردن ریح باقی‌مانده در جهت لترالی (باکولینگوالی) به روش جراحی، با استفاده از استئوتوم و یا چیزل جهت آماده کردن ناحیه برای ایمپلنت‌گذاری و یا گرافت استخوان.

Ridge mapping

نفوذ به بافت نرم بی‌حس شده با یک پروب

یا کولیس مدرج در نواحی مختلف و انتقال اطلاعات به قالب گچی تشخیصی. شکل ریج باقی‌مانده با ترمیم کردن مجدد گچ قالب مطابق با عمق بافت نرم دوباره بازسازی می‌شود.

رجوع شود به: Ridge sounding

Ridge preservation

مترادف:

Extraction socket graft, Socket graft, Socket preservation

جایگذاری فوری ماده گرفت یا هر روش دیگری (نظیر GBR) در محل ساکت (حفره) دندانی پس از کشیدن دندان. نظریه‌ای که بر این روش درمانی استوار است بر حفظ کانتور استخوان و بافت نرم و جلوگیری از تحلیل استخوان با توجه به نقص ریج تأکید دارد.

Ridge resorption

به از دست رفتن استخوان در یک ناحیه بی‌دندانی اطلاق می‌شود.

رجوع شود به: Residual ridge

Ridge sounding

مترادف: Bone sounding, Sounding

نفوذ به بافت نرم بی‌حس شده جهت تعیین توپوگرافی (نقشه مهندسی بافت) استخوان زیرین.

رجوع شود به: Ridge mapping

Ridge splitting

رجوع شود به: Ridge expansion

Rigid fixation

واژه بالینی که به عدم وجود موبیلیتی قابل مشاهده دلالت دارد.

Risedronate

داروی خوراکی بیسفونات حاوی نیتروژن که جهت پیشگیری و درمان استئوپروز و درمان بیماری پاژت (Pagets disease) استفاده می‌شود.

مکانیسم عملکرد این دارو شامل مهار در تشکیل و فعالیت استئوکلست‌هاست.

Risk assessment

روندی که ارزیابی‌های کمی و کیفی را در رابطه با احتمال عوارض جانبی و ناخواسته هنگامی که در معرض خطرات بهداشتی و سلامتی ایجاد می‌شوند یا هنگامی که تأثیرات مفیدی رخ نمی‌دهد، بررسی می‌کند.

Risk factor

یک وضعیت محیطی، رفتاری یا بیولوژیک که اگر به صورت مستقیم وجود داشته باشد، احتمال بروز یک بیماری یا عوارض جانبی و ناخواسته افزایش می‌یابد که بر نتیجه روش درمانی تأثیر می‌گذارد.

Risk indicator

ریسک فاکتور احتمالی که با مطالعات طولی تأیید نشده است.

Root-form implant

یک ایمپلنت دندانی داخل استخوانی که در مقطع عرضی مدور است.

جهت دسترسی به قاب پنجره لترالی در گرافت (پیوند) سینوس استفاده کرد.

ممکن است به اشکال مختلف استوانه‌ای، مخروطی، مضرّس، سوراخ‌دار، توپر یا توخالی طراحی شود.

R value

Root submergence

گیر (retention) ریشه‌ای به نحوی که ساختار دندانی تا زیر سطح کرسست آلئولار پایین آمده، به بافت نرم اجازه داده می‌شود بر روی آن ترمیم یابد.

این تکنیک جهت به حداقل رساندن تحلیل ریح آلئول باقی‌مانده به کار می‌رود.

رجوع شود به: Root submersion

پارامتر خشونت (roughness) دوبعدی محاسبه شده از نماهای آزمایشی بعد از پاکسازی (fithering).

Ra = میانگین حسابی قدرمطلق تمامی نقاط یک نمایه (profile)، همچنین خط مرکزی ارتفاع میانگین.

Rt = حداکثر ارتفاع دامنه از کل نتیجه اندازه‌گیری.

Root submersion

رجوع شود به: Root submergence

Rotational freedom

میزانی که یک اباتمنت وقتی که به ایمپلنت متصل می‌شود، می‌تواند بچرخد.

Rotational misfit

حرکت بین ایمپلنت و اباتمنت‌ها که به ابعاد gap بین اباتمنت و خواص آنتی روتیشن ایمپلنت بستگی دارد.

رجوع شود به: Rotational freedom

Rough surface

رجوع شود به: Textured surface

Round bur

فرز روند (توپی شکل) که جهت نشانه‌گذاری ناحیه استئوتومی یا دکورتیکارسیون استخوان به کار می‌رود. از این فرز می‌توان

S

Sandblasting

سندبلاست کردن سطح یک ایمپلنت.

رجوع شود به: Blasted implant surface

Sandblast, large grit, acid-etched implant surface (SLA)

پردازش سطحی که خشونت سطحی را جهت بالا بردن استواینتگریشن با افزایش تماس استخوان- ایمپلنت (BIC) و همچنین افزایش سرعت میزان استواینتگریشن بهبود می‌بخشد.

Sandwich technique

یک روش اگمانتاسیون ریج آلوئول باریک که براساس خواص مثبت مواد مختلف و قرار دادن به صورت لایه لایه، نتایج درمان پیوند (گرافت) استخوان بهبود می‌یابد.

Saucerization

رجوع شود به: Pericervical saucerization

Sausage technique

یک روش جراحی جهت بازسازی استخوان در بعد افقی (horizontal guided bone regeneration) و با استفاده از غشای کلاژنی قابل جذب (native) جهت تثبیت و بی‌حرکت کردن پیوند استخوانی خاص و همچنین حفاظت ناحیه بازسازی شده طی چند هفته اولیه بلوغ.

رجوع شود به: Particulate graft, Membrane

Scaffold

یک ساختار زیست سازگار سه بعدی (که ممکن است همراه با سلول باشد) و به عنوان داربست و اسکلت جهت رشد بافت عمل می‌کند. این داربست ممکن است قابل تجزیه بافتی باشد یا نباشد.

Scaler

رجوع شود به: Implant scaler

Scalloped implant

یک ایمپلنت دندانی ریشه‌ای شکل که سطح اتصال ایمپلنت- اباتمنت در ناحیه بین دندانی (اینترپروگزیمال) نسبت به سطح فاسیال یا لینگوال کمی کروناالی تر قرار می‌گیرد.

Scanning abutment

دستگاهی که برای ایمپلنت دندانی به کار می‌رود و با توجه به ماده و ساختار مهندسی منطبق با اینترفیس پلت فرم خاص، کاملاً بر روی ایمپلنت قرار می‌گیرد تا با اسکن داخل دهانی جهت ثبت موقعیت ایمپلنت به همراه ساختارهای آناتومیک اطراف یک قالب‌گیری دیجیتالی تهیه شود.

از فایل STL دیجیتالی حاصل می‌توان برای طراحی و ساخت اجزای ترمیمی با CAD/CAM، نظیر: اباتمنت‌های ساختگی (custom)، بارهای تیتانیومی یا رستوریشن‌های ماشین شده زیرکونیای منولیتیک تمام فکی، همچنین در لابراتوارها از این اباتمنت‌های اسکن شونده می‌توان استفاده کرد، بدین صورت که این اباتمنت‌ها بر روی آنالوگ‌ها در قالب گچی سوار شده، توسط اسکنر نوری

رومیزی اسکن می‌شوند. سپس از اطلاعات دیجیتال به دست آمده در تکنولوژی CAD/CAM می‌توان استفاده کرد.
رجوع شود به:

Scan body, Intraoral scanner, Desktop optical scanner, Standard Tessellation Language or Standard Triangulation Language (STL)

Scan body

رجوع شود به:

Scanning abutment, Intraoral scanner, Desktop optical scanner, Standard Tessellation Language or Standard Triangulation Language (STL)

Scanographic template

یک تمپلیت رادیوگرافی با استفاده از اسکن CT/CBCT با یا بدون استفاده از نشانگرهای ثابت.

رجوع شود به: Radiographic template

Scar

بافت فیبروز جایگزین کننده بافت‌های نرمال و طبیعی پس از ترمیم.

Scatter

تفرق یک آرتیفکت با خطوط اپک در تصاویر CT/CBCT است که به دلیل فتون‌هایی که از مسیر اصلی‌شان پس از برخورد با اجسام متراکم داخل دهانی، نظیر: پرکردگی‌های فلزی یا روکش‌ها انکسار می‌یابند، ایجاد می‌شود. این حالت باعث تداخل در تشخیص می‌شود،

چرا که باعث پنهان کردن ساختارهای آناتومیک زیرین می‌شود.
رجوع شود به: Artifact

Schneiderian membrane

مترادف: Sinus membrane (maxillary)
لایه‌ای از سلول‌های اپیتلیالی ستونی مژده‌دار مطابق کاذب پوشاننده سینوس ماگزایلا.
رجوع شود به: Perforation

Screw

یک پیچ مضرس جهت اتصال دو قطعه منطبق و چفت شونده.
رجوع شود به:

Abutment screw, Prosthetic screw, Retaining screw

Screw fracture

شکستگی یا شکسته شدن پیچ پروتز.

Screw implant

ایمپلنت دندان‌ی ریشه‌ای شکل مضرس که می‌تواند موازی یا مخروطی باشد.
رجوع شود به:

Root-form implant, Threaded implant

Screw joint

اتصال دو قطعه که توسط یک پیچ به هم محکم می‌شوند (نظیر: خط اتصال پیچ اباتمنت-ایمپلنت).

Screw loosening

از عوارض قسمت پروتزی که به دلیل از دست

رفتن نیروی از پیش بارگذاری شده (preload) بر روی پیچ، اباتمنت یا رستوریشن لق می‌شود.

Screw preload

نیروی قفل شونده یا ارتجاعی که در اینترفیس اجزای ایمپلنت از طریق سفت و محکم کردن پیچ به هم متصل می‌شوند.

Screw-retained

استفاده از یک پیچ جهت ایجاد گیر در اباتمنت یا پروتز.
رجوع شود به: Cement-retained

Screw tap

رجوع شود به: tap

Screw tightening

عمل چرخاندن (پیچاندن) یک قطعه مضرّس در حفره دسترسی تا مقاومت ایجاد شود.

Screw-type implant

رجوع شود به: Threaded implant

Sealing screw

رجوع شود به: Hygiene cap

Seating surface

اصطلاح عامیانه، واژه درست: Platform

Secondary closure

رجوع شود به:
Healing by second (secondary) intention

Secondary implant failure

رجوع شود به: Late implant failure

Secondary maxillary mucocele

مترادف: Postoperative maxillary sinus cyst
ضایعه سینوس ماگزایلا که به واسطه تروما یا جراحی قبلی ایجاد می‌شود و سینوس را به دو بخش تقسیم می‌کند. کیست از اپیتلیوم آنترال و باقیمانده‌های موکوزال که قبلاً در ناحیه جراحی به دام افتاده‌اند، سرچشمه می‌گیرد.
رجوع شود به: Primary maxillary mucocele

Secondary stability

ثابت کردن یک ایمپلنت دندانی به استخوان در طول زمان و پس از آنکه استئواینتگریشن رخ داده است.
رجوع شود به:

Initial stability, Implant stability quotient (ISQ)

Secondary union

رجوع شود به:

Healing by second (secondary) intention

Second-stage permucosal abutment

رجوع شود به: Healing abutment

Second-stage surgery

رجوع شود به: Stage-two surgery

Segmentation

عمل تقسیم‌بندی یک تصویر CT/CBCT به قسمت‌های مختلف.

در تصویربرداری پزشکی این قسمت‌ها اغلب به دسته‌های مختلف بافتی یا اجسام، براساس مقادیر تراکم یا درجات رادیواپسیتیه در یک اسکن، مربوط می‌شود. به عبارت دیگر، دندان‌ها و ریشه‌ها را از استخوان اطراف مجزا می‌کند.

Selective laser sintering (SLS)

یک تکنیک ساخت افزایشی که از لیزر با توان بالا (برای مثال، لیزر دی اکسید کربن) برای ذوب کردن ذرات کوچک پلاستیک، فلز (سیتترینگ مستقیم لیزر فلزی - DMLS)، سرامیک یا پودرهای گلاس و تشکیل یک توده و ایجاد شکل سه‌بعدی مورد دلخواه استفاده می‌کند.

رجوع شود به:

Additive manufacturing (AM),

Direct metal laser sintering (DMLS),

Solid freeform fabrication (SFF)

Self-tapping

خصوصیتی در طراحی بخش اپیکالی یک ایمپلنت دندانی مضرس یا fixation screw که این امکان را فراهم می‌سازد که ایمپلنت مسیر thread را در استخوان ایجاد کند.

Sensor (CBCT)

سنسورهای استفاده شده در دستگاه‌های CBCT به صورت پانل‌های صاف (a-Si) سیلیکونی مات، پانل‌های صاف CMOS یا تقویت‌کننده‌های الحاقی تصویر به یک CCD. رجوع شود به:

CMOS device, CCD, Image intensifiers

Sensor (Digital X-ray)

رادیوگرافی دیجیتالی که به جای فیلم X-ray از سنسور یا دستگاه مخصوص گرفتن تصویر دیجیتالی استفاده می‌کند. مزیت این روش عبارت است از:

امکان مشاهده تصویر در همان لحظه و قابل دسترس بودن تصویر در زمان‌های بعدی، حذف مراحل پر هزینه ظهور و ثبوت فیلم، تکنیکی پویا به دلیل قابلیت تکرار عکس در صورت خطاهای حین گرافی، همچنین قابلیت امکان پردازش تصاویر با استفاده از تکنیک‌های خاص که باعث بالا رفتن کیفیت کلی تصویر در برنامه نرم‌افزاری کامپیوتری می‌شود.

رجوع شود به: Digital radiography

Scintillators

وسیله‌ای که در اسکنرهای CBCT جهت تبدیل اشعه X به نور مرئی یا سنسورهای solid-state به کار می‌رود، نظیر: دستگاه CMOS که پرتوتابی را از این وسیله شناسایی می‌کند.

رجوع شود به: CMOS device

Sensory mapping

فرآیند ارزیابی و تصویرسازی ناحیه پوست، مخاط یا لثه که احتمالاً دچار تغییر در حس یا ایجاد احساس ناخوشایند dysesthesia شده است.

Septum

بخشی از بافت نرم یا سخت که دو حفره یا اتاقک را در بدن جدا می‌کند.

رجوع شود به:

Interalveolar septum, Interradicular septum,
Maxillary sinus septum

Sequential drilling

استفاده از دریل‌ها به ترتیب جهت تهیه و افزایش تدریجی قطر حفره استئوتومی قبل از جایگذاری ایمپلنت که معمولاً بر اساس دستورالعمل کارخانه سازنده انجام می‌شود.

Sequestration

استخوان نکروتیک که از استخوان سالم اطراف جدا می‌شود. این حالت یکی از عوارض (sequele) استئومیلیت و استئونکروز فک ایجاد شده با بیس فسفونات است.

رجوع شود به:

Osteomyelitis, Bisphosphonate-induced
osteonecrosis of the jaw (BIONJ)

Set screw

یک پیچ پروتزی یا گیردار در قطر کوچکتر که جهت اتصال پروتزهای suprastructure (بالای لثه‌ای) به mesostructure (داربست یا اسکلت بالای لثه‌ای)، اساساً از سمت لینگوآل یا پالاتال، به کار می‌رود.

معمولاً این قطعات به صورت پیش ساخته که شامل یک سوراخ مضرس و پیچ است، در لابراتوار آماده می‌شوند.

رجوع شود به:

Prosthetic screw, Prosthetic retaining screw

Sharpey's fiber

ماتریکس بافت همبند که شامل دسته‌های

الیاف محکم کلاژن است و پریوست را به استخوان متصل می‌کند. این الیاف بخشی از لایه فیبروز خارجی پریوست هستند که به لاملاهای محیطی خارجی و بینایی استخوان وارد می‌شوند.

Shear stress

استرس ایجاد شده توسط یک بار (دو نیروی وارد شده به سمت هم که در یک خط مستقیم مشابه نیستند) و تمایل به لغزاندن (سُراندن) بخشی از جسم بر روی دیگری دارد. رجوع شود به: Stress

Short implant

ایمپلنت‌هایی با قطر معمولی (نرمال) ولی طول کوتاه که معمولاً به صورت چندتایی جهت ساپورت اوردنچر مندیبل به کار می‌روند.

Silent sinus syndrome (SSS)

یک عارضه بالینی نادر که به صورت enophthalmos یکطرفه (جابجایی خلفی کره چشم در داخل حلقه چشم) و hypoglobus ثانویه (جابجایی تحتانی کره چشم) متعاقب نازک شدن و خم شدن کف سینوس ماگزایلا به داخل با وجود عدم بروز علایم و نشانه‌های بیماری التهابی سینوزیت بینی (سینونازال ذاتی) توصیف می‌شود. انسداد استئوم در بخش کمپلکس استئومئاتال منجر به کاهش تهویه هوا در سینوس ماگزایلا می‌شود.

Silicone

دسته‌ای از مواد سنتتیک که به صورت پلیمرهایی با ساختار شیمیایی و برپایه

زنجیره‌های سیلیکونی متناوب و اتم‌های اکسیژن، همراه با گروه‌های ارگانیک متصل به اتم‌های سیلیکون هستند. چنین ترکیباتی معمولاً در برابر مواد شیمیایی مقاومند و نسبت به تغییرات دمایی حساس نیستند و در ساخت لاستیک‌ها، پلاستیک‌ها، واکس‌ها، مواد لوپریکنت و بعضی از مواد قالب‌گیری دندانپزشکی استفاده می‌شوند.

Simulation

شبیه‌سازی، تقلید از عملکرد یک روند یا سیستم در دنیای واقعی در طول زمان است. به منظور عمل شبیه‌سازی باید یک مدل فیزیکی یا الگوی مجازی تولید کرد. این الگو خصوصیات کلیدی رفتاری / عملکردی از سیستم یا روند انتخاب شده فیزیکی یا انتزاعی را معرفی می‌کند.

در روند شبیه‌سازی جایگذاری ایمپلنت توسط برنامه نرم‌افزاری طرح درمان، برنامه‌ریزی و کار عملی قبل از آن که درمان بر روی بیماران واقعی شروع شود، صورت می‌گیرد.

رجوع شود به:

Virtual tooth/teeth, Virtual surgical planning, Rapid prototyping

Simultaneous placement

جایگذاری ایمپلنت دندان ریشه‌ای شکل همزمان با جراحی دیگری که در همان ناحیه انجام می‌شود (نظیر گرافت کردن).

Single-stage implant

رجوع شود به: One-stage implant

Single-tooth implant

جایگزین کردن یک ریشه طبیعی دندان و تاج بالینی‌اش با یک تک ایمپلنت.

Sintered

سینتر شده، مرحله سینترینگ.

رجوع شود به: Sintering

Sintered (porous) surface

سطح یک ایمپلنت دندان پر دانه شده با ذرات پودری کرومی حاصل از مواد سرامیکی یا متالیکی که به صورت یک لایه سطحی به کور فلزی بدنه ایمپلنت می‌چسبند.

سطوح متخلخل براساس اندازه، شکل، حجم و عمق تخلخل‌ها (منافذ) توصیف می‌شوند و تحت تأثیر عواملی، نظیر: اندازه ذرات کرومی به کار رفته و درجه حرارت و فشار اتاقک سینترینگ قرار دارند.

Sintering

حرارت دادن یک پودر زیر دمای ذوب هر قطعه‌ای، تا آگلومراسیون و جوش خوردن ذرات فقط از طریق انتشار، با یا بدون اعمال نیروی فشار امکان‌پذیر شود.

در پیشرفت‌های اخیر که در دندانپزشکی CAD/CAM صورت گرفته، از سرامیک‌های خاص نسبتاً سینتر شده (زیر کونیا)، سرامیک‌های باندشونده با گلاس (Vitablock) یا گلاس-سرامیک‌ها (لیتیوم دی سیلیکات IPS e.max) که به صورت بلاک‌های قابل تراش، پس از تراش با ماشین (milling) و پخته شدن در کوره تهیه می‌شوند، استفاده می‌شوند.

رجوع شود به:

CAD/CAM, Zirconia, IPS e. max, Lithium disilicate

Sinus

فضای پر از هوا در داخل استخوان.

Sinus augmentation

رجوع شود به: Sinus graft

Sinus elevation

رجوع شود به: Sinus graft

Sinus elevator

وسیله قاشقی مانند و غیر برنده که جهت بالا بردن غشای اشنایدین به کار می‌رود.

Sinus graft

مترادف:

Maxillary antroplasty, Sinus augmentation, Sinus elevation, Sinus lift, Subantral augmentation

اگماتتاسیون و بازسازی کف آنترال توسط استخوان اتوژن و یا ترکیبات جایگزین استخوانی جهت آماده کردن ناحیه برای جایگذاری ایمپلنت.

Sinusitis (maxillary)

التهاب سینوس.

Sign (علائم بیماری توسط دندانپزشک) شامل: حساسیت دندان‌ها به دق، تب و تورم صورتی.

Symptom (علائم بیماری توسط خود بیمار) شامل: گرفتگی بینی، تخلیه چرک از بخش

خلفی بینی (postnasal)، درد صورتی/سر درد، آبریزش از بینی، بوی بد دهان، هوا گرفتگی در گوش‌ها و مشکل شنوایی (احساس صدای بم).

Sinus lift

رجوع شود به: Sinus graft

Sinus lining

رجوع شود به:

Schneiderian membrane, Sinus membrane (masillary)

Sinus membrane (maxillary)

رجوع شود به: Schneiderian membrane

Sinus perforation

رجوع شود به: Perforation

Sinus pneumatization (maxillary)

بزرگ‌شدگی سینوس ماگزایلا.

با افزایش سن، به خصوص با از دست رفتن دندان‌های ماگزایلا و کاهش نیروهای مضغی بر روی ماگزایلا، دیواره‌های سینوس، در نتیجه افزایش اندازه سینوس ماگزایلا به تدریج باریک‌تر می‌شوند.

رجوع شود به: Pneumatization

Sinus septum

رجوع شود به: Septum

Sinusitis

رجوع شود به: Maxillary rhino-sinitis

Site development (implant)

روندی که کیفیت و کمیت بافت‌های نرم و یا سخت را در ناحیه مورد نظر قبل از جایگذاری ایمپلنت به روش اگمانتاسیون بازسازی می‌کند.

Site preservation

رجوع شود به: Ridge preservation

Sleeper implant

یک ایمپلنت دندانی داخل استخوانی غیر پاتولوژیک که از طرح درمان پروتزی خارج می‌شود.

SmartPeg

یک گیره خاص تولید شده توسط بعضی کارخانه‌ها، از جنس فلز آلومینیوم نرم که با درگیر شدن تضاریس آن در داخل / بر روی ایمپلنت دندانی اجازه انتقال فرکانس تشدید (RFA) را جهت تعیین ثبات لترالی، با استفاده از یک پروپ ISQ متصل به وسیله Osstell می‌دهد.

رجوع شود به:

Implant stability quotient (ISQ), Osstell, Resonance frequency analysis (RFA)

Smile line

یک خط تجسمی (خیالی) که از انحنا لب بالا حین لبخند زدن تبعیت می‌کند. در یک خط لبخند ایده‌آل، لبه اینسایزال دندان‌های فک بالا باید موازی لب پایین حین لبخند زدن باشد.

رجوع شود به: Lip line

Socket

رجوع شود به: Alveolus, Extraction socket

Socket graft

رجوع شود به: Ridge preservation

Socket preservation

رجوع شود به: Ridge preservation

Socket shield technique

یک قطعه از ریشه که در ساکت دندانی بین ایمپلنت و صفحه (plate) استخوان باکال جهت حفظ بافت نرم و سخت باقی می‌ماند. (تصویر)

Soft tissue augmentation

عمل گرافت کردن که با روش‌های مختلف جراحی جهت افزایش حجم بافت نرم انجام می‌شود.

Soft tissue cast

یک قالب گچی به همراه آنالوگ لابراتواری ایمپلنت که پلت‌فرم آن با ماده ارتجاعی شبیه مخاط پوشیده شده است. رجوع شود به:

Abutment-level impression, Fixture-level impression, Implant-level impression

Soft tissue defect

محدودیتی در ظاهر طبیعی بافت نرم، به دلیل حجم کاهش یافته ناشی از ضربه، عفونت، زخم (اسکار) یا کافی نبودن بستر استخوان زیرین.

Soft tissue graft

رجوع شود به:

Acellular dermal allograft, Connective tissue graft, Subepithelial connective tissue graft (SCTG)

Software-based planning

استفاده از تصویربرداری CT یا CBCT قبل از جراحی به همراه برنامه نرم‌افزاری کامپیوتری جهت تشخیص و طرح درمان جایگذاری ایمپلنت و رستوریشن. اطلاعات به دست آمده را می‌توان در جراحی ردیابی (navigation surgery) یا راهنمای استریولیتوگرافی استفاده کرد.

رجوع شود به:

Stereolithographic guide, Surgical guide

Solid freeform fabrication (SFF)

مترادف:

Additive fabrication, Layered manufacturing

مجموعه‌ای از تکنیک‌ها جهت ساخت اجسام توپر که از طریق ارسال متوالی انرژی و یا ماده در جهات خاصی در فضا، آن جسم ساخته می‌شود.

رجوع شود به:

Rapid prototyping, Stereolithography, Three-dimensional printing

Solid screw

یک ایمپلنت دندانی ریشه‌ای شکل مضرس با سطح مقطع مدور بدون هیچ‌گونه منفذ یا سوراخ در بدنه ایمپلنت.

SonicWeld Rx

از مزایای این روش استفاده از خواص منحصربه‌فرد ترموپلاستیک پلیمر قابل جذب، به همراه تکنولوژی لبه برنده التراسونیک جهت افزایش حجم (اگماتاسیون) استخوان ورتیکالی / لترالی.

Sounding

رجوع شود به:

Ridge sounding, Bone sounding

Spark erosion

رجوع شود به:

Electric discharge method (EDM)

Specialized mucosa

رجوع شود به: Oral mucosa

Spiral cone-beam computed tomography

رجوع شود به:

Cone-beam computed tomography (CBCT)

Splinting

اتصال دو یا چند دندان یا ایمپلنت به یک واحد سخت (rigid) یا منعطف (nonrigid) توسط رستوریشن یا وسایل ثابت یا متحرک.

رجوع شود به: Cross-arch stabilization

Split-crest technique

رجوع شود به: Rigid expansion

Split-ridge technique

رجوع شود به: Ridge expansion

استخوان و بخیه کردن بافت نرم بر روی ایمپلنت و در نتیجه زیر لثه قرار دادن (submerging) ایمپلنت جهت ترمیم انجام می‌شود.

Split-thickness flap

رجوع شود به: Partial thickness flap

Stage-two surgery

مترادف: Second-stage surgery

Spongy bone

رجوع شود به: Bone

روش جراحی بدین صورت که با نمایان کردن (اکسپوز کردن) پلت فرم ایمپلنت دندانی زیر لثه (submerged) به محیط دهان و با اتصال اباتمنت سبب خروج از بافت نرم می‌شود.

Stability

نبود یا عدم حرکت یک گرافت، ممبران و یا ایمپلنت دندانی در معاینه بالینی.

رجوع شود به:

Staggered implant placement

رجوع شود به: Tripodization

Implant stability, Initial stability, Secondary stability

Standard abutment

قطعه زیر کونیا یا تیتانیوم ماشین شده که جهت ساپورت پروتز پیچ شونده یا سمان شونده به کار می‌رود.

رجوع شود به: Stock abutment

Stabilization

رجوع شود به:

Bicortical stabilization, Cross-arch stabilization, Stability

Standard deviation (SD)

اندازه تغییر پذیری، یا پراکندگی توزیع امتیازها. هرچه امتیازها در اطراف میانگین بیشتر تجمع یابد، انحراف معیار کوچکتر می‌شود.
رجوع شود به: (Standard error (SE)

Stabilization pin

رجوع شود به:

Anchor pin, Fixation pin, Fixation screw

Staged protocol

یک توالی درمانی که یک روند متعاقب روند دیگری در یک زمان دیرتر انجام می‌شود.

Standard error (SE)

انحراف معیار مقادیر کارکرد مشخص یک داده بین تمام نمونه‌های ممکن با اندازه یکسان. این مقدار با تقسیم انحراف معیار نمونه بر جذر تعداد افراد در نمونه محاسبه می‌شود.

Stage-one surgery

مترادف: First-stage surgery

یک روش جراحی که با جایگذاری ایمپلنت دندانی اندوسئوس (endosseous) در

رجوع شود به: Standard deviation (SD)

Standard Tessellation Language or Standard Triangulation Language (STL)

مخفف:

Standard Tessellation Language or
Standard Triangulation Language

نوعی فرمت فایل خام جهت پروتوتایپ سریع، استریولیتوگرافی و برنامه نرم‌افزاری CAD. این فرمت فایل توسط بسیاری از برنامه‌های نرم‌افزاری حمایت می‌شود و در فرآیند پروتوتایپ سریع و ساخت و تولید با کمک کامپیوتر استفاده می‌شود.

فایل‌های STL فقط مهندسی ساختار سطح یک جسم سه‌بعدی را بدون هیچ‌گونه ارایه رنگ، قوام یا سایر جنبه‌های متداول الگوی CAD توصیف می‌کنند.

Staple implant

نوعی ایمپلنت داخل استخوانی است که اتصال به دنچر فک پایین را در مواردی که آتروفی شدید استخوان آلوئول وجود دارد، امکان‌پذیر می‌سازد. جراحی به روش برش (اینسیژن) ساب منتال (زیرچانه‌ای) و جایگذاری در هفت سوراخ موازی دریل شده در مندیبل صورت می‌گیرد.

رجوع شود به: Mandibular staple implant
(تصویر)

Static loading

وضعیتی که یک ایمپلنت دندان تحت نیرویی که از لحاظ بزرگی و جهت ثابت است

قرار می‌گیرد (به عنوان مثال، زمانی که به منظور تکیه‌گاه ارتودنسی مورد استفاده قرار می‌گیرد).

رجوع شود به: Dynamic loading

Stem cell

سلول تمایز نیافته جنین یا فرد بالغ که می‌تواند نامحدود تقسیم شود و سرمنشأ یک یا چندین نوع سلول مختلف باشد.

Stent

۱. وسیله‌ای که در رابطه با نگه داشتن گرافت در محل یا حفظ محل جراحی طی ترمیم استفاده می‌شود.

۲. واژه غلطی که برای رهنما، اسپلینت یا تمپلیت به کار می‌رود.
پیشنهاد:

Radiographic template, Stereolithographic guide, Surgical guide, Surgical template

Stepped implant

یک ایمپلنت دندانی ریشه‌ای شکل داخل استخوانی با دیواره‌های موازی و قطرهای مختلف که به یکدیگر به نحوی متصل می‌شوند که از کرونال به اپیکال به تدریج قطر کاهش می‌یابد.

Stereolithographic guide

یک راهنمای دریل کردن در سیستم ساخت با کمک کامپیوتر (CAM)، مطابق با اطلاعات استخراج شده از برنامه‌ریزی نرم‌افزاری جهت جایگذاری ایمپلنت در بدن.
رجوع شود به:

Drilling guide, Software-based planning,
Surgical guide

Stereolithographic model

یک بازسازی سه بعدی از ماگزیلا یا مندیبل با کمک کامپیوتر (CAM)، مطابق با اطلاعات استخراج شده از برنامه‌ریزی نرم‌افزاری.

Stereolithography

مترادف: Three-dimensional modeling

تکنولوژی ساخت سریع و پروتوتایپ سریع جهت ایجاد یک الگوی سه بعدی با استفاده از لیزرهای هدایت شده با برنامه نرم‌افزاری CAD و براساس اطلاعات حاصل از اسکن توموگرافی کامپیوتری (CT). از این روش جهت برنامه‌ریزی جراحی و ساخت راهنمای استریولیتوگرافی استفاده می‌شود.

رجوع شود به:

Rapid prototyping, Solid freeform fabrication (SFF), Three - dimensional planning

Sterile technique

روش جراحی که تحت شرایط استریل انجام می‌شود. این روش در اتاق عمل بیمارستانی انجام می‌شود و تمامی پروتکل اتاق عمل، از آماده کردن اتاق عمل، انتقال و کاربرد وسایل تا خود کارکنان اتاق عمل که شامل شستشو به روش جراحی (Surgical scrub)، استفاده از کلاه جراحی، روکش (کاور) کفش و گان استریل باید رعایت شود.

رجوع شود به: Clean technique

Stippling

حضور یک سطح بسیار ریز لوبوله بر روی لثه چسبنده، مشابه پوست پرتقال. این یک حالت طبیعی انطباقی است که از فردی به فرد دیگر متفاوت است. حضور یا کاهش این نما می‌تواند نشان‌دهنده بیماری لثه باشد.

Stitching

رجوع شود به: Image stitching

Stock abutment

یک اباتمنت ساخته شده ماشینی که به عنوان بخشی از قطعات پروتزی در کاتالوگ کارخانه سازنده ایمپلنت عرضه می‌شود. این اباتمنت می‌تواند مستقیم یا زاویه‌دار باشد و به هر اباتمنت پیش ساخته در فهرست قطعات کارخانه سازنده اطلاق می‌شود.

رجوع شود به:

Abutment, Angulated abutment, Prefabricated abutment

Straight abutment

رجوع شود به: Nonangulated abutment

Straight implant

رجوع شود به: Paralled-sided implant

Strain

تغییر در بعد یک جسم وقتی که تحت یک نیروی خارجی (استرس) قرار می‌گیرد.

Stress

نیرو یا بار وارد شده بر یک جسم.

رجوع شود به:

Bending stress, Compressive stress, Shear stress, Tensile stress, Torsion stress

Stress concentration

نقطه‌ای که میزان استرس به دلیل هندسه جسم تحت استرس یا نقطه‌ای که نیرو وارد شده به طور قابل ملاحظه‌ای بیشتر از نقاط دیگر است.

Stress shielding

۱. کاهش در تراکم استخوان (استئوپنی) در نتیجه برداشتن استرس مشخص از استخوان توسط ایمپلنت (برای مثال، قطعه فمورال از پروتز لگن).
۲. طراحی اینترفیس ایمپلنت-اباتمنت که استرس موجود در پیچ ثابت‌کننده داخلی (internal fixation screw) را با انتقال استرس به بدنه ایمپلنت کاهش می‌دهد.
۳. حفاظت یا تمرکز استرس (Stress shielding or concentration) به سهولت به اینترفیس القا می‌شود و بر روی ثبات طولانی مدت ایمپلنت خطرات بالقوه ایجاد می‌کند. موفقیت یا شکست یک ایمپلنت در رابطه با اینکه چگونه استرس‌های موجود در اینترفیس استخوان-ایمپلنت به استخوان‌های اطراف منتقل می‌شوند، مشخص می‌شود.

Stripped threads

تضاریس یا رزوه‌های (threads) شکسته یا کج شده یک پیچ یا رزوه‌های داخلی یک ایمپلنت دندانی ریشه‌ای شکل.

Stripping

صدمه (به عبارتی تغییر شکل یا خرابی) تضاریس یا رزوه‌های داخلی (internal threads) یک ایمپلنت دندانی، پیچ یا اباتمنت.

Stud-type attachment

رجوع شود به: Ball attachment

Subantral augmentation

رجوع شود به: Sinus graft

Subcrestal implant placement

رجوع شود به: Crestal implant placement

Subepithelial connective tissue graft (SCTG)

جراحی گرفت به روش ترانس پلانت بافت همبند اتوژن برداشته شده از یک ناحیه گیرنده به منظور کراتینیزه کردن اپیتلیالی جهت پوشش سطح ریشه، بهبود زیبایی و یا تصحیح نواقص ریح.

Sublingual artery

شاخه‌ای از شریان لینگوال (زبانی)، با انشعاب به عضلات خارجی (extrinsic) زبان، غده زیرزبانی و مخاط ناحیه و با ایجاد آناستوموز به شریان سمت مقابل و شریان زیرچانه‌ای (submental).

Submerged healing

جایگذاری ایمپلنت در داخل استخوان با پوشش کامل بافت نرم که نیاز به جراحی مرحله دوم جهت نمایان (اکسپوز) کردن

ایمپلنت به منظور بازسازی پروتزی دارد.
رجوع شود به: Two-stage surgery

Submerged implant

ایمپلنت دندانی پوشیده شده با بافت نرم که در تماس با حفره دهان نیست.
رجوع شود به: Submerged healing

Submerged root

رجوع شود به: Root submergence

Submergible implant

رجوع شود به: Two-stage implant

Subnasal elevation

تکنیک جراحی جهت افزایش ارتفاع استخوانی در قدام ماگزایلا از طریق بالا بردن مخاط بینی، مشابه بالا بردن کف سینوس و غشای سینوسی.

Subperiosteal implant

ایمپلنتی که جهت قرار گرفتن در استخوان و زیر پریوست طراحی شده است. این ایمپلنت از قطعات ریختگی، از جنس فلز یا آلیاژ مخصوص جراحی با grade خاص تشکیل شده است.
اباتمنت‌های بین مخاطی (permucosal)، پست‌ها و بارهای داخل دهانی جهت گیر پروتز طراحی شده‌اند.

سه نوع ایمپلنت طبقه‌بندی شده است:
۱. ایمپلنت ساب پریوستال کامل: ایمپلنتی که در بی‌دندانی کامل فکی استفاده می‌شود.
۲. ایمپلنت ساب پریوستال یک طرفه:

ایمپلنتی که در یک سمت خلف مندیبل یا ماگزایلا به کار می‌رود.

۳. ایمپلنت ساب پریوستال محیطی: ایمپلنتی که ایمپلنت‌ها و دندان‌های باقی‌مانده را دور می‌زند.

۴. ایمپلنت ساب پریوستال سه‌پایه: ایمپلنتی که از دو راموس مندیبل و سمفیز قدام جهت ساپورت استفاده می‌کند.
(تصویر)

Subtractive manufacturing (SM)

ساخت متداول ماشینی از نوع ساخت کاهشی (subtractive manufacturing) که در آن مجموعه‌ای از مواد، ابزار و آلات الکتریکی، نظیر: اره‌ها، ماشین‌های تراش و مته‌های پرس، با استفاده از یک وسیله تیز برنده به صورت فیزیکی مواد برداشته می‌شوند تا شکل هندسی مورد نظر به دست آید.
رجوع شود به:

CAD/CAM, CNC milling (CNC)

Subtracted surface

رجوع شود به: Subtractive surface treatment

Subtraction radiography

تکنیک مورد استفاده جهت تشخیص تغییرات تراکم رادیوگرافی در دو مقطع زمانی، به منظور تشخیص تشکیل یا تحلیل استخوان.

Subtractive surface treatment

مترادف: Subtracted surface
تغییر در سطح ایمپلنت از طریق برداشتن ماده.
رجوع شود به:

Additive surface treatment, Textured surface

Maxillary sinus floor elevation, Osteotome technique

Success criteria

وضعیت ثبت شده توسط یک پیش‌نویس (protocol) مطالعاتی، به منظور ارزیابی موفقیت یک روش. (تصویر)

Superimposition

سوپرایمپوزیشن روشی است که یک تصویر یا ویدیو بر روی عکس یا ویدیوی فعلی قرار می‌گیرد و معمولاً جهت مشخص کردن تغییرات در طول زمان کاربرد دارد، به عبارت دیگر مقایسه نتایج قبل و بعد. این روش در رادیوگرافی دیجیتال و الگوهای تصویربرداری CT و CBCT مفید است.

Success rate

درصد موفقیت‌های یک روش یا وسیله (برای مثال: ایمپلنت دندان) در یک مطالعه یا آزمایش بالینی براساس معیارهای موفقیت تعریف شده توسط پیش‌نویس (پروتکل) مطالعاتی.

رجوع شود به: Survival rate

Superstructure

پروتزی که توسط ایمپلنت‌های دندان با یا بدون واسطه mesostructure حمایت می‌شود.

Sulcular epithelium

مترادف: Crevicular epithelium
اپیتلیوم غیر کراتینه‌شده شیار مخاطی احاطه‌کننده ایمپلنت‌های دندان و دندان‌ها.

Suppuration

تشکیل چرک (pus).

Sulcular incision

مترادف:

Intracrevicular incision, Intrasulcular incision
برشی (اینسیژنی) که مستقیماً به داخل سالکوس (شیار) لثه یا اطراف ایمپلنت وارد شده، به کرسٹ استخوان آلوئول می‌رسد و از کانتور دندان‌ها یا ایمپلنت‌های دندان تبعیت می‌کند.

Supracrestal implant placement

رجوع شود به: Crestal implant placement

Surface alteration

ایجاد تغییرات در سطح یک ایمپلنت با پردازش سطحی افزایشی یا کاهش‌ی. رجوع شود به:

Additive surface treatment, Subtractive surface treatment

Summers technique

رجوع شود به:

Surface characteristics (implant)

توپوگرافی یک سطح که از لحاظ شکل

Surgical guide

یک راهنما که در جراحی جایگذاری ایمپلنت با توجه به اطلاعات تصویری CT/CBCT یا ساخته شده در لابراتوار از روی وکس آپ تشخیصی به کار می‌رود و در تعیین موقعیت دریل کردن، مسیریابی، کنترل زاویه و عمق کمک می‌کند.

سه نوع راهنمای جراحی اصلی از اسکن‌های CT/CBCT ساخته می‌شود:

۱) متکی بر استخوان (بر پایه استخوانی)

۲) متکی بر مخاط (بر پایه مخاطی)

۳) متکی بر دندان (بر پایه دندانی).

رجوع شود به:

Surgical template, Stereolithographic guide

(تصویر)

Surgical indexing

رکوردی که جهت ثبت موقعیت یک ایمپلنت در جراحی یک مرحله‌ای یا دو مرحله‌ای به کار می‌رود.

Surgical navigation

رجوع شود به: Navigation surgery

Surgical template

اصطلاح عامیانه، واژه درست: Surgical guide (تصویر)

Survival rate

درصد بقا (ماندگاری) در یک مطالعه یا آزمایش بالینی براساس معیار از پیش تعیین شده.

رجوع شود به:

Kaplan-Meier analysis, Success rate

(form)، تموج (waviness) و خشونت (roughness) سطح تعریف می‌شود. خشونت سطح ریزترین نامنظمی‌های موجود در سطح را توصیف می‌کند، در حالی که شکل به بزرگترین ساختار یا مقطع مربوط می‌شود. تموج و خشونت سطح اغلب با هم تحت واژه قوام بافتی (texture) معرفی می‌شوند.

دو نوع سطح ایمپلنت دندانی وجود دارد: ماشینی (machined) و مضرس (دارای قوام بافتی) (textured)

رجوع شود به:

Machined implant surface, Textured surface

Surface roughness

مشخصات کیفی و کمی سطح یک ایمپلنت دندانی که توسط تماس مستقیم سوزن دستگاه پروفیلومتر (contact stylus profilometry) به صورت دوبعدی یا توسط اسکنر لیزری همگرا (confocal) به صورت سه‌بعدی ارزیابی می‌شود (رجوع شود به: S value).

رجوع شود به:

Surface characteristics (implant)

Surface treatment

ایجاد تغییرات در سطح یک ایمپلنت، به صورت یا ساختاری یا شیمیایی، جهت تغییر خصوصیاتش که معمولاً به منظور افزایش روند استئواینتگریشن صورت می‌گیرد.

رجوع شود به: Textured surface

Surgical bed

ناحیه‌ای که جهت دریافت گرافت به صورت جراحی آماده می‌شود.

Suture

۱. ماده‌ای که جهت بستن زخم جراحی یا ضربه دیده استفاده می‌شود (نظیر: سیلک، کاتگوت، پلی گلایکولیک اسید).
۲. عمل بستن و بهم رساندن لبه‌های زخم به وسیله بخیه.
۳. یکی شدن بخش فیروز (متحرک) و متراکم (ثابت) دو استخوان.

S value

پارامتر سه بعدی خشونت سطحی که توسط تصاویر توپوگرافی محاسبه می‌شود.

Sa: میانگین حسابی قدرمطلق تمامی نقاط یک مقطع. این یک پارامتر توصیفی ارتفاع است.

Scx: پارامتر توصیفی فضای A.

Sdr: نسبت مساحت سطح توسعه یافته.

Symphysis

جوش خوردن ناحیه غضروفی- فیبروزی بین دو استخوان.

رجوع شود به: Mandibular symphysis

Syngeneic graft

رجوع شود به: Isograft

Synthetic bone

رجوع شود به: Alloplast, Bone substitute

Synthetic graft

رجوع شود به: Alloplast, Bone substitute

System (implant)

۱. خط تولیدی از ایمپلنت‌های دارای

طراحی ویژه، پروتکل جراحی، ابزار و قطعات پروتزی مشابه. یک سیستم ایمپلنت ممکن است یک مفهوم خاص، نام مخترع یا حق امتیاز انحصاری را معرفی کند.

رجوع شود به: Configuration

۲. تعریف ISO: «قطعات ایمپلنت دندانی که به منظور تطابق با یکدیگر طراحی شده‌اند. دارای ابزار و قطعات لازم جهت تکمیل بدنه ایمپلنت و قطعات اباتمنت هستند». (ISO ۱۰۴۵۱)

Systemic review

روند موقعیت‌یابی به روش سیستمیک، ارزیابی منتقدانه و شواهد ترکیبی حاصل از مطالعات علمی، با استفاده از تکنیک‌های آماری مناسب، به منظور رسیدن به نتایجی بر پایه خلاصه‌های داده‌ها و گزارشاتی که معلوم و مجهول هستند.



استئوتومی.

به این عمل pretapping نیز می‌گویند.

Teflon scaler

رجوع شود به: Implant scaler

Tack

مترادف: Fixation tack

پین فلزی یا قابل جذب که دارای یک سر مسطح و صاف است و به منظور حفظ موقعیت یک غشای سدی در بازسازی هدایتی استخوانی (GBR) به کار می‌رود.

Tap

مترادف: Threader, Threadformer

۱. Bone tap: دستگاهی که یک کانال مضرس در استخوان برای یک پیچ ثابت‌کننده (fixation screw) یا قبل از جایگذاری ایمپلنت در حفره استئوتومی ایجاد می‌کند.
۲. Metal tap: وسیله ساخته شده از فلز سخت جهت مضرس (دندانه‌دار) کردن و تیز کردن رزوه‌های داخلی یک ایمپلنت دندانی که خراب شده‌اند.

Tapered implant

یک ایمپلنت ریشه‌ای شکل داخل استخوانی، با قطری بزرگتر در ناحیه کروئال نسبت به اپیکال. دیواره‌های کناری بدنه ایمپلنت به سمت اپیکال ممکن است مضرس یا صاف باشد.

Tapping

روشی است جهت ایجاد یک کانال مضرس در استخوان با bone tap، به منظور جایگذاری یک پیچ ثابت‌کننده (fixation screw) یا قبل از جایگذاری ایمپلنت در حفره

Teflon tape technique

از این روش جهت پر کردن سوراخ‌های دسترسی به پیچ ایمپلنت در پروتزهای پیچ‌شونده، یا به عنوان یک حایل (spacer) جهت جلوگیری از ورود سمان اضافی در اطراف رستوریشن‌های سمان‌شونده استفاده می‌شود.

Telescopic coping

یک پوشش ریختگی نازک که برای دندان تراش‌خورده یا اباتمنت ایمپلنت ساخته می‌شود و به عنوان یک زیرساختار کوچک در پروتز به کار می‌رود.

Template

راهنما

رجوع شود به:

Radiographic template, Stereolithographic guide, Surgical guide

Temporary abutment

مترادف: Temporary cylinder

اباتمنی که جهت ساخت یک رستوریشن موقت استفاده می‌شود.

رستوریشن موقت ممکن است بر روی اباتمنت موقت سمان شود؛ یا اباتمنت موقت با رستوریشن موقت یکپارچه شده، به صورت پیچ‌شونده استفاده شود.

Temporary anchorage device (TAD)

یک ایمپلنت موقت که به صورت کمکی در حرکات ارتودنติก دندانانی استفاده می‌شود. از پیچ‌های بسیار کوچک (miniscrew)، که ایمپلنت‌های دندانانی استخوان‌نگره شده در ناحیه پالاتال یا رترومولار هستند، جهت کنترل حرکات دندانانی حین درمان ارتودنسی استفاده می‌شود.

Temporary cylinder

رجوع شود به: Temporary abutment

Temporary healing cuff

رجوع شود به: Healing abutment

Temporary prosthesis/restoration

رجوع شود به: Interim prosthesis/restoration

Tensile stress

استرس ایجاد شده توسط یک بار (دو نیروی به کار رفته در خلاف جهت هم در یک خط مستقیم مشابه) که تمایل به کشیدن یا بلند کردن جسم را دارد. رجوع شود به: Stress

Tension-free flap closure

قابلیت و ویژگی یک فلپ جراحی که بتواند در موقعیت اصلی‌اش بدون کشش (passive) دوباره قرار بگیرد و موقعیت فعلی را بدون دخالت جراح یا نیاز به بخیه حفظ کند.

Tenting

تنظیم یک غشای سدی جهت ایجاد فضا بین

غشا و استخوان.

از پیچ‌ها، میله‌ها و داربست‌های تیتانیومی مخصوص جهت ایجاد چنین فضایی استفاده می‌شود.

رجوع شود به: Tenting screw, Tack

Tenting screw

یک پیچ فلزی به کار رفته در بازسازی هدایت شده استخوانی (GBR) جهت حمایت از غشای سدی و در عین حال حفظ فضا در زیر ممبران به منظور بازسازی استخوان.

Tent pole

یک وسیله مکانیکی که در سطح استخوان پیچ شده، جهت بالا بردن غشای سدی (barrier membrane) به کار می‌رود.

رجوع شود به: Tenting

Test group

رجوع شود به: Experimental group

Textured surface

سطحی که از حالت اصلی ساخته شده با ماشین تغییر کرده یا مدیفاید شده است. سطح یک ایمپلنت دندانانی می‌تواند با افزایش یا کاهش پردازش سطحی تغییر کند. رجوع شود به:

Additive surface treatment, Machined implant surface, Subtractive surface treatment, Surface characteristics (implant)

Texturing

فرآیند افزودن بر سطح ناحیه.

Textured surface: رجوع شود به:	عنوان یک ایمپلنت به شکل پیچ شناخته شده است.
Thick flat periodontium Periodontal biotype: رجوع شود به:	ممکن است دیواره‌هایش موازی (parallel) یا مخروطی (taper) باشد.
Thin scalloped periodontium Periodontal biotype: رجوع شود به:	Threader رجوع شود به: Tap
Thread حالت برجسته مانند (دندانه‌دار) در بدنه ایمپلنت‌های دندانی مضرس. عمق و ضخامت پیچ، فاصله بین دو پیچ (pitch)، face angle) و زاویه مارپیچ (helix angle) از پارامترهای متغیر در شکل هندسی (geometry) ایمپلنت هستند. اشکال هندسی پایه‌ای thread عبارتند از: V-thread, reverse buttress thread, power (square) thread	Thread flank کناره زاویه‌دار بدنه یک thread که ریشه را به کرسر متصل می‌کند.
	Threadformer رجوع شود به: Tap
	Thread lead فاصله یک thread پیچ که به صورت محوری در یک چرخش پیچ ادامه می‌یابد.
Thread angle زاویه بین flank ها که در سطح مقطع محوری (axial plane) اندازه‌گیری می‌شود.	Thread path مجرای در نمای داخلی حفره دسترسی یک پیچ (screw) که تضاریس (threads) قطعه را هدایت می‌کند. همچنین به مسیری که توسط bone tap در حفره استئوتومی، به منظور هدایت و جایگذاری ایمپلنت دندانی ایجاد می‌شود، اطلاق می‌شود.
Thread crest بخش برجسته یک thread، به صورت داخلی یا خارجی.	
Thread depth فاصله بین قطر اصلی و فرعی یک thread.	Thread pitch فاصله بین یک نقطه از دندانه (thread) پیچ تا نقطه متناظر بر روی دندانه (thread) بعدی که به صورت موازی محور ایمپلنت اندازه‌گیری می‌شود.
Threaded implant یک ایمپلنت دندانی ریشه‌ای شکل، با دندانه‌هایی (thread) مشابه یک پیچ، همچنین به	

Thread root

زیر شیار بین دو سطح flank یک thread، به صورت داخلی یا خارجی.

Three-dimensional imaging

رجوع شود به:

Computed tomography (CT), 3-D Imaging

Three-dimensional implant

یک ایمپلنت دندانی داخل استخوانی که به صورت لترالی از نمای فاسیال ریج بی‌دندانی جایگذاری شده است.

Three-dimensional modeling

رجوع شود به:

Stereolithography, Volumetric reconstruction

Three-dimensional printing

یک نوع طبقه‌بندی در تکنولوژی rapid prototyping (نمونه‌سازی سریع).

یک جسم سه‌بعدی به روش لایه‌گذاری و اتصال مقاطع عرضی متوالی یک ماده و با اطلاعات حاصل از اسکن کامپیوتری توموگرافی (CT scan) ساخته می‌شود. از این روش در طرح درمان جراحی و ساخت راهنمای جراحی استفاده می‌شود.

رجوع شود به:

Stereolithography, 3-D printing

Three-dimensional volume rendering

تفسیر حجمی (volume rendering) از اواسط دهه ۱۹۸۰ رایج شد، اما امروزه به صورت گسترده در تکنولوژی تصویربرداری

CBCT در دسترس است.

تمامی تکنیک‌های تفسیر سه‌بعدی، داده‌های حجمی سه‌بعدی را از یک یا دو سطح دو بعدی (۲D) ارایه می‌دهند که روابط فضایی موجود در داده را با استفاده از نشانه‌های عمق بصری انتقال می‌دهد. تفسیر حجمی سه بعدی از لحاظ بالینی تصاویر دقیق و فوری از داده‌های CT یا CBCT کامل بدون نیاز به ویراستاری در اختیار می‌گذارد و به رادیولوژیست یا جراح اجازه می‌دهد سؤال‌های خاصی را در رابطه با طرح درمان بیمار با استفاده از اطلاعات استخراج شده از داده‌ها به صورت تعاملی جوابگو باشند. همچنین، با برنامه نرم‌افزاری خاص، تفسیر حجمی سه بعدی را می‌توان به یک فایل STL، به منظور نمونه‌سازی سریع (rapid prototyping) و چاپگر سه بعدی از مدل‌های بیومدیکال (biomedical models) تبدیل کرد.

رجوع شود به:

Standard Tessellation Language or Standard Triangulation Language (STL), Rapid prototyping, 3-D printing, Surgical guide

Three-dimensional volumetric reconstruction

رجوع شود به:

Three-dimensional volume rendering

Tibia

درشت نی؛ استخوان باریک‌تر و بلندتر پا در زیر زانو. از سمت فوقانی با فمور (femur) و سر نازک نی (fibula) و از سمت تحتانی با

Tissue conditioning

مرحله بازسازی سلامت بافت‌های نرم تحت فشار در دهان بر اثر جراحی یا ضربه‌های مکانیکی که متعاقب استفاده از پروتزهایی که نیروهای شدید و مداوم اکلوژالی به بستر بافتی زیرین وارد می‌کنند، ایجاد می‌شود. در این موارد اغلب از یک تیشو کاندیشینر استفاده می‌شود.

رجوع شود به: Tissue conditioner

تالوس (talus) اتصالات مفصلی دارد. از این استخوان می‌توان به عنوان یک منبع پیوند استخوان استفاده کرد.

Tibial bone graft

پیوند استخوان برداشته شده از بخش جانبی درشت نی. غالباً این پیوند به صورت استخوان اسفنجی است.

Tibial bone harvest

رجوع شود به: Tibial bone graft

Tissue bank

آزمایشگاه مخصوص برداشتن و جمع‌آوری، فرآورده‌سازی و استریل کردن بافت‌ها از انسان‌ها یا حیوانات به صورت مواد پیوندی.

Tissue-borne

رجوع شود به: Tissue-supported

Tissue conditioner

روش‌های غیر جراحی جهت ایجاد بهبودی در بافت‌های زیرین دنج‌ بیمار که عبارتند از:

کمک به استراحت بافتی، تصحیح اکلوژن، استفاده از سافت لاینرهای موقتی و یا ارتقای بهداشت دهان بیمار.

Tissue conditioning معمولاً قبل از ریلاین دایم و یا قالب‌گیری نهایی برای پلاک متحرک کامل یا پارسیل و یا بعد از انجام جراحی جهت محافظت از بافت زیرین در نظر گرفته می‌شود.

Tissue engineering

کاربرد اصول علم زندگی و مهندسی مواد جهت تولید ترکیبات بیولوژیک به منظور بازسازی یا جایگزین کردن بافت‌ها.

Tissue-integrated prosthesis

واژه‌ای که اولین بار توسط آقای برنمارک (P.I. Branemark) و همکارانش جهت توصیف یک پروتز کامل ساخته شده برای بیماران بی‌دندان ارایه شد.

Tissue punch

وسیله مدور تیز دارای با قطره‌های مختلف جهت ایجاد برش (اینسیژن) در بافت نرم. رجوع شود به: Tissue punch technique

Tissue punch technique

برش (اینسیژن) مدور که در بافت نرم در اطراف ایمپلنت دندانی زیر کرس‌ت استخوان (submerged) یا با تیغه بیستوری یا ابزار مکانیکی به قطری مشابه پلت فرم ایمپلنت ایجاد می‌شود. در نتیجه، سطح ایمپلنت با کنارزدن بخش مدور بافت نرم نمایان می‌شود.

رجوع شود به: Stage-two surgery
همچنین برداشتن کامل (excision) بخش
مدور بافت نرم جهت دسترسی به استخوان
زیرین، به منظور جایگذاری ایمپلنت.
رجوع شود به:

Flapless implant surgery, Tissue punch

Tissue recession

رجوع شود به: Gingival recession

Tissue-supported

مترادف: Tissue-borne

حمایت شده با بافت نرم ریج آلوئول بی‌دندانی.

Titanium (Ti)

تیتانیوم عنصر شیمیایی با سمبل Ti و عدد
اتمی ۲۲، وزن اتمی ۴۷/۹۰ و وزن مخصوص
۴/۵. این فلز دو ویژگی بارز دارد که عبارت
است از: مقاومت به خوردگی (کروژن) و
بالاترین نسبت استحکام به چگالی در مقایسه
با هر عنصر فلزی دیگر.
تیتانیوم خالص تجاری (گرید ۴ تیتانیوم) دارای
۹۹٪ تیتانیوم خالص است.
رجوع شود به:

Commercially pure titanium (CP-Ti),

Titanium alloy (Ti-6Al-4V)

Titanium alloy (Ti-6Al-4V)

یک آلیاژ زیست سازگار در پزشکی است که
جهت ساخت ایمپلنت‌های دندانی و سایر
قطعات به کار می‌رود. خصوصیات فیزیکی
بالاتری نسبت به تیتانیوم خالص تجاری دارد.
شایع‌ترین آلیاژ تیتانیوم مورد استفاده جهت

ساخت ایمپلنت‌های دندانی آلیاژ ۴V-۶Al-Ti
است که حاوی تقریباً ۹۰٪ تیتانیوم، ۶٪
آلومینیوم و ۴٪ وانادیوم است.
رجوع شود به:

Commercially pure titanium (CP-Ti),
Titanium (Ti)

Titanium mesh

یک شبکه منعطف تیتانیومی که در جراحی‌های
افزایش استخوان جهت حفظ فضای از
پیش تعیین شده برای بازسازی استخوان حین
ترمیم به کار می‌رود.
این شبکه فلزی معمولاً با پیچ‌های
ثابت‌شونده یا پانچ‌شونده به استخوان محکم
می‌شود.

رجوع شود به: Tack, Fixation screw

Titanium oxide

۱. لایه سطحی که بلافاصله در تماس با
هوا بر روی سطح فلز تیتانیوم خالص و آلیاژ
تیتانیوم و با ترکیب نسبی متغیر (برای مثال TiO_2
و TiO_4) تشکیل می‌شود. این لایه مقاوم به
خوردگی (کروژن)، ایمپلنت دندانی را علیه
اثرات شیمیایی ناشی از مایعات بیولوژیک حفظ
می‌کند.
۲. متال اکساید بالاست شده در سطوح ایمپلنت
جهت افزایش سطح ناحیه.

Titanium plasma sprayed (TPS)

فرآیندی که در آن رسوب پودرهای تیتانیومی
در حرارت بالا به صورت کامل یا نسبی ذوب
شده، سپس سریعاً دوباره منجمد می‌شود و یک
پوشش متخلخل یا متراکم تشکیل می‌دهد.

رجوع شود به: Plasma spray

Titanium reinforced

خصوصیتی در ممبران‌های غیر قابل جذب که به صورت نوارهای تیتانیومی نازک هستند و سبب افزایش سفتی (stiffness) و کمک به حفظ شکل از پیش تعیین شده ناحیه بازسازی استخوانی حین ترمیم می‌شود.

رجوع شود به:

Expanded polytetrafluoroethylene (ePTEE)

Tomograph

کلیشه رادیوگرافی استفاده شده در توموگرافی.

Tomography

تکنیکی جهت رویت و مشاهده مقطع عرضی یک ناحیه از بدن انسان، نظیر: مندیبل یا ماگزایلا یا یک جسم جامد، با استفاده از اشعه ایکس یا ماورای صوت.

رجوع شود به:

Computed tomography (CT), Cone-beam computed tomography (CBCT), Tomogram

Tomogram

نوعی اشعه ایکس آشکارکننده یک لایه یا «برش» (slice) خاص از دهان، در حالی که دیگر لایه‌ها محو می‌شوند. این نوع اشعه ایکس ساختارهایی را که وضوح تصویرشان به دلیل سوپرایمپوز شدن (همپوشانی) دیگر ساختارهای مجاور و بلاک شدن تصویر به سختی قابل مشاهده است، نشان می‌دهد.

Tooth-supported surgical guide

یک تمپلیت (راهنمای) جراحی که در موارد بی‌دندانی نسبی جهت هدایت مسیر و عمق سلسله مراتب دریل کردن با تکیه بر دندان‌های مجاور به کار می‌رود.

رجوع شود به:

Tooth-borne surgical guide, Mucosal-borne surgical guide, Bone-borne surgical guide

Torque

۱. نیرویی که تمایل به ایجاد چرخش (rotation) یا پیچ‌خوردگی (torsion) دارد یا ایجاد می‌کند.

۲. اندازه‌گیری ظرفیت یک وسیله جهت ایجاد یا تداوم به چرخیدن، تحت مقاومت به چرخش. این مقیاس در واحد نیوتن سانتی‌متر (Ncm) بیان می‌شود.

Torque controller

رجوع شود به: Torque driver

Torque driver

مترادف:

Torque controller, Torque indicator, Torque wrench

یک وسیله، یا دستی یا الکترونیکی، جهت وارد کردن نیروی گشتاور.

Torque gauge

رجوع شود به: Torque indicator

Torque indicator

رجوع شود به: Torque driver

Torque wrench

رجوع شود به: Torque driver

Torsion stress

استرس ایجاد شده توسط یک بار که تمایل به خم کردن و پیچاندن یک جسم را دارد.

رجوع شود به: Stress, Torque

Torus

یک برجستگی واضح استخوانی که عموماً در خط وسط کام سخت (پالاتال) یا نمای لینگوال مندیبل در نواحی کانین و پری مولر مندیبل بروز می‌کند.

این ناحیه می‌تواند به عنوان یک منبع استخوان اتوژن مورد استفاده قرار گیرد.

Trabecular bone

رجوع شود به: Bone

Transepithelial

عبور یا نفوذ از بین یا کنار اپیتلیوم.

Transfer coping

رجوع شود به: Impression coping

Transfer (implant) impression

رجوع شود به: Closed-tray impression

Transforming growth factor beta (TGF-β)

فاکتور رشدی تولید شده توسط پلاکت‌ها و سلول‌های استخوانی که کموتاکسی و میتوژن سلول‌های بنیادی استئوبلاست

را افزایش می‌دهند و همچنین تجمع استئوبلاست‌ها را در ماتریکس کلاژنی جهت ترمیم زخم و بازسازی استخوانی تحریک می‌کنند.

Transitional implant

مترادف: Provisional implant

ایمپلنت دندانی به کار رفته حین مراحل درمانی ایمپلنت جهت ساپورت پلاک متحرک یا ثابت موقتی. این ایمپلنت معمولاً به صورت فوری بارگذاری شده و ایمپلنتی با قطر باریکتر است که ممکن است در مراحل بعدی درمان خارج یا حذف شود.

Transitional prosthesis/restoration

یک پروتز موقت جهت جایگزین کردن یک یا چند دندان از دست رفته حین مراحل درمانی.

Transmandibular implant

رجوع شود به: Mandibular staple implant

Transmucosal

قطعه یا ساختار پروتزی که در نواحی از آناتومی داخلی گسترده شده، پس از عبور از مخاط دهانی به محیط خارجی ختم می‌شود.

Transmucosal abutment

هر قطعه پروتزی که یک ایمپلنت را از میان بافت نرم به حفره دهانی متصل می‌کند.

Transmucosal loading

فشاری که از طریق بافت نرم به ایمپلنت دندانی

استوانه‌ای یا قرصی شکل از استخوان یا دیگر بافت‌ها. زیراستخوانی (submerged) اعمال می‌شود و معمولاً توسط یک دنچر متحرک ایجاد می‌شود.

Transosseous implant

مترادف: Transosteal implant

۱. ایمپلنت دندانی که کاملاً در داخل ریح بی‌دندانی از بعد باکولینگوالی نفوذ می‌کند.
۲. ایمپلنت دندانی که کاملاً از ناحیه پاراسمفیز مندیبل و از بورد تحتانی از کرسٹ آلوئول عبور می‌کند.

رجوع شود به: Mandibular staple implant

Transosteal implant

رجوع شود به: Transosseous implant

Transport segment

قطعه استخوانی جداشده و متحرک در جراحی distraction osteogenesis.

Trauma reconstruction

بازسازی جراحی و یا پروتزی کمپلکس فکی صورتی، ریح آلوئول و یا دندان‌ها توسط گرافت استخوان، جایگذاری ایمپلنت و بازسازی بافت نرم.

Treatment plan

روش درمانی طراحی شده برای بیمار.

Trephine

عمل جراحی به منظور ایجاد یک دهانه مدور.

Trephine drill

دریل توخالی جهت برداشتن یک قطعه

Trial-fit gauge

مترادف: Implant try-in

کپی دقیق یا مشابه کپی از بدنه یک ایمپلنت دندانی خاص که جهت امتحان اندازه حفره استئوتومی به کار می‌رود.

Triamcinolone

یک داروی گلوکوکورتیکوئید دارای نیمه‌عمر طولانی که به صورت داخل مفصلی، موضعی و استنشاقی تجویز می‌شود.

رجوع شود به: Glucocorticoid

Triangle of Bone

یک ناحیه استخوانی در دسترس که از بین یک سطح مقطع برش خورده (slice) و سوپر ایمپوز شده مثلثی شکل در یک تصویر CT (توموگرافی کامپیوتری) یا CBCT (اشعه مخروطی) قابل رویت است. همچنین به عنوان یک «هرم» استخوانی سه بعدی توصیف می‌شود.

Tricalcium phosphate (TCP)

نوعی سرامیک قابل تجزیه زیستی، معدنی (inorganic)، ذره‌ای یا سخت (solid) که می‌توان به عنوان یک ترکیب جایگزین استخوان استفاده کرد.

Tripodial subperiosteal implant

رجوع شود به: Subperiosteal implant

Tripodization

جایگذاری سه یا چند ایمپلنت دندانی در مسیری غیر خطی نسبت به پلت فرمشان.

Try-in screw

قطعه مضرس منطبق با پیچ اباتمنت که توسط دندانپزشک/متخصص پروتز و ترمیمی حین مراحل بالینی استفاده می‌شود. استفاده از این پیچ از آسیب پیچ پروتزی که برای نشانیدن نهایی پروتز در دهان بیمار کنار گذاشته می‌شود، جلوگیری می‌کند.
رجوع شود به:

Laboratory screw, Prosthetic screw

T-test

روش آماری متداول برای ارزیابی تفاوت میانگین‌ها بین دو گروه.

Tuberosity

یک برجستگی یا برآمدگی استخوانی.
رجوع شود به: Maxillary tuberosity

Tunnel technique

جراحی پیوندنتال که ناحیه بافت کراتینه را در مواردی که تحلیل لثه رخ داده است افزایش می‌دهد، یا در مواردی که افزایش حجم لثه مورد نیاز است که با استفاده از وسایل مخصوص، لثه از روی بستر زیرین بلند شده، جدا می‌شود تا زمینه برای جایگذاری بافت همبند زیراپیتلیالی اتوژن (CTG) یا ماتریکس درمال آسلولار (ADM) که از بانک بافتی تهیه می‌شود، فراهم شود.
رجوع شود به:

Acellular dermal matrix graft (ADM), VISTA

Turned surface

رجوع شود به: Machined implant surface

Turnover (bone)

روندی که استخوان قدیمی‌تر توسط استخوان جدید جایگزین می‌شود و اغلب به صورت درصد در سال بیان می‌شود.

Twist drill

یک وسیله برنده چرخشی، دارای چندین شیار در بدنه‌اش که جهت ایجاد یا گشاد کردن حفره استئوتومی به کار می‌رود.

Two-part implant

ایمپلنت دندانی که در آن بخش‌های اندوسئوس (endosseous) و ترانس موکوزال با هم یکی می‌شوند تا یک سطح اتصال (joint surface) در برابر بافت‌ها ایجاد کنند (برای مثال، اتصال ایمپلنت-اباتمنت).

Two-piece abutment

اباتمنتی که با استفاده از پیچ اباتمنت به ایمپلنت دندانی متصل می‌شود.

Two-piece implant

ایمپلنت دندانی که بخش‌های داخل استخوانی و اباتمنت از دو واحد مجزا تشکیل شده است.

Two-stage implant

مترادف: Submergible implant



ایمپلنت دندانی داخل استخوانی که براساس پیش‌نویس (پروتکل) جراحی دو مرحله‌ای طراحی شده است. این ایمپلنت جهت استئواینتگریشن با بافت نرم پوشش داده می‌شود.

Two-stage surgery

یک پروتکل جراحی که شامل جایگذاری ایمپلنت دندانی اندوسئوس (endosseous) ریشه‌ای شکل در داخل استخوان و پوشش ایمپلنت با یک فلپ بافت نرم است. در این روش یک جراحی مرحله دوم جهت نمایان (اکسپوز) کردن ایمپلنت به منظور ساخت و نشان دادن پروتز نیاز است.

University of California at Los Angeles abutment (UCLA abutment)

یک الگوی پلاستیکی قابل ریختگی (castable) که با اضافه کردن موم یا رزین می‌تواند به شکل emergence profile مورد نظر در رستوریشن‌های پیچ‌شونده، به صورت مستقیم بر روی ایمپلنت طراحی و ساخته شود.

رجوع شود به: Castable abutment

Ultrasonic bone surgery

رجوع شود به: Piezoelectric bone surgery

Uncovery

واژه متداول جهت اکسپوز (نمایان) کردن یک ایمپلنت دندانی زیر کمرست استخوان (submerged) به روش جراحی، متعاقب دوره ترمیم پس از جراحی مرحله اول.

پیشنهاد/ رجوع شود به:

Stage-two surgery, Implant uncovering

Underwood cleft or septum

رجوع شود به: Maxillary sinus septum

Unilateral subperiosteal implant

رجوع شود به: Subperiosteal implant (تصویر)

Uninterrupted suture

رجوع شود به: Continuous suture

**Unit load**

بخشی از بار کلی بر روی استخوان که توسط یک واحد مسطح یا یک واحد با سطح مقطع مربعی حمل می‌شود و استرین و استرس مربوطه را ایجاد می‌کند. فرمول ریاضی آن برابر است با بار کلی تقسیم بر سطح مقطع ناحیه‌ای از استخوان که بار را حمل می‌کند.

Valsalva maneuver

روشی که از بیمار خواسته می‌شود بازدم شدید انجام دهد، در حالی که بینی و دهانش بسته است. این یک ابزار ارزیابی است که حین جراحی برای تخمین میزان از دست رفتن یکپارچگی غشای اشنایدرین انجام می‌شود.

Variance

اندازه‌گیری توزیع آماری میانگین. هر چقدر واریانس بزرگتر باشد، به طور متوسط مقادیر بیشتری از (مشاهدات) متغیر تصادفی تمایل دارند که حول میانگین باشند.

رجوع شود به:

Standard deviation (SD), Standard error (SE)

Vascular endothelial growth factor (VEGF)

فاکتورهایی با خاصیت فعال آنژیوژنیک، میتوژنیک و نفوذپذیری بالای عروقی که فعالیت‌های خاص سلول‌های آندوتلیال را افزایش می‌دهند.

Vascularization

روند نفوذ و رگ‌سازی توسط عروق خونی که به عنوان یک تأیید قطعی در سلامت و حفظ بافت‌های زنده یا ترمیم یک گرافت در نظر گرفته می‌شود.

رجوع شود به: Angiogenesis

Vascular supply

منبع خورسانی به یک بافت یا اندام.

Veneer

پوششی که معمولاً از ماده رزینی یا سرامیکی ساخته شده، به سطح باکال یا فاسیال یک دندان طبیعی، روکش یا پانتیک بریج با واسطه باندینگ، سمان کردن یا گیر مکانیکی می‌چسبد.

Vent

۱. منفذی در بدنه ایمپلنت که به بافت‌ها اجازه رویش درونی به منظور افزایش گیر، ثبات و آنتی روتیشن می‌دهد.
۲. منفذی در راهنمای جراحی جهت شستشوی خارجی یا مشاهده تطابق دقیق در تمپلیت‌های متکی بر دندان.

Verification cast

قالب گچی ساخته شده از روی یک verification jig.

رجوع شود به: Verification jig

Verification index

رجوع شود به: Verification jig

Verification jig

مترادف: Confirmation jig

ایندکسی (شاخصی) از چندین ایمپلنت ساخته شده بر روی قالب گچی اصلی که در دهان جهت کنترل دقت master cast امتحان می‌شود.
اگر jig در دهان تطابق نداشته باشد، (در

نواحی کانتکت) بریده شده و مجدداً (با مواد مومی یا رزینی) متصل می‌شود. سپس قالب گچی جدید یا قالب گچی اصلی تغییر یافته، از jig که مجدداً متصل شده تهیه می‌شود. این قالب گچی جدید verification cast نامیده می‌شود.
همچنین verification jig را می‌توان به روش مستقیم در دهان ساخت و یک قالب گچی master یا verification از روی آن تهیه کرد.

رجوع شود به: Verification cast

Vertical dimension

فاصله در دسترس بین لبه اینسایزال و یا سطوح اکلوزال دندان‌ها یا موم رکورد بیس‌های اکلووالی حین صحبت کردن و تکلم (هنگام تنظیم موم و ثبت اکلوژن در دهان بیمار).
رجوع شود به:

Vertical dimension of occlusion (VDO)

Vertical dimension of occlusion (VDO)

نام دیگر آن بعد ورتیکالی اکلووالی (OVD) است، واژه‌ای که در دندانپزشکی نشان‌دهنده رابطه فوقانی- تحتانی ماگزایلا و مندیبل است، هنگامی که دندان‌ها یا بیس رکوردهای موم در حداکثر اینترکاسپیشن (intercuspatation) یا کانتکت واقع شده‌اند.

Vertical incision

برشی (اینسیژنی) در بافت نرم در جهت اپیکرورونال به منظور بلند کردن و متحرک کردن فلپ.

Vertical mattress suture

رجوع شود به: Mattress suture

Vestibular

دهان شامل دو ناحیه است: وستیبول و کل خفره دهان.

وستیبول ناحیه‌ای است بین سطوح باکال یا لترال دندان‌ها، ریح‌های باقی‌مانده، لب‌ها و گونه‌ها. همچنین این ناحیه ممکن است به فضای بین سطوح لینگوال دندان‌ها یا ریح‌های باقی‌مانده و زبان اطلاق شود.

Vestibular incision

رجوع شود به: Mucobuccal fold incision

Vestibule

رجوع شود به: Vestibular

Vestibuloplasty

روش جراحی که عمق وستیبول را جهت بازسازی ارتفاع ریح آلئول با پایین آوردن عضلات متصل به سطوح باکال، لیبیال و لینگوال فک‌ها افزایش می‌دهد. رجوع شود به:

Preprosthetic surgery, Vestibuloplasty

Virtual articulator

یک برنامه نرم‌افزاری شبیه‌سازی براساس داده‌های واقعی بیمار که با توجه به اکلوژن بی‌حرکت (static) و حرکتی (dynamic) و همچنین روابط فکی بیمار امکان آنالیز را در رشته‌های پروتز، ترمیمی و ایمپلنت مقدور می‌سازد.

Virtual reality (VR)

واژه‌ای که به محیط‌های شبیه‌سازی کامپیوتری اطلاق می‌شود و می‌تواند حضور فیزیکی را در مکان‌هایی در دنیای واقعی و همچنین در دنیای مجازی شبیه‌سازی کند. اکثر محیط‌های مجازی واقعی امروزه اساساً تجربیات بصری هستند که یا بر روی صفحه کامپیوتر یا به وسیله نمایشگرهای سه بعدی استریوسکوپ نشان داده می‌شوند، اما بعضی شبیه‌سازها شامل اطلاعات حسی اضافی هستند: نظیر صدا از بلندگو یا هدفون و اطلاعات لمسی.

Virtual surgical planning

دستکاری مدل‌ها و الگوهای سه بعدی ناحیه جراحی، قبل از جراحی جهت پیش‌بینی نتایج، طراحی راهنماهای جراحی، شبیه‌سازی جراحی واقعی و یا بهبود بعضی مراحل. عموماً این روش در حرکات استخوانی، بالاخص در جراحی کرانیوفاسیال (جمجمه‌ای- صورتی) و ارتوپدی، محدودیت دارد، اما تکنیک‌هایی برای جراحی ارتوگناتیک و ماگزیلوفاسیال در دسترس است.

Virtual tooth/teeth

شبیه‌سازی کامپیوتری یک یا چند دندان از طریق نرم‌افزار به عنوان روش کمکی در طرح درمان ایمپلنت (ها). با استفاده از برنامه نرم‌افزاری می‌توان طراحی و ساخت رستوریشن‌های پروتزی را به صورت مجازی به وسیله CAD/CAM برای دندان‌های طبیعی یا ایمپلنت‌های دندان‌ی انجام داد.

VISTA

مخفف:

Vestibular Incision Subperiosteal Tunnel Access

W

Vital bone content

درصد استخوان تازه تشکیل شده در یک مقطع بافت‌شناسی که از یک استخوان ترمیم شده در ناحیه پیوند شده تهیه می‌شود.

Vitreous carbon

یک بایومترال با ساختار شیشه‌ای بی‌شکل (آمورف) که جهت ساخت ایمپلنت‌های داخل استخوانی یا پوشش بستر ایمپلنت به کار می‌رود.

Volkmann's canal

مسیرهای حاوی شریان. این مسیرها از داخل استئون‌ها عمود بر کانال‌های هاورسین (Haversian canals) عبور می‌کنند و باعث اتصال کانال‌های هاورسین با همدیگر و با پریوست می‌شوند.
رجوع شود به: Haversian canal

Voxel

پیکسل حجمی (volumetric pixel) یا عنصر تصویری حجمی (volumetric picture element) یک عنصر حجم است که معرفی‌کننده یک مقدار مشخص در یک شبکه منظم در فضای سه بعدی است و به عنوان یک واحد اندازه‌گیری در توموگرافی کامپیوتری و CBCT (در CBCT مکعبی شکل ایزوتروپیک و در CT مستطیلی ارتوتروپیک) در نظر گرفته می‌شود.

Waxing sleeve

یک الگوی پلاستیکی پیش‌ساخته قابل ریختگی (castable) جهت ساخت یک اباتمنت ریختگی یا فریم ورک رستوریشن.
رجوع شود به: Castable abutment

Wax-up

الگوی مومی یا رزینی فرم داده شده به شکل مورد نظر که برای دنچر آزمایشی (trial denture)، کوپینگ ریختگی، فریم ورک فلزی و یا اهداف تشخیصی به کار می‌رود.
مرحله چیدن دندان‌های دنچر بر روی وکس ریم (رکورد بیس).
رجوع شود به:

Diagnostic wax-up, Lost-wax casting technique

Wicking (effect)

کلونیزاسیون باکتریایی بر روی نخ بخیه.

Wolff's law

یک قاعده کلی که حاکی از آنست که ساختار استخوانی (چه نرمال چه غیر نرمال) تحت نیروهایی که به آن وارد می‌شود به بهترین شکل ممکن مقاومت می‌کند.

Wound

هر شکستگی و تخریب در پیوستگی و اتصالات بافتی.

Wound closure

به هم نزدیک کردن لبه‌های فلپ با بخیه.

رجوع شود به:

Healing by first (primary) intention,

Healing by second (secondary) intention

Tension free flap closure

Wound dehiscence

رجوع شود به: Dehiscence

Wound healing

روندی که پوست یا هر بافت دیگر بدن خودش

را پس از تروما (ضربه) ترمیم می‌کند.

ترمیم (healing) در طول زمان در سه مرحله

جداگانه رخ می‌دهد:

التهابی (inflammatory)، تکثیری (proliferative)

و بلوغ (maturation).

Woven bone

رجوع شود به: Bone

Wrench

دستگاه یا ابزاری جهت وارد کردن نیروی

پیچشی (torsional) به یک جسم، نظیر: سفت

کردن یا شل کردن یک پیچ، یا جایگذاری یک

ایمپلنت توسط نیروی چرخشی (rotational)

در محل گیرنده (receptor site).

رجوع شود به:

Cylinder wrench, Open-ended wrench,

Torque driver

X

Xenograft

مترادف: Heterogenous graft, Heterograft

ماده پیوندی (گرافت) برداشته شده از گونه‌های

مختلف از یک گیرنده (یک جاندار).

X-ray (Dental)

دو نوع اشعه عمده در دندانپزشکی وجود دارد:

داخل دهانی (بدین معنی که فیلم X-ray

در داخل دهان است) نظیر: رادیوگراف پری

اپیکال، و خارج دهانی (بدین معنی که فیلم

X-ray در خارج دهان است) نظیر: رادیوگراف

پانورامیک و CBCT.

رجوع شود به:

Panoramic radiograph, Cone-beam

computed tomography (CBCT), Tomograph

Y

Young's modulus

رجوع شود به: Modulus of elasticity

Z

Zirconia

رجوع شود به:

Zirconium (Zr), Zirconium dioxide (ZrO₂)**Zirconia abutment**

اباتمنت‌های زیبایی جایگزین اباتمنت‌های فلزی ایمپلنت، به دلیل رنگ سفید زیرکونیا. اباتمنت‌های زیرکونیا می‌توانند به صورت ساختگی و تراش خورده با ماشین (custom milled) باشند یا به صورت پیش ساخته (stock) توسط بعضی کارخانه‌های سازنده در شکل‌های متنوع، با یا بدون مارجین‌های از پیش تراش خورده (pre-machined margins) در دسترس باشند.

رجوع شود به:

Abutment, Stock abutment, Angulated abutment

Zirconium (Zr)

یک عنصر فلزی چکش‌خوار سخت، به رنگ خاکستری فلزی، با نقطه ذوب بالا که عموماً به صورت شکل‌های ترکیبی یافت می‌شود. این عنصر بسیار به خوردگی (کروژن) مقاوم است.

از زیرکونیا به ویژه در آلیاژها و رفرکتوری‌ها و سرامیک‌ها استفاده می‌شود.

Zirconium dioxide (ZrO₂)

مترادف: Zirconia

کریستال سفیدرنگ اکسید زیرکونیوم که در طبیعت به شکل بلور معدنی و نادر منوکلینیک (baddeleyite) وجود دارد. این یک ماده بی شکل، بی بو و بی مزه به صورت پودر یا بلورهای جامد است که به عنوان یک ماده اپک در پودرگذاری پرسلن و سایر سرامیک‌های دندانپزشکی به کار می‌رود. در دندانپزشکی ایمپلنت، از این ماده جهت ساخت اباتمنت‌های تمام سرامیکی، زیر ساختارهای پلاک‌های متحرک ثابت، کوپینگ‌های کراون و ایمپلنت‌های دندان استفاده می‌شود.

معمولاً به روش استریولیتوگرافی یا چاپگر سه بعدی و بر اساس اطلاعات حاصل از CT/CBCT تهیه می‌شود.
رجوع شود به: Surgical guide

Zoledronate

یک داروی بیس فسفونات حاوی نیتروژن، دارای اثرات دارویی بالا که به صورت داخل وریدی جهت پیشگیری از شکستگی‌های استخوانی و اسکلتی در بیماران مبتلا به سرطان، نظیر: مالتیپل میلوما (multiple myeloma) و سرطان پروستات تجویز می‌شود. همچنین این دارو در درمان هایپرکلسیمی ناشی از سرطان کاربرد دارد.

Zygomatic implant

ایمپلنت دندان ریشه‌ای شکل که مبدأش در ناحیه اولین مولر ماگزایلا و خاتمه‌اش در استخوان گونه (زایگوها) قرار دارد. ایمپلنت در جهت طرفی و فوقانی با زاویه‌ای حدود ۴۵ درجه نسبت به محور عمودی، پس از عبور از مسیر داخل سینوسی جایگذاری می‌شود.

Zygomatic guide

یک تمپلیت جراحی جهت کمک در تعیین موقعیت ایمپلنت زایگوما حین جراحی که

تصاویر و جداول

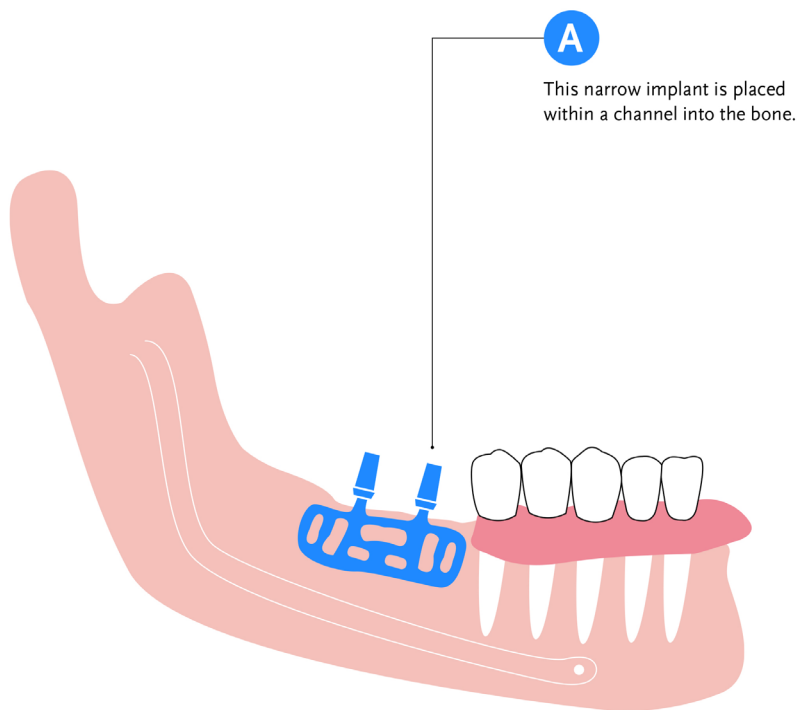
فهرست تصاویر و جداول

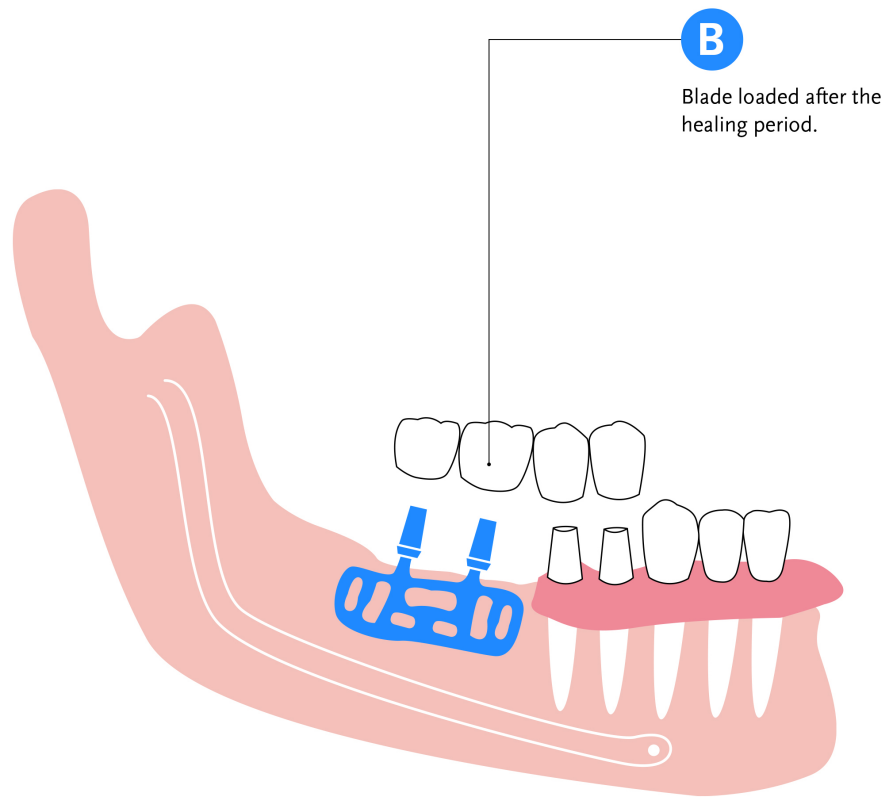
Implant types	163-164
Cantilever Distal Extens	165
Types of Guided Surgery Templates	166
Prolongation in Guided Surgery	167-168
Classification of Sagittal Root Position	169
Socket Shield Technique	170
Subperiosteal Implant	171
Transosseous or Staple Implant	172
«All-on-Four» Implant Reconstruction	173
Unilateral Subperiosteal Implant	174-175
Disc Implant	176
Generic External Hexagon Implant	177
Generic One-Piece Implant	178
Generic Two-Piece Implant	179
Papilla	180
CAD/CAM	183
Bone Grafting Sources	184
Implant Types	185
Implant Surfaces	186
Biologic Width	187
Comparison of Tooth and Implant Support Structures	188

Implant Types

The Blade Implant

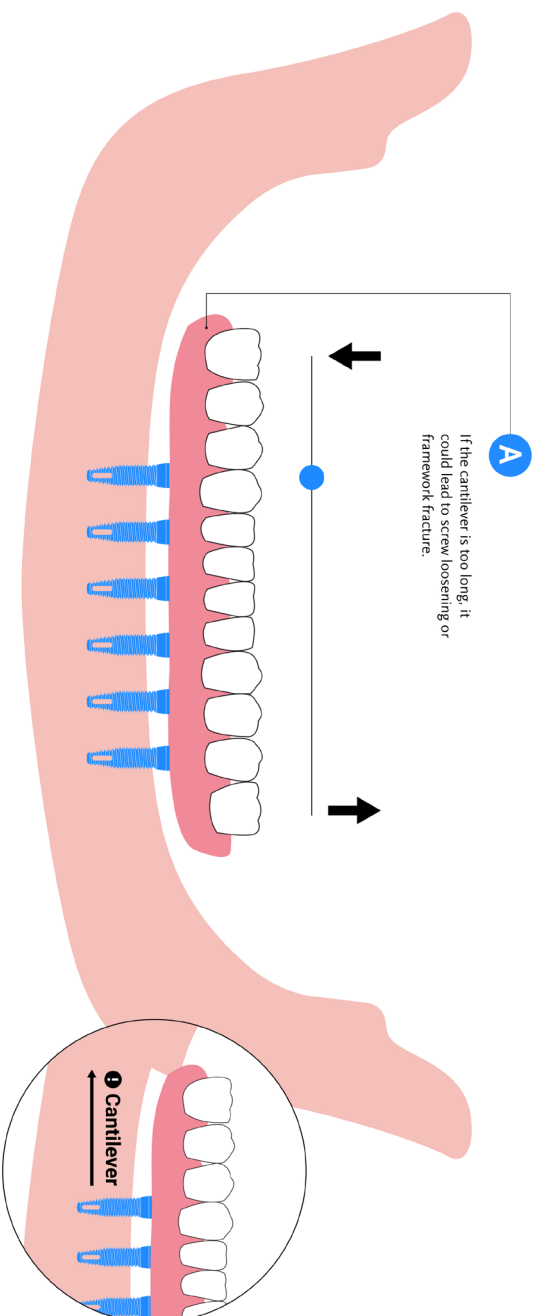
See: [Blade implant](#).





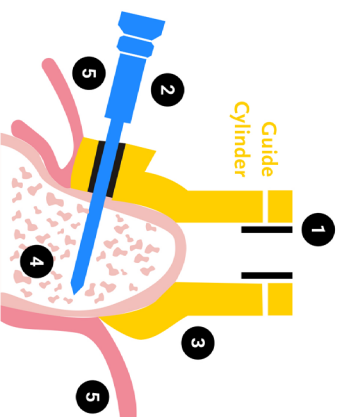
Cantilever Distal Extension

See: [Cantilever](#), [Distal extension](#).



Types of Guided Surgery Templates

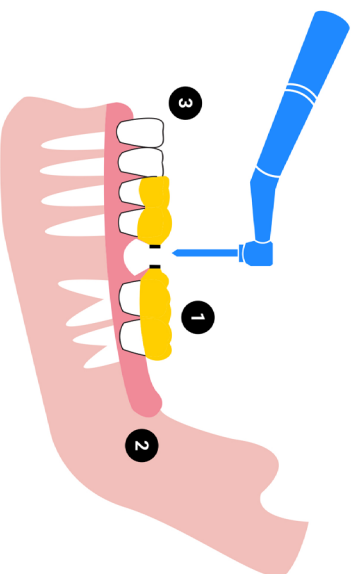
See: *Surgical guide.*



A

Bone Borne Template

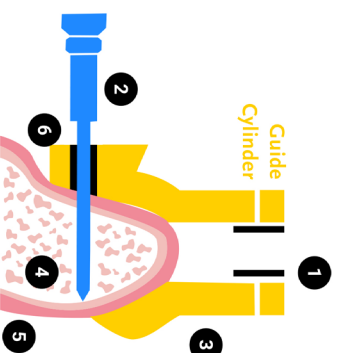
1. Guide Cylinder
2. Guide Anchor Pin (Fixation Pin/Screw)
3. Surgical Template Seated on Bone
4. Bone
5. Soft Tissue



B

Tooth Borne Template

1. Surgical Template
2. Soft Tissue
3. Teeth



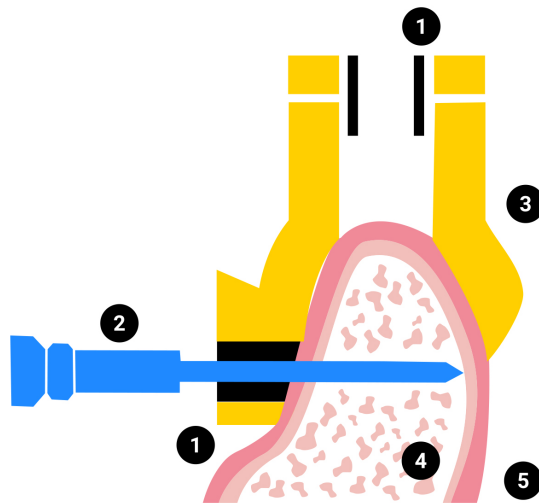
C

Mucosal-Borne Template

1. Guide Cylinder
2. Guide Anchor Pin (Fixation Pin/Screw)
3. Surgical Template
4. Bone
5. Soft Tissue
6. Guide Cylinder

Prolongation in guided surgery

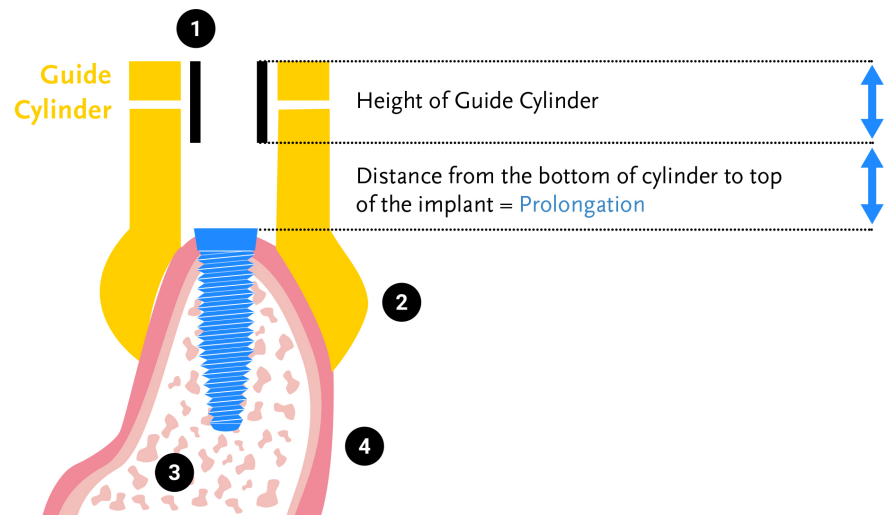
See: [Surgical guide](#).



A

Template with Fixation

- 1. Guide Cylinder
- 2. Guide Anchor Pin (Fixation Pin/Screw)
- 3. Surgical Template
- 4. Bone
- 5. Soft Tissue



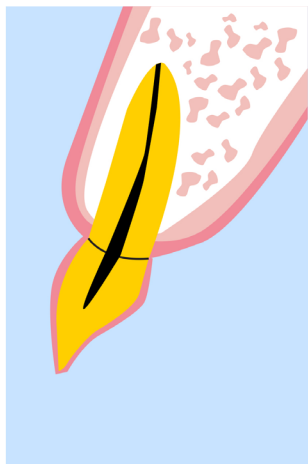
B

Soft Tissue Supported Template

1. Guide Cylinder
2. Surgical Template
3. Bone
4. Soft Tissue

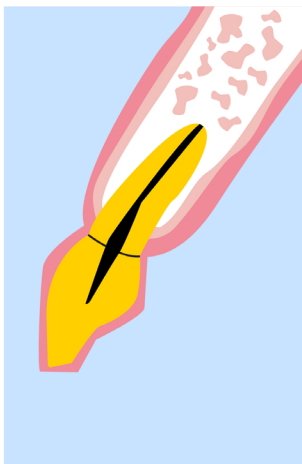
Classification of Sagittal Root Position

Classification of Sagittal Root Position in Relation to the Anterior Maxillary Osseous Housing
See: *Surgical template*.



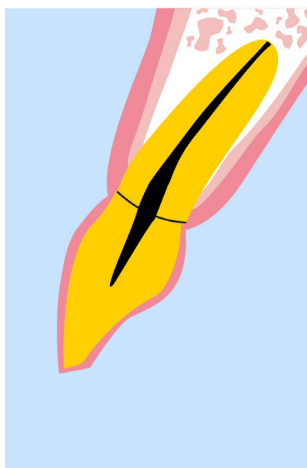
A

Class I Sagittal Root Position



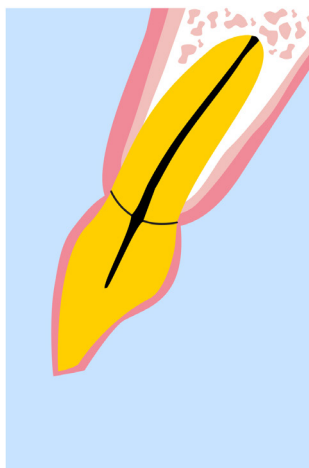
B

Class II Sagittal Root Position



C

Class III Sagittal Root Position

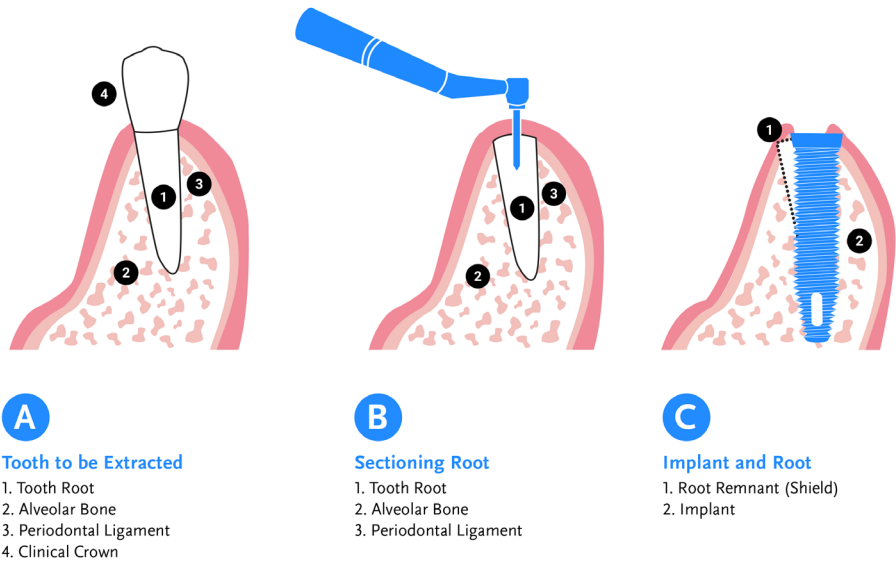


D

Class IV Sagittal Root Position

Socket Shield Technique

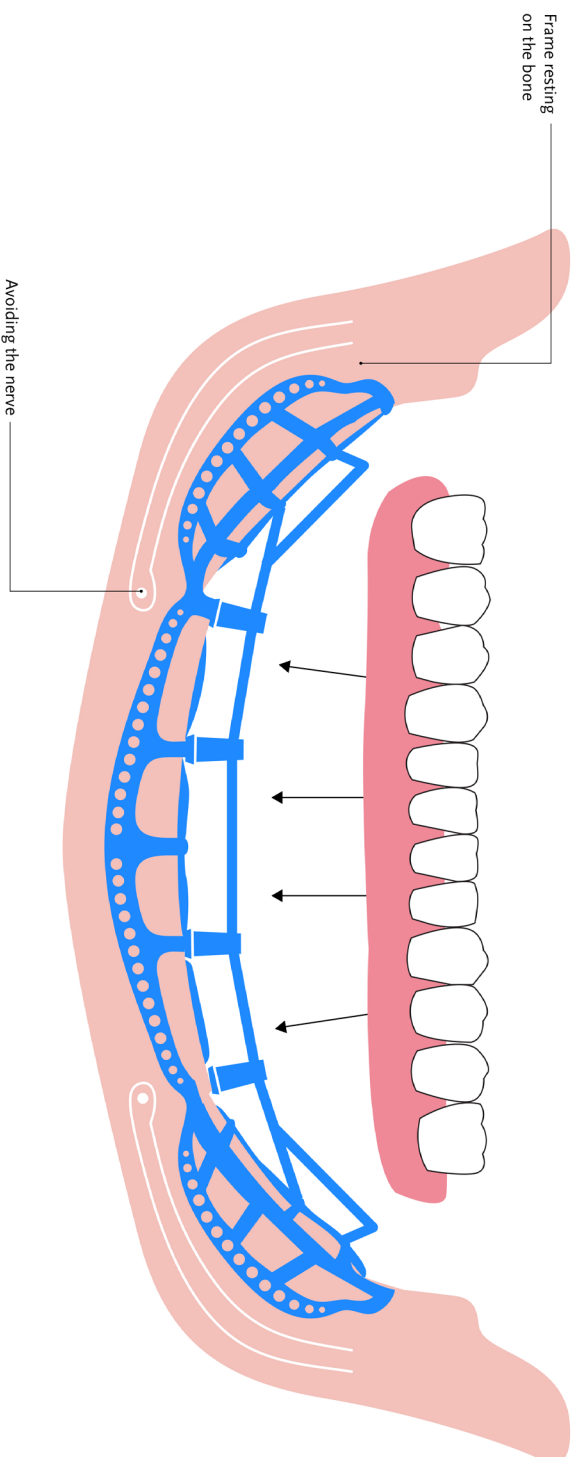
See: [Socket shield technique](#).



Subperiosteal Implant

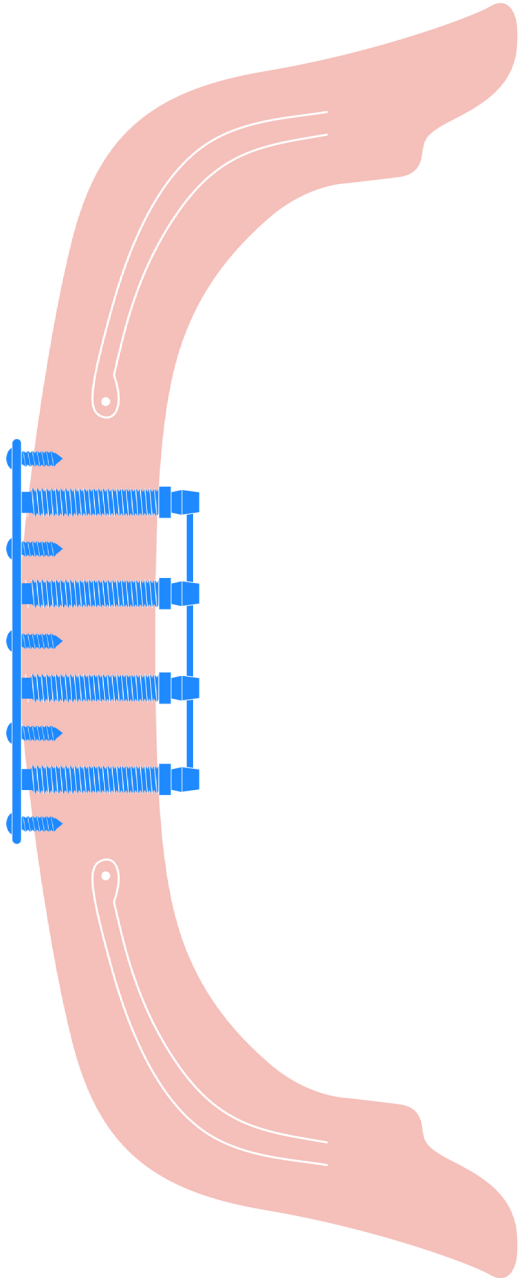
Custom-fabricated implant, designed to rest on the surface of the bone, consisting of perimucosal abutments, posts, and intra-oral bars to retain the prosthesis.

See: *Subperiosteal implant*, *Complete subperiosteal implant*.



Transosseous or Staple Implant

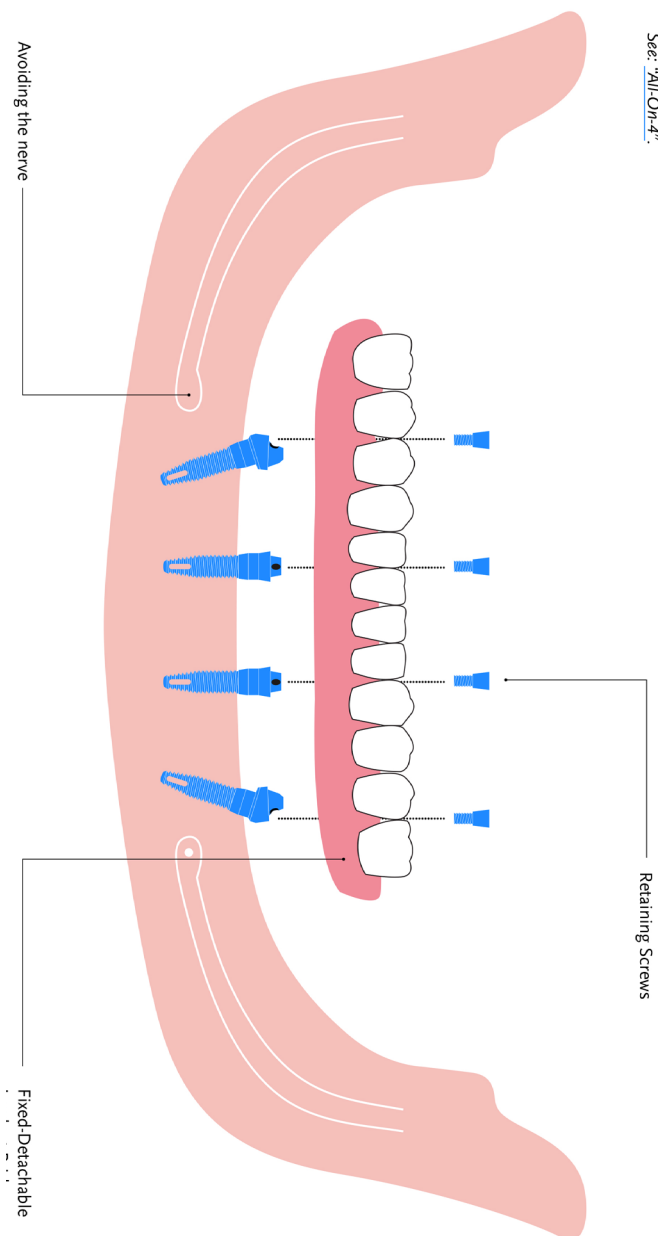
See: Staple implant, Mandibular staple implant.



"All-on-Four"

Implant Reconstruction

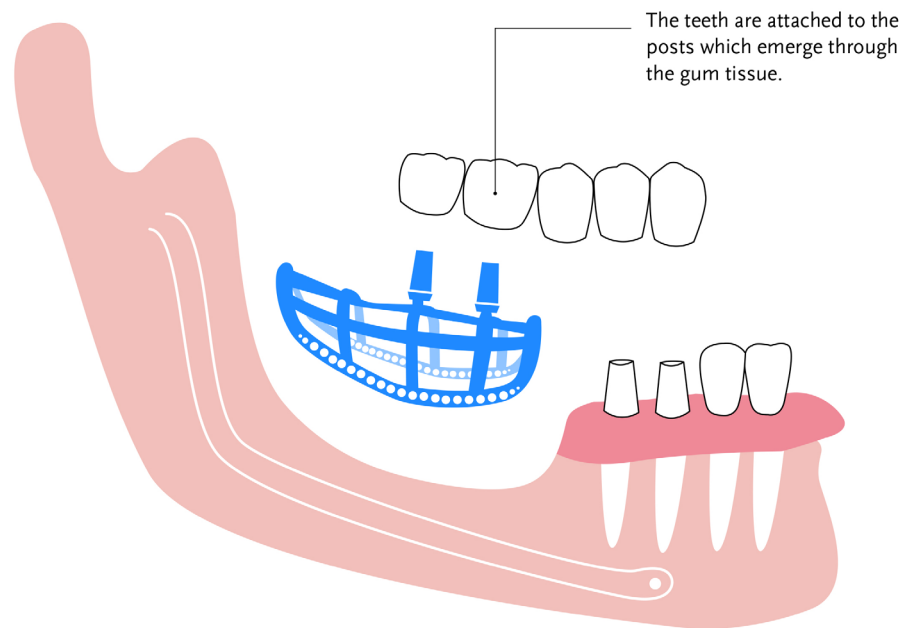
The fixed-detachable restoration is fabricated and attached to the four implants with four retaining screws, only removable by the dentist.
See: ["All-On-4"](#).



Unilateral Subperiosteal Implant

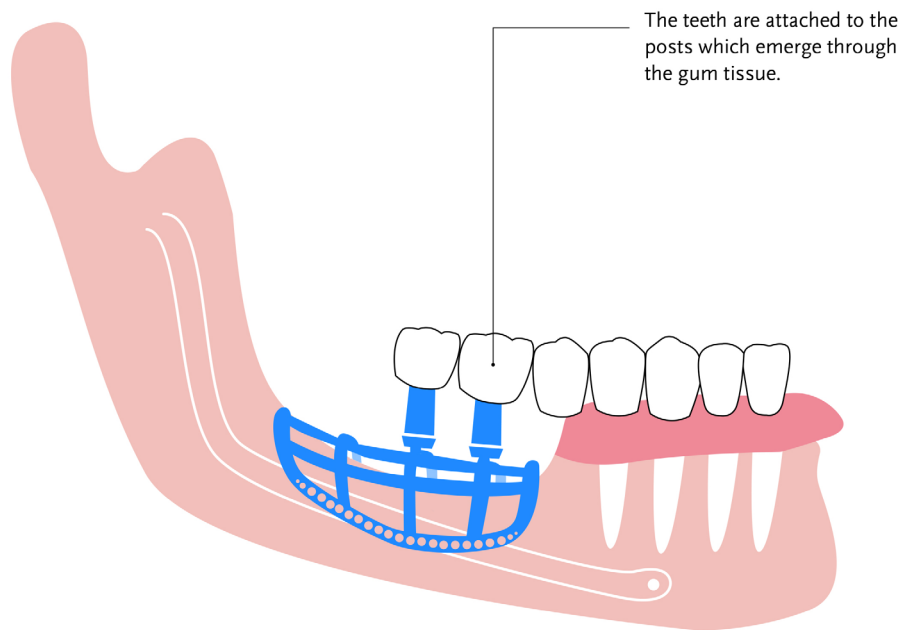
Not Finally
Seated Implant.

See: [Unilateral subperiosteal implant](#).



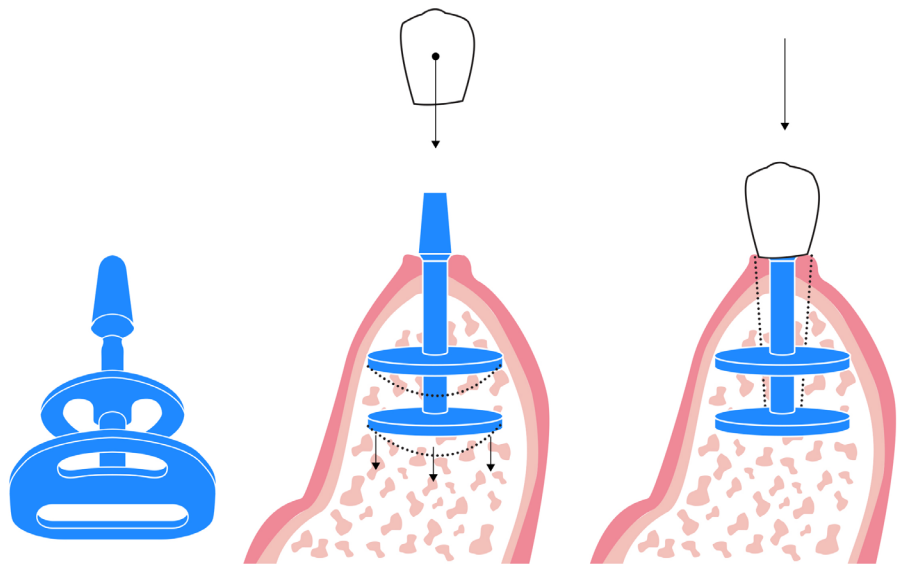
Unilateral Subperiosteal Implant

Finally Seated
Implant with teeth.



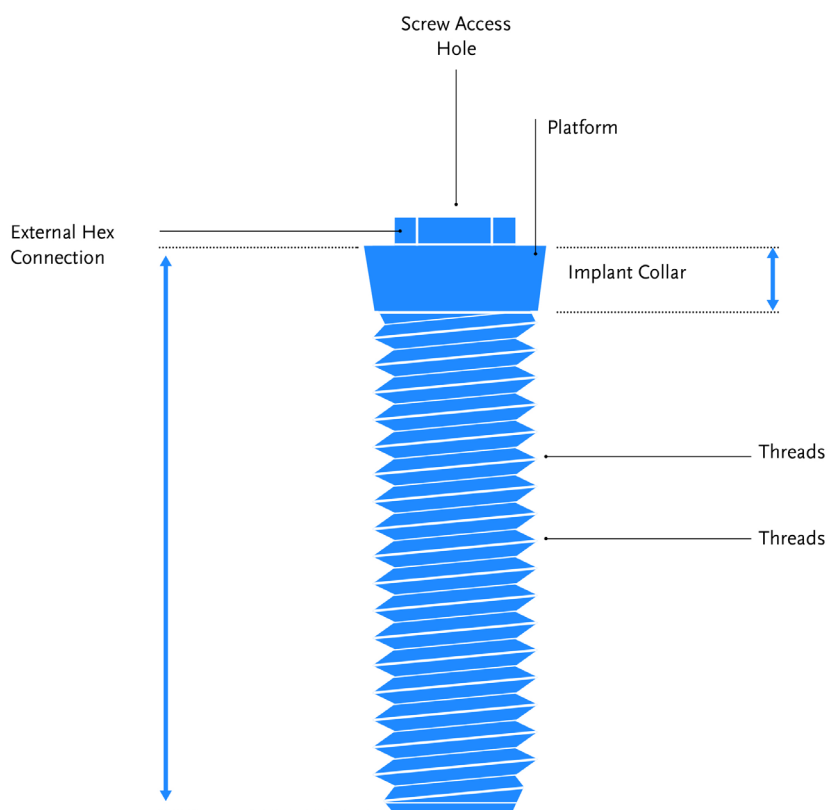
Disc Implant

See: [Disc implant](#).



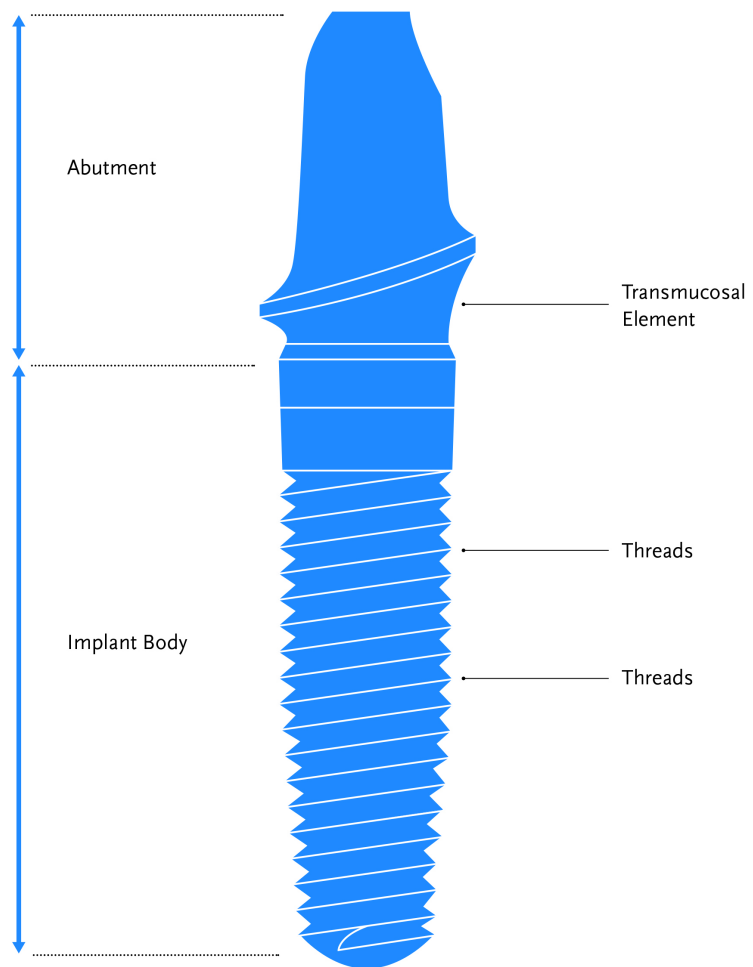
Generic External Hexagon Implant

See: [Cylindrical implant](#), [Endosseous implant](#).



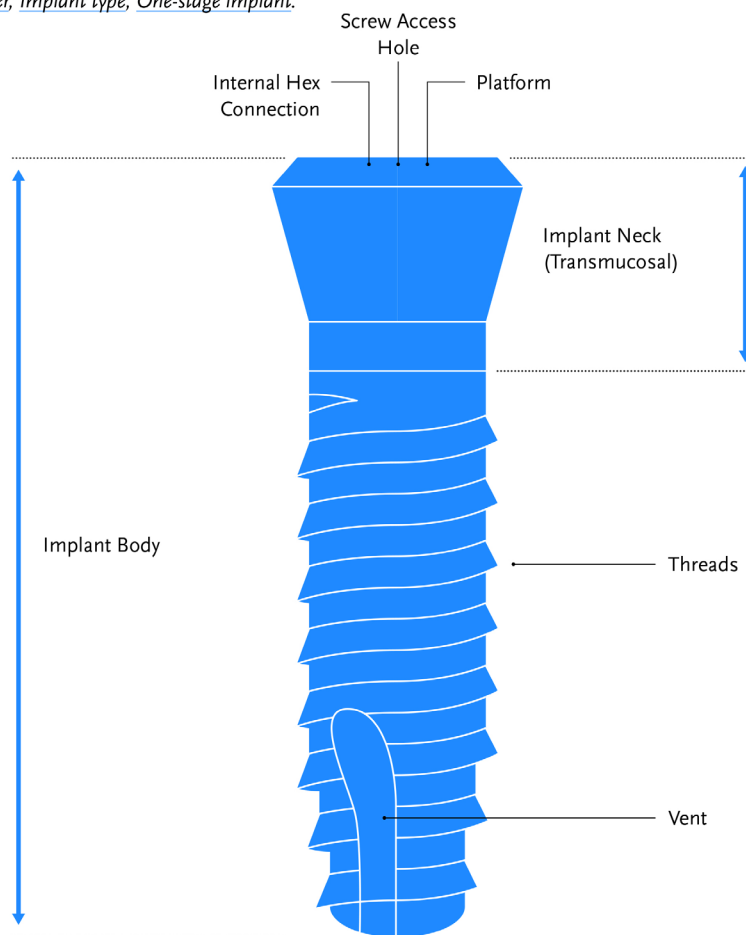
Generic one-Piece Implant

See: *Implant type*.



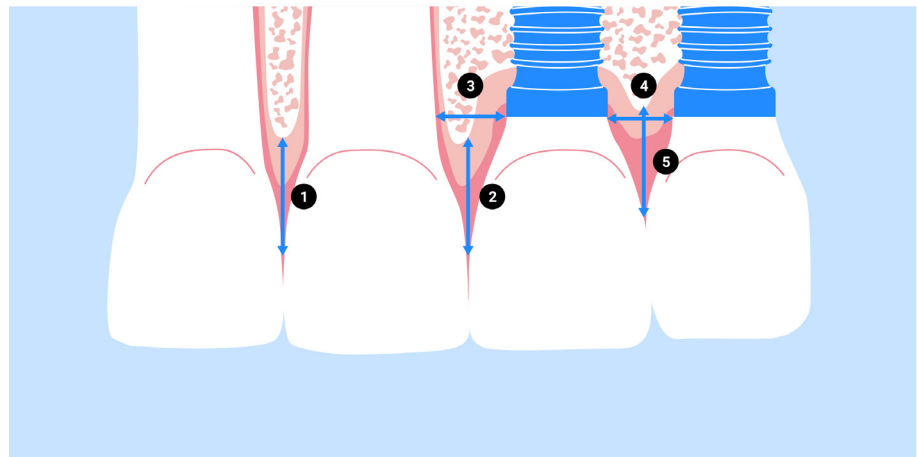
Generic Two-Piece Implant

See: [Implant apex](#), [Implant neck](#), [Major \(thread\) diameter](#), [Implant type](#), [One-stage implant](#).



Papilla

See: Papilla, Interdental papilla, Interimplant papilla.



Legend

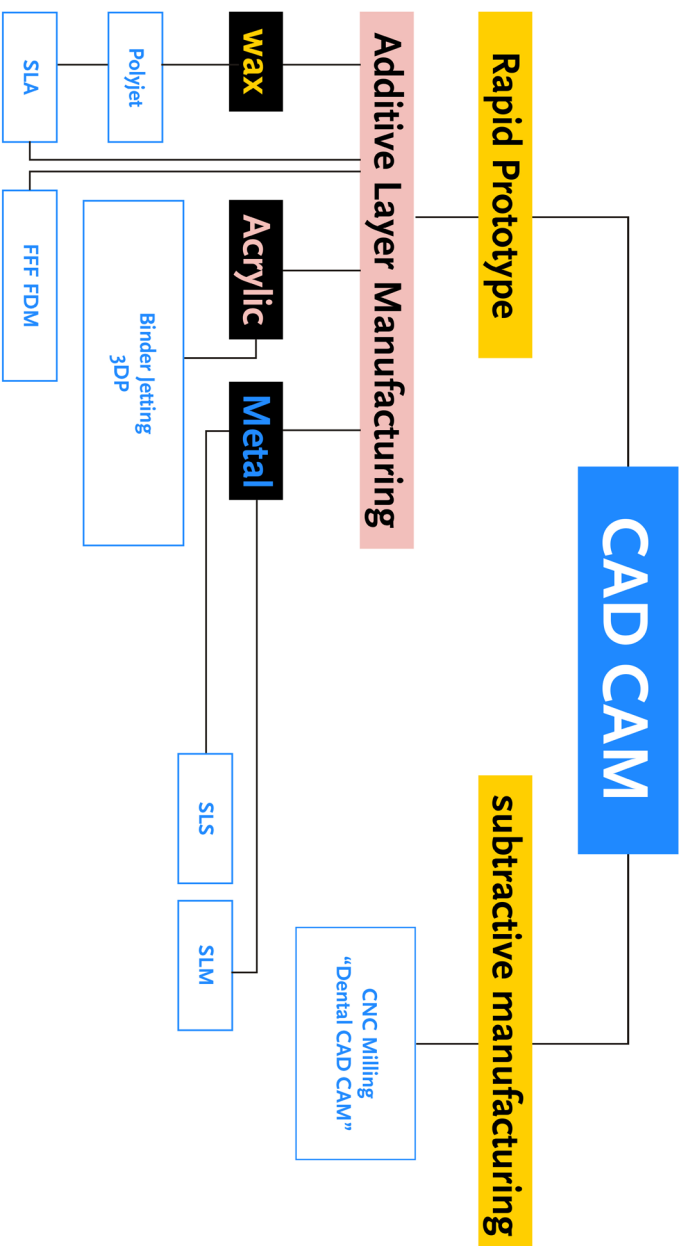
۱. فاصله عمودی از کرسست استخوان تا نقطه تماس (contact point) بین دو دندان. اگر این فاصله ۵ میلی‌متر و کمتر باشد، پاپیلا تقریباً در ۱۰۰٪ موارد فضای بین دندانی را کاملاً پر می‌کند.
۲. فاصله عمودی در دیواره کناری دندان، از کرسست استخوان تا قله پاپیلا بین دندان و ایمپلنت. اگر این فاصله شش میلی‌متر باشد، حدود ۵۵٪ و در صورتی که هفت میلی‌متر باشد، حدود ۲۵٪ فضای بین دندانی توسط پاپیلا پر می‌شود.^(۱)
۳. فاصله افقی از ایمپلنت تا دندان مجاور. هنگامی که پاپیلا کاملاً فضای بین دندانی (اینترپروگزیمال) را پر کند، این فاصله به طور میانگین ۴/۵ میلی‌متر (حدود ۳ تا ۵ میلی‌متر) است.^(۲) وقتی فاصله ۴ میلی‌متر و کمتر باشد، پاپیلا بین دندانی وجود خواهد داشت (حداقل نیمی از پاپیلا وجود دارد).^(۳)
۴. فاصله افقی بین از دست رفتن استخوان در اطراف دندان مجاور و فاصله افقی ایمپلنت با دندان مشاهده شده است. در صورتی که فاصله افقی کمتر از دو میلی‌متر باشد، حداکثر میزان از دست رفتن استخوان (bone loss) در سطح دندان وجود خواهد داشت.^(۴)
۵. فاصله افقی بین دو ایمپلنت مجاور هم. این فاصله باید بیشتر از ۳ میلی‌متر باشد تا از دست رفتن بعد عمودی کرسست استخوان بین ایمپلنتی (interimplant bone crest) به حداقل برسد. فاصله طرفی D از ایمپلنت تا کرسست ریج ۱/۳۴ میلی‌متر (SD = 0.36 mm) و ۱/۴۰ میلی‌متر (SD = 0.60mm) است.^(۵)
۶. فاصله عمودی از کرسست استخوان تا ارتفاع پاپیلا اینترپروگزیمال بین دو ایمپلنت مجاور هم. فقط ۲، ۳ یا ۴ میلی‌متر از ارتفاع بافت نرم (به طور میانگین ۳/۴ میلی‌متر) را می‌توان جهت تشکیل بر روی کرسست استخوان بین ایمپلنتی انتظار داشت.^(۶ و ۷)

References

1. Tarnow DP, Magner AW, Fletcher P. The effect of the distance from the contact point to the crest of bone on the presence or absence of the interproximal dental papilla. *J Periodontol* 1992;63:995-996.
2. Grunder U. Stability of the mucosa; topography around single-tooth implants and adjacent teeth: 1-year results. *Int J Perio Rest Dent* 2000;20:11-17.
3. Choquet V, Hermans M, Adriaenssens P, Daelemans P, Tarnow D, Malevez C. Clinical and radiographic evaluation of the papilla level adjacent to single-tooth dental implants. A retrospective study in the maxillary anterior region. *J Periodontol* 2001;72:1364-1371.
4. Esposito M, Ekestubbe A, Grondahl K. Radiological evaluation of marginal bone loss at tooth surfaces facing single Branemark implants. *Clin Oral Implants Res* 1993;4:151-157.
5. Tarnow DP, Cho SC, Wallace SS. The effect of inter-implant distance on the height of the inter-implant bone crest. *J Periodontol* 2000;71:546-549.
6. Elian N, Jalbout Z, Cho S-C, Froum S, Tarnow DR. Realities and limitations in the management of the interdental papilla between implants. Three case reports. *Pract Proced Aesthet Dent* 2003;15:737-744.
7. Tarnow D, Elian N, Fletcher P, Froum S, Magne A, Cho SC, Salama M, Salama H, Garber DA. Vertical distance from the crest of bone to the height of the interproximal papilla between adjacent implants *J Periodontol* 2003;74:1785-1788.

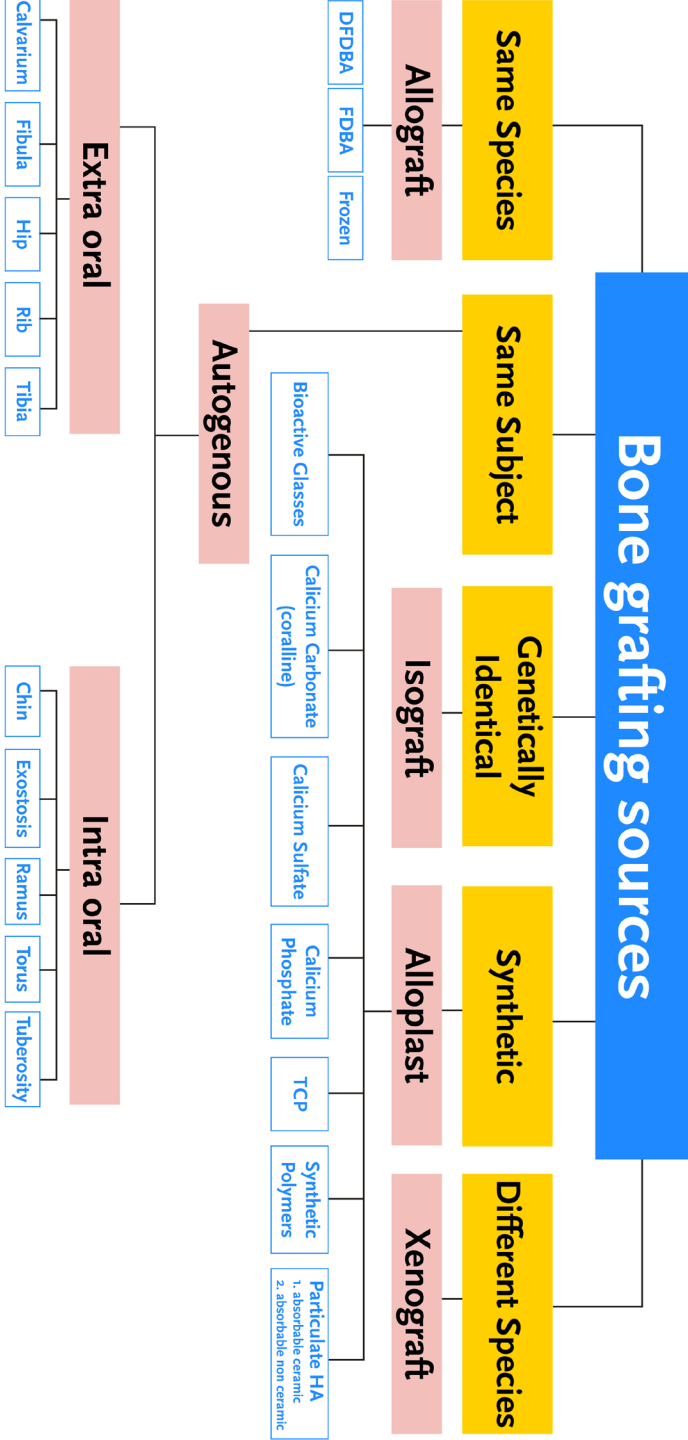
CAD CAM

See: [CAD/CAM](#), [3-D printing](#).



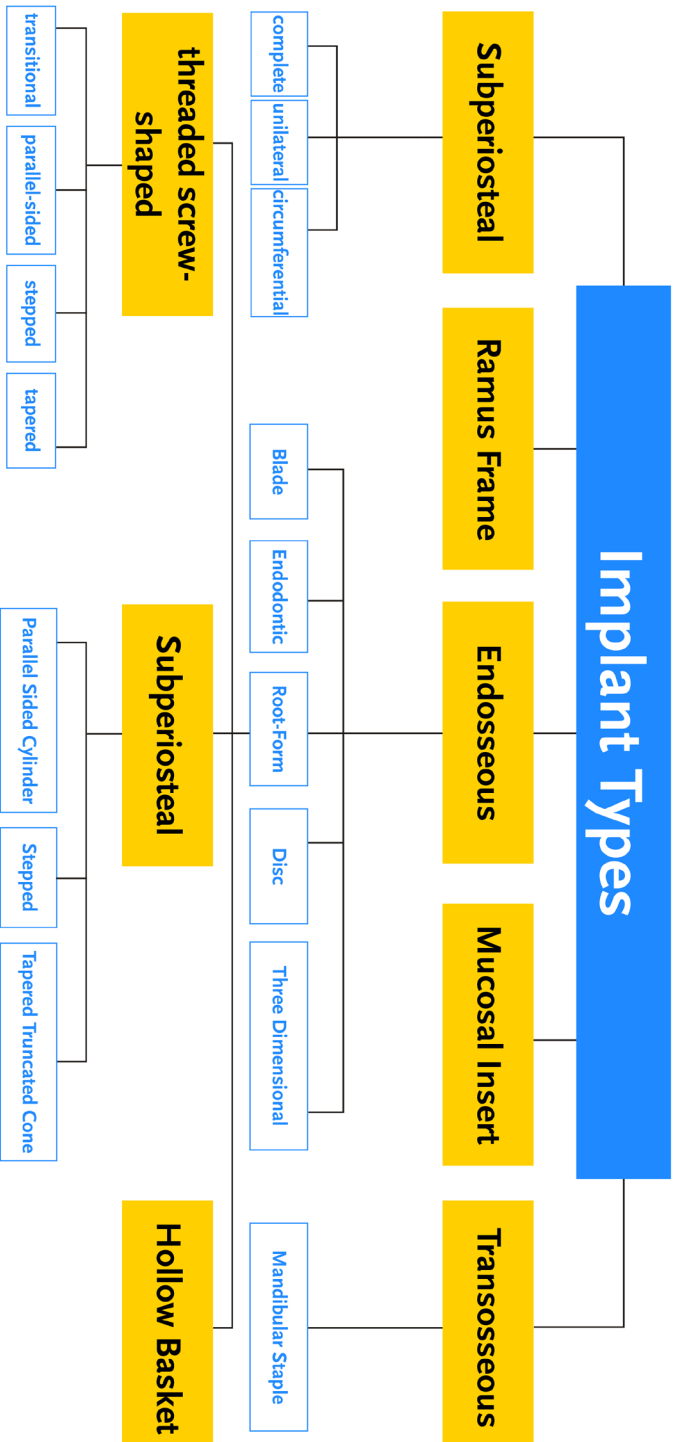
Bone Grafting Sources

See Bone grafting.



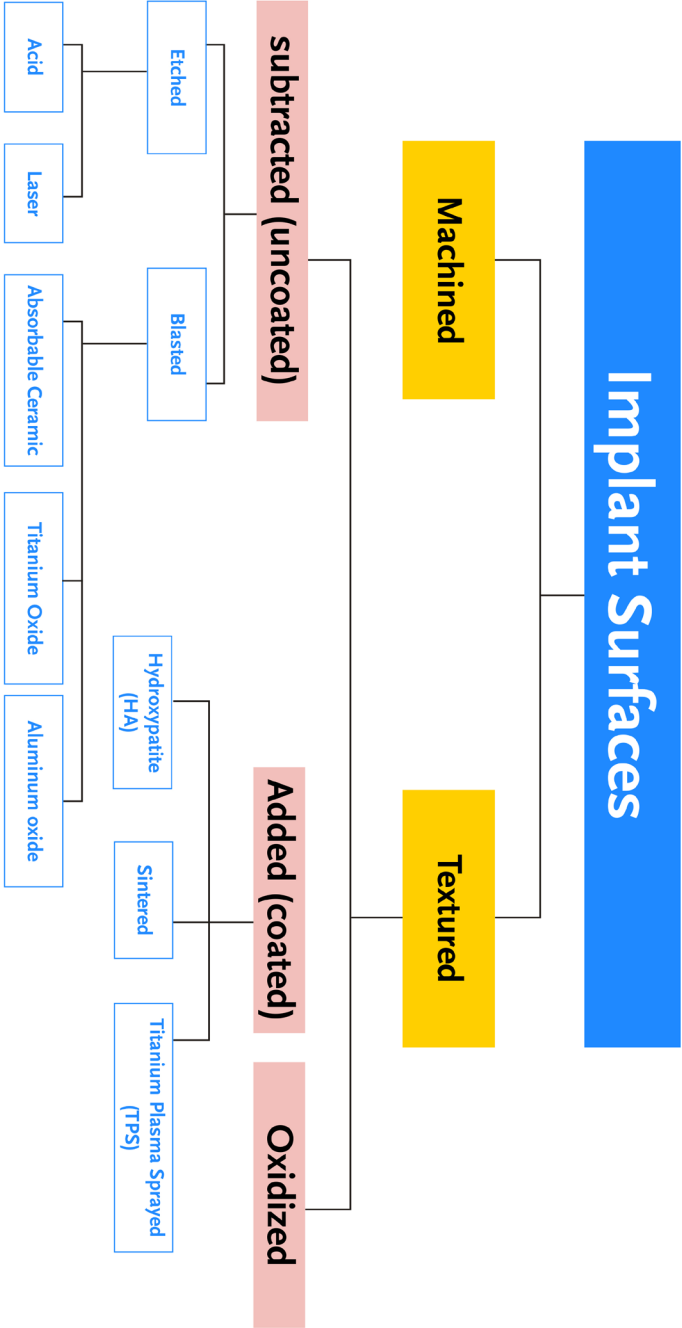
Implant Types

See: Implant type.



Implant Surfaces

See: [Implant surface](#), [Blasted implant surface](#).



Biologic Width

See: [Biologic width](#).

Teeth		Implant							
		Submerged Protocol				Nonsubmerged Protocol			
Gargiulo et al.1960	Berglundh et al.1991	Berglundh et al.1991	Abrahamsson et al. 1997	Herrmann et al.2000			cochran et al.1997		
		No abutment disconnection reconnection	Abutment disconnection reconnection				N/A		
		Crestal placement Iaj at the bone crest		Supracrestal placement Iaj 1 mm above the bone crest	Supracrestal placement Iaj 1 mm above the bone crest	Unloaded	Loaded 2 months	Loaded 12 months	
0.41±1.09 Average 0.69			0.49 ± 0.32	0.50 ± 0.30	0.16 ± 0.14				
0.44±1.56 Average 0.97	2.05 ± 0.06*	2.14 ± 0.47**	2.04 ± 0.22***	1.65 ± 0.24***					
0.69±1.49 Average 1.07	1.12 ± 0.03	1.66 ± 0.23	1.28 ± 0.11	0.85 ± 0.26	1.36 ± 0.64	1.01 ± 0.32	1.05 ± 0.38		
N/A	N/A	0.78 ± 0.17	1.49 ± 0.19	1.57 ± 0.22	2.64 ± 0.24	1.25 ± 0.40	2.90 ± 0.52	2.91 ± 0.49	
								2.95 ± 0.68	

Comparison of Tooth and Implant Support Structures

Misch CE. Contemporary Implant Dentistry, 3rd ed. St. Louis: Mosby; 2008.

Structure	Tooth	Implant
Connection	Cementum, bone, periodontium	Osseointegration
Junctional epithelium	Hemidesmosomes and basal lamina	Hemidesmosomes and basal lamina
Connective tissue	Thirteen groups; perpendicular to tooth surfaces ↑ Collagen ↓ Fibroblasts	Only two groups: parallel and circular fibers No attachment to implant surface and bone ↑ Collagen ↓ Fibroblasts
Biological width	2.04 to 2.91mm	3.08mm
Vascularity	Greater; supraparosteal and periodontal ligament	Less; periosteal
Probing depth	3mm in health	2.5 to 5.0mm (depending on soft tissue depth)
Bleeding on probing	More reliable	Less reliable

خمايه

3-D printing	7	Abutment selection	9
3-D rendering	7	Abutment swapping	9
3-D scanner	7	Abutment transfer device	9
3-D volume	7	Access hole	9
3-D volumetric reconstruction	7	Accessory ostium	9
		Acellular	9
		Acellular dermal allograft	9
		Acellular dermal matrix graft (ADM)	10
		Acetaminophen	10
Absorbable	8	Acid-etched surface	10
Abutment	8	Activating tool	10
Abutment analog	8	Actual implant length diameter	10
Abutment clamp	8	Added surface	10
Abutment connection	8	Additive fabrication	10
Abutment driver	8	Additive manufacturing (AM)	10
Abutment holder	8	Additive manufacturing file (AMF)	10
Abutment impression coping	9	Additive surface treatment	10
Abutment-implant interface	9	Aesthetic buccal flap (ABF)	11
Abutment-level impression	9	Ailing implant	11
Abutment mount	9	Alendronate sodium	11
Abutment rotation	9	Allogenic graft	11
Abutment screw	9	Allograft	11



Acellular

All-On-4	11	Ankylosis	14
Alloplast	11	Anodization	15
Alloplastic graft	11	Anodized surface	15
Aluminum Oxide	11	Anodontia	15
Alveolar	12	Anorganic bone matrix (ABM)	15
Alveolar augmentation	12	Anorganicbovinebonematrix(ABBM)	15
Alveolar bone	12	Anterior loop	15
Alveolar bone proper	12	Anterior nasal spine	15
Alveolar crest	12	Anterior superior alveolar nerve	15
Alveolar defect	12	Anteroposterior spread (AP spread)	15
Alveolar distraction osteogenesis	12	Antibiotic	16
Alveolar mucosa	12	Antibiotic prophylaxis	16
Alveolar nerve	12	Anti-inflammatory	16
Alveolar preservation	12	Antirotaion	16
Alveolar process	12	Antral floor	16
Alveolar recess	13	Antral mucosa	16
Alveolar ridge	13	Antral polyp	16
Alveolar ridge augmentation	13	Antral septum	16
Alveolar ridge defect	13	Antrolith	16
Alveolar ridge resorption	13	Antroscope	16
Alveolar septum	13	Antroscopy	16
Alveolectomy	13	Antrostomy	16
Alveoloplasty	13	Antrum	17
Alveolus	13	Antrum of Highmore	17
Amoxicillin	13	Apical (retrograde) peri-implantitis	17
Analgesia	13	Apically positioned flap	17
Analgesic	13	Articulator	17
Analog/analogue	13	Artifact	17
Analysis of variance (ANOVA)	14	Artificial gingival	17
Anatomic healing abutment	14	Asepsis	17
Anchor pin	14	Asleep	17
Anesthesia	14	Aspergillus	17
Angiogenesis	14	Atraumatic extraction	17
Angiogenic	14	Atrophic	17
Angled abutment	14	Atrophy	17
Angulated abutment	14	Attached gingival	18
Anisotropic surface	14	Attachment	18

Attachment activating tool	18	(BPPV)	21
Attachment-retained	18	Betamethasone	21
Attachment selection	18	Beveled flap	21
Augmentation	18	Beveled incision	21
Articular prosthesis	18	Bicortical stabilization	21
Autogenous bone graft	18	Bilateral stabilization	21
Autogenous demineralized dentin matrix (ADDM)	18	Bioabsorbable	21
Autogenous graft	18	Bioactive	21
Autograft	18	Bioactive fixation	21
Autologous graft	19	Bioactive glass	22
Available bone	19	Bioceramics	22
Avascular	19	Biocompatible	22
Avascular necrosis	19	Biodegradable	22
Axial loading	19	Bioinert	22
Axial slice	19	Biointegration	22
Axonotmesis	19	Biologic width	22
Azalide	19	Biomaterial	22
Azithromycin	19	Biomechanical test	22
		Biomechanics	22
		Biomimetic	22
		Bioresorbable	23
		Biphasic calcium phosphate (BCP)	23
		Bisphosphonate (BP)	23
Bacterial leakage	20	Bisphosphonate-associated osteonecrosis	
Ball abutment	20	(BON)	23
Ball attachment	20	Bisphosphonate-induced osteonecrosis	
Bar	20	of the jaw (BIONJ)	23
Barium sulfate (BaSo)	20	Bisphosphonate-related osteonecrosis	
Bar overdenture (implant)	20	of the jaw (BRONJ)	23
Barrier membrane	20	Bite splint	23
Barrier membrane exposure	20	Black space	24
Basal bone	20	Black triangle	24
Basic multicellular unit (BMU)	20	Blade implant	24
Basic structural unit (BSU)	20	Blanching	24
Beam hardening	21	Blasted implant surface	24
Bending stress	21	Block graft	24
Benign paroxysmal positional vertigo		Bone	24

B

Bone anchored hearing aid (BAHA)	25	Bone remodeling unit (BRU)	27
Bone atrophy	25	Bone replacement graft	27
Bone augmentation	25	Bone resorption	28
Bone biopsy	25	Bone scaffold	28
Bone collector	25	Bone scraper	28
Bone condenser	25	Bone sounding	28
Bone condensing	25	Bone spreader	28
Bone conduction	25	Bone substitute	28
Bone core	25	Bone tap	28
Bone curettage	25	Bone-to-implant contact (BIC)	28
Bone defect	25	Bone trap	28
Bone density	25	Bone trephine	28
Bone derivative	26	Bone turnover	28
Bone expander	26	Bruxism	28
Bone expansion	26	Buccal index	28
Bone fill	26	Buccal mucosal incision	28
Bone fusing	26	Buccal plate	28
Bone graft	26	Bundle bone	29
Bone grafting	26	Button implant	29
Bone-implant interface	26		
Bone induction	26		
Bone loss (implant)	26		
Bone marrow	26		
Bone mass	26	CAD/CAM	29
Bone mass measurement	26	CAD/CAM dentistry	29
Bone matrix	26	CAD/CAM abutment	29
Bone mill	27	Calcium carbonate (CaCO ₃)	29
Bone milling	27	Calcium phosphate	29
Bone mineral density (BMD)	27	Calcium sulfate (CaSO ₄)	30
Bone modeling	27	Caldwell-Luc	30
Bone morphogenic protein (BMP)	27	Callus	30
Bone necrosis	27	Calvaria	30
Bone quality	27	Calvarial graft	30
Bone reduction guide (Bone reduction template)	27	Calvarium	30
Bone remodeling	27	CAM abutment	30
Bone remodeling rate (BRR)	27	Cancellous bone	30
		Cancellous bone graft	31



Cantilever	31	Commercially pure titanium (CP-Ti)	34
Cap attachment	31	Compact bone	35
Case-control study	31	Compatible	35
Case report	31	Complete subperiosteal implant	35
Case sequencing	31	Complication	35
Case series	31	Composites (Dental)	35
Castable abutment	31	Composite bone	35
Cement-retained	31	Composite graft	35
Ceramic	31	Compressive stress	35
Cervix	31	Computed axial tomography (CAT)	36
Chin graft	31	Computed tomography (CT)	36
Chisel	32	Computer-aided design/Computer-aided manufacturing(CAD/CAM)	36
Chi-square test	32	Computer-aided navigation	36
Chlorhexidine gluconate	32	Computer-assisted surgical guide	36
Cicatrix	32	Computer-based planning	36
Circumferential subperiosteal implant	32	Computer-generated surgical guide	36
Clamping force	32	Computer numeric controlled machining	36
Clarithromycin	32	Confocal microscopy	36
Clavulanic acid	32	Cone-beam computed tomography (CBCT)	37
Clean technique	32	Configuration	37
Clindamycin	32	Confirmation jig	37
Clip	33	Conical abutment	37
Clipping function	33	Connecting bar	37
Closed tray impression	33	Connective tissue (CT)	37
Closure screw	33	Connective tissue attachment	37
Cluster (implant) failure	33	Connective tissue graft	37
CMOS device	33	Consolidation period	37
CNS milling (CNS)	33	Contact osteogenesis	37
Coagulum	33	Contact scanner	37
Coaptation	34	Continuous suture	38
Coating	34	Continuous wave mode (Cw-mode)	38
Cohort study	34	Control group	38
Collaborative accountability	34	Conversion prosthesis	38
Collagen	34	Coolant	38
Collagen membrane	34	Coping	38
Collar	34		
Comfort cap	34		

Coping design	38	CTx/CTx Test	41
Coping screw	38	Cumulative success rate	41
Coping, Telescopic	38	Cumulative survival rate	41
Coralline	38	Curettage (bone)	41
Coregistration	38	Custom abutment	41
Coronally advanced flap	38	Cutting resistance analysis (CRA)	42
Coronally positioned flap	38	Cylinder implant	42
Correlation coefficient	39	Cylinder wrench	42
Cortical bone	39	Cylindrical implant	42
Cortical bone graft	39	Cytokine	42
Cortical bone pin	39		
Cortical perforation	39		
Corticocancellous bone graft	39		
Corticosteroid	39		
Corticotomy	39	Data merge	43
Cortisone	39	Decortication	43
Countersink	39	Defect	43
Countersink drill	39	Definitive prosthesis	43
Cover screw	39	Dehiscence	43
Cover screw mill	40	Delayed loading	43
Craterization	40	Demineralized bone matrix (DBM)	43
Crest	40	Demineralized freeze-dried	43
Crestal	40	bone allograft (DFDBA)	43
Crestal bone loss	40	Dense PTFE (dPTFE)	43
Crestal implant placement	40	Dental implant	44
Crestal incision	40	Dentin Grinder	44
Crevice epithelium	40	Denture	44
Critical bending moment	40	De-osseointegration	44
Critical-size(d) defect (CSD)	40	Depassivation	44
Cross-arch stabilization	40	Deproteinized bovine bone material	44
Cross-sectional slice	40	Depth gauge	44
Cross-sectional study	41	Dermal graft	44
Crown height space (CHS)	41	Desktop optical scanner	44
Crown-implant ratio	41	Design (implant)	45
Cryotherapy	41	Device orientation	45
C-telopeptide cross-linked collagen	41	Dexamethasone	45
type1	41	Diabetes mellitus (DM)	45

D

Diagnostic wax-up	45	Drilling sequence	49
Digital imaging and communication in medicine (DICOM)	45	Drill stop	49
Digital impression	46	Drill sleeves	49
Digital radiography	46	Dual-energy x-ray absorptiometry (DXA)	49
Digital volume tomography (DVT)	46	Dual scan protocol	50
Digital workflow	46	Dynamic loading	50
Diphosphonate	46	Dysesthesia	50
Direct impression	46		
Direct indicator	46		
Direct metal laser sintering (DMLS)	47		
Direct sinus graft	47		
Disc implant	47	Ear prosthesis	51
Distal extension	47	Early crestal bone loss	51
Distal extension prosthesis	47	Early implant failure	51
Distance osteogenesis	47	Early loading	51
Distraction	47	Edentulism	51
Distraction axis	47	Edentulous	51
Distraction device	47	Edentulous site	51
Distraction osteogenesis (DO)	48	Edentulous space	51
Distraction parameters	48	Elastic modulus	51
Distraction period	48	Electric discharge method (EDM)	51
Distraction protocol	48	Electron beam melting (EBM)	51
Distraction rate	48	Element	52
Distraction regenerate	48	Emergence profile	52
Distraction rhythm	48	Enamel matrix derivate (EMD)	52
Distraction vector	48	Endodontic implant	52
Distraction zone	48	Endodontic pin	52
Distractor	48	Endodontic stabilizer	52
Disuse atrophy	48	Endosseous	52
Dolder bar	49	Endosseous distractor	52
Donor site	49	Endosseous implant	52
Drill	49	Endossesus ramus frame implant	52
Drill extender	49	Endosteal implant	52
Drill guide	49	Endosteum	52
Drilling guide	49	Engaging	53
Drill path	49	Envelop flap	53

E

Epithelial attachment	53	Failure rate	56
Epithelial implant	53	Fatigue	56
Epithelialization	53	Fatigue failure	56
Epithelium	53	Fatigue fracture (failure)	56
Epoestal implant	53	Feldspathic porcelain	57
Erbium-doped yttrium aluminum garnet (Er-YAG laser)	53	Fenestration	57
Esthetic buccal flap (EBF)	53	Fibrin matrix (Fibrin-rich matrix)	57
Esthetic zone	53	Fibroblast	57
Etching	53	Fibronectin	57
Exclusion criteria	54	Fibrous	57
Exfoliation	54	Fibrous connective tissue	57
Expanded polytetrafluoroethylene (ePTFE)	54	Fibrous encapsulation	57
Experimental group	54	Fibrous integration	57
Exposure	54	Fiducial markers	58
Extender	54	Finite element analysis (FEA)	58
External bevel incision	54	First-stage surgery	58
External connection	54	Fistula	58
External hexagon	54	Fixation period	58
External irrigation	54	Fixation pin	58
External oblique ridge	55	Fixation screw	58
External sinus graft	55	Fixation tack	58
Extracellular matrix (ECM)	55	Fixed-detachable	58
Extraction socket	55	Fixed hybrid prosthesis	58
Extraction socket graft	55	Fixed prosthesis	58
Extraoral (external) distraction device	55	Fixed-removable	59
Extraosseous distractor	55	Fixture	59
Exudate	55	Fixture-level impression	59
		Flank angle	59
		Flap	59
		Flapless implant surgery	59
		Flap panel detectors	59
		Fracture	59
Facebow	56	Framework	59
Facial prosthesis	56	Free soft tissue autograft	59
Facing	56	Free-standing implant	59
Failed implant	56	Freeze-dried bone allograft (FDBA)	59
Failing implant	56	Freeze-drying	60

Frenectomy	60
Friction-fit	60
Friction-retained	60
Full arch bridge/prosthesis	60
Full-thickness flap	60
Functional loading	60
Fused deposition modeling (FDM)	60
Fusobacterium nucleatum	60

G

Gap	61
Gap distance	61
Gingiva	61
Gingival crevicular fluid (GCF)	61
Gingival flap	61
Gingival graft	61
Gingival recession	61
Gingival sulcus	61
Glucocorticoid	61
Glycosylated hemoglobin Ac test (HBAc test)	62
Gold cylinder	62
Graft	62
Graft consolidation (bone)	62
Grafting material	62
Grit blasting	62
Growth factor	62
Guidance	62
Guide	62
Guided bone regeneration (GBR)	62
Guided cylinder	62
Guide drill	63
Guided sleeve	63
Guide pin	63
Guided tissue regeneration (GTR)	63

H

Handpiece motion tracker	63
Hard tissue graft	63
Harvest	63
Haversian canal	63
Haversian system	63
HbAc test	63
Healing	64
Healing abutment	64
Healing by first (primary) intention	64
Healing by second (secondary) intention	64
Healing cap	64
Healing collar	64
Healing period	64
Healing phase	64
Healing screw	64
Heat necrosis	64
Helical cone-beam computed tomography	64
Hematoma	65
Hematopoietic stem cell	65
Hemorrhage	65
Hemostasis	65
Heterogeneous graft	65
Heterograft	65
Hex	65
Hexed	65
High-water prosthesis	65
Histomorphometry	65
Hollow basket implant	65
Homograft	65
Homologous graft	65
Horizontal mattress suture	65
Host response	65

Host site	65	Implant-abutment interface	69
Hounsfield unit (HU)	66	Implant-abutment junction (IAJ)	69
Howships lacuna	66	Implant analog	69
Hybrid implant	66	Implant anchorage	69
Hybrid prosthesis	66	Implant apex	69
HPISE	66	Implant-assisted prosthesis	69
Hydroxyapatite(HA)/Ca ₁₀ (PO ₄)(OH) ₂	66	Implant body	70
Hydroxyethyl methacrylate (HEMA)	66	Implant collar	70
Hydroxylapatite (HA)	67	Implant component	70
Hygiene cap	67	Implant-crown ratio	70
Hyperbaric oxygen therapy (HBOT)	67	Implant dentistry	70
Hyperesthesia	67	Implant diameter	70
Hyperplasia	67	Implant drill	70
Hypodontia	67	Implant exposure	70
Hypoesthesia	67	Implant failure	70
		Implant fracture	70
		Implant head	70
		Implant insertion	71
		Implant installation	71
Ibuprofen	68	Implant interface	71
Iliac crest	68	Implant length	71
Iliac graft	68	Implant-level impression	71
Image guidance	68	Implant loading	71
Image stitching	68	Implant loss	71
Immediate functional loading	68	Implant mobility	71
Immediate implantation	68	Implant mount	71
Immediate implant placement	68	Implant neck	71
Immediate loading	68	Implant overdenture	71
Immediate non-functional loading	68	Implant periapical lesion	71
Immediate non-occlusal loading	68	Implant placement	72
Immediate occlusal loading	69	Implant prosthesis	72
Immediate placement	69	Implant prosthodontics	72
Immediate provisionalization	69	Implant rejection	72
Immediate restoration	69	Implant-retained prosthesis	72
Immediate temporization	69	Implant root	72
Implant	69	Implant scaler	72
Implant abutment	69	Implant selection	72

200 | Glossary of Implant Dentistry

Implant shaft	72	Insertion torque	76
Implant shape	72	Insulin-like growth factors (IGF)	76
Implant shoulder position	72	Interalveolar septum	76
Implant site	73	Interdental papilla	76
Implant splinting	73	Interim abutment	76
Implant stability	73	Interim prosthesis/restoration	76
Implant stability quotient (ISQ)	73	Interimplant distance	76
Implant success	73	Interimplant papilla	76
Implant-supported prosthesis	73	Interlock	76
Implant surface	73	Intermaxillary relationship	77
Implant surgery	73	Internal bevel incision	77
Implant survival	73	Internal connection	77
Implant system	73	Internal hexagon	77
Implant therapy	73	Internal irrigation	77
Implant thread	73	Internal sinus graft	77
Implant-tissue-supported prosthesis	74	Internally threaded	77
Implant try-in	74	Interpositional graft	77
Implant type	74	Interradicular septum	77
Implant uncovering	74	Interrupted suture	77
Impression coping	74	Intrabony	77
Incision	74	Intramucosal insert	77
Incisive foramen	74	Intraoral digital X-ray sensor	78
Inclusion criteria	74	Intraoral distraction	78
Index	74	Intraoral (internal) distraction device	78
Indirect impression	74	Intraoral scanner	78
Indirect sinus graft	74	Intramembranous ossification	78
Individual suture	74	Intraosseous	78
Infection	74	Intraosseous vessels	78
Inferior alveolar canal	75	Intraosseous anastomosis (of the lateral wall of the maxillary sinus)	78
Inferior alveolar nerve (IAN)	75	Intraosseous distractor	78
Inferior dental foramen	75	In vitro	78
Inflammation	75	In vivo	78
Informed consent	75	Irrigation	79
Infraction	75	Ischemia	79
Infraorbital artery	75	Isogenic graft	79
Infrastructure	76	Isograft	79
Initial stability	76		

Isologus graft	79	Levofloxacin	82
Isotropic surface	79	Life table analysis	82
		Lingual	82
		Lingual artery	82
		Lingual nerve	82
		Lingual plate	82
Jig	79	Lining mucosa	82
Joint-separating force	79	Lip-lift	82
Jumping distance	79	Lip line	82
Junctional epithelium	79	Lithium disilicate	83
		Load	83
		Loading	83
		Long buccal nerve	83
		Longitudinal study	83
Kaplan-Meier analysis	80	Lost-wax casting technique	83
Keratinized gingival	80	Low energy laser therapy	83
Knife-edge ridge	80	Low intensity level laser therapy	83
		Low level laser therapy (LLLT)	83
		Low power laser therapy	84
		Lyophilization	84
Labial plate	80		
Laboratory analog	80		
Laboratory screw	80		
Lamellar bone	80	Machined implant surface	84
Lapping tool	80	Macrointerlock	84
Laser	80	Macromotion	84
Laser etching	81	Magnetic attachment	84
Laser phototherapy (LPT)	81	Maintenance	85
Laser welding	81	Major (thread) diameter	85
Late implant failure	81	Malpositioned implant	85
Latency period	81	Mandibular block graft	85
Lateral antrostomy	81	Mandibular canal	85
Lateral window technique	81	Mandibular flexure	85
Layered manufacturing	81	Mandibular foramen	85
Leukocyte and platelet rich fibrin (L-PRF)	81	Mandibular movement	85
		Mandibular overdenture	85

202 | Glossary of Implant Dentistry

Mandibular ramus	85	Mechanical failure	89
Mandibular ramus graft	85	Median	89
Mandibular staple implant	85	Medical-grade calcium sulfate (MGCS)	89
Mandibular symphysis	86	Medullary	89
Mandibular symphysis graft	86	Medullary bone	89
Mandibular torus	86	Megapascal (MPa)	89
Marginal peri-implant area	86	Membrane	90
Marking bar	86	Membrane exposure	90
Master cast	86	Mental foramen	90
Master impression	86	Mental nerve	90
Mastication	86	Mesenchymal stem cell (MSC)	90
Masticatory mucosa	86	Mesostructure	90
Matrix	86	Meta-analysis	90
Mattress suture	86	Metal encapsulator	90
Maxilla	87	Metal housing	90
Maxillary antroplasty	87	Metal tap	90
Maxillary antrum	87	Methylprednisolone	90
Maxillary artery	87	Metronidazole	90
Maxillary overdenture	87	Microgap (IAJ)	90
Maxillary pseudocyst	87	Microinterlock	91
Maxillary retention cyst	87	Micromotion	91
Maxillary rhino-sinusitis	87	Midcrestal incision	91
Maxillary sinus	87	Middle superior alveolar nerve	91
Maxillary sinus aplasia	88	Mid-palatal implant	91
Maxillary sinus augmentation	88	Mini-implant	91
Maxillary sinus floor	88	Miniscrew	91
Maxillary sinus floor elevation	88	Minor (thread) diameter	91
Maxillary sinus pneumatization	88	Misfit	91
Maxillary sinus septum	88	Mobility (implant)	91
Maxillary sinus hypoplasia (MSH)	88	Mode	92
Maxillary sinusitis	89	Modeling (bone)	92
Maxillary torus	89	Modulus of elasticity	92
Maxillary tuberosity	89	Moment	92
Maxillectomy	89	Monolithic zirconia (MZ)	92
Maxillofacial prosthesis	89	Morse taper connection	92
Mean (arithmetic)	89	Motion artifact	92
		Motion-sensing device (implant)	92

Motion tracking	92	Newton centimeters (Ncm)	96
Mount	92	Nightguard	96
Mucobuccal fold incision	93	Nominal implant length/diameter	96
Mucocele (oral)	93	Nonabsorbable	96
Mucogingival junction	93	Nonangled abutment	96
Mucogingival surgery	93	Nonangulated abutment	96
Mucoperiosteal flap	93	Nonaxial loading	97
Mucoperiosteum	93	Nonengaging	97
Mucosa	93	Nonfunctional loading	97
Mucosal implant	93	Nonhexed	97
Mucosal insert	93	Nonlamellar bone	97
Mucosal peri-implant tissues	93	Nonocclusal loading	97
Mucous retention cyst	93	Nonresorbable	97
Mucosal-supported surgical guide/template	94	Nonresorbable membrane	97
Mucositis	94	Nonsteroidal anti-inflammatory drug (NSAID)	97
Multi axis machines	94	Nonsubmerged implant	97
Multicenter study	94	Nonsubmergible implant	97
Multi-unit abutment	94	Nonthreaded implant	97
Mylohyoid ridge	94	Nonworking side	97

N

Narrow ridge implant (NRI)	95
Nasopalatine nerve	95
Natural tooth intrusion	95
Navigation	95
Navigation surgery	95
Nd:YAG laser	95
Necrosis	95
Neoplasm	95
Nerve lateralization	96
Nerve repositioning	96
Nerve transpositioning	96
Neurapraxia	96
Neurotmesis	96
Newton (N)	96

O

Oblique slice	98
Occlusal adjustment	98
Occlusal guard	98
Occlusal loading	98
Occlusal overload	98
Occlasive membrane	98
Occlusal table	98
One-part implant	98
One-piece abutment	98
One-piece implant	98
One-screw test	98
One-stage grafting procedures	98
One-stage implant	98

P

Papilla reformation	105	Periosteal	110
Papilla regeneration	106	Periosteal release	110
Papilla-sparing incision	106	Periosteal suture	110
Paracrestal incision	106	Periosteum	110
Parallel confocal imaging technology	106	Periotome	110
Parallel(ing) pin	106	Permucosal	110
Parallel-sided implant	106	Permucosal extension	110
Parallel-walled implant	106	Permucosal seal	110
Paresthesia	106	Pick-up impression	110
Partial anodontia	106	Piezoelectric bone surgery	110
Partially edentulous	106	Pilot drill	110
Partial thickness flap	107	Pilot guide	110
Particulate graft	107	Pilot osteotomy	110
Passivation	107	Pinhole surgical technique	111
Passive fit	107	Placement torque	111
Patient motion tracker	107	Plaque	111
Patient-specific abutment	107	Plasma rich in grown factors (PRGF)	111
Patric	107	Plasma spray	111
Pedicle graft	107	Plaster of Paris	111
Penicillin	107	Platelet-driven growth factors (PDGF)	111
Percentage bone-to-implant contact	108	Platelet gel	111
Percutaneous implant	108	Platelet-poor plasma (PPP)	111
Perforation	108	Platelet-rich gel	111
Periabutment	108	Platelet-rich plasma (PRP)	111
Pericervical saucerization	108	Platform	112
Peri-implant	108	Platform edge	112
Peri-implant crevicular epithelium	108	Platform shifting	112
Peri-implant disease	108	Platform swapping	112
Peri-implantitis	108	Platform switching	112
Peri-implant mucositis	108	Pneumatization	112
Peri-implant soft tissue	109	Polished surface	112
Periodontal biotype	109	Polishing cap	112
Periodontal disease	109	Polyglactin	112
Periodontal ligament (PDL)	109	Polyglycolid acid (PGA)	113
Periodontal membrane	109	Poly lactic acid (PLA)	113
Periodontal plastic surgery	109	Polymethylmethacrylate (PMMA)	113
Periodontal probe	109	Polytetrafluoroethylene (PTFE)	113

Q



Ramus implant	119	Resorbable blast media (RBM)	122
Ramus (mandibular)	119	Resorbable membrane	122
Random assignment	119	Resorption	122
Random controlled trial	119	Restoration	122
Randomization	119	Restorative dentistry	122
Range	119	Restorative platform	122
Rapid manufacturing	119	Retaining screw	122
Rapid prototyping	119	Rethreading	123
Ratchet	119	Retrievability	123
Reactive bone	120	Retrograde peri-implantitis	123
Reattachment	120	Retromolar implant	123
Reamer	120	Retrospective study	123
Recipient site	120	Reverse torque test (RTT)	123
Recombinant human bone morphogenic protein (rhBMP)	120	Reverse torque value	123
Record	120	Revolutions per minute (RPM)	123
Record base	120	Ridge	123
Re-entry	120	Ridge atrophy	123
Regenerate	120	Ridge augmentation	123
Regenerate maturation	120	Ridge defect	123
Regeneration	120	Ridge expansion	123
Regional acceleratory phenomenon (RAP)	120	Ridge mapping	123
Registration	121	Ridge preservation	124
Rejection	121	Ridge resorption	124
Releasing incision	121	Ridge sounding	124
Remodeling (bone)	121	Ridge splitting	124
Remount index	121	Rigid fixation	124
Remount record	121	Risedronate	124
Removable prosthesis	121	Risk assessment	124
Removable torque value (RTV)	121	Risk factor	124
Repair	121	Risk indicator	124
Replica	122	Root-form implant	124
Residual ridge	122	Root submergence	125
Residual ridge resorption	122	Root submersion	125
Resin	122	Rotational freedom	125
Resonance frequency analysis (RFA)	122	Rotational misfit	125
Resorbable	122	Rough surface	125
		Round bur	125

R value	125	Second-stage permucosal abutment	128
		Second-stage surgery	128
		Segmentation	128
		Selective laser sintering (SLS)	129
		Self-tapping	129
		Sensor (CBCT)	129
		Sensor (Digital X-ray)	129
		Scintillators	129
		Sensory mapping	129
		Septum	129
		Sequential drilling	130
		Sequestration	130
		Set screw	130
		Sharpeys fiber	130
		Shear stress	130
		Short implant	130
		Silent sinus syndrome (SSS)	130
		Silicone	130
		Simulation	131
		Simultaneous placement	131
		Single-stage implant	131
		Single-tooth implant	131
		Sintered	131
		Sintered (porous) surface	131
		Sintering	131
		Sinus	132
		Sinus augmentation	132
		Sinus elevation	132
		Sinus elevator	132
		Sinus graft	132
		Sinusitis (maxillary)	132
		Sinus lift	132
		Sinus lining	132
		Sinus membrane (maxillary)	132
		Sinus perforation	132
		Sinus pneumatization (maxillary)	132
		Sinus septum	132
Sandblasting	126		
Sandblast, large grit, acid-etched implant surface	126		
Sandwich technique (SLA)	126		
Sandwich technique	126		
Saucerization	126		
Sausage technique	126		
Scaffold	126		
Scaler	126		
Scalloped implant	126		
Scanning abutment	126		
Scan body	127		
Scanographic template	127		
Scar	127		
Scatter	127		
Schneiderian membrane	127		
Screw	127		
Screw fracture	127		
Screw implant	127		
Screw joint	127		
Screw loosening	127		
Screw preload	128		
Screw-retained	128		
Screw tap	128		
Screw tightening	128		
Screw-type implant	128		
Sealing screw	128		
Seating surface	128		
Secondary closure	128		
Secondary implant failure	128		
Secondary maxillary mucocoele	128		
Secondary stability	128		
Secondary union	128		

Sinusitis	132	Standard Tessellation Language or Standard	
Site development (implant)	133	Triangulation Language (STL)	136
Site preservation	133	Staple implant	136
Sleeper implant	133	Static loading	136
SmartPeg	133	Stem cell	136
Smile line	133	Stent	136
Socket	133	Stepped implant	136
Socket graft	133	Stereolithographic guide	136
Socket preservation	133	Stereolithographic model	137
Socket shield technique	133	Stereolithography	137
Soft tissue augmentation	133	Sterile technique	137
Soft tissue cast	133	Stippling	137
Soft tissue defect	133	Stitching	137
Soft tissue graft	134	Stock abutment	137
Software-based planning	134	Straight abutment	137
Solid freeform fabrication (SFF)	134	Straight implant	137
Solid screw	134	Strain	137
SonicWeld Rx	134	Stress	137
Sounding	134	Stress concentration	138
Spark erosion	134	Stress shielding	138
Specialized mucosa	134	Stripped threads	138
Spiralcone-beamcomputedtomography	134	Stripping	138
Splinting	134	Stud-type attachment	138
Split-crest technique	134	Subantral augmentation	138
Split-ridge technique	135	Subcrestal implant placement	138
Split-thickness flap	135	Subepithelialconnectivetissuegraft(SCTG)	138
Spongy bone	135	Sublingual artery	138
Stability	135	Submerged healing	138
Stabilization	135	Submerged implant	139
Stabilization pin	135	Submerged root	139
Staged protocol	135	Submergible implant	139
Stage-one surgery	135	Subnasal elevation	139
Stage-two surgery	135	Subperiosteal implant	139
Staggered implant placement	135	Subtractive manufacturing (SM)	139
Standard abutment	135	Subtracted surface	139
Standard deviation (SD)	135	Subtraction radiography	139
Standard error (SE)	135	Subtractive surface treatment	139

210 | Glossary of Implant Dentistry

Success criteria	140	Teflon tape technique	143
Success rate	140	Telescopic coping	143
Sulcular epithelium	140	Template	143
Sulcular incision	140	Temporary abutment	143
Summers technique	140	Temporary anchorage device (TAD)	144
Superimposition	140	Temporary cylinder	144
Superstructure	140	Temporary healing cuff	144
Suppuration	140	Temporary prosthesis/restoration	144
Supracrestal implant placement	140	Tensile stress	144
Surface alteration	140	Tension-free flap closure	144
Surface characteristics (implant)	140	Tenting	144
Surface roughness	141	Tenting screw	144
Surface treatment	141	Tent pole	144
Surgical bed	141	Test group	144
Surgical guide	141	Textured surface	144
Surgical indexing	141	Texturing	144
Surgical navigation	141	Thick flat periodontium	145
Surgical template	141	Thin scalloped periodontium	145
Survival rate	141	Thread	145
Suture	142	Thread angle	145
S value	142	Thread crest	145
Symphysis	142	Thread depth	145
Syngeneic graft	142	Threaded implant	145
Synthetic bone	142	Threader	145
Synthetic graft	142	Thread flank	145
System (implant)	142	Threadformer	145
Systemic review	142	Thread lead	145
		Thread path	145
		Thread pitch	145
		Thread root	146
		Three-dimensional imaging	146
		Three-dimensional implant	146
		Three-dimensional modeling	146
		Three-dimensional printing	146
		Three-dimensional volumerendering	146
		Three-dimensional volumetric reconstruction	146
Tack	143		
Tap	143		
Tapered implant	143		
Tapping	143		
Teflon scaler	143		

T

Tibia	146	Transitional prosthesis/restoration	150
Tibial bone graft	147	Transmandibular implant	150
Tibial bone harvest	147	Transmucosal	150
Tissue bank	147	Transmucosal abutment	150
Tissue-borne	147	Transmucosal loading	150
Tissue conditioner	147	Transosseous implant	151
Tissue conditioning	147	Transosteal implant	151
Tissue engineering	147	Transport segment	151
Tissue-integrated prosthesis	147	Trauma reconstruction	151
Tissue punch	147	Treatment plan	151
Tissue punch technique	147	Trephine	151
Tissue recession	148	Trephine drill	151
Tissue-supported	148	Trial-fit gauge	151
Titanium (Ti)	148	Triamcinolone	151
Titanium alloy (Ti-6Al-4V)	148	Triangle of Bone	151
Titanium mesh	148	Tricalcium phosphate (TCP)	151
Titanium oxide	148	Tripodial subperiosteal implant	151
Titanium plasma sprayed (TPS)	148	Tripodization	152
Titanium reinforced	149	Try-in screw	152
Tomograph	149	T-test	152
Tomography	149	Tuberosity	152
Tomogram	149	Tunnel technique	152
Tooth-supported surgical guide	149	Turned surface	152
Torque	149	Turnover (bone)	152
Torque controller	149	Twist drill	152
Torque driver	149	Two-part implant	152
Torque gauge	149	Two-piece abutment	152
Torque indicator	149	Two-piece implant	152
Torque wrench	150	Two-stage implant	152
Torsion stress	150	Two-stage surgery	153
Torus	150		
Trabecular bone	150		
Transepithelial	150		
Transfer coping	150		
Transfer (implant) impression	150		
Transforming growth factor beta (TGF-β)	150	University of California at Los Angeles	
Transitional implant	150	abutment (UCLA abutment)	153

